



انتشارات

مؤسسه مطالعات و تحقیقات ادبی

۲۹

روش بررسی

و

شناخت کلی ایلات عشایر

نوشته

دکتر پرویز درجاوند



Publication de l'institut d'études
et de recherches Sociales
de l'université de Téhéran

No : 29

L'introduction
à
**L'étude générale des Tribus
nomades en Iran**

Par

Dr. P. VARDJAVAND

Téhéran

1965

دکتر پرویز وردجاوند

نوشته

روش بررسی و شناختن کلی ابلا ت هشایر

۲۰

انتشارات مؤسسه مطالعات
و تحقیقات اجتماعی

۷۰
به دولت ترکی و دولت
ترکی و دولت ترکی

انتشارات مطالعات و تحقیقات اجتماعی

۲۹

مجله
۱۳۰۵

روشنی بررسی

و

ساخت کلی ایلات و عشایر

نوشته

دکتر پرویز ورجاوند

پیوست :

چادر نشینی در کوهستانها و فلاتهای آسیای جنوب غربی

نوشته : فردریک بارت

ترجمه : دکتر پرویز ورجاوند

چاپ و صحافی یک هزار پانصد نسخه از این کتاب در شهریورماه ۱۳۴۴
در چاپخانه دانشگاه تهران با تمام رسید.

حق طبع مخصوص مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی است

بها: ۱۱۰ ریال

تقدیم ہے :

پاسداران دلاور دشتها
و گوهساران ایرانزمین
زنان و مردان ایلات ایران

مقدمه

در نتیجه جوش و خروش و هیجانی که بر اثر تحولات جدید در سرزمین باستانی ما بوجود آمده است بجز آن نمیتوان گفت ایران کنونی مانند بسیاری از کشورهای در حال رشد صحنه نبرد ارزشهای کهنه و نو گردیده است. در واقع مهمترین مسأله روز جستجو و انتخاب طرق علمی و عملی بمنظور اخذ مفیدترین نتایج ممکن از این مبارزه برای اجتماع است. در چنین محیطی لزوم مطالعات و تحقیقات اجتماعی با استفاده از روشهای صحیح علمی بیش از پیش محسوس است خصوصاً وقتی موضوع تنظیم برنامه های توسعه اقتصادی روستاها و ایلات مطرح باشد زیرا اوضاع واحوال روستاها و ایلات هنوز برای اکثر مردم شهرنشین چنانکه باید و شاید روشن نشده و در پرده ابهام است بدیهی است در حال حاضر صنعتی کردن مملکت، سکانیزه نمودن کشاورزی، یکجانشین ساختن عشایر، احداث راه ها و تأمین آب و برق ضروری و حتی حیاتی است ولی بشرطی که عامل اصلی این تحولات یعنی «انسان» بدست فراموشی سپرده نشود. امروز متخصصین فن اهمیت وفایده تراکتور و دیگر ماشین آلات کشاورزی را در زراعت بخوبی میدانند اما این کافی نیست. زارعین خود باید برتری تراکتور را برگزینند و عملاً به پیوند، آزمایش کنند به پسندند و بالاخره بپذیرند. یکجانشین ساختن عشایر تبدیل کوچ نشینی به ربه گردانی از نظر مسئولان برنامه اسکان عشایر شاید تنها راه نجات ایلات از فقر و گرسنگی است ولی آیا افراد ایلایاتی نیز خود چنین میاندایشند؟ ایجاد یکباره تحولات صنعتی و اجتماعی در روستاها و مخصوصاً در ایلات اگر مستکی بمطالعات صحیح اجتماعی و مردم شناسی نباشد مسلماً اثرات نیکوئی ببار نخواهد آورد. از دست دادن ناگهانی زندگی کهن، نظام ارزشها را متلاشی میکنند پایه های ایمان و اعتقاد را که اساس بقای تجمع مردم است سست میکنند و پیوندهای محکمی که اطفال را بوالدین و خویشان و همسایگان را بیکدیگر متصل کرده و بنیاد سازمان اقتصادی آنها

است از هم می‌گسلد و بی ثباتی و بی‌نظمی و تزلزل شخصیت را موجب می‌شود .
متأسفانه باید اعتراف کرد که روستاها و خصوصاً جامعه ایلیماتی ایران از لحاظ
مطالعات مردم‌شناسی هنوز تقریباً دنیای ناشناخته‌ایست تحقیقات معدودی از مردم
شناسان خارجی مانند :

دوهوسه^(۱)، هوسه^(۲)، خانیکف^(۳)، مینورسکی^(۴)، که در نیمه دوم قرن نوزدهم
و اوایل قرن بیستم بایران آمده‌اند نیز بسیار کلی بوده و بیشتر گرد مسائل نژادی
و زبان‌شناسی و تاریخی دور می‌زنند در حالیکه وحدت نژادی و زبانی و یا حتی
منطقه‌ای ایلات ایران محتملاً نمیتواند مبین وحدت فرهنگی آنها باشد . درست
است که دین اسلام آنطوریکه در شهرها نفوذ کرد به روستاها راه نیافت و برخلاف
اروپا که شهرها هر گرد کلیساها بوجود آمد در ایران مساجد در مرکز شهرها بنامند
ولی نفوذ اقوام مهاجم دیگر و اختلاط و آمیزش آنها با مردم روستا و ایلیات که
در واقع نیروهای نظامی و جنگنده آنزمان را تشکیل میدادند قابل انکار نیست .
اصولاً مساله وحدت نژادی حتی در میان عشایر یک ایل در خود تردید و بحث
است . اینکه عشایریکه بیک گویش حرف می‌زنند از یک ریشه و تبارند نیز در خور تدقیق و
تحقیق جداگانه‌ایست . بالنتیجه مشکل مینماید که بتوان مدعی شد همه عشایر فعلی
قدیمی‌ترین خصوصیات فرهنگی ایران باستان را دست نخورده حفظ کرده‌اند .

مطالعه تطبیقی مردم‌شناسی فرهنگ مادی و معنوی عشایر ایران و مقایسه آن
با تحقیقات مشابه درباره ایلات کشورهای دیگر خاورمیانه و آسیای مرکزی چه بسا
مشابهات زیادی را بین آنها نمایان سازد . بعضی از این خصوصیات مشترک در بین

۱- Duhousset (E)- Etude sur la population de la Perse et pays limitro-
hes. paris ۱۸۸۳

۲- Houssay (F)- Les races humaines de l'Iran, Lyon ۱۸۸۷

۳- Khanikov (N)- Mémoire sur l'ethnographie de la perse Paris ۱۸۶۳

۴- Minorsky (V)- The Tribes of Western IRAN London ۱۹۴۵

ایلات ایران که حتی از لحاظ زبان و مکان از یکدیگر بدورند بخوبی مشهود است. مسکن عشایر شاهسون (آلاچیق) که شبیه مسکن ترکمنهای دشت گرگان و یورت^(۱) مغولهای مغولستان میباشد مثال بارزی است از مشابهات این سه قوم که برای تقسیمات ایلی خود هم اصطلاحات همانندی بکار میبرند.

باید متذکر شد که علاوه بر نفوذ اقوام خارجی در مملکت، سلاطین ایران نیز با تبعید و جا به جا کردن عشایر سهم عمده‌ای در این اختلاط و امتزاج داشته‌اند. مینورسکی در دائرة المعارف اسلامی مینویسد «در عهد صفویه عده زیادی عشایر ترک به کهگیلویه و عشایر گرجی به سرزمین بختیاریها تبعید شدند» در حالیکه امروز در بادی امر چنین اختلاطی بچشم نمیخورد.

هنری فیلد^(۲) فهرست نسبتاً جامعی از ایلات ایران و طوایف و تیره‌ها با ذکر محل فعلی آنها بدست میدهد. در کتاب وی خلاصه عقاید و تحقیقات مغرب زمینیان درباره ایلات و عشایر ایران نیز آورده شده است.

در سالهای اخیر چند مردم شناس خارجی با استفاده از روشهای جدید علمی تحقیقات با ارزشی درباره ایلات ایران کرده‌اند که شایان توجه است. از آن جمله اند فیلبرگ درباره «پاپی»^(۳) های لرستان نیکیتین در مورد کردها^(۴) و بارت روی ایل باصری فارس^(۵).

البته این چند کتاب جوابگوی احتیاج عظیمی که در ایران نسبت بمطالعه ایلات احساس میشود نیست. خود دانش پژوهان ایرانی باید همت کنند و با مطالعات کافی قبلی درباره بررسیهای مردم شناسی کشورهای دیگر و حوزه‌ها و نظریه‌های علمی آنها

۱- Yourte

۲- Field (H) - Contribution to the Anthropology of Iran ۱۹۳۹ شیکاگو

۳- Feilberg - Les Papis ۱۹۵۲ کپنهاک

۴- Nikitine (B) - Les Kurdes ۱۹۵۶ پاریس

۵- Barth (F) - Nomade south Persia ۱۹۶۱ اسلو

«ایل باصری» توسط آقای دکتر کاظم ودیعی بفارسی ترجمه شده و بوسیله مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی منتشر گشته است.

دست به تحقیق بزنند . در هر حال باید توجه داشت که ثبت و ضبط وقایع بدون درک روابط آنها بایکدیگر کافی نیست زیرا مطالعه علمی صرفاً تهیه منوگرافی و توصیف محیط و ترکیب جمعیت و وضع اقتصادی و اجتماعی یا تشریح عادات و آداب و قانون و مذهب و سحر و جادوگری و از این قبیل نیست . باید رابطه و تأثیر هر یک از این امور بایکدیگر و بالاخره با مجموع ساختمان اجتماعی ایل روشن گردد مثلاً ذکر این مطلب که در فلان ایل سه طبقه اجتماعی وجود دارد مسأله ایلی را روشن نمیکند . گرچه اختلاف طبقاتی خود مبین اختلاف اقتصادی نیز هست ولی باید دید شیوه زندگی هر طبقه چگونه است . افراد هر طبقه از چه امتیازات و حقوقی برخوردارند . روابط داخلی افراد هر طبقه به چه نحوی است رفتار افراد طبقات مختلف با یکدیگر بر چه منوال است تحرك اجتماعی در بین طبقات تاچه حد صورت میگیرد ازدواج بین طبقات چه صورتی دارد و از این قبیل و همینطور در مورد سایر شئون تشکیلات اجتماعی . چه بسا مردم شناسان که از مطالعه ژرفانگرو تجزیه و تحلیل یک رسم اجتماعی بدرک ساختمان اجتماعی و اقتصادی یک قوم ناائل آمده اند . چون در جوامع ابتدائی و ایلیاتی نظیر جوامع پیشرفته سازمانها از یکدیگر کاملاً منفک و مجزا نیستند . از جمله این مردم شناسان باید از راد کلیف براون^(۱) و مالینوسکی^(۲) یاد کنیم .

راد کلیف براون برای پیدا کردن قواعد کلی و درک ساختمان اجتماعی قبایل استرالیائی و آفریقائی به تحقیق درباره نظام خویشاوندی و رسوم مربوط به ازدواج آنها میپردازد .

مالینوسکی استاد مردم شناسی دانشگاه لندن که سالیان دراز در جزایر تروبرباند بمطالعه بومیان آندیار پرداخته کتاب مهم خود را بنام «آرگونوتهای غرب اقیانوس آرام» به تحقیق درباره یک رسم اجتماعی این قوم بنام کولا^(۳) اختصاص داده است .

لندن ۱۹۵۰ Radcliffe - Brown - African systems of Kinship and Marriage ۱-

۲- Malinowsky (B) - The Argonauts of the western Pacific

۳- Kula

این رسم که بظاهر اقتصادی است امکان مبادله گردن بندها و دست بند هائی را که بومیان به ترتیب از صدف قرمز و صدف سفید درست میکنند فراهم میآورد. برای این مبادلات افراد هر جزیره با تشریفات بسیار و بوسیله قایقهای نوساز بجزیره دیگر میروند. تملک و بالاخره مبادله این اشیاء موجب افزایش قدر و منزلت افراد میشود. برای مسافرت بین جزایر بومیان قایق میسازند برای ساختن قایق و تزئین آن و تدارک وسایل سفر تشکیلات خاصی تحت نظر روسای دهکدهها بوجود میآید. رؤساء کسانی هستند که صاحب قدرت و اعتبار بیشتری میباشند قدرت و اعتبار بستگی بمقدار ثروت دارد ثروت زیاد نتیجه داشتن زنان متعدد است و

مالینوسکی که پایه گذار فونکسیونالیسم^(۱) Functionalisme است تمام این سلسله فعالیتها را نظام اجتماعی مینامد زیرا هر دسته از این فعالیتها بستگی بدسته فعالیتهای دیگر دارد و هر یک وظیفه و عمل^(۲) و تأثیری را در مجموعه سلسله فعالیتها که مستقیم یا غیر مستقیم بستگی بمبادله گردن بندها و دست بندها دارد عهده دار است. مالینوسکی در این مطالعه نشان میدهد که چگونه این رسم که جوابگوی احتیاجات روحی و احساس زیباجویی بومیان است نقش اساسی و مهمی را در ساختمان اجتماعی اقوام جزایر تروبریانند و ایجاد روابط تجاری بین آنها بازی میکند.

البته بحث مفصل درباره مطالعات مردم شناسی و نظریه های این علم از حدود این مقدمه مختصر خارج است. ذکر مطالب فوق فقط باین منظور بود که محققین جوان متوجه اهمیت مطالعات اجتماعی و مردم شناسی باشند.

مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی از بدو تأسیس نسبت به بررسی ایلات و عشایر قائل به اهمیت بسیار بوده و متناسب با امکاناتی که در اختیار داشته مناطق ایل نشین را مورد مطالعه قرار داده است و هم از آغاز دستورالعمل هائی چه بوسیله استادان خارجی که تصدی این قسمت را بعهده داشتند و چه بوسیله همکاران ایرانی تنظیم گردیده است. باتوسعه دامنه کار مؤسسه و خصوصاً استقبال دانشجویان از تحقیقات

درباره ایلات لازم بود کتابی بدین منظور تدوین گردد که هم راهنمای دانشجویان در بررسی‌های عشایری بوده و هم ماموران و متصدیان دستگاههای مربوط کشور را در انجام وظائفشان بکار آید.

کتاب حاضر که بهمت آقای دکتر ورجاوند تألیف و تدوین شده یک دستورالعمل و راهنمایی برای شناسائی ایلات و عشایر است. هدیه‌ای است که در یک کتاب از همه مسائل و مباحث بطور جامع نمیتوان بحث کرد ولی مسلماً کوششهای آقای دکتر ورجاوند شایسته قدردانی است که توانسته‌اند برای اولین بار کتاب نسبتاً مفصلی درباره روشهای شناخت کلی ایلات و عشایر بنگارش درآورند.

اینکه مولف محترم در بعضی از فصول درباره طریقه رفتار با جوامع ایلیاتی نظریاتی اظهار داشته و بذکر توصیه‌هایی پرداخته است خارج از بحث مربوط به روش نیست چه بررسی درباره اجزاء هر جامعه‌ای متضمن معرفت نسبی درباره کل آن جامعه است. قرن‌ها ساکنان شهرها و مأموران دولتی ایلات و عشایر را مردمانی چست و چالاک و دلیر و خصوصاً جنگجو میشناختند و جز در مواردیکه زد و خوردها و منازعات پیش می‌آمد تماس کمتری با آنها داشتند در حالیکه این روحیه جنگجویی جزئی از نظام اجتماعی و نوع معیشت و طرز زندگی آنها بود که امروز بتدریج در نتیجه تحولات اقتصادی و اجتماعی کشور صورت دیگری بخود میگیرد یعنی درآمدیکه از زندگی کوچ نشینی بدست می‌آید کفاف تأمین احتیاجات ایلی را نکرده و کشاورزی و کارروی زمین وسیله‌ای برای تأمین معیشت آنها درآمده است.

البته تسریع در تغییر نظام اجتماعی افراد ایلیاتی و تبدیل آنها به کشاورزان اسکان شده وقتی بطور مؤثر و برگشت ناپذیر عملی است که ماموران و مسئولان امور مربوط بزندگی ایلات بجنبه‌های گوناگون آن وقوف حاصل کنند. از اینرو کتاب حاضر راهنما و کمک مؤثری است که بلاشک مورد استفاده بسیار قرار خواهد گرفت.

موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی که یکی از وظایفش تجزیه و تحلیل دقیق

مسائل مهم مملکت میباشد خوشوقت است که با انتشار کتاب حاضر گامی مؤثر در راه بهتر شناختن مسأله عشایر برداشته است و بعد از انتشار ترجمه ایل باصری این دومین کتابی است که در این زمینه منتشر میگردد و امیدوار است قریباً موفق به تنظیم و انتشار بررسی جاسعی از وضع ایلات بختیاری و شاهسون گردد.

دکتر احسان نراقی

پیشگفتار

تغییراتی که در نیم قرن اخیر در سرزمین ما بوجود آمده و دگرگونی‌هایی که در ظاهر زندگی و حیات اجتماعی ما پدیدار گردیده سبب شده است که توجه مردم فقط به نقاطی جلب شود که بنحوی با جوامع دنیای غرب لااقل از نظر ظاهر امر شباهتی دارند. این نقاط بدون شک جز تهران و چند شهر عمده جای دیگری نیستند و بر این اساس گروه عظیمی از ماسکنان این سرزمین که شاید $\frac{3}{4}$ کل جمعیت را تشکیل می‌دهند طی سالهای متعددی بدست فراموشی سپرده شده‌اند.

این جمع عظیم کسانی جز روستائیان و مردمان ایلیاتی ایران نیستند و در این گروه دسته‌ای که بیشتر بدست فراموشی سپرده شده‌اند بخصوص ایلاتند که هم‌اکنون وضع مشکل و نابسامانی دارند.

ضرورت بررسی و مطالعه در باره جوامع ایلیاتی ایران از مدت‌ها قبل بخوبی محسوس می‌بود. ناچیز بودن آثار نوشته در زمینه اینگونه تحقیقات و عدم رعایت روشهای علمی لازم در بیشتر مطالعات مزبور لزوم تنظیم کتابی را در باره روشهای تحقیق بررسی ایلات و عشایر ایجاب می‌نمود. زیرا در شرایط کنونی جهان با پیشرفتی که هر یک از دانشهای بشری در زمینه یافتن راههای منطقی تر و دنبال نمودن اصول حساب شده برای انجام امر تحقیق بخاطر به نتیجه رسیدن بهتر، کسب کرده‌اند؛ نمیتوان همچنان برای بررسی‌ها و مطالعات علمی به روشهای اختیاری فردی ویا کهنه پای بند بود.

اگر این امر را بپذیریم که در شرایط موجود زندگی اجتماعی ملت ما کارهای تحقیقاتی بخاطر طرح برنامه‌های صحیح تا چه حد ارزش دارند و بدون شناخت کامل هرامری اقدام در برنامه‌ریزی و سرمایه گذاری در آن کاری بیهوده و ناصحیح است،

معتقد خواهیم گشت که انتخاب شیوه‌ها و روش‌های علمی تحقیق در هر زمینه‌ای ضرورت کامل را دارد. و این شیوه‌ها و روش‌ها در مورد مطالعه یک موضوع باید هماهنگی و وحدتی داشته باشند.

زیرا چنانچه درباره یک پدیده خاص اجتماعی تحقیقاتی هم‌آهنگ و با پیروی از یک روش معین صورت پذیرد، شک نیست که حاصل آن برای نتیجه‌گیری و اظهار نظر و نشان دادن راه صحیح نهایت موفقیت آمیزتر از یک رشته تحقیقات باروشهای مختلف خواهد بود.

براین اساس بود که نگارنده بر آن گردید کتابی درباره روش مطالعه ایلات و عشایر تنظیم نماید. باشد که محققین در این رشته را یادنامه‌ای باشد و دانشجویان را راهنمایی.

برای تنظیم کتاب حاضر سعی گردید به نظریات دانشمندانی چون «لورو گوران»^(۱) استاد دانشگاه پاریس که اینجانب خود افتخار شاگردی او را داشته‌ام و «مارسل - گریول»^(۲) نویسنده کتاب: «روش اتنوگرافی»^(۳) که درباره روشهای تحقیق در «اتنوگرافی» و «اتنولوژی» نوشته شده و همچنین به آثاری در زمینه نومادیزم نظیر: «نومادونومادیزم در سرزمینهای خشک»^(۴) از انتشارات یونسکو با ملاحظه اهمیتی که سازمان ملل و یونسکو برای این امر قائل هستند، توجه لازم بشود. سپس با رعایت این امر که جامعه ایلیاتی ایران خصوصیات مربوط بخود دارد که در مرحله تحقیق باید بآن توجه داشت و روشهایی را برگزید که بتوانند جوابگوی روشنی به هدفهای مورد نظر برای ایجاد تحول و دگرگونی صحیح در این جوامع باشند، آنچه را که بنظر میرسید بیان داشتیم.

قسمت بیشتر کتاب مربوط است به بحث درباره روش تحقیق در اتنولوژی بطور

۱- Leroi-Gourhan

۲- Marcel Griaule

۳- Méthode de l'Ethnographie

۴- Nomades et nomadismes en zone aride-Revue internationale des sciences sociales Volume XI No:4-1959

کلی و سپس طریقه انجام یک بررسی و تهیه منوگرافی از یک ایل . در قسمت اخیر سعی گردید بطور خلاصه ضمن طرح هر مبحث اطلاعاتی کلی درباره آن امر در ایران در اختیار گذارده شود تا خواننده محترم را در انطباق روش مورد بحث با دنیای خارج بکار آید .

مطالبی که در بخش اول مطرح گردیده است بر این اساس بوده که اهمیت لزوم بررسیهای علمی را درباره این جوامع نشان داده باشیم . زیرا تا این حقیقت آشکار نگردد که وابستگی فراوانی از جهات مختلف بین جامعه ایلپاتی ایران و سایر واحدها وجود دارد و این گروه نقش مؤثری را در زندگی اجتماعی و اقتصادی میهن ما به عهده دارد اسکان جلب توجه گروه فراوانی از مردم شهر نشین بسوی آنها و بالاخره انجام تحقیقات لازم در این زمینه میسر نخواهد بود .

در بخش دوم کتاب بحث کلی درباره نوسادیزم و گونه های آن در کشورهای مختلف و ایران صورت گرفته است . دلیل این امر آشنا ساختن قبلی خواننده با شکل و وضع جامعه ایست که میخواهیم راه تحقیق و بررسی آنرا بیان بداریم . این حضور ذهن قبلی و آشنائی یافتن به اشکال گوناگون این جوامع سبب میگردد که در مطالعه قسمت روش تحقیق، مشکل امر انطباق مطالب بادیای خارج پیش نیاید .

در بخش سوم کتاب بحثی درباره یکجانشین ساختن ایلات انجام شده است . در این قسمت سعی گردیده است کلیه مطالبی که در این زمینه لازمست مورد توجه واقع شوند تا بتوان از بروز مشکلات بسیار و پیش آمدهای ناگوار بعدی جلوگیری بعمل آورد، مورد گفتگو قرار گیرند .

انجام این بحث از نظر نشان دادن اهمیتی که بررسی های مزبور در بردارند ضروری بنظر میرسید . زیرا پس از بعمل آوردن هر تحقیقی باید بتوان نتیجه گیری منطقی نمود و راه چاره نشان داد . امروز یکی از مسائلی که درباره جامعه ایلپاتی ایران مطرح است موضوع یکجانشین ساختن و یا اسکان آنها است . این امر باید بنحوی انجام پذیرد که ضمن ایجاد بهبود کامل در زندگی این مردم، از نظر اوضاع اجتماعی

و اقتصادی نیز برای کشور مشکلاتی را پیش نیاورد. بنابراین لازم بود که توجه خوانندگان محترم را قبل از بحث درباره روش باین نکته مهم و مسائل وابسته بآن جلب میساختیم.

وبالاخره آنچه که بعنوان پیوسته به کتاب ضمیمه ساختیم عبارتست از تحقیقی که یکی از دانشمندان پرارزش حاضر یعنی فردریک^(۱) بارت که با روشهای علمی بررسی اتنولوژی آشنائی کامل داشته و تحقیقات ارزشمندی انجام داده است برشته تحریر درآورده است.

اهمیت این قسمت بیشتر از این جهت است که در کنفرانس مخصوصی که در یونسکو راجع به امر نوسادیزم در سال ۱۹۶۰ تشکیل یافت بعنوان موضوع مورد بحث باطلاع کنفرانس رسید و مورد توجه قرار گرفت.

این اثر با وجود آنکه بنا باظهار خود نویسنده مبتنی بر مدارك کافی نیست با اینحال میتواند بعنوان یک تحقیق علمی نمونه مورد توجه قرار گیرد و خوانندگان محترم با چگونگی استنتاجهای علمی و راهنماییهای عملی در تحقیقات اتنولوژی آشنائی بیشتر پیدا نمایند.

در اینجا لازم میدانم باین نکته اشاره نمایم که بکار بردن بعضی واژههای خارجی مانند «نوسادیزم» و یا «اتنولوژی» و «اتنوگرافی» در متن کتاب باین دلیل است که هنوز معادلهای آنها به فارسی پنحوی که بتواند جوابگوی کامل مفهوم آنها باشد وجود ندارد. بطور کلی باید گفت چون هنوز مطالعه درباره این جوامع چنانکه باید در ایران رشد نیافته طبیعی است که برای بیان مطالب علمی واژههای لازم در این باره در دست نیست و ضروری بنظر میرسد که هم آهنگ با پیشرفت این رشته از تحقیقات واژهها و لغتهای مورد لزوم که بمنزله ابزار کار برای بیان نتایج تحقیقات هستند بوجود آید و برگزیده شوند.

در پایان از استادان ارجمند و محققان و دانش پژوهان انتظار دارد که لغزشها و اشتباهات نویسنده را در نهایت بزرگواری تذکر فرمایند تا در آینده به رفع آنها پرداخته و در حد امکان کتاب کامل تر و قابل استفاده تری در اختیار دوستداران دانش قرار دهد .

پرویز ورجاوند

تهران

تیرماه ۱۳۴۴

بخش اول

گفتاری چند درباره اهمیت بررسی و مطالعه ایلات و عشایر

نگاهی به آمار سرشماری سال ۱۳۳۵^(۱) جمعیت کل کشور نشان میدهد که ۵/۷۱۱/۸۵۶ نفر (۳۰/۱ درصد) از ساکنان ایران در نقاطی که دارای بیش از پنج هزار نفر جمعیت میباشند زندگی میکنند و بنا بر تعاریف اداره آمار شهرنشین بوده اند. و بقیه افراد یعنی ۱۳/۲۴۲/۸۴۸ نفر (۶۹/۶ درصد) در نقاطی که کمتر از پنج هزار نفر جمعیت دارند بصورت روستائیشان در روستاها، و ایلات و عشایر در نقاط مختلف کشور پراکنده میباشند^(۲).

در آمارگیری مزبور بهیچوجه به تعداد چادرنشینان اشاره ای نشده و بطور جداگانه سرشماری نشده اند و چه بسا یکی از اختلافاتی که پس از انتشار آمار سال ۱۳۳۵ بین سازمانهای اداری در مورد تعداد جمعیت ایران بروز نمود و آمار سرشماری را ناقص دانستند، مربوط به وضع عشایر باشد که بحساب نیامده اند و مشکلات امر، امکان سرشماری آنها را میسر نساخته است.

طبق آمار سرشماری از رقم ۵/۷۱۱/۸۵۶ نفر شهرنشین، حدود ۳/۱۰۰/۰۰۰ نفر آن در ده شهر بزرگ ایران (تهران - تبریز - اصفهان - مشهد - آبادان - شیراز - اهواز - کرمانشاه - رشت و همدان) زندگی میکنند و بقیه در ۱۰۳ شهر دیگر جای

۱- در مورد آمار سرشماری سال ۱۳۳۵ اداره آمار عمومی اظهار نظر میشود که دارای اعتبار لازم نیست و با واقعیت امر اختلاف فراوان دارد.

۲- برای اطلاع بیشتر به جزوهای آمار عمومی سرشماری سال ۱۳۳۵ مراجعه شود.

دارند. با توجه باین امر که جز پنج شهر بزرگ ایران بقیه شهرها بطور غیر مستقیم با فعالیت های کشاورزی سروکار دارند، این واقعیت جلوه گیر میشود که گذشته از ۷۰ درصد جمعیت ایران که بطور مستقیم به امر کشاورزی و دامپروری اشتغال دارند، نیروی قابل ملاحظه ای نیز از شهرنشینان در زمینه فعالیت های کشاورزی و دامپروری نقش مؤثر دارند. و باین ترتیب مشاهده میشود که برای طرح و برنامه ریزیهای عمرانی بخاطر بالا بردن سطح زندگی اکثریت مردم و بهبود بخشیدن باوضاع و احوال اقتصادی و پایه گذاری یک اقتصاد سالم ملی و ایجاد هرگونه تحول اجتماعی ایجاب مینماید که به این نیروی انسانی عظیم توجه کامل مبذول گردد و چنانکه باید آنها را بحساب آورد.

نگاهی به اقدامات چهل ساله اخیر در ایران نشان میدهد که تنها جامعه ایران را جامعه شهرنشین و ساکنان شهرها بشمار آورده اند و اگر سرمایه گذاریهای درجهت امور عمرانی صورت گرفته است اکثریت عظیم آن درجهت تأمین منافع شهرنشینان و بهبود اوضاع شهرها بوده است. تاجائیکه روستائینان ایران و بیش از آنها مردمان اپل نشین مملکت بدست فراموشی سپرده شده اند و شرایط نابسامان زندگی سخت و جانفرسای آنها و هجومشان به شهرهای اطراف در جستجوی کار و نان، گواه روشنی است بر این بی توجهی و اجحاف شهرنشینان بر روستائیان و چادر نشینان ایران. اهمیتی فراوانی که جوامع روستائین و چادر نشین ایران در تولید محصولات کشاورزی و دامپروری دارند، ایجاب میکند که شهرنشینان و مسئولان امور بخاطر امکان بخشیدن بادامه این تولیدها و بهبود بخشیدن به نوع و جنس آنها و فزون ساختنشان توجه بیشتری باین جوامع مبذول بدارند.

هم چنین برای گسترش و ایجاد تحول در زمینه امور صنعتی و خصوصاً صنایعی که مواد اولیه آن وابسته به فعالیت و تولیدات جوامع مذکور است، ایجاب مینماید که طرحهای صحیح و جامعی برای بالا بردن سطح تولید و دخیل ساختن هر چه

بیشتر روستانشینان و چادر نشینان در مجموعه کوشش های اقتصادی و اجتماعی کشور تنظیم بگردد و پایه گذاری شود .

از سوی دیگر با توجه به سرمایه گذاری در زمینه صنایع سنگین و وسیع و احتیاجات روز افزون کشور به واردات ماشین آلات و لوازم فنی و اشیاء مختلف دیگر ، امر سرمایه گذاری و ایجاد تحول در تولید محصولات کشاورزی و داسی کشور برای صدور بخارج و تأمین ارز لازم جهت خریدهای ضروری از اقدامات اساسی بنظر میرسد .

و بالاخره ایجاد دگرگونی در وضع زندگی و معیشت این اکثریت عظیم و تأمین فرهنگ و بهداشت و تسریع پیشرفت های اجتماعی و اقتصادی آنها برای پیش بردن کشور بسوی یک ترقی و توسعه صحیح اقتصادی در جهت منافع عمومی ملت ایران از اقدامات ضروری بشمار میرود .

در این زمینه باید چنان کوشش نمود تا فرزندان روستانشین وایل نشین این سرزمین خود را جدا از شهر نشینان نپندارند و شهر نشینان را تافته جدا بافته تصور نکنند .

مادر این جاقصد آن نداریم که درباره هر دو جامعه یعنی روستانشینان و چادر نشینان بحث خود را ادامه دهیم بلکه هدف اصلی ما گفتگو درباره چادر نشینان و ایلات ایران است که بین ۱۰ تا ۱۵ درصد جمعیت و به قول دیگر ۲۵ (۱) درصد جمعیت کشور را تشکیل داده و بجهاتی چند دارای وجه تمایزی با روستانشینان می باشند و خصوصیات این دو جامعه را از هم جدا میسازد . گوا اینکه این هر دو جامعه در جریان زندگی خویش اغلب دارای روابطی نزدیک بوده و بمیزان زیادی درهم آمیخته اند ، و از اینرو مطالعه این ارتباط و وابستگی کمال اهمیت را دارد و ما در صفحه های بعد بآنها اشاره خواهیم نمود .

ارزش محصولات دامی : با اینکه از دیر باز ایران را کشوری کشاورزی دانسته اند و اغلب اصرار دارند تا عنوان سرور را بر پیشانی آن نقش بنمایند ، می بینیم

که سرزمین وسیع ما هنوز قادر به تأمین مایحتاج غذایی مورد مصرف ساکنان آن نیست و میزان زمینهای زیرکشت مقدار ناچیزی را نشان میدهد .

بنابراین بربرسیهای انجام شده میتوان گفت که در حدود یک سوم از مساحت کل کشور یعنی ۵۵ میلیون هکتار آن برای تولید محصولات کشاورزی آمادگی دارد . ولی در حال حاضر فقط ۱۸ (۱) میلیون هکتار آن مورد بهره‌برداری قرار میگیرد که با توجه به زمینهای زراعتی که هر سال در حال آیش قرار میگیرند باید گفت که سطح زیرکشت حقیقی سالیانه ایران بیش از ۶ میلیون هکتار نیست و این مقدار ۴ درصد مساحت کل کشور است .

با توجه به آمار فوق و واردات گندم (۲) از سالهای ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۱ که میزان ۵۰۶/۸۶۳/۵۴۸ تن را بارزش ۲/۴۲۸/۶۳۹/۰۰۰ ریال نشان میدهد .

بخوبی هویدا می‌گردد که تاچه حد به امر زراعت و کشاورزی بی‌اعتنائی شده و در نتیجه جامعه روستائی ایران از نظر بدور مانده است . نداشتن امکانات مالی و عدم گستردگی فعالیت سازمانهای وام دهنده دولتی و تکیه بر روشهای بسیار کهن در امر کشت و برداشت و وسایل ابتدائی ابزار کار و عدم آگاهی آنها از شیوه‌های نوین دست بدست هم داده میزان محصول را در حد ناچیزی نگهداشته . و این امری است که بطور مستقیم در وضع زندگی روستائیان اثر گذارده و بطور غیر مستقیم نیز مشکلی را برای اقتصاد مملکت و بحرانهای اجتماعی آن پیش آورده است . خصوصاً آنکه جمعیت کشور همه ساله رو باز دیاد می‌باشد و احتیاج به مواد غذایی فزونتر می‌گردد و باین ترتیب چنانچه تغییرات نابهنگام آب و هوا و زمستان شدیدی چون سال ۴۲ و کم آبی بدتری چون بهار ۴۳ را نیز مورد توجه قرار دهیم و اثرات سوء آنها در وضع کشاورزی مشاهده نمائیم ، باید قبول کنیم که اگر اقدامات اساسی صورت نگیرد ، خطر کمبود مواد غذایی بشدت کشور را تهدید خواهد کرد . و ناگزیر از آن خواهیم

۱- نظری به جمعیت ایران : ازد کتر جمشید بهنام

۲- مستخرج از آمار وزارت اقتصاد

خواهیم بود که همه ساله مبالغی ارز جهت خرید گندم و تأمین غذای مردم از کشور خارج سازیم.

امیر دامداری که در سطح وسیع بیشتر استکی بر تولیدهای چادر نشینان و ایلات ایران است، هم طراز امر کشاورزی در تأمین مایحتاج مصرف غذائی و صنایع دستی و کارخانه‌ای مملکت نقش مؤثر و مهمی را بر عهده دارد. چنانکه عدم توجه لازم به چگونگی وضع دامداران و ایلات ایران و اتخاذ تصمیم‌های ناصحیح در مورد آنها سبب می‌گردد، در امر تولید محصولات دامی نقصان فاحشی بروز نماید.

این امر گذشته از ناراحتی شدید برای دامپروران چادر نشین از نظر اقتصادی نیز اثر نامطلوبی برای مملکت در بر خواهد داشت.

اتخاذ روشهای منطقی در مورد ایلات برای ایجاد تسهیلاتی در زمینه تأمین علوفه و استفاده از مراتع طبیعی و مصنوعی استکی بر اصول علمی و مطالعه شده بی‌شک در طی مدت کوتاهی محصولات دامی را فزونی میبخشد. در حالیکه در وضع فعلی بعلل گوناگون که قابل رفع میباشد و مادر صفحات آینده بآنها اشاره خواهیم نمود، دامهای ایلات اغلب در معرض نابودی قرار میگیرند و خسارتهای فراوانی به بار میآورد. چنانکه در سال گذشته (زمستان ۴۲) تعداد بسیاری از دامهای ایران تلف گردید و امسال ناگزیر از آن گردیدند که مقداری دام از ترکیه خریداری نمایند و در نقاط سرحدی نیز مقداری از افغانستان وارد ساختند. در حالیکه سرمای هوا در زمستان سال گذشته در ترکیه کمتر از ایران نبود ولی در آنجا نه تنها کمبود گوشت برای مصرف داخلی مشهود نگردید، بلکه با انجام معامله فوق و صدور گوسفند بایران مقدار قابل ملاحظه‌ای ارز نیز عایدشان گردید. بنابراین توجه به مسائل فوق روشن می‌سازد که از نظر دور داشتن این نیروی عظیم روستائین و چادر نشین که محصولات عمده کشاورزی و دامی و برخی مواد اولیه صنعتی را تأمین می‌سازند تا چه حد از جهات اقتصادی و اجتماعی برای کشور گران تمام میشود و جا دارد که بنحو اصولی درباره وضع آنها مطالعه کافی صورت پذیرد و بنحو مناسبی برای شرکت دادن آنها در برنامه

تحول اقتصادی و اجتماعی کشور برنامه ریزی اصولی نمود .

در اینجا بدینست که با ذکر ارقامی چند در زمینه صادرات محصولات دامی نقش مهمی را که این قسمت از تولید کشور بعهده دارد یادآور شویم و نشان بدهیم که تاچه میزان از این طریق برای کشور ارز تأمین میگردد .

صادرات محصولات دامی بدو دسته خام و ساخته شده تقسیم میگردد . در قسمت ساخته شده عمده محصول را قالی یعنی صنعت عظیم دستی ایران تشکیل میدهد که ماده اولیه آن بستگی کامل به محصول پشم دامهای کشور دارد . ارقام جدول شماره (۱) میزان محصول و ارزش پولی صادرات دامی را در سالهای ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۱ نشان میدهد (۱) .

چنانچه جمع ارزش ریال صادرات محصولات جدول شماره (۱) را در هر سال با میزان ارزش کل صادرات سالهای مزبور مقایسه نمائیم، ملاحظه خواهیم کرد که محصولات مزبور تاچه حد نقش مؤثری در تأمین ارز کشور ایفاء مینمایند .

طبق آمار وزارت اقتصادی ارزش ربالی کل صادرات سالهای ۳۹ و ۴۰ و ۴۱ بدون احتساب مواد نفتی ، در مقایسه با صادرات دامی وضعیت زیر را نشان میدهد:

جدول شماره (۲)

سال	ارزش کل صادرات بدون نفت	ارزش صادرات محصولات دامی و فرش درصد
۳۹	۸'۳۵۹'۸۷۵'۰۰۰	۲'۹۶۷'۳۳۷'۹۲۳
۴۰	۹'۵۹۳'۴۵۰'۰۰۰	۳'۰۲۶'۲۹۵'۴۰۱
۴۱	۸'۶۰۲'۸۸۱'۰۰۰	۲'۴۹۹'۷۳۹'۲۵۱

همچنین نگاهی به آمار فرش بافان کشور که طبق آمار اداره آمار عمومی در سرشماری سال ۱۳۳۵ تعداد ۱۸۶ هزار نفر ذکر شده است نشان میدهد که نیروی

جدول شماره ۱

شرح کالا	۱۳۳۹		۱۳۴۰		۱۳۴۱	
	وزن-کیلو	ارزش - ریال	وزن-کیلو	ارزش - ریال	وزن-کیلو	ارزش - ریال
صادرات دام	۸۲۸۴۲۰	۱۳۸۴۰۰۲۵	۵۳۱۷۰	۲۷۴۱۷۳۱	۵۵۸۳۰۸۵	۱۰۸۷۸۹۰۶۸
» روده	۶۵۰۹۳۶	۱۰۶۶۲۵۸۴۷	۶۰۵۰۰۰	۱۱۳۸۶۱۵۴۱	۵۶۰۴۱۷	۱۱۷۲۲۱۶۳۹
» پشم	۶۲۴۹۸۳۳	۳۷۷۷۹۹۱۰۴	۴۷۲۲۷۹۷	۲۸۵۵۶۳۹۶۶	۳۸۸۷۲۸۰	۱۹۶۵۵۰۷۲۱
» پوست	۱۰۹۳۶۳۱۷	۴۷۷۲۹۴۵۷۴	۱۰۴۰۳۵۸۰	۴۳۰۴۱۰۸۴۲	۱۰۲۸۹۸۶۵	۴۱۵۲۴۲۱۳۱
» شاخ و سیم	۱۰۰۰	۴۱۳۲۰	۵۳۹۲۰۶	۱۵۴۵۳۲۱	۹۸۴	۴۰۰۰۰
» فرش	۶۹۴۹۸۳۷	۱۹۹۱۷۳۷۰۵۳	۷۳۱۲۰۰۰	۲۱۹۲۱۷۲۰۰۰	۷۵۵۶۳۸۷	۱۶۶۱۸۹۵۶۹۲

انسانی تولید کننده وسیعی نیز در داخل کشور زندگیشان بستگی کامل به محصول پشم، دامهای دامپروران ایلات و عشایر دارد.

از طرف دیگر با بررسی جدول شماره ۳ که میزان تولید محصولات داسی را در سالهای ۳۹ و ۴۱ و سپس میزان تولید و تقاضا را در سال ۱۳۴۶ پیش بینی نموده است؛ نشان میدهد که در سال مزبور تقاضا بر عرضه فزونی خواهد داشت. چنین وضعی بی شک مشکلات مهم اقتصادی را پیش خواهد آورد که از آنجمله است تقلیل درآمد ارزی کشور و همچنین خروج مقدار زیادی ارز جهت تأمین مصارف داخلی.

جدول شماره ۳ میزان تولید و تقاضای سالیانه محصولات داسی بر حسب تن

نوع محصول	سال ۱۳۳۹	سال ۱۳۴۱	سال ۱۳۴۲	میزان تقاضا در سال ۴۶
گوشت گوسفند و بز	۱۶۹۰۰۰۰	۱۷۵۰۰۰۰	۱۹۱۰۰۰۰	۲۴۵۰۰۰۰
گوشت گاو و گوساله	۹۰۰۰۰۰	۹۵۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	۹۵۰۰۰۰۰
شیر	۱۱۶۰۰۰۰۰۰	۱۱۷۰۰۰۰۰۰	۱۱۹۴۰۰۰۰۰	۲۱۲۸۰۰۰۰۰
پشم پاک	۱۶۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰	۲۲۰۰۰۰	؟

مستخرج از گزارش مقدماتی برنامه سوم کشاورزی و آبیاری - قسمت کشاورزی امور اقتصادی سازمان برنامه.

باینترتیب ملاحظه میگرد که انجام سرمایه گذاری برای گسترش دامپروری و رفع مشکلات موجود و کوشش برای ایجاد تولید بیشتر و متکی بر اصول صحیح چه از نظر تأمین مصارف غذایی و صنعتی داخلی و چه از نظر صادرات و تهیه ارز لازم، اهمیت فراوانی را در اقتصاد ملی دربردارد.

در اینجا بی مناسبت نیست که انواع و تعداد دامهای کشور را نیز در سال ۱۳۴۱ بر حسب استانهای مختلف کشور جهت آگاهی بیشتر در جدول شماره ۴ نشان دهیم.

جدول شماره ۴ - آمار دامهای کشور در سال ۱۳۴۱ برحسب گزارشهای رسیده از استانها							شهرستان	تعداد	نام استان
خورك	شتر	الاغ	اسب وقاطر	بز	گوسفند	گاوبيش	گاؤ		
۲۰۰۰۰	۲۰۰۰۰	۲۵۲۰۰۰	۳۰۰۰۰	۱۳۰۰۰۰۰	۳۱۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰	۴۵۰۰۰۰۰	۱۸	تهران
۳۵۱۷۵	-	۵۹۷۰	۵۵۸۰۰	۲۰۱۰۰۰	۶۶۱۵۰۰	۲۷۴۰۰	۸۹۷۵۰۰	۱۰	گیلان
۵۰۰۰	-	۱۵۰۰	۸۴۵۰۰	۱۴۲۰۰۰	۱۱۳۰۰۰۰	۶۰۰۰۰	۷۰۰۰۰۰۰	۸	مازندران
-	۹۵۰۰	۱۹۸۰۰۰	۵۸۵۰۰۰	۹۰۰۰۰۰۰	۴۱۲۰۰۰۰	۹۴۰۰۰۰	۹۲۰۰۰۰۰	۱۰	آذربایجان شرقی
-	۱۸۰۰۰	۵۶۵۰۰	۴۵۰۰۰	۷۱۳۰۰۰	۱۹۶۰۰۰۰	۵۷۰۰۰۰	۲۱۸۰۰۰۰	۸	آذربایجان غربی
-	۱۰۰	۱۳۷۰۰۰	۳۲۵۰۰	۱۱۷۷۰۰۰	۲۹۰۵۰۰۰	۲۸۸۵۰	۳۹۱۰۰۰۰	۷	کرمانشاه
۱۰۰۰	۵۶۹۰	۹۶۱۰۰	۴۲۱۱۵	۴۳۴۵۰۰	۱۲۴۲۷۰۰	۴۵۲۰۰۰	۲۱۶۷۰۰۰	۳۱	خوزستان
-	۲۱۳۴۲	۱۴۴۰۶۲	۲۳۴۶۶	۴۸۵۲۳۰	۲۷۳۶۷۴۰	۵۴۳۵۰	۲۹۰۰۰۲۳	۱۳	فارس
-	۶۸۶۸۷	۲۶۰۱۵۰	۱۵۰۷۷	۱۷۲۶۱۳۸	۱۳۳۵۱۳۰	-	۱۶۲۲۹۶	۸	کرمان
-	۷۵۳۲۵	۲۷۹۸۴۱	۱۱۵۳۶۷	۳۰۲۵۰۴۶	۴۰۰۸۷۳۵	-	۳۱۹۳۶۳	۱۵	خراسان
-	۱۸۲۵۰	۳۰۳۶۵۰	۴۳۷۰۰	۱۴۴۳۴۰۰	۲۶۹۶۳۷۰	۱۱۲۰	۵۶۹۸۴۰	۹	اصفهان
-	۱۲۷۴	۲۲۳۳۴۴	۴۳۱۳۰	۹۵۸۰۳۰۶	۲۵۷۰۱۷۸	۸۰	۵۵۴۳۹۹	۱۳	منطقه مرکزی
-	۴۲۷۰۰	۴۸۴۰۰	۱۸۰۰	۵۵۰۵۰۰	۲۰۷۳۰۰	۴۰	۱۱۳۰۰۰۰	۱۰	بلوچستان و سیستان
-	۸۰۰	۶۱۵۰۰	۲۰۰۰۰	۶۳۱۱۲۴	۱۱۷۲۱۰۰	۳۷۶۲	۲۵۸۷۳۶	۵	کردستان
۱۵۰۰	۴۵۰۰	۱۵۰۰	۸۰۰۰	۲۰۰۰۰۰	۸۷۴۳۱۰	۵۰۰۰۰	۱۲۰۰۰۰	۷	گرگان
۵۸۱۷۵	۲۸۶۱۶۸	۲۰۶۸۵۱۷	۵۹۰۷۰۶	۱۵۸۸۷۲۴۴	۳۰۷۲۰۰۶۳	۲۵۰۹۲۲	۶۰۷۲۸۵۷	۱۶۶	جمع

مستخرج از گزارش سالانه سازمان دامپزشکی کشور - وزارت کشاورزی سازمان دامپزشکی سال ۱۳۴۱

وابستگی چادر نشینان و روستا نشینان

وضع و چگونگی پراکندگی ایلات ایران در سراسر کشور چنانست که به یک یا دو منطقه بخصوص محدود نمیشوند بلکه از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب در فلاتهای مرتفع، در کوهستانها و دره ها و در حاشیه کویر همه جا به ایل‌های متعددی برخورد میکنیم که بزندگی چادر نشینی و نیمه چادر نشینی مشغول میباشند و روزگار میگذرانند.

در سراسر نقاط ایل نشین نیز به روستاهائی برخورد میکنیم که مردمان ساکنی را دربر گرفته اند و در تمام طول سال کشاورزانی در آنجا بکار کشت و زرع و دامپروری مشغول میباشند. ساکنان این دهات در برخی نقاط از افراد وابسته به ایلی که در آن حدود ییلاق و قشلاق دارد تشکیل میشوند. ولی در برخی از این دهات، ساکنان آن همان افراد ایل هستند که تخت قاپو شده اند و بالاخره در بعضی دیگر جمعی از مردمان دهات از افراد ایل هستند و گروهی خارج از ایل. با این ترتیب از نظر ترکیب و چگونگی تشکیل، روستاهائی که در حدود مناطق ایلی هستند وابستگی کامل خود را به گروههای ایلیاتی حفظ ساخته اند و نمیتوان آندو را کاملاً جدای از یکدیگر مورد بررسی قرارداد و در طرح برنامه های عمرانی روستاها را واحدی مستقل بشمار آورد و از هم بستگی و ارتباط آنها با گروههای متحرک ایلی صرف نظر نمود.

روستا های واقع در منطقه های ایلیاتی اگر چه از مدت زمانی پیش تشکیل شده باشند و سازمان یافته باشند بجهاتی چند خود را بی نیاز از برقراری روابط نزدیک با چادر نشینان نمیدانند. این روستاها یا در ناحیه ییلاق قرار دارند و یا در قشلاق، در نتیجه بطور مداوم دوبار در سال ایل از مجاورت آنها عبور میکند و بمناسباتی چون انجام دادوستد - استفاده از آبشخوارها - چرای بر روی زمین های آیش ده و غیره که در قسمت وظایف سازمان رهبری ایل بآنها اشاره خواهد رفت. دوجامعه با هم در ارتباط قرار میگیرند.

احتیاجات دوجامعه به محصولات یکدیگر:

امر مهمی که ارتباط دوجامعه را بیش از پیش بهم پیوسته میسازد موضوع محصولات تولیدی آنها است: نگاهی به رژیم غذایی ایل نشینان و روستائیان ایران نشان میدهد که قسمت عمده خوراک آنها را گندم، جو و ذرت و بلوط، لبنیات و مقداری گوشت تشکیل میدهد. بنابراین دونوع محصول کشاورزی وداسی جهت تأمین غذای آنها مورد لزوم میباشد و از اینرو هر یک از دوجامعه یکی از این دو قسمت را تأمین میسازد. درست است که برخی از روستا نشینان به امر دامداری نیز مشغول میباشند و برخی از ایلات نیز در حین ییلاق و قشلاق به امر کشت نیز میپردازند ولی این امر در همه جا صادق نیست و از طرف دیگر در نقاطی که چنین وضعی وجود دارد میزان محصول دامی و زراعتی که بدین ترتیب بدست میآید کفاف احتیاجات آنها را نمیدهد و عملاً دوجامعه به محصولات یکدیگر نیازمند میباشند. این نیاز زمانی که میزان محصول تخصصی هر دوجامعه بنحوی قابل ملاحظه ای زیاد باشد اضافه مصرف وجود داشته باشد، بیشتر میگردد. زیرا روستا نشینان با بدست آوردن مقدار بیشتری دام گذشته از استفاده غذایی از فروش پشم و لبنیات آن به شهرک ها و شهرها نیز استفاده بیشتری میبرند و ایل نشینان نیز که در بیشتر اوقات سال از محصولات نظیر بلوط استفاده میکنند قادر خواهند بود که از گندم و سایر محصولات کشاورزی بهره مند گردند. بدین ترتیب مشاهده میگردد که دوجامعه مزبور تا چه حد بیکدیگر پیوند دارند و بهم وابسته میباشند، و در نتیجه ایجاب مینماید که در طرح هر گونه برنامه عمرانی برای روستاها و یا ایلات باین وابستگی عمیق توجه خاص مبذول داشت و تحول یکجامعه را مؤثر در وضع دیگری دانست و چنان اقدام نمود تا چادر نشینان تنها تحت تأثیر پیشرفت های ظاهری دهات بدون آنکه روستاها قدرت جذب آنها را داشته باشند، بسوی آنها کشیده نشوند و گله های خویش را فقط بامید زندگی بهتر در ده رها نسازند. بنابراین خلاصه کنیم که اقدامات عمرانی، اقتصادی و اجتماعی در روستاها باید همزمان باشد با فعالیت های تحقیقاتی و برنامه های جامع در زمینه

زندگی مردمان ایلیاتی، تا از بروز هر گونه مشگلی جلوگیری شود و تضادهای پیچیده و ناراحت کننده در بین دو جامعه ای که از دیر باز با هم ارتباط داشته اند پیش نیاید.

نفوذ اقتصادی شهرنشینان در بین ایلات

چنانچه در گذشته بیان داشتیم حدود ۹۰٪ محصولات داسی کشور توسط ایلات و چادرنشینان تهیه میگردد و در نتیجه گذشته از روستائینان، مردم ساکن شهرکها و شهرها نیز محتاج به محصولات جوامع مزبور میباشند. در نتیجه اسر خرید فراوردههای دامی و لبنیاتی ایلیات توسط بازرگانان و یا واسطههای شهری بسیار رایج میباشد. این خریداران شهری، در مقابل از طریق بازارهای عمده، دکانداران روستاها و یاپیلهوران، اجناس ساخته شده و مایحتاج مردمان ایلیاتی را تأمین ساخته و بآنها میفروشند.

نکتهای که در اینجا باید بآن توجه داشت، اینست که هر قدر تماس و مبادله و دادوستد این جوامع با شهرها بطور مستقیم و یا غیر مستقیم فزونتر میگردد، اقتصاد شهر با عرضه نمودن وسایل غیر ضروری ولی پر زرق و برق، با قیمتهای گزاف بآنها، تمام درآمد این گروهها را پیرحمانه از دستشان خارج میسازد. اقتصاد شهری با سازمان وسیع و تجهیزات کامل بازارهای منطقه را در دست گرفته، دامپروران چادرنشین را وادار میسازد تا محصولات داسی و صنایع دستی خود را به قیمتهای ناچیز بفروشند. ضمناً با عرضه کردن و فروش بعضی وسایل و ابزار کار که بصورت ابتدائیتر، از دیر باز مردم ایل برای رفع احتیاج خود میساختند، مقدار قابل ملاحظه ای از درآمد آنها را از دستشان خارج میسازند.

بطور کلی اقتصاد شهری چون خوره بجان اقتصاد ایلیات میافتد و هستی این مردم را بتاراج میبرد و روز بروز فقر سیاه را در گروه آنها توسعه میدهد.

این امر مهمی است که سازمانهای مسئول مملکتی باید درباره آن توجه کامل مبذول بدارند و از ادامه آن با اتخاذ روشهای منطقی جلوگیری نمایند. از جمله باید کوشش نمود تا بکمک افراد دلسوز و مقامات مورد اعتماد ایلیات، سازمانهایی

نظیر شرکت‌های تولید و مصرف برای جمع‌آوری محصول و عرضه کردن آن به بازارهای بزرگ وجود آورد و در مقابل نیز مایحتاج ضروری ایل را یکجا خریداری کرد و بقیعت عادلانه در اختیار آنها گذارد .

شکست نیست که ترتیب چنین کاری بسیار مشکل جلوه گر میشود ولی پس از مطالعه کافی در هر منطقه امکان یافتن شیوه‌های اجرایی مؤثر حتمی خواهد بود . بخصوص درباره دور ساختن دست واسطه‌ها در زمینه خرید محصولات دامی ، میتوان راه حل‌های منطقی و عملی بدست آورد و بکمک افراد مورد اعتماد ایل نشینان بمورد اجراء درآورد .

چگونگی و هدف مطالعات انجام شده

درباره ایلات و عشایر

مطالعه درباره ایلات و عشایر ایران در گذشته دور ، در کتابهای جغرافیا و تاریخ شهرها و مناطق مختلف کشور و برخی سفرنامه‌ها بچشم می‌خورد که بیشتر به بیان بعضی خصوصیات ظاهری و بعضی مراسم و سنت‌های آنها پرداخته‌اند . پس از آن از قرن شانزدهم بعد بیشتر در سفرنامه‌های شخصیت‌های سیاسی خارجی میتوان به مطالبی درباره ایلات برخورد نمود . این نویسندگان خارجی که اکثریتشان را مأموران سیاسی دولتهای خارجی تشکیل میدادند ، در دورانی که سیاست استعماری مغرب زمین در اوج قدرت خود بود سعی داشتند تا با تماس با ایلات و مطالعه در وضع آنها از قدرت خود مختاری این جوامع بخاطر اجراء نظریات و مقصودهای سیاسی خویش استفاده کنند . ولی در این راه اغلب باشکست مواجه میگشتند . داستان این تماسها و مداخلات خارجیها در بین ایلات ایران مبحثی است جالب که خصوصاً در حوادث دو قرن اخیر ایران حائز اهمیت فراوان میباشد .

آنچه که در سفرنامه های مأموران سزبور بچاپ رسیده بی شک همه آن مطالبی نیست که آنها در مورد ایلات ایران بررسی کرده اند گویانکه در بسیاری موارد نیز قادر بآن نبوده اند که بخوبی و چنانکه باید مطالبی را جمع آوری سازند . مجموعه نوشته های موجود در این زمینه بیشتر مربوط است به مطالبی درباره وضع ظاهر زندگی ایلات : لباس و چادر و بعضی وسایل زندگی و همچنین برخی از سنت ها و آداب و مراسم این مردم . اکثر نوشته هائی هم که در نیم قرن اخیر توسط ایرانیها درباره ایلات تنظیم گردیده نیز بیشتر متوجه جنبه های فولکلوریک و برخی مراسم مربوط به عزاداری و جشن و غیره می باشد . در سالهای اخیر چند نفری که علاقمند باین کار بوده اند مطالعاتی در این زمینه انجام داده اند که بیشتر متکی بر نظریات و شیوه های فردی و شخصی بوده و دستد مشخص و جامعی را در پیش نگرفته اند . بی شک مشکلات فراوانی که در راه مطالعه ایلات وجود دارد عامل مؤثری بوده است که این علاقمندان را از انجام یک تحقیق علمی متکی بر مدارك و پرسشنامه و مشاهده از نزدیک باز داشته است باینحال معدودی از کارهای انجام شده درخور آنست که در مطالعات وسیع و علمی آینده مورد استفاده قرار گیرند .

با همه اهمیت و ارزشی که مطالعه و شناخت جوامع ایلایاتی در بردارد ، اکثریت بررسیهای انجام شده چنانکه بیان داشتیم قادر به بیان دانستیهای ارزنده ای که بکار یک مردم شناس برای تبیین و تشریح چگونگی ساختمان این جوامع بیاید نیستند . و بعکس برخی از نوشته ها و رپرتاژهای مجله ها چنان بی ارزش و عاری از حقیقت تهیه شده که نه تنها سبب گمراهی علاقمندان به اینگونه بررسیها میگردد ، بلکه بعلت لحن زننده و مسخره آمیزی که در بیان بعضی رسوم مانند جشن و مراسم عروسی و غیره بکار برده اند ، رنجش شدیدی در بین جوانان باسواد و تحصیلکردگان ایلات مختلف بوجود آورده اند که این خود سبب عدم اعتماد و بی توجهی آنها به محققین واقعی گردیده است . در بعضی از این نوشته ها همان حالت تحقیر و کوچک شمردنی که در اکثر نوشته های قرن هیجدهم مقالات آمریکائی نسبت به بومیان آن سرزمین

دیده میشود مشاهده میگردد. در این نوشته‌ها عادات و رسوم ایلات که بدون شک از بسیاری جهات مغایر با آداب شهرنشینان، خصوصاً اهالی تهران میباشد مورد تحقیر قرار گرفته و نویسندگان بدون آنکه به مفهوم پیچیده بعضی از این مراسم پی ببرند آنها را غیر منطقی و مربوط به جوامع بدوی قلمداد کرده‌اند. غافل از اینکه بفرض صحت این مدعا، راه علاج آن مسخره و تحقیر نمودن آن مردم نیست زیرا نه تنها امکان اصلاح در بین نخواهد بود بلکه حس مقاومت آنها را تشدید مینماید و خود را نسبت به شهرنشینان بیگانه‌تر احساس میکنند.

شیوه مطالعات خارجیها در مورد ایلات در سالهای اخیر نیز خالی از نقص و اشتباه فراوان نیست. این محققین معمولاً از دو دسته خارج نیستند، دسته اول یا مأمور رسمی سیاسی بوده هستند و یا اینکه با ظاهر یک محقق علمی قصد سیاسی داشته‌اند. دسته دوم از تعداد معدودی تشکیل میشوند که فقط بانظر و قصد مطالعه علمی انسان شناسی و مردم شناسی به مناطق ایلی سفر کرده‌اند.

دسته اول معمولاً بادید استفاده سیاسی از این واحدها قدم بمیدان میگذارند و در بررسیهای خویش سعی بر آن دارند که شکل سازمانی ایل و دستگاه رهبری آنرا بشناسند و بدانند که وابستگی بین مقامات ایلی و سلسله مراتب آن چگونه است و شجره نسب آنها و وضع ازدواج بین آنها بر چه پایه ایست. و بطور کلی قدرت رهبری چگونه موقعیت خویش را چه از نظر وابستگی با مقامات خارج از ایل و چه از نظر بستگی با مقامات صاحب قدرت داخل ایل تضمین مینماید.

بیشتر در جزء انتشارات این قبیل افراد است که به برخی از آمارها و مسائل سیاسی و اقتصادی ایل برخورد میکنیم، گویانکه آنها تمام مطالعات خود را منتشر نمیسازند و فقط در اختیار سازمانهای سیاسی خود میگذارند. دسته دوم بیشتر از دانشمندان کشورهای تشکیلی میشوند که منافع سیاسی و اقتصادی سهمی در این کشور ندارند و سعی آنها بر این است که در زمینه شناخت تحول اجتماعات بشری و مسائل مربوط به نژاد شناسی و مردم شناسی مطالعه نمایند و اغلب مطالعات این دسته

است که تاحدی حائز اهمیت و اعتبار می باشد نظیر آنچه که «بارت» در مورد ایل «باصری» انجام داده است .

بطور کلی مدارك منتشر شده از دسته دوم تعدادشان بسیار کم و ناچیز است و جز در مورد دوسه ایل درباره سایر ایلات مطلبی مطالعه و منتشر نشده است .

در زمینه مطالعات خارجیها میتوان دسته سومی را نیز بشمار آورد و آنها عبارتند از محققینی که بر مبنای مطالعه کار افراد دسته اول و دوم و بعضی اوقات گزارش دانشجویان خارجی که برای کار آسوزی و یا تهیه پایان نامه سفری به نقاط ایلیماتی نموده اند و مطالبی جمع آوری ساخته اند، مشغول بکار میشوند و از این مجموعه ها نتیجه گیری مینمایند . اینها را مردم شناسان و ژاد شناسان محقق در اطاقهای در بسته باید نامید . کار این دسته بیشتر متکی بر استنتاجات شخصی است و اغلب از واقعیت بدور میافتند .

بطور کلی نقص عمده و اشکال مهمی که بکار مردم شناسان خارجی وارد می باشد، در اینست که اکثر آنها با زبان فارسی و زبان بومی محل آشنائی ندارند ، خصوصیات کلی و مشترکی که از زمینه های ملی و مذهبی و اجتماعی بین همه ایرانیان وجود دارد و سبب می گردد که نزدیکی و گرایش بین افراد مختلف ایرانی بوجود آورد ، آنها فاقد میباشند . همچنین اعتقادات مذهبی شدید برخی از ایلات سبب میشود که آنها از تماس با افراد خارج از مذهب پرهیز نمایند . عدم آشنائی با مقررات و آداب معاشرت افراد ایل نیز سبب می گردد که در برخورد اول اثر ناسطوبی در آنها گذارده شود و بالاخره اینکه فرد خارجی همیشه تحت حمایت و بهمراهی مأموران دولتی قدم بایل میگذارد و بجتهاتی چند افراد ایل از تماس فراوان با او خودداری میکنند و در برابر پرسشهای آساری در زمینه مسائل مختلف پاسخ های صحیح نخواهند داد . زیرا حضور مأمور دولت و بیم از پرداخت مالیات و نظایر آن مانع از بیان واقعیت امر میگردد .

جنبه های ملی و یاد از گذشته ها سبب می گردد که افراد ایل و برخی از سران ایلات نسبت به خارجیها با نظر خوش ننگرند زیرا که طی دو قرن اخیر اکثر ایلات

ایران خود را درنبرد با خارجیها دیده‌اند، این امری است که سبب ناراحتی شدید آنها از خارجیان میگردد.

کمتر فرد ایلپاتی منطقه فارس و جنوب و دشتستانی است که از ماجراهای جنگ اول بی‌خبر باشد و مظالم پلیس جنوب را نشنیده باشد و اگر سواد دارد داستانهای نظیر «دلیران تنگستانی» را نخوانده باشد و حالا چنین فردی کمتر از شهرنشینها میتواند باین خارجیها اعتماد داشته باشد. بنابراین امروزه اگر محقق خارجی را ببیند که دربین ایل او قصد مطالعه برای بهبود بخشیدن بوضع زندگیش را دارد کمتر قبول خواهد کرد و پاسخ‌های صحیح باو نخواهد داد و او را نسبت بخود محرم نمیشمارد و شک نیست که تا مردم شناس با جامعه مورد مطالعه خود درنیامیزد و نسبت باو ابراز اعتماد نشود قادر به جمع‌آوری مدارك صحیح نخواهد بود. از اینرو است که باتوجه به تمام مطالب فوق میتوان گفت محصول کاریک خارجی در زمینه مطالعات جواسع ایلپاتی و حتی روستانشین نمیتواند بقدر لزوم ارزنده و قابل توجه جلوه‌گر شود و خطا است که بررسی در این موارد را متکی به کارشناسان خارجی بنمائیم. بلکه باید در مرحله جمع‌آوری و تحقیق و سپس نتیجه‌گیری به شیوه‌های کار علمی که آنها در این زمینه انجام داده‌اند توجه کامل نمود و از آنها مدد گرفت.

سازمانهای دولتی و ایلات :

در طی ۴ سال اخیر مسأله ایلات و عشایر از جهاتی در زمره عمده مسائل مملکتی قرار گرفته و در بعضی اوقات حتی مهمترین موضوع روزگشته است. با ایجاد دگرگونی در وضع سیاسی کشور و استقرار دولت مرکزی با اقتدار کامل و تشکیل قوای نظامی متشکل، حکومت مرکزی برآن گردید که مرکزیت امور را در تمام زمینه‌ها برحول محور دستگاه دولت بوجود آورد. و قدرتهای محلی متکی بر نیروی چریکها و عشایر و تفنگچیان را مقهور خویش سازد، این سیاست با اوضاع و احوال قبل از آن مغایر بود زیرا در گذشته ایلات در حوزه خویش دارای قدرت لازم بودند و وضعیتی شبیه به خود مختاری داخلی داشتند. در امر تأمین سرباز برای کشور

و پرداخت مالیات بخزانة دولت، این سران ایلات بودند که طبق قرار دادی تعدادی تفنگچی و سالیانه مقداری مالیات در اختیار دولت وقت میگذارند. و به عبارت دیگر سازمان سیاسی ایل در رتق و فتق کلیه امور مربوط به منطقه ایل دارای خودمختاری بود. طبیعی است که وقتی رژیم جدید قصد آن بنماید که اساس مزبور را درهم بریزد مقاومتی سخت و شدید در برابر آن انجام خواهد پذیرفت. در آن زمان نیز بجتهاتی که گفته شد و دلایل دیگری که امکان بحث آن در این جا نیست اغلب ایلات در برابر قدرت مرکزی بمخالفت پرداختند و منجر بآن شد که جنگهای خونینی میان قوای دولتی و ایلات در گیر شود و خون گروهای کثیر از سربازان دلاور و افراد ایلات سلحشور ایران بر زمین بریزد. بدنبال این ماجراها نیروی ارتش در نقاط ایلایاتی مستقر گردید و نظامیانی که در نبردهای ایلی ناراحتی ها دیده بودند و اصولاً برای امر مراوده با سردم ایلیاتی تربیت نگشته بودند، رفتار خاصی را با ایلات آغاز نهادند، وبدون مطالعه کافی و اتخاذ شیوه های علمی از ییلاق و قشلاق ایلات جلوگیری نمودند و با مرتخت قاپو کردن آنها پرداختند. دولت کوشش نمود تا ایلات را مجبور بطاعت از تشکیلات و سازمانهای اداری مملکت بنماید، امری که اجراء آن اگر در طی مدت نیم قرن محال نباشد، بس مشکل خواهد بود. نگاهی به سازمانهای اداری ایران در طی ۷۰ سال اخیر روشن میسازد که تا چه نسبت بداشتن افراد متخصص در زمینه مسائل اجتماعی ضعیف بوده ایم. در چنین وضعی اقدام به اسکان عشایر با تکیه به روشهای شدید روشن است که تا چه حد ما را از رسیدن بمقصود دور میسازد و چه مشکلاتی را ببار میآورد. چنانکه بلافاصله پس از شهریور ماه ۱۳۲۰ بسیاری از ایلات مجدداً به شیوه چادر نشینی بازگشت نمودند و بدنبال رویدادهای سیاسی زمان بار دیگر در کشمکش های نظامی داخل گشتند و ماجراهای تلخی ظهور نمود. حتی دربسیاری از نقاط ایلات دست بتخریب باغها و منازل ساخته شده ای که در زمان تخت قاپو شدن بوجود آمده بودند و بار دیگر بزیر چادرها رفتند و کوچ سالیانه را از نو آغاز نمودند.

سازمان مطالعه و برنامه ریزی

مجموعه آنچه که در صفحات گذشته گفته شد نشان میدهد که برای طرح ریزی یک برنامه جامع جهت دگرگون ساختن وضع این جوامع برای تأمین سعادت آنها واستفاده از فعالیتهای تولیدیشان بنفع عموم افراد مملکت، مهمتر از هر چیز انجام یک رشته مطالعات دقیق و علمی مردم شناسی در باره آنها است. تا بدقت همه خصوصیات زندگی مادی و معنوی آنها مشخص بگردد و سپس باتوجه به جنبه های مثبت و منفی آنها درصدد طرح برنامه های اجرایی برآمد.

تا ما نتوانیم ساختمان اجتماعی ایلات مختلف و ویژگیهای زندگی آنها و سنت ها و معتقداتشان را چنانکه هست بررسی نمائیم و خلاصه تا آنکه این واحدهای گوناگون را بخوبی از تمام جهات نشناسیم، قادر به ابراز یک نظریه صریح و متکی بر اصول در مورد تغییر وضعیتشان نخواهیم بود. اگر به تاریخ آمریکا در نزاع بین سفیدپوستان و بومیان (آنها که به سرخ پوستان معروف اند) نگاه کنیم خواهیم دید که اگر سرانجام کوشش مردم شناسانی چون «هنری رواسکول گرافت»^(۱) نبود، این جنگها سالهای بعد نیز ادامه مییافت. واقعیت اینست که با مردم ایلیاتی که با سختی و مشکلات فراوان خو گرفته اند و از کودک کی با آئین رزم آشنا میباشند هیچگاه بهترین وسیله مقابله نظامی و وارد ساختن فشار نخواهد بود. بلکه میتوان دردهای آنها را شناخت و سپس برای آن درمان جست.

هیچگاه نباید کوشش نمود که شکل سازمانهای شهری را بطور کامل و دست نخورده بر آنها تحمیل نمود و سازمانهای سنتی آنها را یکباره درهم شکست. این امر هیچگاه بشمر نمیرسد و بفرض اجراء، نتایج مثبتی نیز در بر نخواهد داشت. زیرا گذشته از مشکلات فراوانی که اجراء مرحله اول آن یعنی متمرکز ساختن سازمانهای

دولتی در سراسر منطقه ایللیاتی دربردارد ، عادت دادن آنها با استفاده از این واحدها و سپس هزینه سنگینی که برای آنها باید پرداخت خود مسائل مهمی را که حل آن بسیار مشکل خواهد بود بوجود میآورد . نباید تصور کرد که مقصود تفویض خود مختاری سابق و باقی گذاردن شکل تاریخی و سنتی سازمانهای ایل است . بلکه قصد اینست که برای ایجاد دگرگونی و یاجانشین ساختن سازمانهایی بجای سازمانهای کنونی باید مطلق اندیش نبود و با توجه به اصل مرکزیت امور و بسط قدرت دولت مرکزی و سازمانهای آن ، درباره مناطق ایللیاتی شیوه‌ای اتخاذ نمود که مشکلاتی ببار نیآورد و افراد ایلات را بمقاومت شدید در برابر این تغییر وضع وادار نسازد .

باید در تنظیم برنامه برای این جامعه کوشش نمود تا طرح آنچه‌ان باشد که نه تنها منجر به از بین بردن مشکلات کنونی زندگی این جوامع نگردد ، بلکه از نظر کلی سبب ازدیاد و بهبود و در بعضی زمینه‌ها تغییر نوع محصولات آنها بشود ، تا در وضع اقتصاد مملکت و تغییرات اجتماعی آن به نفع اکثریت ملت مفید واقع شود .

انجام برخی فعالیت‌های پراکنده و اقدامات بعضی واحدهای عمرانی که در امور زراعتی و دامپروری صورت میپذیرد با توجه به سرمایه‌ای که بکار میبرند ، میبینیم که بازده مناسبی عاید نمیسازد . زیرا باید دانست هرگونه اقدامی درباره جامعه ایللیاتی ایجاد مینماید که متکی بر شناخت کامل محیط مزبور باشد . زیرا ویژگیهای این جوامع رابطه و وابستگی فراوان با سنت‌ها و یادگارها و شیوه‌های کهن تاریخی آنها دارد . بفرض روشی را که در معالجه دامهای خویش از دیرباز معمول داشته‌اند مایل هستند همچنان بکار برند و فقط به صرف فرستادن یک دامپزشک و مقداری دارو نمیتوان آنها را وادار ساخت تا به شیوه‌های تازه گردن نهند ، مگر آنکه مرکزی بوجود آید و در آن بطور نمونه نتیجه اقدامات دامپزشکی جدید را در امر واکسیناسیون و معالجه دامها به آنها نشان دهند و اعتماد ایشان را به روشهای علمی و متخصصین شهری جلب نمایند .

بنابراین برای آنکه امکان اقدامات فنی در زمینه امور عمرانی میسر گردد باید

کوشش نمود تا خصوصیات روانی و اجتماعی آنها را بخوبی باز شناخت ، تا بتوان در تکنیک های جاری آنها دگرگونی بوجود آورد و جامعه آنها را در سیر پیشرفت واقعی متحول ساخت .

همیشه باید توجه داشت که دیده گاه یک فرد ایللیاتی با یک شهر نشین اختلاف فراوان دارد و سازمانی میتواند این جامعه را متحول بسازد که کارشناسان آن تخصص کامل در امر شناخت دردها و مشکلات اوضاع و احوال سازمان و تشکیلات آنها داشته باشند .

بهین دلیل است که ایجاب مینماید مرکزی برای مطالعه ایلات و عشایر ایران با بودجه و امکانات کافی در یک واحد مطالعاتی علمی چون مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی بطور مؤثر آغاز بکار نماید و سایر سازمانهای ذینفع عمرانی و ارتش با آن همکاری صمیمانه نمایند و مشکلات خویش را با آن در میان گذارند . در چنین وضعی است که میتوان امیدوار گشت در طی چندین سال کوشش و تلاش و مطالعه بتوان روشهای علمی منطقی برای حل مشکلات ایلات بدست آورد و بوضع آنها سامان بخشید .

سازمانی که بر اساس فوق بوجود میاید باید کوشش نماید که در مرحله نخست کلیه مدارك و اسناد مربوط به ایلات ایران را که در اختیار سازمانهای مختلف میباشد در یک محل جمع ساخته و چنانچه درباره یک یا چند ایل چند گزارش وجود دارد آنها را بایکدیگر مقایسه نموده مدارکی که بیشتر قابل اعتماد باشند از آنها استخراج نماید . لازمست که با مطالعه در کتابهای تاریخی، جغرافیائی و سفرنامه های قدیمی بایگانی کاسلی در زمینه تحولات و سابقه تاریخی ایلات تنظیم نمود . از آنجائیکه در سرشماری سال ۱۳۳۵ ایلات بطور جداگانه بررسی نگشته اند باید کوشش نمود تا طرحی جهت آمارگیری ایلات از نظر نفوس و از نظر تعداد دامهای آنها و در صورت امکان قدرت اقتصادی این جوامع تهیه و تنظیم بگردد و آمارگیری مزبور که از بسیاری جهات انجام آن ضروری بنظر میرسد بمرحله اجراء درآید .

سازمان مزبور باید گروهی محقق برای امر مطالعه ایلات تربیت نماید و بپردازد آنها پس از تهیه طرح مطالعه ایلات نسبت به اهمیت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی نواحی، کار مطالعه را در مناطق محدود و معین آغاز نماید، باید توجه داشت که امکان بررسی همه ایلات در یک مدت کوتاه بهیچوجه میسر نخواهد بود و بهمین جهت باید آغاز کار را متکی بر بررسی یک محل بخصوص و معین ساخت، تا ضمن ارائه یک نمونه کار علمی، به مشکلاتی که قبل از آغاز کار پیش بینی نشده است پی برده شود و درباره سایر نقاط مورد توجه قرار گیرد. باید دانست که بنا بر شرایط خاص هر منطقه و هر ایل نحوه مطالعه و تهیه پرسشنامه ها تا حدی تغییر مینماید. در این زمینه مطالعاتی که بر روی مدارك تاریخی و برخی سفرنامه ها شده است تا حدی میتواند راهنمای محققین باشد. درباره اینکه شخصیت محقق در حین بررسی و تماس با محیط ایل چگونه باید باشد و چه شیوه هایی را باید بکار برد امری است که ما در قسمت شیوه مطالعه ایل در بخش مربوط به نقش و شخصیت محقق بان اشاره خواهیم نمود.

بخش دوم

نومادیزم و زندگی ایلیاتی

در این بخش ما با مختصار درباره اشکال مختلف «نومادیزم شبانی»^(۱) و خصوصاً انواع آن در ایران بحث خواهیم نمود . سپس در بخش بعد موضوع اسکان و یا یکجا نشین ساختن ایلات را که طی ۳ سال اخیر مورد گفتگو میباشد مطرح خواهیم ساخت .

بطور کلی در تعریف نومادیزم باید گفت که عبارتست از : حرکت متناوب یا سالیانه گروههایی که برای تهیه وسیله ارتزاق خود بسته به نوع زندگی و تمدنشان از جایی بجای دیگر کوچ میکنند.^(۲) این شیوه زندگی با اشکال مختلف از دیر باز در جهان برقرار بوده است . ولی مهمترین و رایجترین نوع آن عبارتست از نومادیزم شبانی که نسبت به سایر شیوهها پیشرفته تر میباشد و مفهوم کامل کلمه عبارتست از: شیوه ای از زندگی جابجائی سالیانه و موسمی که گروهی از مردم همراه با چهارپایان خود از محل چادرهای اردوی زمستانی تا چراگاههای تابستانی بموارد اجراء درمیاورند و مجدداً در فصل سرما به اردوگاه زمستانی باز میگردند^(۳) .

بر اساس شیوه زندگی نومادیزم شبانی است که در بخش وسیعی از آسیا و آفریقای شمالی زندگی ایلیاتی و قبیله ای با خصوصیات مربوط بخود شکل میگیرد؛ و از آنجا

۱- Nomadisme Pastoral

۲- Dictionnaire de Sociologie-Par: Emilio Willems P: 183 - Librairie Marcel risvière et Cie-Paris 1961

۳- Nomades et Nomadismes en zone aride-Revue internationale des Sciences Sociales. (Unesco) Paris 1959 p:520

که اکثریت عظیم ایلات و قبایل در زیر چادر بسر میبرند ، بانها عنوان چادر نشین نیز داده شده است .

ولی باید توجه داشت که خصوصیات زندگی ایلیاتی تنها مربوط به مردمانی نیست که زیر چادر بسر میبرند بلکه مردمان یکجانشینی نیز هستند که ویژگیها و ساختمان اجتماعی زندگی قبیله‌ای و ایلیاتی را همچنان حفظ ساخته‌اند . و بعکس چادر نشینانی هستند که اساس زندگی‌شان با خصوصیات زندگی مردم ایلیاتی تطابقی ندارد .

با توجه بانچه که گفته شد اینک باختصار به بحث درباره نومادیزم شبانی میپردازیم وانواع آنرا در ایران بررسی مینمائیم .

نومادیزم شبانی

رایج‌ترین و مشخص‌ترین شیوه نومادیزم و کوچ دسته جمعی که در دنیا وجود دارد مربوط است به مردمان دامپروری که همراه گله‌های خویش بزندگی در چراگاهها و در زیر چادرهای خویش روزگار میگذرانند .

چنانکه اسروزه در شمال آفریقا و قسمتهای وسیعی از آسیا ، تعداد فراوانی از چادر نشینان شبان بچشم میخورند که بشیوه مزبور با گوناگونی‌هایی چند زندگی میکنند . در گذشته نیز قبل از آنکه اروپا مراحل پیشرفت کشاورزی و صنعتی را تا به حد امروزی کرده باشد ، این وضع در آنجا نیز رایج و برقرار بود .

در اینکه اصولاً زندگی نومادیزم شبانی زائیده چه‌اسری بوده و در هر ناحیه دلیل دوام آن چیست نظریاتی ابراز گردیده . بطور کلی با توجه به مدارك باستانشناسی و مطالعاتی که تا کنون صورت پذیرفته است این نظر وجود دارد که اهلی ساختن گاو و گوسفند ، بز ، شتر و اسب در مقابل تاریخ در ناحیه آسیای غربی صورت پذیرفته و اولین گله‌های دام که مورد استفاده بشر قرار گرفته‌اند در این سرزمین‌ها تربیت یافته‌اند .

نگاهی به وضع آب و هوا و نوع پوشش گیاهی این نواحی نشان میدهد که برای استفاده از چراگاهها در فصول مختلف سال اجبار بر این بوده که به امر کوچ و زندگی چادر نشینی گرایش نمایند تا از امکانات مساعد آب و هوا و چراگاههای نقاط مختلف بهره‌مند شوند.

منطقه مدیترانه‌ای با وجود خاک مساعدی که جهت کشت و زرع دارد بعلت خشکی هوا و ناچیز بودن بارندگی در تابستانها مشکلاتی را در بردارد. این امر در زمینه استپ‌ها و علفزارهای ناحیه مزبور نیز صادق است، زیرا استپ‌ها که علفزارهای تنگی هستند در تابستانهای گرم و کم باران، اشعه خورشید سبب خشکانیدن و نابود ساختن رستنی‌های آنها میگردد و بناچار گله‌هائی که در آن نقاط بچرا مشغول هستند باید قبل از آغاز فصل گرما تغییر مکان بدهند و خود را بدامنه کوهستانها و نقاطی برسانند که شرایط آب و هوای آن مساعد برای رویش گیاهان فراوان باشد.

باین ترتیب مشاهده میگردد که تا چه حد عامل آب و هوا خود بخود در امر کوچ مؤثر بوده است. نظریاتی وجود دارد که در بعضی نقاط نظیر ایران شیوه زندگی چادر نشینی و ایلی فقط باین دلیل بوجود آمده که شرایط سیاسی و اجتماعی زمان سبب راندن ده‌نشینان از ده و رها ساختن زندگی یکجا نشینی و پناه بردن به کوه‌ها و دشتهای بوده^(۱) و باین ترتیب عامل آب و هوا و چراگاه و امر دامپروری را منشاء اصلی آن ندانسته‌اند. چنین نظری اگر درباره بعضی نقاط و در بعضی مراحل تاریخی صادق میباشد، برای همه مناطق صادق نیست.

چنانکه برای مثال اگر یورشهای عرب و مغول در ایران سبب تشدید زندگی چادر نشینی گردیده، نمیتوان گفت که تنها عامل وجودی چنین وضعی بوده و چادر نشینان و ایلات ایران همگی از آن زمان و بدلیل عامل سیاسی و اجتماعی بوجود آمده‌اند. زیرا وجود علفزارها و استپ‌ها و بوته‌زارهای برخی از نواحی ایران خود بهترین محیط برای توسعه دامپروری بوده و گروه‌هائی از شبانان و دامپروران را بخود جلب میساخته است.

۱- کتاب تاریخ کشاورزی ایران - دکتر تقی بهرامی - انتشارات دانشگاه - تهران. ۱۳۳

ولی چنانکه گفته شد بدلیل خشکی هوا و کمی باران در فصل تابستان شبانان که قادر به تأمین علوفه برای دامهای خود نبودند و از طرفی نیز دامها تحمل گرمای مزبور را نداشتند، ناگزیر از کوچ به نواحی کوهستانی میبودند. باین ترتیب نوع پوشش گیاهی و دشتهای وسیع و رژیم بارندگی عامل اصلی تولید دامپروری بوده و تغییرات شدید آب و هوا در تابستان و زمستان عامل مؤثر در پیدایش زندگی مبتنی بر کوچ گردیده. بی شک مسائل سیاسی و اجتماعی نیز بعیزان وسیعی سبب گسترش آن گشته چنانکه دو عامل فوق در بعضی موارد نیز سبب محدود گشتن آن شده است. اصولاً امر دامپروری از دیرباز در ایران رواج داشته و بی شک بنا بر شرایط خاص اقلیمی رژیم کوچ انسان و دام باهم نیز وجود داشته است. در مورد نشانه‌هایی از دامپروری در ایران در دورانهای گذشته به بعضی نقشه‌های روی سفال و نوشته‌های کتابهای مذهبی زرتشتی میتوان اشاره نمود.

بطور مثال در روی یکی از سفالهای کشف شده در سیلک کاشان که مربوط به شش هزار سال پیش است فردی را در کنار گاوی نشان میدهد که گاو مزبور در حال آشامیدن آب از جوی مقابل میباشد.

در کشفیات نقاط مختلف از جمله داسغان آثار مجسمه‌های گلی نیز از حیوانات اهلی بدست آمده.

همچنین در دین زرتشت دامپروری پیشه‌ای محترم شمرده شده و اشتغال به آنرا کاری پسندیده دانسته‌اند. چنانچه دروندیداد چنین آمده: «ای آفریننده جهان جایی که زمین شادمان‌ترین است کجا است؟»

پاسخ: «آنجائیکه گله‌ها و رمه‌ها روز بروز بعدا کثر افزوده شوند»

و باز دروندیداد، فرگرد سوم قسمت اول فقره ششم آمده است: «ای آفریننده جهان... پنجمین جایی که زمین بعدا کثر شادمان است کجا است؟» پاسخ: «آنجائیکه گله و رمه بیشتر باشد و بیشترین مقدار کود ریخته شود» و بالاخره در یسناسا آمده: «من روا میدارم آزادی رفت و آمد، آزادی منزل برای کسانیکه در روی زمین

با چارپایان بسرمیبرند^(۱)» .

بنابراین مشاهده میگردد که اسر دامپروری تا چه حد در جامعه قدیم مورد توجه بوده و شک نیست که شرایط محیط در گسترش این پیشه اثر فراوان داشته است.

شیوه‌های مختلف نومادیزم شبانی

شیوه زندگی نومادیزم شبانی برحسب منطقه و نوع دام به دو دسته تقسیم میگردد و یکی از این دو قسمت خود به گونه‌های مختلف نمایان میشود .

دو گروه عمده عبارتند از نومادیزم افقی و نومایزم عمودی .

نومادیزم افقی : این شیوه مربوط است به شبانان و چهارپایان دارانی که بیشتر در سرزمینهای وسیع مسطح و خشک زندگی میکنند و عمده چهارپایان نیز شتر میباشد. در سرزمینهای مزبور که علف بقدر کافی در همه جای آن وجود ندارد و وضع جغرافیائی آن چنان نیست که در کنار دشتهای وحاشیه‌های استپ‌های آن کوهستانهایی قابل چرا قرار گرفته باشد، شبانان بدنبال چهارپایان خویش سراسر دشتهارا تاجائیکه موانع مهمی در پیش پایشان وجود نداشته باشد، در پی چراگاه و آبشخوار در میگردند. چنین وضعی از بعضی جهات در سرزمین عربستان بیچشم میخورد^(۲). مردمان چادر نشینی که رژیم مزبور را برگزیده‌اند اکثر یکی از امرزاعت و کشاورزی بی خبر میباشند و آن نمیپردازند زیرا که برای مدت معینی حتی یک فصل کامل در نقطه‌ای درنگ نمیکنند تا از تخمی که افشانده‌اند حاصلی بردارند. این مردم از نظرو وضع پیشرفت تمدن

۱- تاریخ کشاورزی ایران - تألیف دکتر بهرامی - تهران ۱۳۳۰ (صفحه ۱۲)

۲- در عربستان بعثت کمایی آب هر طایفه و قبیله‌ای چاههای آبی در صحرا دارد و اغلب هیچ طایفه و قبیله‌ای حق استفاده از چاه دیگری را ندارد. در کنار این چاههای آب نیز بعضی اوقات نخلستانهایی وجود دارد. باین ترتیب طایفه‌ها و قبایل در مسیر کوچ خویش در این سرزمین به ناچار مسیر نسبتاً معینی را انتخاب میکنند تا از لحاظ آب در مضیقه قرار نگیرند.

در مراحل ابتدائی بسر میبرند و تعاس چندانی با جوامع مسکون ندارند. گروههای آنها از نظر تعداد افراد بسته به نوع داسی که تربیت میکنند فرق مینماید.

بین قبیله‌های مزبور ویابین آنها وجوامع معدود ساکن که در طی مسیر آنها قرار دارند اغلب برخوردها و حوادثی پیش میآید که منجر به زرد و خوردهای خونینی میگردد. این امر بیشتر مربوط است به خشونت آنها و اینکه تمایل به تصاحب چیزهایی را دارند که برای کسب آنها با توجه به زندگی پرمشقتشان امکانی جز اعمال زور بنظرشان نمیرسد. آنها از این جهت که ممکن است فقط یکبار از مسیری بگذرند و دیگر گذارشان بانجا نیفتد، از اینکه به ساکنان منطقه مزبور ظلم و جوری روا بدارند آبا نخواهند داشت. زیرا میدانند که آنها برای انتقام دست از خانه و کاشانه خویش نمیکشند و دنبالشان نخواهند نمود. بهمین دلیل است که اسر تاراج بین این چادر نشینان تا حد فراوانی رواج دارد.

بین این چادر نشینان وجوامع ساکن دادوستد بر مبنی قرض و متکی بر شیوه‌های اعتباری صورت نمیدگیرد. آنها محصولات داسی خود را در بازارهای سر راه باجناس کشاورزی و سایر مایحتاج خود معاوضه میکنند و مشتریه‌های همیشگی وثابتی ندارند و بازارهای ثابتی را نیز نمیشناسند. آنها خود را پای بند تمکین از مقررات و اصول سازسانهای دولتی و قوانین موجود نمیدانند، و بانها گردن نمی‌نهند. سران بزرگ این چادر نشینان که بخصوص در کشورهای عربی قدرتی بهم میرسانند و عنوان اسیر بر خود مینهند باتکیه بر مقررات و رسوم قبیله‌ای صاحب قدرت فراوان میباشند و در مواقع لزوم این چادر نشینان را مسلح ساخته در منازعات مختلف که گاه دامنه آن به ماجراهای سیاسی مهم نیز کشیده میشود شرکت میدهند.

نومادیزم عمودی (ازدشت به کوه): موقعیت جغرافیائی، وضع بارندگی و در نتیجه باروری و سرسبزی علفزارها در وجود آمدن شیوه چادر نشینی عمودی نقش عمده را ایفاء مینماید.

چنانکه گفته شد وجود علفزارها و چراگاههای وسیع موجب رشد دامپروری

وزندگی شبانی می‌گردد، زمانیکه درکناره این چراگاهها ویا حتی درفاصله دور از آنها کوهستانهایی باشد که در فصل تابستان در داسنه‌های خود چراگاههایی را با هوای معتدل در اختیار دامپروران بگذارند، کوچ سالیانه بسوی آنها برقرار خواهد گشت. دامپروران چادر نشین که به بهره‌برداری از علفزارهای طبیعی تمایل فراوان دارند. حتی دوری و سختی مسیر کوچ آنها را از این بیلاق و قشلاق باز نمیدارد و همه ساله بآن می‌پردازند.

آنچه سبب اطلاق عنوان چادر نشینی عمودی بانها گشته عبارتست از تغییر مکان بین جلگه و کوهستان و بعکس که باینصورت از یک سطح پست بارتفاعات می‌روند و باز در اوایل پائیز از آن پائین آمده راه طولانی دشتهای دور دست را در نقاط گرمسیر در پیش می‌گیرند.

خصوصیت عمده‌ای که این دسته را از چادر نشینان گروه افقی مشخص می‌سازد آشنائی آنها بامر زراعت است. این مردم اغلب بطور معمول در مدت اقامت خود در قشلاق به کشت و زرع می‌پردازند. گاه محصولات مزبور از نوع زودرس است و گاه زمانی در قشلاق بذریع افشانند و در بازگشت آنرا درو میکنند. این کشت و برداشت دارای میزان فراوانی نیست و فقط برای رفع نیاز خودشان انجام می‌گیرد. پرداختن بکار زراعت در بعضی نقاط ایلیاتی رفته رفته خود بصورت یک نوع فعالیت نسبتاً مؤثر درآمد و در جوار امر دامپروری نوعی اقتصاد روستائی که حاصل پیوستگی زراعت و دامداری است بوجود آورده است.

میتوان گفت که اکثریت چادر نشینان و ایلات ایران دارای رژیم مزبور میباشند و سرزمینهای مخصوص بیلاق و قشلاق را در اختیار دارند.

چنانکه طوایف بختیاری تابستانها را در کوهستانهای نزدیک اصفهان بسر برده و زمستانها بدشتهای خوزستان باز میگردند و باینترتیب مسافتی نزدیک به ۵۰۰ کیلومتر را طی میکنند.

در رژیم چادر نشینی عمودی گونه‌هایی چند بر حسب موقعیت جغرافیائی منطقه

و شرایط آب و هوا و برخی تحولات و دگرگونیهای اجتماعی و سیاسی وجود دارد که مهمترین آنها عبارتند از:

۱- کوچ و جابجائی افراد ایل و چهارپا باهم در مسیر طولانی :

این طرز زندگی چادرنشینی و کوچ شبانی معمولترین و رایجترین نوع چادرنشینی است که مفهوم واقعی شیوه زندگی مزبور را دربردارد. در این گونه کلمیه خانوادهها همراه با احشام و چهارپایان خویش و تمام وسایل زندگی سالی دوبار به کوچ بیلاق و قشلاق میپردازند. زمانیکه به بیلاق میروند تمام وسایل خود را به همراه میبرند و در قشلاق چیزی باقی نمیگذارند. زندگی آنها در زیر سیاه چادرهایی صورت میپذیرد که بدست خود بافته اند و برافراشته اند. در حین بیلاق و قشلاق بار و بینه آنها بر پشت چهارپایان باربر و برخی اوقات بر گرده گاوها حمل میگردد. در طول مسیر خویش هنگام غروب اردوگاههایی تشکیل میدهند تا خستگی راه پیمائی روز را از تن خارج سازند. خانها و رؤسای تیره ها و طایفه ها در جریان کوچ مسئولیت تنظیم امور و امنیت بخشیدن به راه و مسیر ایل و دفاع از حملات اتفاقی سایر ایلات و انتخاب محل اردو و غیره را بعهده دارند. و برای اداره این وضع سازمان مفصلی را ترتیب داده اند.

در این شیوه چنانکه گفته شد امر زراعت نیز صورت میپذیرد و ایلات در بیلاق و قشلاق باینکار میپردازند و از محصولات کشاورزی بهره مند میشوند.

در طی سالهای اخیر در برخی از نقاط ایلیاتی در قشلاق، آنها دست بکاربنای خانه های گلی زده اند که در مقایسه با چادرهایشان وضع مناسب تری برای زندگی دارد. در همین نقاط خانها و افراد ثروتمند ایل بناهای بزرگ و مجهزتری برپا کرده اند و باین ترتیب دهکده هایی در این نواحی پدیدار گشته و جمعی از افراد ایل اغلب تمام مدت سال را در آنها ساکن میباشند. باین ترتیب با توجه به مسائل فوق میتوان گفت که آنها دارای زندگی نیمه چادرنشینی بوده و امکان سوق دادنشان بسوی زندگی جوامع روستائی بسیار فراوان است.

۲- چادرنشینی در حوالی دهکده‌ها :

مطالعات جغرافیائی نشان میدهد که اغلب در کنار بعضی از علفزارها و استپ‌ها که میزان رطوبت متوسطی دارند و بخصوص وقتی در حاشیه آنها کوهستانهائی باشد که بتواند آب لازم را تأمین سازد، امر کشاورزی توسط خود دامپروران توسعه یافته و دهکده‌هائی بوجود آمده است. چنین وضعی حتی در دوران قبل از تاریخ نیز برقرار بوده و تحقیقات باستانشناسی نشان میدهد تمدن روستائی که عبارتست از اشتغال با سرزراعت و دامداری در کنار هم در بعضی نقاط و بخصوص در همین استپ‌ها و علفزارها پایه گرفته است.

امروزه وقتی چنین دهکده‌هائی در مناطق ایلیماتی بوجود می‌آید، آنها که ساکن گشته‌اند برحسب منطقه برای ادامه سرپر درآمد دامپروری دوشیوه را برمیگزینند.

الف : چنانکه دهکده مزبور در دره و یا دامنه کوهستان قرار گرفته باشد و به جلگه‌های اطراف دسترسی باشد، گلگه‌ها را جمع‌آوری ساخته و برحسب خانواده‌هائی که دارای چهار پا در گلگه هستند بنوبت چرای گلگه‌ها توسط چوپانان در خارج از دهکده و در فاصله نزدیک بآن صورت میپذیرد. و یا اینکه زمستانها گلگه‌ها را به دشتهای نزدیک میفرستند.

ب : زمانی که ده در جلگه قرار دارد و تابستانها گرمای هوا افراد را نیز ناراحت می‌سازد، در اینوقت چنانکه کوهستانی در نزدیکی ده در فاصله ۳ تا ۵ کیلومتر باشد، اکثریت خانواده‌ها همراه گلگه‌ها به ناحیه ییلاقی میروند و تابستان را در آنجا بسر میبرند و باینترتیب نوعی کوچ و چادرنشینی موقت سالیانه را انجام میدهند.

در این مدت، تعدادی از افراد ایل در ده میمانند و بکارهای زراعی و حفاظت از اسوال و خانه‌ها میپردازند.

این شیوه درباره‌ای که برای انجام داد و ستد توسط برخی از پیشه‌وران در مسیر ییلاق و قشلاق ایل بوجود آمده است نیز صادق میباشد.

۳- رمه گردانی عمده در فاصله دور :

دربین چادر نشینان افرادی هستند که در تربیت داسها و حفاظت از آنها تخصص کامل دارند و تقریباً همه عمر را به شغل چوپانی میگذرانند . این افراد براساس قرارداد هائی که برحسب منطقه فرق میکند؛ گله های فراوانی را که متعلق به چادر نشینان اسکان یافته و یا کشاورزان برخی از دهات میباشد جمع ساخته و چنانکه دهکده در منطقه سردسیر و یا گرمسیر باشد آنرا به منطقه ای که از حیث هوا و چراگاه مناسب باشد کوچ میدهند . گاه این فاصله به چند صد کیلومتر میرسد و زمان آن بیش از یک فصل بطول میانجامد . گوا اینکه شیوه مزبور دارای همه مشخصات زندگی چادر نشینی نیست ولی با اینحال نمونه ایست ازجابجائی گروهی معدود از انسانها که همراه گله ها تغییر مکان میدهند . این شیوه ایست که امروزه نیز در برخی نقاط اروپا همچنان رایج است و در اسکان عشایر باید بان توجه کامل مبدول داشت .

بطور کلی چادر نشینان بهر یک از گونه های فوق که زندگی نمایند، با توجه به سنن و رسوم مخصوص بخودشان که در میان ایلات مختلف رنگ های گوناگون دارد ، سازمان و تشکیلات ویژه ای را معرفی مینمایند که از جهاتی بهم نزدیک میباشد و بعکس با جوامع روستائی و شهر نشین دارای اختلافاتی چند میباشد . بهمین دلیل است که وقتی گروهی از دهقانان بدلائل اقتصادی و اجتماعی و سیاسی ناگزیر از ترك ده گشته و زندگی خانه بدوشی را برمیگزینند ، ایلات آنها را بخود نمیپذیرند و رفتارشان با آنها بصورت بیگانه می باشد . مردم ایل پیوستگی هائی بین خویش دارند که اگرچه در بعضی موارد حتی نزاعهای خونینی بین بعضی از تیره های یک ایل بزرگ صورت میپذیرد اما آنجا که پای آبرو و حیثیت و منافع ایل در میان است همه بدفاع از آن میپردازند .

در اینجا لازم میداند گروههای بی خانمان دهقانان را که از ده رانده شده و به چادر نشینی پرداخته اند دسته ای از این مردم بشمار آریم که فقط از نظر ظاهر زندگی با چادر نشینان شباهت دارند ولی خصوصیات اجتماعی و سازمانی آنها و آداب و رسوم

مربوط باین مردم را دارا نیستند. آنها اغلب بانام «عمله» بخدمت خانها درمیایند و تقریباً از داشتن سرمایه شخصی مانند چهار پا و حشم بی بهره میباشند و هیچگونه حقی بروی چراگاههای ایل برای آنها قائل نیستند.

سابقه دارد که آنها به ایل نیز داخل نگشته اند و در نزدیکی بعضی دهات چادر میزنند و باسر تهیه کتیرا و یا بافت حصیر و سبد و سایر صنایع دستی میپردازند و ازاین راه معاش خود را تأمین میسازند.

در ایران اشکال مختلف زندگی چادرنشینی و کوچ شبانی که در صفحات گذشته برشمردیم وجود دارد. بجز نوع چادرنشینی افقی که بیشتر در صحراهای عربستان و شمال آفریقا میتوان آنرا مشاهده نمود.

در قسمت غرب ایران، یعنی منطقه کردستان فاصله بین محل گرمسیر و سردسیر کوتاه بوده و تعداد دهات وابسته به ایلات مختلف کرد بسیار است و مدت زمان بیشتری از سال را مردم ایل در ده و خانه های مسکونی ساکن میباشند.

در حالیکه فاصله بین گرمسیر و سردسیر در نواحی مرکزی و جنوبی بسیار زیاد است و از جمله ایل بختیاری میان دشتهای خوزستان تا حوالی اصفهان مسیر طولانی را طی میکند.

امر مهم گردانی نیز تاحدی در حدود فارس و کرمان رواج دارد و چوپانان متخصص چند ماهی از سال را همراه گله های بزرگ به نقاط دور دست میروند؛ ولی صاحبان رسته ها در دهکده باقی میمانند. بنابراین با توجه به شرایط و اوضاع و احوال طبیعی هر منطقه از کشور که از نظر اقلیمی به نواحی چند تقسیم میگردد، شیوه هایی منطبق با آن برگزیده اند و بمورد اجراء میگذارند.

کولی ها :

از دیر باز دسته های چادر نشین سرگردانی در نقاط مختلف آسیا و اروپا وجود داشته اند که در گروه های کوچک و بزرگی اوقات متوسط، زندگی متحرکی را برگزیده و همه اوقات سال را در زیر چادر و در حال جابجاشدن میگذرانند. درباره اصل و منشاء

این دسته از مردم و وضع اجتماعی و اعتقادات آنها مطالعاتی صورت پذیرفته و نظریاتی ابرازگشته است .

بطور کلی آنها را جماعتی از نژاد آریائی هند و ایرانی دانسته و معتقدند که از سرزمین هند به سایر نقاط جهان پراکنده شده اند . وجود برخی نزدیکی ها در رسوم و اعتقادات آنها وجود یک ریشه مشترک را در بین این مردم تأیید مینماید . وضع زندگی کولیها که نه بکار زراعت موقت میپردازند و نه دامپروری ، بهیچوجه قابل مقایسه با دسته اصلی مردمان چادر نشین دامپرور که موضوع اصلی مورد بحث ما میباشد ، نیست . این مردم اغلب بصورت هنرمندان دوره گرد و سازندگان برخی کارهای دستی هنری و یا فلز کارانی که سبب احتیاج زارعین را میسازند ، جلوه گر میشوند . این گروهها نقش عمده ای در تولید منطقه ندارند و داد و ستدشان در بازارهای سر راه اثر قابل ملاحظه ای در بر ندارد .

شعاع عمل کوچ کولیها بطور کلی در مورد همه دستجات آنها معین و مشخص نمیشود . بعضی از آنها بیشتر در یک منطقه معین به رفت و آمد مشغول میباشند و یک «دور» سالیانه را در منطقه طی میکنند . ولی بسیاری از آنها نیز مراحل مختلف کوچ خود را با هدف قبلی و مشخص انتخاب نمیکند و چه بسا که هیچگاه به نقطه اولی که از آن مهاجرت کرده اند بازنگردند . آنها بطور کلی خود را از قید و بند های فراوانی رها ساخته اند و چون نه بزمین بستگی دارند و نه دام دست و پایشان را میگیرد ، اجباری برای انتخاب محل مشخص و یا مسیر همیشگی و معلومی ندارند .

باین ترتیب میتوان گفت که زندگی کولیها نیز شکل بخصوصی از شیوه زندگی چادر نشینی و خانه بدوشی است که شناخت کامل شرایط آن احتیاج به مطالعه کافی و فراوان در این زمینه را دارد .

بخش سوم

یکجانشین ساختن ایلات

مطلبی که بیش از هر چیز در موقع بحث راجع به چادرنشینان و ایلات مورد گفتگو و توجه قرار میگیرد ، امر اسکان آنها میباشد . این موضوع در طی چهل سال اخیر در سرزمین ما اغلب جزء مهمترین مسائل روز قرار گرفته و اقدامات فراوانی نیز در این زمینه صورت پذیرفته که بیان تمام حوادث آن بخش مهمی از تاریخ معاصر وطن ما را تشکیل میدهد .

ما در اینجا بجهاتی قصد آن نداریم که وارد تجزیه و تحلیل اقدامات گذشته بگردیم و چگونگی آنرا بیان بداریم . فقط باید بگوئیم بدلائل فراوانی که در قبل بیان داشتیم طرز عمل با اصول علمی و مبتنی بر شناخت واقع بینانه مطابقت نداشته و بهمین دلیل مشکلاتی را به بار آورده است .

از طرفی در این بحث قصد ما این نیست که راه حلهای قطعی درباره اسکان عشایر ارائه دهیم ، زیرا معتقدیم برای انجام این امر باید نخست به مطالعه دقیق این جوامع پرداخت و سپس با در دست داشتن مدارك لازم بانتخاب راه حل و شیوه های منطقی اقدام نمود .

باینترتیب ما در صفحات بعد ضمن اشاره بمشکلاتی که ایلات در زندگی چادرنشینی با آن روبرو هستند و ناراحتی هایی که بر اثر برخورد آنها با جوامع ساکن در طول این تغییر مکانها بوجود مییوندد سعی خواهیم کرد برخی از شیوه های قابل اجراء را برای از میان بردن این مشکلات ارائه نمائیم ، تا پس از مطالعه این گروه های متحرک بر حسب موقع و محل از این شیوه ها استفاده نمائیم .

در ظاهر اسر وقتی صحبت از ییلاق و قشلاق عشایر به میان میاید جمعی آنرا یک اسر ساده تلقی نموده و آنرا از هر گونه نظم و قاعده ای بیرون میدانند. در حالیکه مهمترین موضوع درزندگی چادر نشینان همین اسر کوچ کردن و جابجا گشتن است که سالی دوبار در طی قرنهای صورت پذیرفته و اداسه دارد. آنها برای اینکه برنامه سزبور بانجام برسد ترتیب های خاصی برگزیده اند و سازمان میجهزی بوجود آورده اند. میتوان گفت که قدرت خانها و سران چادر نشینان و ایلات از گذشته دور تا با امروز بیشتر بر اساس نقش رهبری کننده آنها در جریان کوچ و تغییر مکان بوده است.

چنانچه میتوانیم اسر زیر را در جریان ییلاق و قشلاق ایل از جمله وظایف سازمان رهبری آن بشمار آوریم.

تعیین موقع حرکت: انتخاب زمان حرکت بسوی ییلاق و قشلاق از وظایفی است که خان ایل و رؤسای تیره ها و طوایف برعهده دارند. آنها باید باتوجه بوضع هوا و اینکه با اصطلاح فصل جلو افتاده یا عقب افتاده، زمان حرکت را معین سازند و با خبر قبلی افراد چادر نشین بجمع آوری وسایل بپردازند و چادرها را برچینند تا قدم در راه بگذارند.

انتخاب مسیر: باینکه مسیر اصلی کوچ هر ایل مشخص میباشد با اینحال برای آنکه بهترین قسمت مسیر انتخاب بشود و مشکلی در نتیجه عبور چند طایفه از یک استداد پیش نیاید قبلاً خط سیر هر تیره را مشخص میسازند و رؤسای آنها راهنمایی کوچ کنندگان را بدست میگیرند.

ترتیب عبور: چون طوایف مختلف یک ایل همگی در ییلاق و قشلاق در کنار هم قرار نمیگیرند و برای استفاده چراگاهها هر دسته در قسمتی متمرکز میگردد، در موقع حرکت بر حسب موقعیتی که در محل دارند ترتیبی میدهند تا دسته ای که از همه دورتر است اول بسوی ییلاق و یا برعکس آغاز حرکت نماید و همینکه بمنطقه ییلاق رسید باید به آخرین نقطه آن برود.

باینترتیب، تنظیم نوبت کوچ برای هر تیره نیز جزء وظایف سازمان رهبری

ایل است تا از هر گونه برخوردی جلوگیری بعمل آید . انجام این عمل و انتخاب مسیر از جهت دیگر نیز حائز اهمیت است و آن اینکه در موقع عبور باید گله‌ها چرا نمایند و از اینرو لازمست امتداد آنها و زمان عبورشان چنان تنظیم بگردد که تمام رسته‌های ایل در حین عبور بتوانند از چراگاههای سرراه استفاده نمایند .

نظارت در عبور از نقاط سخت: در طول مسیر ایلات، اغلب گذارها و معبرهای کوهستانی سختی قرار دارد که ناگزیر از آنند تا چهار پایان را یکی یکی از آنجا عبور دهند . همچنین رودخانه‌های پرآب و خروشان وجود دارد که باید چند بار از آنها بگذرند، باین ترتیب هدایت افراد ایل و گله‌های آنها و باز کردن راه و تهیه وسایل از قبیل «کلک» برای عبور از رودخانه‌ها و سایر تدابیر لازم جهت عبور دادن سالم همه افراد ایل و رسته‌ها از جمله وظایف مهم سران طایفه‌ها و تیره‌ها میباشد . در اغلب موارد کوشش آن‌ها در جدال با مشکلات طبیعی چنان است که فقط تسلط کامل و شجاعت و تهور آنها است که میتواند انجام امر بی‌ایلاق و قشلاق را با وجود همه مشقاتی که دارد امکان‌پذیر سازد .

انتخاب محل اردو: از آنجا که اغلب برای استقرار در محل جدید میبایست بین ۱۰۰ تا ۵۰۰ کیلومتر راه طی گردد و ممکن نیست که مسافت مزبور را در مدت کوتاهی پیمود، کوچ‌کنندگان ناگزیرند که هر شب را درجائی اردو بزنند و در طی مسیر نیز برای رفع خستگی در چند نقطه چند روزی توقف نمایند . در این حالت است که انتخاب محل اردوهای شبانه و اردوهای موقت نیز بعهده رؤسای ایل قرار دارد . در این مرحله باید دقت نمایند که اگر در جوار یک دهکده اردو زده‌اند از تجاوز دامها بدهکشتزار روستانشینان جلوگیری نمایند و مراقبت نمایند که از این حیث برخوردی پیش نیاید . زیرا تماس آنها با این نواحی و دهات سرراه همیشگی است و نباید منازعات دائمی داشته باشند . از طرف دیگر چون افراد ایل در طول مسیر برای مایحتاج خود بطور دائم تقریباً با این جوامع ساکن در حال داد و ستد میباشند، به حسن رابطه بین دو گروه اهمیت فراوان قائل میباشند .

وجود بعضی دسته‌های مسلح چادر نشین که قصد تاراج گله و وسایل کوچ کنندگان را دارند، خود عامل دیگری است که رهبری ایل را موظف به اتخاذ تدابیر لازم جهت حفظ منافع طایفه‌ها و تیره‌های تحت نظر خود می‌سازد.

بدون شک همیشه ایلات درحین عبور و کوچ برای جوامع ساکن و خصوصاً نقاطی که آبادانی آن بخوبی بچشم می‌خورد، بی خطر نبوده‌اند. سابقه دارد که هجومها و حملاتی دراین مواقع به دهکده‌ها و حتی شهرک‌ها از طرف ایلات مسلح صورت پذیرفته و خساراتی ببار آورده است. درچنین مواقعی تصمیم اصلی بابتکار سران ایل اتخاذ شده و آنها هستند که قادر می‌باشند ایل را به نبردهای خونین دسته جمعی بکشند. چنین وضعی از گذشته دور تا بحال در اکثر نقاط دنیا وجود داشته و هجومهایی ازجانب چادر نشینان بسوی نقاط آباد و جوامع ساکن صورت پذیرفته است.

داد و ستد: ایل درحین عبور بعضی وسایل مورد نیاز خود را از روستاهای سرراه تهیه مینماید. برحسب آنکه بازار ده درچه وضعی باشد و قدرت داد و ستد آن چگونه باشد میزان حجم دادوستد فرق میکند. اغلب افراد ایلات سعی میکنند عمده محصول خود را با احتیاجات مهم سالانه، خود در بازارهای بزرگ دو منطقه بیلاق و قشلاق معاوضه نمایند. بنابراین خرید و فروش بزرگ بیش از دو بار در سال نیست با اینحال قبل از رسیدن به بازار بزرگ و یا پس از عبور از آن اتفاق می‌افتد که به مایحتاج جزئی نیاز پیدا کنند و آنرا از دکانهای دهات سرراه تأمین می‌سازند. باین ترتیب چه بصورت معامله بزرگ و چه کوچک این دو جامعه باهم به داد و ستد سپردارند و بایکدیگر در ارتباط هستند و در نتیجه سازمان رهبری ایل وظیفه سنگینی در حفظ منافع افراد در امر خرید و فروش دارد تا زیان کمتری متوجه آنها شود.

تماس در زمینه کشتزارها: افراد ایل در مسیر بیلاق و قشلاق خود وقتی که بحدود روستاها میرسند طبیعی است که بازمینهای کشاورزی و زیر کشت روستا نشینان تماس حاصل میکنند و در همین مرحله است که اغلب اختلافاتی بروز مینماید. و وقتی که دهکده سرراه زمینهایش از آن افراد خارج از ایل باشد این برخورد و اختلاف

بیشتر میشود. عبور تعداد بیشماری چهارپا از منطقه مزبور اغلب سبب میشود که خسارتهائی به کشتزارها وارد گردد و از اینرو ناراحتی هائی بروز نماید. باین دلیل است که سازمان رهبری ایل درحین کوچ تصمیماتی را اتخاذ مینماید تا از این برخوردها جلوگیری نماید. با اینحال در تمام مدتی که ایل از کنار کشتزارهای ده میگردد و یا در اطراف آن اطراق میکند نوعی تماس نزدیک بین دو جامعه برقرار میگردد که در این جامعه ساکن بحالت آماده باش درمیآید ولی هیچگاه قادر نخواهد بود در صورت تمایل ایل از تجاوز آن جلوگیری نماید و ناگزیر از آنست که همیشه برای حفظ موقعیت خویش با سازمان رهبری ایل در تماس باشد و با همکاری یکدیگر از بروز اختلافات جلوگیری نمایند.

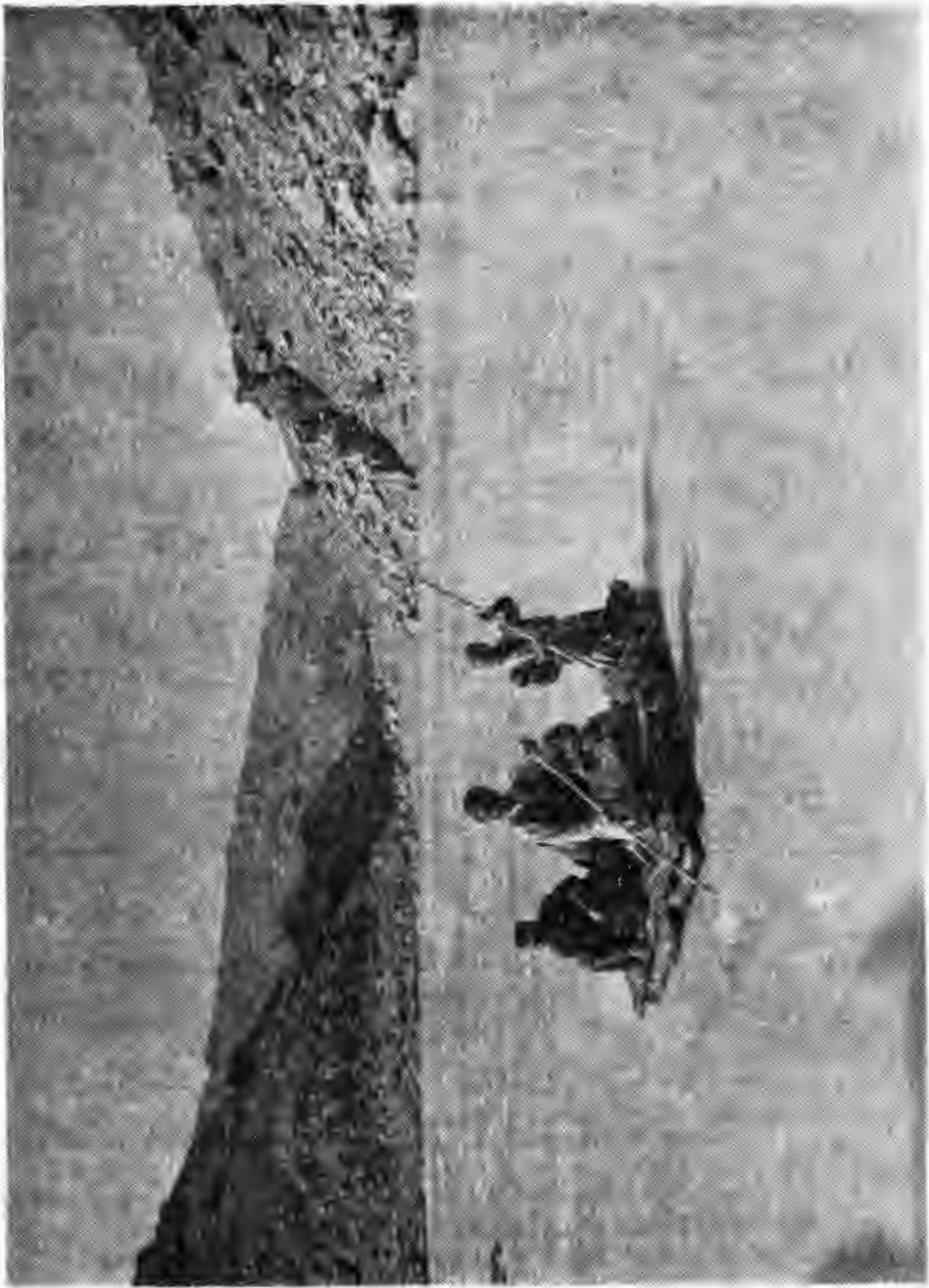
استفاده از آب و آبشخوار: زمانیکه ایل در ییلاق و یا در قشلاق قرار دارد بر طبق حقی که از دیرباز داشته است از آبشخوار و منابع طبیعی آب برای چهارپایان و افراد خود استفاده مینماید و مشکلی پیش نمیدارد. ولی درحین عبور خصوصاً در مناطق کم آب ایل باید از منابع آب مربوط به روستانشینان استفاده نماید، این آبها بیشتر بصورت قنات و کاریز با کوشش و صرف هزینه روستانشینان بدست آمده است و پیش نمیداند که برای مصرف از آنها مشکلاتی بروز نماید. ولی بیشتر این دو واحد بر سر استفاده از این منابع در نقاطی که آب ارزش فراوان دارد و تا حدی کمیاب میباشد، قراردادهای بخصوصی دارند که از بروز حادثه جلوگیری مینماید. ترتیب امر فوق نیز به عهده مسئولان امر میباشد.

استفاده از کشتزارهای درو شده: چهارپایان و احشام ایلات در موقع عبور از سرزمینهای مسیر کوچ در برخورد به کشتزارهای روستانشینان، اغلب در مزرعه های درو شده و یا زمینهای که برای آیش رها شده اند به چرا مشغول میشوند و این امری است که هیچگاه از جانب کشاورزان مورد مخالفت قرار نمیگیرد زیرا در مدتی که گله بر روی این زمینها بچرا مشغول است مقدار قابل توجهی کود طبیعی نیز عاید زمین میگردد که برای باروری آن اهمیت فراوان دارد و باین ترتیب بدون آنکه روستائیان

بابت چرا در زمین های خود چیزی طلب نمایند ، بصورت معاوضه از این طریق درآمدی بدست میاورند .

مشکلات عبور و خسارت های وارده : باوجود آنکه سازسان رهبری ایل درسوق کوچ چنانچه اشاره گشت اصولی را رعایت نموده و میکوشد که این سفرسالیانه و همیشگی با حداقل خسارت صورت پذیرد ولی واقعیت امراینست که همه ساله درجریان ییلاق و قشلاق، افراد چادرنشین متحمل مشکلات فراوان و خسارت های جانی و مالی قابل ملاحظه ای میگردند که سخت آنها را ناراحت میسازد و بااینحال خود را مجبور بان می بینند که این برنامه را ادامه دهند . توجه به رفع مشکلات در بهبودبخشیدن وضع این مردم و بالا بردن سطح تولیدشان اثر فراوان خواهد داشت .

ازجمله این مشکلات راه های سخت کوهستانی مسیر عبور این چادرنشینان است . اکثر کوهستان های ایران که برسر راه ایلات قرار دارد دارای گذرگاه های مشکل و دیواره های صاف و خطرناکی است که در نظراول غیرقابل عبور بنظر میرسد ولی قرنهایست که زنان و مردان ایلیاتی همراه با چهارپایان و باروبنه از آنها میگذرند . نمونه جالب این تلاش حماسی فرزندان ایل را دربین طوایف ایل بختیاری درسوق گذشتن از **زردکوه** میتوان مشاهده نمود . گذشتن از بعضی رودخانه های بزرگ و پرآب که از مسیرهای کوهستانی میگذرند نیز خود مشکل بزرگی را بوجود میآورد . در اکثر نقاط ایران برروی این رودخانه ها پل وجود ندارد یا اگر پلی بسته شده بطریق کاملاً ابتدائی است و عبارتست از پلهائی که با طناب های کلفت درست شده و کف آنها باشاخ و برگ پوشانیده اند . عبور از چنین پلهائی همراه با اسب اکثر ایجاد خطر میکند با اینحال اگر امکان عبور دادن گله از آنها میرفت تا حدی مشکل را حل میساخت ولی چنین امری بهیچوجه مقدور نیست و ازاینرو افراد ایل به راهنمایی بعضی از سرپرستان خود با ساختن قایق هائی از نی و بستن مشک بزریر آنها که نامش را « کملک » مینهند ، باروبنه و زنان و کودکان خود را از آب عبور میدهند . سپس خودشان شناکنان دسته دسته چهارپایان را از آب میگذرانند . درانجام این امر همه



بختیاری ها سوار بر کلک در موقع گذشتن از رودخانه

ساله تنی چند از آنان در دل آبهای خروشان رودخانه بکام مرگ کشیده میشوند و تعداد فراوانی از گوسفندهایشان نیز از دست میرود. در عبور از کوهستان نیز خطر پرت شدن برای خود افراد و برای چهارپایان آنها بسیار است. باین ترتیب در هر سال که آنها ییلاق و قشلاق میکنند تلفات جانی و خسارتهای مالی فراوان میدهند که رقم آن قابل ملاحظه است.

از طرف دیگر چون راههای کوتاه برای طی فاصله بین ییلاق و قشلاق وجود ندارد و ناگزیر از آن میباشند که مسافت بسیاری را دور بزنند، اغلب بعلت نبودن چراگاههای غنی در مسیرهای مزبور و طولانی بودن راه، گلههای آنها مقداری از وزن خود را از دست میدهند و در میزان شیر آنها نقصان قابل ملاحظه ای بوجود میآید. و این هر دو سبب میگردد که بمیزان محصول دامپروری آنها خساراتی وارد شود که خود حائز اهمیت فراوان است.

بی مورد نیست که در اینجا برای نشان دادن مشکلات موجود در حین کوچ ایلات از نقاط سخت کوهستانها و رودخانه ها چند نمونه از کتاب «سفر سرزمین دلاوران» نوشته «مریان سی کوپر» ترجمه ایلخان ظفر بختیاری را ذکر نمائیم. نویسنده این کتاب خود به همراه ایل بختیاری از قشلاق به ییلاق رفته و مشاهده و ناظر تلاش سرسختانه این مردم بوده است. کوپر در مورد علت ییلاق و قشلاق نمودن ایل چنین مینویسد: «چگونگی و سبب کوچ کردن عشایر از اسرار بسیار جالب طبیعت است و یا بعبارت آخری نیرنگی است که طبیعت برای بشر مهیا کرده است. بدینسان که در حله نخست انسان را در این سرزمین بایر که محصولات کشاورزی اش تکافوی غذای ساکنینش را نمیکند به علف و گیاهان برای ادامه حیات دامهایش محتاج میکند که تا بتواند قوت و غذایش را از شیرویشم و گوشت او مهیا کند و سپس آنقدر علف نمی رویاند که تمام سال علوفه و خوراک گله ورمه اش فراهم باشد.

و در اینجا، در مغرب کوهستانها هوا گرم و سوزان است، بنابراین در زمستان علف فراوان است. اما حرارت تابستان روئیدنیهای این منطقه را خشکانده نابود

میسازد. از طرف دیگر سرزمین های مرتفع شمال شرقی کوهستانها دارای هوای خنک و فرح بخشی است که در تابستان پوشیده از چراگاهها و مزارع سبز و خرم اند و در زمستان بعثت وجود سرما و برف های شدید منجمد و غیر قابل استفاده میباشد.

از این رونیمی از سال سرزمین های شمال شرق ونیم دیگر مناطق جنوب غرب دارای چراگاه و روئیدنی میباشد. لذا دوبار در سال یکی بهار و دیگری پائیز طبیعت قبایل را و امیدارد که کوهستان ها را در نور دیده و از رودخانه بگذرند و به چراگاه حیات بخش برسند و این داستان قرنهای متعددی است که تکرار میشود.

کوپر درباره تلاش و کوشش حماس افراد ایل در موقع گذشتن از زردکوه بختیاری چنین مینویسد: «از سمت چپ و جلو، کوه غیر قابل عبور بود، چون آنقدر سطح آن صاف بود که جای پا یافت نمیشد در سمت راست، دامنه کوه از سنگلاخی سراشیمی شروع میشد و سپس سراشیمی در میان برف بحدی میرسید که گوئی بازین زاویه قائمه میساخت مخصوصاً سیصد متر آخر که مانند دیواری بنظر میرسید. معهنذا این تنها گذرگاهی بود که کاروان ما میتوانست از آن بگذرد.

یکساعت دیگر راه پیمودند تا بانجائیکه از برف پوشیده بود رسیدند. در این مکان حیدر ایستاد و در حدود پنج دقیقه راه را مورد مطالعه قرار داد.

بعد از آنکه هادیلم ضخامت برف را آزمایش کرد سرالائی را گرفته بالا رفت و پنجاه متری را پیمود، سپس با صدائی بلند فرمانی داد. صدای «یاعلی» بلند شد و دونفر از مردان شروع بکندن برف کردند و عده ای دیگر وارد کارزار شده بایلهایشان برفیکه کنده شده بود، رویدند.

همینطور که این عده مشغول ایجاد جاده ای مورب بهمحلیکه حیدر رفته بود شدند، عده دیگر از عقب رسیده جاده را فراخ تر کردند. چون کارگران بحیدر رسیدند، آنها را در جهت خلاف منتهی کمی رویبالا واداشت تا دنبال جاده را احداث کنند. ایلیات اینگونه از میان جاده برفی و بین دیوار برفی که بوجود آمده بود میبایست بگذرند. و این کوه پیمائی از میان دیوار برفی که برای جلوگیری از سقوط وانهدام

آنها برپاشده بود باید آنقدر ادامه یابد و جاده های سوربوزیگ زاگ طی شود تا بقله کوه که هزاران متر ارتفاع دارد ، برسند و سپس بانطرف سرازیر شوند .
ساعتها حیدر و سردانش بکنند و آماده کردن راه مشغول بودند این فداکاری و فعالیت و مبارزه آنها همیشه مورد ستایش من بود .»

**

«باور نمیکنم در روی زمین جایی پیدا شود که نزاع بشر با طبیعت دارای چنین اثر حماسی و عمیق و حساسیت باشد ، اینست آنچه که ما دیدیم و خود شاهد آن بودیم . در اینجا در دامن کوهستانها مردمانی اردو زده اند که آنچه مال و حشم در دنیا دارند به همراه آورده اند . کوه بلندی که چون برج عظیمی اردوی آنها را بزیر کشیده است باقلل پوشیده از برفش سر باسمان میساید . این کوه مستقیماً در سر راه آنها واقع شده و راه بر آنها بسته است و بین ایشان و چراگاههایی که اهمیت حیاتی برای ادامه حیات خود و حیواناتشان دارد سد عظیمی بوجود آورده است . ضمناً باید فراموش کرد که این مردم بیش از یکماه است که در حال کوچند ، رودخانه سرد و منجمد کننده ای را با اسواج خروشان در یک نبرد هفت روزه طی کرده اند ، هفته های متعادی در کوستانهای صعب العبور و دشوار راه پیمائی کرده اند ، شبهای متعددی زیر باران و طوفان بدون پناهگاه سر کرده اند ، چونکه در واقع فقط عده معدودی از استفاده از چادر و خرگاه برخوردارند و بقیه چادرهایشانرا پشت سر جا گذاشته اند و فقط تعدادی برای امور خطیر و محض احتیاط همراه آورده اند .

. اینجا را بیاد داشته باشید و در ضمن هرگز فراموش نکنید که با وجود همه اینها باید کوه سفیدپوش عظیم را در نور دیده و پشت سر گذاشت . در پیش رو چراگاه هست و زندگی هست - پس باید بجلو رفت .»

مشکل برخورد با قوانین و سازمان اداری

از جمله مشکلاتی که چادر نشینان و مردم ایلیاتی با آن روبرو هستند و در سواقعیلاق و قشلاق از بعضی جهات بیشتر به چشم می‌خورد، برخورد آنها با مقامات صلاحیتدار دولتی است که مسئولیت حفظ نظم و وصول مالیات را از ایلات برعهده دارند. مادر این زمینه در صفحه‌های اول مطالبی را متذکر گشتیم و گفتیم که توسعه و گسترش قدرت مرکزی و ایجاد یک سازمان متمرکز و اتخاذ سیاستی مبتنی بر درهم شکستن هر گونه قدرت منطقه‌ای سبب گردید که سران ایلات که تا قبل از آن احساس خود مختاری می‌نمودند در برابر چنین وضعی واکنش‌های شدیدی نشان بدهند که اغلب منجر به نبردهائی می‌گردد.

پس از آن مسئولیت تماس و برقراری نظم در بین جوامع ایلیاتی به عهده مقامات نظامی و گذار گردید و خانهای ایل خود را بطور مستقیم در تماس با قدرت مجهز ارتش یافتند که در تمام امور و در بعضی موارد حتی نسبت به انتخاب خان ایل نیز دخالت کامل مینماید. بدنبال چنین وضعی بتدریج در برخی از نقاط مرکزی نواحی چادر نشین، سازمانهای اداری نیز مستقر گردیدند و در نتیجه سیستم‌های خود مختار ایلی مورد تهدید بیشتر قرار گرفتند و سازمان رهبری که خان در رأس آن بود نفوذش رو بضعف گرائید. دریافت مالیات از ایلات مزبور که در گذشته به عهده خان بود و خود او یکجا با دولت مرکزی طرف حساب می‌گردید، وضعش تغییر یافت و بموران دولتی این وظیفه را به عهده گرفتند. امور دادرسی که از دیرباز با توجه به سنن و آداب جوامع مختلف چادر نشین توسط رئیس سفیدان، کدخدایان و در مراحل مهمتر کلانتران و خانها رتق و فتق مییافت، به پاسگاههای انتظامی و دادگاههای بخش منتقل گردید امری که نه تنها از نظر ایلیاتی بلکه از نظر سازمانهای دادرسی مملکتی نیز مشکلات فراوانی را بوجود آورد.

انجام امری یلاق و قشلاق برای استفاده از علفزارها و چراگاهها در گذشته بدون مانع انجام میپذیرفت و در طایفه بر حسب حقوق دیرین از چراگاههای بخصوصی استفاده مینمودند ولی در این اواخر مأموران انتظامی در گذارهای مختلف مستقر گشته و حق علف چر میگیرند، این پولی است که پرداخت آن برای چادر نشینان و ایلات مشکل بنظر میرسد اگرچه برای تأسیس جاده ویا پلهای وسیع باشد.

تغییر مکان ایلات در دو فصل سال در شرایط فعلی که امنیت منطقه بعهدہ سازمانهای انتظامی گذارده شده و تا حد زیادی مسئولیت سازمان رهبری ایل تخفیف یافته است؛ برای دولت مشکل مهمی بوجود آورده و اغلب سابقه دارد که برخوردها و نزاعهایی در این موارد رخ میدهد.

مشکل گسترش کشتزارها در منطقه های چادر نشینی: انجام برخی اقدامات عمرانی در زمینه کشاورزی و خصوصاً بکار بردن وسایل جدید و مکانیزه کشاورزی، سبب گسترش کشتزارها و توسعه زمینهای مزروعی در بعضی نقاط گردیده. این وضع نه تنها شامل دهات با سابقه میباشد بلکه اغلب در باره دهات تازه ای که ساکنان آنها چادر نشینان گذشته تشکیل داده اند نیز تاحدی صادق است.

خصوصاً احداث سدهای جدید منجر بان میگردد که سطح زیر کشت به میزان زیادی فزونی یابد و طبیعی است که با اجراء برنامه شبکه های آبیاری زمینهایی که در گذشته فقط بصورت چراگاه از آنها استفاده میشده است امروزه مورد بهره برداری کشاورزی قرار میگیرند.

پیدایش چنین وضعی بطور مستقیم با منافع دامپرورانی که بصورت چادر نشینی روزگار میگذرانند تماس حاصل میکند و آنها را به مخالفت و نشان دادن عکس العمل بر میانگیزاند. زیرا توسعه کشتزارها و بسطشان به علفزارها، سطح چراگاههای موسمی دامپروران را در دشتهای و نقاط مسطح، کوچک و محدود میسازد و برای چرای دامهای آنها مشکلاتی را بوجود میآورد. از طرف دیگر اغلب توسعه زراعتی به مسیر عبور ایل تجاوز میکند و آنها را قطع میسازد در چنین حالتی که گروه کثیری همراه باره

ویاروبنه از آنجا میگذرند، امکان تغییر مسیر کاری است مشکل و بیشتر سبب میگردد که توجهی به حدود زمینهای زیرکشت نشود و دسترنج دهقانان پایمال ربه‌ها و چهارپایان ایلات بگردد .

شک نیست که پیش‌آمد مزبور در برخی اوقات سبب برخورد دو جامعه متحرک و یکجانشین گشته و اختلافاتی چند را موجب میگردد .

نبودن راههای ارتباطی بین مراکز بهداشتی و اداری و منطقه‌های چادر نشین‌ها و نبودن درمانگاههای بهداشتی ساکن و سیار در اردوگاههای آنها ، از نظر درمانی مشکل بزرگی برای این گروه‌ها میباشد، چنانکه تلفات جانی افراد رقم قابل ملاحظه‌ای را نشان میدهد . همچنین است عدم وجود متخصصین داسپزشک در بین این مراکز سهم پرورش دام که اغلب بر اثر بروز بیماریهای مهلک تعداد بسیاری از آنها از دست میروند .

نوع تغذیه و رژیم غذایی آنها چنان نیست که بازندگی پرمشقت و سختی که دارند توافق داشته باشد و انرژی لازم را در اختیار آنها بگذارد . با توجه به همه جهات فوق و اهمیتی که از نظر اقتصاد مملکت تولید محصولات دامپروری در بر دارد، باید کوشش نمود تا طریقه منطقی و اصولی را در امر اسکان این چادر نشینان برگزید که خود مشکلات جدیدی را پیش نیاورد . باید در این راه به اقداماتی که در سایر نقاط با شرایط نسبی مشابه ایران انجام پذیرفته است توجه کامل نمود و از راه‌حلهای بدست‌آمده استفاده نمود و از برخی اقدامات ناصحیح گذشته و اشکالاتی که در جریان امر برای خود ما و سایر کشورها پیش آمده بدور از تعصب پند گرفت . و با راهنمایی متخصصین فن قدم در راه طرح و اجراء برنامه‌ای قابل اجراء و در عین حال مفید و مؤثر گذارد .

اینک در زیر به مسائلی چند در زمینه یکجانشین ساختن ایلات و چادر نشینان اشاره مینمائیم و برخی از راه‌حلهائی را که امکان دارد پس از مطالعه لازم منطقه و شرایط محلی اتخاذ نمود یادآور میشویم .

ایجاد تخصص و گروه‌بندی و تمرکز در دامداری

دلیل آنکه قبل از هرچیز در ارائه راه حل‌های ممکن برای یک‌جانشین ساختن چادرنشینان و ایلات به قسمت مربوط به دامپروری می‌پردازیم اینست که اساس زندگی این مردم تا بحال برپایه تربیت دام و تولید محصولات مربوط بان بوده است .

هم‌اکنون در سراسر ایران انواع مختلف گوسفند پرورش داده میشود ولی هیچیک از آنها محصولی را که باید بدست بدهند در اختیار نمی‌گذارند . تا بحال هیچگونه اقدام اساسی و وسیعی در زمینه اصلاح نژاد و طبقه‌بندی آنها بر حسب نوع محصول و محیط جغرافیائی بعمل نیامده است .

باین ترتیب که نوع گوشتی ، شیرده ، پرپشم و پوستی گوسفندان ایران چنانکه باید مشخص نیست . در حالیکه در مراکز دامپروری بزرگ کشورهای پیشرفته ، سازانه‌های تحقیقاتی و آزمایشگاههای مجهزی جهت مطالعه بر روی نسلهای مختلف دام و به نژادی آنها صورت می‌پذیرد ، اکثر داسهای ایران در همان شرایط بومی قرن‌ها قبل خود بسر می‌برند . و در زمانی که اکثر کشورها محصول شیر یک‌گاو را در سال بمیزان فراوانی افزایش بخشیده‌اند ، در ایران همچنان از گاو نه (۹) تن شیر ده بعنوان نمونه مهم باروری یاد می‌گردد .

باتوجه بمراتب فوق باید کوشش نمود تا واحدهای مجهز علمی جهت مطالعه کامل انواع نژادهای دامی ایران بوجود آید و مشخص سازد که باتوجه به وضع آب و هوا و نوع علف و چگونگی چراگاههای مختلف کشور، در هر نقطه چه نوعی از حیوان باید پرورش یابد . زیرا شرایط جغرافیائی و نوع پوشش گیاهی در بوجود آوردن نسلی که یک یا دو قسمت از محصول دامی را بخوبی واجد باشد اثر کامل دارد .

گله‌داران را باید متوجه این نکته ساخت که در یک منطقه اسکان پرورش انواع دامها با ویژگیهای مختلف وجود ندارد . همچنین باید بآنها آموخت که

در تربیت دام نباید انتظار بهره‌برداری همه نوع محصول را داشت . چنانکه بطور مثال نباید نژادهای پروار را در اراضی کوهستانی کم‌علف نگهداری نمود و یا اینکه در بیلاق و قشلاق در مدت کوتاهی آنها را در مسافت طولانی بکوب واداشت . زیرا در اینصورت وزن آنها بتدریج کم میشود و گوسفندانی لاغر که گوشت ناچیزی بیش ندارند در اختیار گله‌داران قرار خواهد گرفت .

بنابراین سزاوار است که در نواحی کوهستانی به پرورش گوسفندانی پرداخت که محصول عمده مورد نظر پشم آنها میباشد .

بعکس در جاگه‌ها و نقاطی که علوفه بمیزان فراوان یافت میشود سعی کلی باید بر این باشد که نوع گوسفندان پروار و اغلب شیرده را پرورش داد .

در نقاطی که دسترسی به علوفه آبدار مانند چغندر و یا تفاله چغندر کارخانجات قند امکان پذیر است بهتر آنست که گوسفندان پروار گوشتی نگهداری شود .

باین ترتیب باید به گله‌داران آموخت تا کوشش نمایند که در یک منطقه گله‌ای مشابه داشته باشند و هر ساله انواع ناجور را از گله خود خارج سازند تا پس از گذشت یک دوره چند ساله بتوان در یک منطقه معین محصول دامی مشخصی را تولید نمود و از آن بهره‌برداری کرد .

خصوصیت مهم این امر گذشته از ازدیاد محصول و ایجاد تسهیلات و امکان بخشیدن به اقدامات علمی دامپروری در جهت به نژادی ، عبارتست از بوجود آمدن یک نوع محصول مشخص در ناحیه مزبور که در نتیجه میتوان بازار عمده‌ای نیز برای فروش آن بوجود آورد و از خرده فروشی فرآورده‌های دامی بقیمت‌های نازل جلوگیری نمود .

در امر ردیف ساختن گله و یکدست نمودن آن شیوه‌های مختلفی را میتوان برگزید و از آنجمله است اخته ساختن بره‌ها . بره‌های ناجور و آنهاییکه در جفت‌گیری مورد استفاده قرار نمیگیرند و باید گله‌ها را از وجودشان پاک ساخت لازمست که در سن ۲ ماهگی از بره‌های خوب جدا ساخته و اخته نمود . نتیجه اینکه از تولید مثل

این نوع ، جلوگیری میشود و ضمناً بره اخته شده خیلی زودتر چاق میگردد و پشمش لطیفتر میشود و میتوان از هردوی آنها استفاده کامل برد .

در ایران در شرایط فعلی با آزمایشهای ناقصی که صورت پذیرفته نژادهای عمده ای را مشخص ساخته اند که ذکر آنها بی مناسبت نمیدانیم این تقسیم بندی برحسب محصول گوسفندها بعمل آمده و چنین است :

- ۱- گوسفندان شیری که منظور اصلی نگهداری آنها بدست آوردن شیر است ، البته پشم و گوشت آنها نیز حائز اهمیت میباشد مانند گوسفندان سنجابی و بلوچی .
- ۲- گوسفندان گوشتی یا پرواری که محصول اصلی آنها گوشت است و خوبی پشم آنها هم مورد نظر است، مانند گوسفندان چال قزوین و سغانی .
- ۳- گوسفندان پشمی و پرواری که اهمیت پشم و گوشت آنها یکسان است مانند دورگه های مرینوس^(۱) .

۴- گوسفند های سرخس ، زندی و شیرازی بیشتر از نظر پوست حائز اهمیت میباشد . ملاحظه میگردد که سوق دادن گله داری بسوی یک شیوه علمی متکی بر آزمایشهای واحد های فنی مسئول ، امکان پذیر خواهد بود و فقط ایجاب میکند که در مرحله نخست چادر نشینان دامپرور را آماده پذیرش این دگر گونیها ساخت .

برای آنکه بتوان گله های بزرگ و یکدست بوجود آورد و اصولاً قدم بسوی تمرکز دامر دامپروری برداشت جا دارد که به بعضی شیوه های اجراء شده در سایر نقاط توجه داشت .

چنانچه در بعضی منطقه های وسیع میتوان حیوان را در مراحل مختلف رشد آن در نواحی مختلف نگهداری نمود تا از انواع چراگاهها استفاده برد . نظیر چنین وضعی در فرانسه به چشم میخورد . « در آنجا حیوانات را در غرب در زمینهای جنگلهای کوتاه قد و بیشه ای کوتانتن (Cotentin) و بیشه های نورماندی و من سفلی (Bas-Maine) و واند (Vendeé) بتولید و زایش و امیدارند . سپس بعد از یکماهگی آنها را در جلگه های

۱- پرورش و نگهداری گوسفند و بره - دکتر مهندس جیرسائی (ص ۲)

سجاور نرماندی سفلی و پواتوی علیا (Haut-Poitau) و شرانت (Cherentes) پرورش ورشد میدهند. عین همین عملیات نیز در مورد اسب انجام میگردد، باینمعنی که اسبها در پرش (Perche) متولد شده و در بوس (Beauce) پرورش مییابند^(۱). باید کوشش نمود تا دامپروران در امر وجود آوردن مراکز عمده پرورش دام بر طبق اصول علمی و پیشرفته واحداث مراعات مصنوعی و علوفه کثاری نظر موافق پیداکنند و بانشان دادن منافع که بر اثر بهره برداری از محصولات شیری، گوشت، پشم و پوست براساس وضع جدید عاید آنها خواهد گشت، به تقویت آن پرداخت. هم چنین با اقداماتی که بموازات این امر انجام میپذیرد سعی نمود تا کوچ انسان و دام را تبدیل به رهاگردانی نمود.

توجه به پرورش گاو و کم ساختن تعداد گوسفندان

یکی از راه حلهائی که در زمینه اسکان عشایر و چادر نشینان دامپرور پیشنهاد میشود اینست که بجای گوسفند باید توجه بیشتری به نگهداری گاو معطوف گردد. طبیعت گوسفند چنین است که برای چرا به منطقه وسیعی نیاز دارد و از طرف دیگر در برابر اسراض داسی بیشتر از گاو آسیب پذیر میباشد. همچنین مبارزه با بیماریهای مسری در بین آنها بعلت پراکندگی و تعداد فراوانشان مشکلات بسیاری را در بر دارد. ولی گاو با رژیم زندگی ساکن و استفاده از مراعات مصنوعی بیشتر توافق دارد و برای ازدیاد محصول گوشت و شیر و توسعه صنایع غذایی و فراورده های لبنیاتی بیش از گوسفند میتوان از آن بهره برداری نمود. اصولاً گاو داری با توجه به شیوه های نوین کشاورزی تطابق بیشتری دارد.

بالا بردن محصول شیر در گاوها خیلی بیشتر از گوسفندها اسکان پذیر میباشد. امروزه در کشورهای اروپای غربی محصول شیر گاو را همیزان فراوانی تا حد متوسط

۲۲ لیتر در روز بالا برده‌اند. همچنین میتوان با پروار ساختن گاوهای گوشتی میزان قابل ملاحظه‌ای گوشت برای مصرف غذائی بدست آورد که در مقایسه با محصول بدست آمده از گوسفند در شرایط مساوی از نظر میزان هزینه صرفه با گاو خواهد بود. با وجود آنکه اهمیت گاو داری و مشکلات نگهداری گوسفند را بر شمردیم ولی باید دانست که برای مملکت ما نه مقدور است و نه از جهاتی صلاح است که بکلی از فکر پرورش گوسفند در گذریم. گوسفند و بز طی قرنهای متمادی از دامهای بومی ایران بوده و دامپروران ایران با آن خو گرفته‌اند و به پرورش آنها همت گماشته‌اند. بطور کلی شرایط خاص طبیعی آب و هوای ایران و تغییرات شدید آن و همچنین وابستگی پوشش گیاهی مراتع ایران از نظر نوع و کیفیت با عوامل مزبور، سبب گردیده که عمده دامهای ایران را گوسفند و بز تشکیل دهد. زیرا این هردو بهتر می‌توانند در مقابل عوامل نامساعد طبیعت مقاومت کنند و از گیاهان مراتع موجود استفاده نمایند. و بهمین دلیل است که در رژیم اقتصاد عشایری پرورش این دام بیش از دیگر دامها مورد توجه بوده است. چنانکه آمار دامهای ایران نشان میدهد، تعداد گوسفندها شش برابر گاو می‌باشد. بنابراین همانطور که در صفحات قبل متذکر گشتیم جادارد که با اتخاذ روشهای منطقی وضع گوسفند را بهتر ساخت تا سود بیشتری را عاید دامپروران و اقتصاد کشور سازد.

با ملاحظه آنچه که در قسمت مربوط به مراتع مورد بحث قرار گرفته است لازمست تا نکته مهمی را مورد دقت قرار دهیم و کوشش نمائیم تا در راه انجام آن توفیق بیابیم. و آن اینست که تعداد گوسفندها را با توجه به ظرفیت مراتع ایران کم سازیم و ایندو را با هم وفق دهیم. باید بدامپروران نشان داد که داشتن هزار رأس گوسفندی که وزنشان از ۳ الی ۴ کیلو تجاوز نمی‌کند سودی را عایدشان نمیسازد. در حالیکه اگر بجای آنها یک گله با ۵۰ رأس گوسفند و بوزن متوسط ۶۰ الی ۷۰ کیلو داشته باشند نه تنها ارزش آن بیشتر خواهد بود بلکه برای چرای آنها و نگهداریشان به مراتب مشکلات کمتری را متحمل خواهند شد. اصولاً کم ساختن تعداد گوسفند

وسعی در پروار ساختن تعداد کمتر و نوع مرغوبتر امکان تأمین علوفه را در یک محل و یا نقاط نزدیک بان میسر میسازد و خود بخود دام کوچک انسان و دام راضع میسازد و شیوه ریه گردانی را رونق میبخشد .

بدنبال اجراء برنامه فوق میتوان در کار به نژادی وردیف کردن گوسفندها نیز توفیق بیشتری بدست آورد و اصولاً کوشش نمود تا محصول پشم و پوست گوسفندها روبه بهبود گذارد تا در قسمتهای صنایع دستی و کارخانه ای از آن بنحو شایسته تری استفاده گردد .

تقویت مراتع طبیعی و احداث مراتع مصنوعی

مهمترین عامل برای توسعه دامپروری و بدست آوردن محصول خوب و فراوان وجود مراتع و چراگاههای پر علف میباشد . در ایران بجز نقاطی که زیر کشت هستند و یا باطلاقی و نمکزار میباشد تقریباً بقیه نواحی قابلیت چرا را دارند . با این فرق که بر حسب منطقه و میزان رطوبت و ریزش باران چراگاههای سرسبز و علفزارهای تنک و ناچیز هر دو وجود دارند .

در ایران اصولاً بعلت خشکی هوا و کمی بارندگی و خصوصاً فاصله زیاد میان دوبارندگی بهاره و پائیزه در دشتها و چرای بی رویه و مفرط اغلب مراتع از دست رفته و برای پرورش دام محصول کافی دربر ندارند .

بهترین مراتع ایران با توجه باوضاع و احوال جغرافیائی، اغلب مراتعی هستند که در نواحی کوهستانی قرار دارند . در این نقاط بارندگی فراوان و فاصله زیادی نیز بین آن وجود ندارد . از طرف دیگر بعلت سرمای هوا بیش از دوماه و نیم گله ها در این نقاط چرا نمیکنند و زمان کافی برای باروری مجدد آنها وجود دارد .

در حالیکه در مناطق قشلاقی گذشته از کمی بارندگی و فاصله زیاد میان بارانهای بهاری و پائیزه و همچنین چرای مفرط در حدود ۲ تا ۷ ماه از سال ، سبب گردیده که

علوفه های سرغوب بسیاری از این مراتع از بین رفته و فقط انواعی نظیر: ورک (Poibulbosa-Ulthemia Persica) و Carex که نباتات سعرف مناطق فقیر از نظر مراتع هستند باقی بماند.

مراتع ایران اکثر دارای چنین وضعی هستند و چنانکه اصلاح نگردند باید آنها را از بین رفته دانست. زیرا تنها با انجام قرق و جلوگیری از چرا در طی چند سال اسکان ترمیم آنها نمیرود.

مراتع طبیعی ایران: با توجه به اهمیتی که مرتع در زندگی دامپروران ایران دارد و ۹۰٪ از غذای دامهای ایران از مراتع طبیعی تأمین میگردد بی مناسبت نیست که توضیح بیشتری در اینباره داده شود. آنچه که در ایران بآن نام مرتع مینهند عبارتست از محل چراگاه دامها و کلیه نقاطی که در فصلهای مختلف سال دامها بتوانند در آن چرا نمایند. اعم از اینکه این مناطق از نظر نوع گیاه، کیفیت آن و چهره ظاهری پوشش گیاهی، اختلافهای فراوان باهم داشته باشند. از اینرو است که برچراگاههای سرسبز و پر علف نواحی شمال ایران و چراگاههای کم علف و خشک حاشیه کویر، هر دو نام مرتع مینهند.

چنانکه در پیش بیان داشتیم عامل مؤثر و مهم برای وجود مراتع سرسبز و پر علف، مقدار کافی رطوبت بارندگی بیش از ۵۰۰ میلیمتر در سال و کم بودن فاصله میان بارندگی ها، سوزان نبودن آفتاب و بدور بودن منطقه از تغییرات شدید فصلی و بالاخره جنس خاک است.

چنانکه در توضیح آب و هوای ایران خواهیم گفت، آب و هوای قسمت وسیعی از ایران جزء دسته نیمه صحرائی و صحرائی میباشد. پوشش گیاهی که منطبق با آب و هوای نوع نیمه صحرائی است، عبارتست از گیاهان طبیعی مناطق استپ که شامل مراتع و چمنزارها میباشد. نباتات طبیعی تر کمن صحرا و دشت مغان را می توان نمونه کامل از این نوع دانست.

در آب و هوای نوع صحرائی، گیاهان ناچیز و کم ارزشی میروید که ارزش

کیفی آن برای تغذیه دامها بسیار ناچیز است، و بیشتر حیواناتی از قبیل مثرمیتوانند از آنها استفاده همیشگی نمایند .

نقاطی از ایران که جنس خاك آن تیره و قدرت باروریش زیاد می باشد، بیشتر در نواحی واقع هستند که رطوبت کافی وجود دارد . و از جمله دره ها و دامنه های البرز و زاگرس را می توان نام برد . بقیه نقاط از نظر جنس خاك نامرغوب و بیشتر زمینهای شور و نقاطی است که در آن شنه های روان وجود دارد .

تغییرات شدید و فصلی و ناهنگام و همچنین نقصان ریزش باران در بهار، بمیزان علف مراتع صدمه میزند و باین ترتیب عوامل طبیعی نقش عمده ای در چگونگی مراتع نقاط مختلف ایفاء مینمایند .

انواع مراتع : مراتع طبیعی را بصورت های مختلف بر اساس انتخاب سعیا رهای گوناگون تقسیم بندی میکنند . بطور کلی دو نوع مرتع طبیعی که با رژیم زندگی ایلیاتی و رژیم کوچ آنها تطابق دارد ، بیشتر می تواند مورد توجه قرار گیرد این دو نوع مرتع عبارتند از مراتع ییلاقی و مراتع قشلاقی .

مراتع ییلاقی بیشتر در ارتفاعات قرار دارند و محصول بیشتر و بهتری را عرضه میدارند . گیاهان آنها ظریف و قابلیت هضم آن زیاد و مورد پسند بیشتر دام است و هرچه ارتفاع محل کمتر شود و بسوی دشت سرازیر شویم این مرغوبیت جنس کمتر میگردد و در عوض وسعت چراگاه بیشتر میشود .

عمده مراتع قشلاقی در دشت ها قرار دارد ، برخی از آنها بر حسب موقعیت منطقه وضع مناسبی دارند و قادر هستند گله های فراوانی را تغذیه نمایند .

ولی اکثر آنها چه از نظر نوع گیاه و چه از نظر چرای مفراط دارای وضع نامناسبی هستند . چنانکه نوع گیاه مرغوب آنها جای خود را به گیاهان خشن سیلیس دار و مقاوم بخشکی و شوری و سایر عوامل نامساعد طبیعی داده است . در سراتعی که زمانی شخم خورده و بعد ها رها گشته اند، امروزه گیاهان بی ارزشی چون : خار شتر ، جغجغه و وورك واسفند دیده میشود که ارزش غذائی آنها بسیار کم است . از طرف دیگر چرای

مفرط در مراتع خوب نیز آنها را تنک ساخته و همچنین بر اثر لگد کوب شدن بوسیله دامها طبقه فوقانی خاك آنها سخت گردیده .

چرای مفراط بالای بزرگی برای کلیه مراتع ایران است چنانکه مراتع سرسبز جنگلی شمال نیز از این حیث دچار خسارتهای فراوان شده اند . دامها در فصل بهار از نوع مرغوب گیاهان استفاده میکنند و در پائیز با وجود اینکه ظاهر مرتع سبز و خرم است دیگر کمتر مورد چرا قرار میگیرد .

اغلب مراتع ایران جنبه موقتی داشته و بر حسب منطقه گرمسیر و سردسیر در فصول مختلف سال سبز میشود . این مراتع نیز بنحوشدیدی مورد چرای گوسفند و مخصوصاً بز قرار میگیرند . چنانکه بکلی گیاههای آنها از بین میرود و بتدریج تبدیل به بیابانهائی بابوته های تیغ و خار و بابوته اسفند میشوند .

این چراگاههای موقتی اصولاً بر اساس بارانهای بهاری بوجود میآیند و طبیعی است چنانکه در بهار ریزش باران کافی نباشد و یکی دو سال خشکسالی پیش بیاید نابودی آنها قطعی خواهد بود .

بطور کلی عمده مراتع ییلاقی ایران را که معرف علوفه بهتر و بیشتری هستند میتوان در نقاط زیر مشاهده نمود: در کوهستانهای بختیاری - آذربایجان - کردستان - لرستان - همدان - خمسه - قسمتی از کرمانشاه و قزوین و فارس - اراك و ملایر و نهاوند و تویسرکان و بالاخره دامنه های جنوبی البرز و بخش بزرگی از شمال خراسان . بین نقاط فوق مراتع واقع در اطراف سهند و سبلان در آذربایجان و کوههای بختیاری و ناحیه فریدن و چهار محال معروفیت بیشتری دارند و منابع گیاهی آنها بسیار غنی است^(۱) .

عمده مراتع قشلاقی که بیشتر در دشتهای گرم و کم ارتفاع نسبت به سطح دریا قرار دارند عبارتند از: سرخس - دشت مغان - ترکمن صحرا - دشت گرگان - جلگه خوزستان - فارس و نواحی واقع در اطراف کویر مرکزی . مراتع جنگلی ایران حائز اهمیت و توجه میباشد . این مراتع عبارتند از پوشش گیاهی که در جنگلها میروید

وحدود ۲۰ مساحت جنگلهای ایران یعنی ۱۰ میلیون هکتار را تشکیل میدهند .
 در بین مراتع واقع در ییلاق و قشلاق چه از نظر میزان ارتفاع ساحل و چه از نظر
 فصل چرا (نواحی واقع در مسیر کوچ) ، مراتعی قرار دارد که اغلب دارای محصول
 خوب هستند . و چنانچه بنحو مشطقی مورد چرا قرار گیرند میتوانند همه ساله محصول
 خوبی را در اختیار بگذارند .

انواع مراتع بر حسب دام - در تقسیم بندی دیگر ، مراتع را بر حسب دامهائی
 که در آن چرا مینمایند تقسیم میکنند که بیشتر بر اساس وضع و موقعیت مرتع صورت
 میپذیرد .

مراتع گاوی واسبی که مخصوص چرای این دو دام میباشد ، معمولاً در نقاط
 پرآب و مرطوب قرار دارند و پوشش گیاهی انبوه و بلندی را دارا هستند .

مراتع گوسفندی عملاً در اکثر نقاط کشور پراکنده است . ولی بیشتر مراتع
 نواحی نیمه خشک را که گیاهان تنک تری از قبیل گون ، ورك و درمنه دارند، مراتع
 گوسفندی نامند . مراتع بزی در نواحی کوهستانی مرتفع ، جائی که سایر دامها قادر
 به رفتن بانجا نیستند قرار دارد . همچنین مراتع واقع در شنزارها و زمینهای خشک
 که گیاهان آن کوچک و دور از هم میباشند برای چرای بز مورد استفاده قرار میگیرد .
 مراتع چرای شتر بطور معمول در بیابانهای کم آب قرار دارد . گیاهان آنها نامرغوب
 و بیشتر تیغ دار و شورزا هستند . بطور کلی بدترین چراگاهها برای شتر قابل استفاده
 است چنانکه در صحراهای بی آب و علف عربستان و صحرای وسیع شمال آفریقا و کویر
 مرکزی ایران تنها حیوانی که قادر بادامه زندگی و عبور از آنها میباشد، شتر است .
 گاو میش را در ایران بیشتر در نواحی پست نگهداری میکنند . مراتع مزبور
 در کنار رودخانه ها و چمنزارهای نیمه باتلاقی که گیاهان آبی در آن میروید، قرار دارد .
وسعت مراتع ایران : درباره وسعت مراتع ایران بطور دقیق آماری در دست
 نیست زیرا نقشه برداری هوائی از سراسر نقاط کشور بعمل نیامده است . آماری که



نقشه شماره (۱) پراکندگی تقریبی انواع مراغ کشور را نشان میدهد



رودخانه‌ای در حوالی لالی
و منظره‌ای از مراتع چرای گاو میش

تابحال انتشار یافته اختلاف بسیار با هم دارد چنانچه از $۷/۸۵\%$ تا ۸۵% مساحت کشور را که حدود ۱۴ میلیون هکتار می‌گردد، جزء مراتع بشمار آورده‌اند بنابراین جادارد که به آمار سازمانهای رسمی توجه نمائیم. از جمله سازمان اصلاح مراتع و تهیه علوفه در مقدمه پروژه‌ای که برای سال ۱۳۴۱ تهیه کرده است یمش از نصف اراضی ایران یعنی ۸۵ میلیون هکتار را جزء مراتع طبیعی قلمداد نموده است.

در آمارگیری کشاورزی سال ۱۳۳۹ که از طرف اداره آمار عمومی منتشر گردیده سطح کل مراتع کشور را $۶۷۵۰/۶/۷۴$ هکتار نشان داده است. آمار دیگری که با واقعیت بیشتر نزدیک است، عبارتست از ۴ میلیون هکتار مراتع طبیعی و ۱۲ میلیون مراتع محاط جنگلی.

وضع مراتع ایران از لحاظ حاصلخیزی چنین است که ۷ میلیون هکتار از مراتع را جزء نوع مرغوب میدانند که با ۱ میلیون هکتار مراتع جنگلی ۱۷ میلیون هکتار مرتع خوب را عرضه میدارند. و مجموعاً سطح کل مراتع قابل استفاده را ۵۰ میلیون هکتار برآورد می‌نمایند^(۲) چگونگی تقسیمات اراضی کشور از نظر میزان جنگل، مرتع و غیره در جدول شماره (۵) که توسط (ه - پابو) کارشناس فرانسوی تهیه شده، مشخص گردیده است.

ظرفیت مراتع: ظرفیت مراتع ایران بهمان دلیل که وسعت آنها بد رستی معلوم نیست، قابل برآورد دقیق نمیباشد. بطور کلی حجم علوفه موجود برای تأمین غذای دامهای کشور کافی نبوده و بنظر متخصصین فن فشار دامها بر مراتع طبیعی بیش از دو برابر ظرفیت آنها میباشد و همین امر سبب از بین رفتن هرچه سریعتر مراتع میباشد. مقدار دامی که با وضع موجود میتواند از مراتع طبیعی ایران استفاده نماید بین ۲۵ تا ۳۰ میلیون واحد گوسفندی میتوان تخمین زد. و تعداد بیش از آن سبب میشود که نه تنها مراتع بسرعت از بین بروند، بلکه تعداد فراوانی از دامها نیز هر ساله

۱- اقتصاد کشاورزی (زمین) جلد اول از دکتر احمد هومن

۲- مرتع و علوفه در ایران - دکتر تقی طاهری از انتشارات دفتر فنی سازمان برنامه ۱۳۴۳

جدول شماره ۵ - جدول تقریبی تقسیمات اراضی در ایران
(اقتباس از نشریات ۵ - پابو - ۱۹۶۲)

درصد (نسبت به سطح کل کشور)	مساحت به میلیون هکتار	نوع اراضی	
۵	۸	مراتع (خوب و متوسط)	
۱۳/۵	۲۲	مراتع خراب	
۱/۲	۲	جنگل (خوب و متوسط)	
۸/۸	۱۴	جنگلها و بیشه ها و بوته زارهای مخروطه	
۲۵	۴۰	اراضی نیمه بایر	
۶/۵	۱۰	اراضی بایر	
۲۵	۴۰	اراضی خشک و لم یزرع	
۲/۵	۴	کشت های آبی	اراضی قابل کشت ۲۴ میلیون هکتار (۱۰٪)
۵	۸	دیم	
۷/۵	۱۲	آیش	
	۳	شهرها و قصبه ها و جاده ها و دریاچه ها	

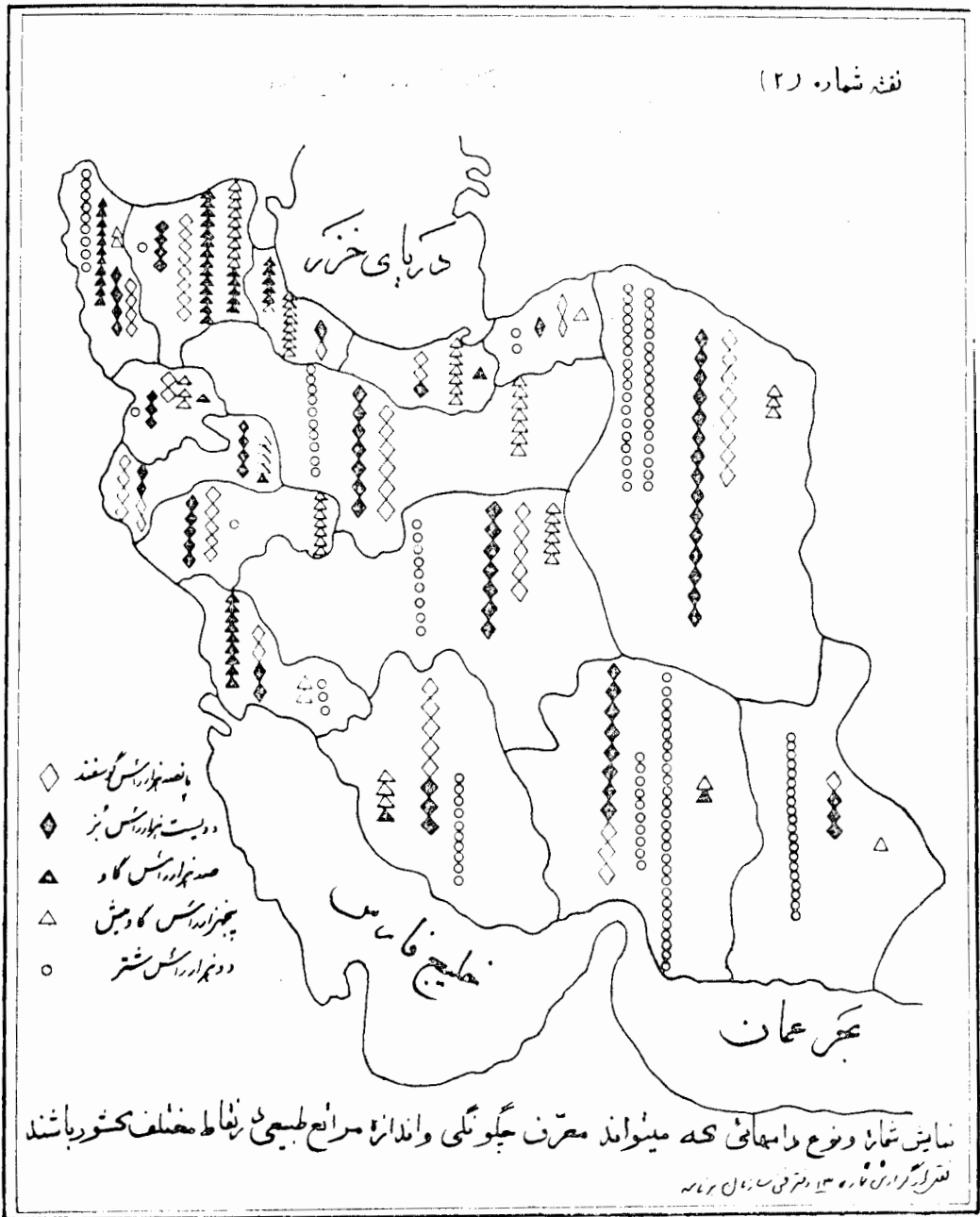
توضیح : در این جدول مساحت کل ایران ۱۶۳ میلیون هکتار فرض شده است
نقل از کتاب مرتع و علوفه در ایران - ازدکتر تقی طاهری



چراگاههای گاو در حوالی میاندوآب



پوشش گیاهی جنگل‌های ویران واقع در جنوب دشت ارژن مورد استفاده چهارپایان کوچک



نقشه شماره (۲)

از گرسنگی تلف شوند و خسارتهای زیادی وارد گردد .

در نقشه شماره (۲) تعداد و نوع دامهای کشور در نقاط مختلف نموده شده و بایست ترتیب اندازه و چگونگی مراتع طبیعی درسراسر کشور نشان داده شده است .
خطرها نیکه مرتعها را تهدید میکنند: گذشته از موضوع وضع اقلیمی و دگرگونیهای جوی و همچنین چرای مفرط و بی رویه که سبب نابودی مراتع میگردد ، عوامل دیگری نیز هستند که خسارتهائی را بمراتع وارد میسازند و میتوان باختصار برخی از آنها را چنین برشمرد .

۱- اغلب روستانشین ها مراتع مرغوبی را که درجوار زمینهای کشاورزی آنها قرار دارند ، شخم زده و گندم دیم میکارند، این عمل در قسمتهای مختلف انجام میپذیرد . واکثر پس از برداشت محصول آن قطعه را رها ساخته در قسمت دیگر این عمل را انجام میدهند . امروزه بابکار بردن تراکتور در بعضی از نقاط اقدام فوق توسعه بیشتری یافته بخصوص بااعلان ملی شدن مراتع و اینکه هر فردی به تناسب زمینهای زراعتی میتواند مالک مراتع باشد، عملاً برای بالا بردن ظاهر سطح زیر کشت، این مراتع را شخم میزنند و مقدار کمی بذر میپاشند . و در نتیجه سطح مراتع مرغوب همجوار دهات روز بروز کمتر میگردد ، بدون آنکه کشت علوفه گسترش یابد .

۲- اغلب روستانشین ها برای تأمین منابع سوختی خود، اقدام به کندن بوته ها و درختچه های مراتع مینمایند . این امر بشدت برخی از مراتع را تهدید میکند و در نواحی مجاور کویر اقدام فوق سبب پیشروی خطرناک آن گردیده است . جادارد که با جایگزین ساختن محصولات نفتی از بکار بردن گیاهان مراتع برای مصرف سوخت جلوگیری نمود .

۳- جمع آوری کود حیوانی برای امر سوخت ، خود سبب میشود که مراتع از داشتن کود لازم بی بهره بمانند و کمکی بآنها نرسد .

۴- جمع آوری گیاهان مراتع برای پوشش بامهای روستائی و سایر مصارف ساختمان و همچنین بهره برداری از سواد گیاهی برای مصارف داروئی صنعتی و خوراکی



پوشش گیاهی خارخسکی مخصوص چرای شتر دربخشی از دشت ارژن

خود سبب می‌گردد که قدرت باروری مراتع ضعیف شود .

هـ- بعضی از دامها نیز باچرای خاص خود سبب از بین بردن مراتع میشوند .
 مهمترین آنها عبارتست از بز که بعلت ساختمان پوزه و دندانهایش کوچکترین و پست‌ترین گیاهان را از پائین‌ترین محل قطع میکند و می‌خورد . خصوصاً در مراتع جنگلی وجود بز بسیار مخیر است زیرا به درختچه‌ها خسارت فراوان وارد می‌سازد .
 با همه احوال بز بدلیل آنکه هر نوع گیاهی را می‌خورد و در برابر گرما و گرسنگی مقاومت بیشتری نسبت به گوسفند و گاو دارد ، در شرایط خاص اقلیمی ایران و مراتع فقیر موجود ، حیوان قابل استفاده‌ای برای عشایر و حتی روستانشینان میباشد . و کمتر خانواده ایلی و روستائی وجود دارد که فاقد حیوان مزبور باشد . برای آنکه بتوان از ضرر بز جلوگیری نمود باید از چرای آن در چراگاههای جنگلی جلوگیری نمود .
 باید دانست که برای ترمیم مراتع طبیعی احتیاج به بودجه و کادر قابل ملاحظه میباشد تا هم به آزمایش بذر بپردازند و هم با تهیه مقدمات لازم بذریاشی نمایند .
 برای آنکه میزان خرج این کار را نشان بدهیم باید بگوئیم که طبق اظهار نظریک مسئول سازمان مراتع ، در سال ۳۴۳۱ ، با صرف ۲ میلیون و تعدادی کادر ، فقط اقدام به ترمیم و بذریاشی ۵۰۰ هکتار مرتع طبیعی گشته است .
 بنابراین با توجه به وسعت مراتع طبیعی ایران روشن است که بر ناسیه مزبور تا چه حد احتیاج به سرمایه گذاری و صرف وقت دارد .

مراتع مصنوعی

در راه ایجاد مراتع و مزارع تولید علوفه باید کوشش نمود تا دامپروران و ایلات را به اهمیت آن آگاه ساخت . باید بجای کشت محصولات زراعی که آنها آشنائی و مهارت کافی در زمینه آن ندارند سعی کرد که کشت علوفه‌های پرمحصول و امتحان شده را بآنها آموخت و بوسیله مختلف اسکان گسترش این مزارع را فراهم ساخت .

از جمله با احداث سدهای بزرگ و کانال کشی بر روی زمینهای غیرزراعتی که اغلب جزء مراتع بشمار میرفته اند، میتوان قطعاتی را بداسپروان واگذار و بادادن بذرامتحان شده آنها را برآن داشت که دراین زمین ها علوفه بکارند .

قبل ازاصلاحات ارضی، مالکین درزمینه کشت علوفه ازدهقانان بهره کمتری نسبت به سایر محصولات دریافت میداشتند ، واز اینرو زارعین رغبت بیشتری به کشت علوفه نشان میدادند . اکنون باید باتشویق دهقانان به اسر علوفه کاری و دادن وام لازم بآنها ادامه وتوسعه آنرا تضمین نمود .

همچنین باید دهقانان را به ارزش کشت علوفه واقف ساخت وازمحصول دهاتی که درجوار مناطق ایلمیاتی است برای دامها استفاده نمود .

در تهیه واحداث مراتع جدید به اسر تنوع علوفه باید توجه خاص مبذول داشت . زیرا درایران معمولاً انواع چهارپا را باهم بچرا میبرند واز اینرو بعضی از علفها هست که گاو آنها را چرا نمیکنند ولی گوسفند باعلاقه ازآن استفاده مینماید . در نتیجه مرتع در زمانی که باید مورد بهره برداری قرار بگیرد برای هر دونوع دام مورد استفاده خواهد بود .

در کار ایجاد مراتع جدید لازمست بددهقانان نشان داده شود که علوفه های بررسی شده را بکار برند . برای اینکار باید مزارع نمونه در مرکز هرناحیه بوجود آید تا کشت کاران واقعیت اسرا از نزدیک ببینند . در غیراینصورت بجهات فراوان حاضر نیستند بذرقدمی ونوع محصول سابق را کنار بگذارند . باتخاذ تدابیر لازم وتوجه به وضع آب و هوای محل میتوان با کشت نباتات جدید بجای علوفه مرسوم سطح محصول را در زمین ثابت بمیزان فراوانی افزایش داد .

در شرایط فعلی ازیک سزرعه خوب یونجه ، درهرهکتار در چهارچین بیش از ۳ تن محصول تر نمیتوان برداشت کرد . در صورتیکه اگر بجای یونجه علوفه های دیگری نظیر : «سودان گراس» یا (Sarghom Sudaninsis) - «ذرت خوشه ای اطمس» و «ذرت علوفه ای» کاشته شود امکان دارد که ازهرهکتار تا صدوپنجاه تن محصول

با همان مقدار آب و شرایط آب و هوا برداشت نمود .

شک نیست که در بعضی نقاط بعلت سرمای زیاد و یا بی آبی میتوان همان علوفه های بومی یونجه واسپرس را کشت نمود .

امروزه در بسیاری از کشورهای اروپائی توجه فراوانی به توسعه مراتع مصنوعی نشان میدهند . چنانچه در سوئیس ۸۵ درصد اراضی بمرتع و چمن زار و مزارع علوفه تخصص دارد و فقط دره ۱ درصد بقیه بزراعت سایر نباتات میپردازند^(۱). کشور هلند نیز با داشتن آب و هوای مرطوب و منابع آبی فراوان در احداث مراتع کوشش فراوان نموده و در سواحل دریا و کنار بستر رودخانه ها و کانالها با مر نگهداری دام میپردازد و بهترین محصولات دامپروری را بوجود میآورد .

در این کشور بعلت اهمیتی که به مراتع و علفزارهای انبوه مصنوعی میدهند بیشتر به تربیت گاوهای شیرده میپردازند و انواع تولیدهای لبنیاتی آنها به بازارهای جهانی عرضه میگردد و حتی کشوری چون ایران که معروف بیک کشور کشاورزی و دامپروری است بازار خوبی برای فروش لبنیات کشور هلند بشمار میرود . چنانکه از سال ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۱ مقدار ۱۱۱۴۷۳ کیلو لبنیات بارزش ۱۰۶/۱۰۴۰ ریال وارد کشور شده است . بنابراین باید کوشش نمود تا در نقاطی که شرایط هوا مساعد است اقداماتی برای تأمین آب و احداث مراتع مصنوعی نمود تا زمانی که محصول چراگاههای طبیعی تکافوی چرای همیشگی گله ها را نمیدهد از آنها استفاده نمود . باید دانست که تربیت دام در فضای باز و چرای دام در علفزار و مرتع از هر نظر ضروری است و دامداری در محیطهای محدود و داخل فضاها سر بسته برای همه اوقات سال کار صحیحی نیست . در اغلب نقاط که اسکان وجود چراگاهها و مراتع وسیع میسر نیست و از تفاله چغندر ، کنجاله و جو و علوفه خشک برای دام استفاده میکنند ، با این حال ناگزیر از آنند که دام را در منطقه ای باز بنام جولانگاه رها سازند تا در فضای آزاد گردش نماید .

بطور کلی نقش مرتع در تربیت و پرورش دامها نهایت حائز اهمیت بوده و جانشینی برای آن نمیتوان یافت. مرتع قادر است که غذای کافی و سبکی را در اختیار حیوان بگذارد و آنرا با شرایط طبیعی و دیگر گونیهای هوا معتاد بسازد.

بعلمت چرا در فضای آزاد و کسب نور خورشید و داشتن حرکت بحد کافی، قدرت مقاومت آنها در برابر بیماریهای دامی بیشتر میگردد و کمتر دچار بیماری میشوند. همچنین قدرت نرهای آنها در جفتگیری زیادتر بوده بهتر قادر به نطفه بندی میباشد. زایش ساده ها نیز مرتب تر و آسانتر بوده و نوزادان دارای بنیه قوی و سالم میباشد.

بطور کلی برای آنکه مرتع بخوبی مورد استفاده قرار گیرد باید آنرا بقطعاتی چند تقسیم نمود تا پس از مدتی چرا بتوان آنرا آزاد گذارد که علف آن رشد نماید و آماده بهره برداری مجدد گردد. این قطعات بهتر است چنان باشد که در طول مدت کوتاهی که بیش از یکماه نباشد چریده شوند. میزان وسعت مرتع برای گاو و گوسفند فرق میکند و معمولاً اندازه آن نسبت به تعداد دام و میزان علف موجود تغییر مییابد. فرضاً برای یک گاو شیرده میتوان نیم هکتار مرتع مرغوب و پر علف را در نظر گرفت. برای گوسفند اگر چرای در فضای آزاد را مدتی حدود ۷ ماه بحساب آوریم یک هکتار زمین چمنزار یا مرتع متوسط تکافوی چرای دوازده رأس گوسفند را مینماید^(۱).

در چمنزارهای مصنوعی زمانی باید گوسفند و دام را رها نمود که چمن بقدر کافی بلند شده باشد و گرنه چون گوسفند علف را از پائین ترین قسمت قطع میکند، بیم آن میرود که دیگر علفها رشد نکنند و مرتع از بین برود. از آنجا که در هنگام گرمای روز و موقع ظهر حیوان و خصوصاً گاو در جستجوی سایه میباشد لازمست که در سرتاع درختهای کشت گردد تا حیوانات در سایه آنها بیمارامند. این امر خود بطور غیر مستقیم در امر کشت درخت و توسعه آن کمک میکند.

سابقه نشان داده است که وقتی مردمی به کشت درخت اقدام کرده‌اند وابستگی‌شان بازمین و محل سکونت بیش از موقعی است که زراعت زمینی میکنند. جدول شماره (۶) که از جزوه‌های آمارگیری کشاورزی سال ۱۳۳۹ وزارت کشور استخراج شده است، میزان کشت علوفه را در کشور نشان میدهد. با توجه به ارقام مزبور و رقم ۰.۰۰/۰ (۱) هکتار که عبارتست از سطح زمینهای زیر کشت نباتات علوفه‌ای کشور، روشن میگردد که تا چه حد نسبت به تأمین علوفه دامها از طریق ایجاد مراتع مصنوعی و کشت علوفه بی‌علاقگی نشان داده شده.

جدول شماره ۶ - مقدار کشت نباتات علوفه‌ای در کشور

(واحد سطح هکتار - واحد وزن تن)

نباتات علوفه‌ای	سطح کشت	سطح برداشت	مقدار محصول خشک
یونجه واسپرس آبی	۷۸/۳۲۶	۷۶/۹۵۲	۲۱۸/۰۴۷
» » دیمی	۹۹۹	۹۹۹	۱/۱۸۶
سایر نباتات علوفه‌ای آبی	۳۱/۸۹۲	۳۰/۲۳۳	۸۹/۲۷۵
» » دیمی	۲۳/۱۸۴	۲۲/۱۷۰	۳۵/۸۹۴
کل نباتات علوفه‌ای	۱۳۴/۴۰۱	۱۳۰/۳۵۴	۳۴۴/۴۰۲

مستخرج از جزوه‌های آمارگیری، کشاورزی - اداره کل آمارشناسی وزارت کشور سال ۱۳۳۹. نقل از کتاب مرتع و علوفه در ایران - دکتر تقی طاهری.

بنابراین تقویت چراگاههای طبیعی و جلوگیری از انهدام آنها بر اثر چرای فراوان گله‌های متعدد و کوشش برای بوجود آوردن مراتع مصنوعی در امر بهبود بخشیدن بزندگی چادر نشینان و تغییر وضع رژیم کنونی آنها نقش مؤثری را ایفاء مینماید.

ترویج کشاورزی

از جمله شیوه‌هایی که برای ثابت ساختن گروه‌های متحرک بر روی منطقه بخصوصی انتخاب و بکار برده میشود، ترویج کشاورزی و علاقمند ساختن آنها باینکار است.

زمانیکه مردسی بر روی زمین یک محل بذر بیافشانند و ماعها از آن مراقبت کنند تا حاصل مزبور بدست آید، بی شک به کشتزارهای خویش علاقمند میگردند و اگر زراعت آنها آبی باشد تلاش و کوششی که برای تأمین آب و تعمیر قناتها و کاریزها بکار میبرند حس وابستگی آنها را به سرزمین مزبور فزونی میبخشد. کمتر سابقه دارد که در کنار کشتزارهایی برای همه مدت سال ساکنان محل بزیر چادر بسر برند، بلکه دست بکار ساختن خانه‌های خشت و گلی و گونه‌های دیگر میگردند تا در سرمای زمستان و گرمای تابستان بهتر خود را در پناه آن محفوظ بدارند. بنای خانه‌های روستائی باین ترتیب خود اساس ایجاد یک دهکده و دوام زندگی یکجا نشینی میگردد. انجام زراعت توأم بادامپروری در مجموع یک شیوه کاملی از زندگی و اقتصاد روستائی را معرفی مینماید. باید در رهبری و هدایت جوامع چادر نشین در اقدام به کشاورزی، سعی نمود نوعی از محصولات کشاورزی را تولید نمایند که بنحوی در کار تأمین خوراک دامها مؤثر باشد. خصوصاً زمانیکه دوسه ماهی از سال در منطقه امکان چرای دره‌های آزاد نیست باید برای خوراک دامها در طویل، علوفه خشک مناسب تهیه نمود. چنانچه در طرح برنامه‌های عمرانی هم‌آهنگی ایجاد شود میتوان نزدیک مناطق دامپروری کارخانه‌های قندسازی دائر ساخت و سپس کشت چغندر را توسعه داد. در چنین وضعی تفاله چغندر بصورت خشک، غذای خوبی برای دامها در طول زمستان خواهد بود. همچنین میتوان از محصولات دیگر کشاورزی نظیر ذرت، بلغور درشت، غلات و بقولات نیز برای غذای زمستانی استفاده نمود. در نقاطی که دانه‌های روغنی قابل کشت باشد، کنجاله کارخانه‌های روغن کشی

نیز خوراك خوبى براى دامها بشمار ميرود .
وبالاخره چنانكه سطح كشت وسعت يابد درزمينه‌هاى درويده نيز ميتوان براى مدتى دامها را بچرا واداشت تا ازكلش هاى اين كشتزارها استفاده نمايند .

تبديل كوچ انسان و دام باهم به رمه گردانى

با اينكه شيوه‌هاى جهت تأمين علوفه بيان داشتيم بايد گفت كه در بسيارى ازموارد تهيه خوراك كافى براى همه دامهاى يكه منطقه ميسرنخواهد بود . وچاره‌اى نيست كه رژيم كوچ دادن ويلاق وقشلاق كردن رمه‌ها ادامه يابد . زيرا منطقى نيست كه بعضى چراگاههاى سرسبز وپرعلفى را كه درچند ماه ازسال مستعد پرورش دامهاى فراوانى ميباشند فقط بخاطر اينكه قصد برافكندن رژيم كوچ ساليانه ، چادر نشينان وايلات را دايم ، بدون استفاده رها سازيم .

درچنين شرايطى چنانكه در اغلب نقاط دنيا نيز انجام داده‌اند و در ايران وآسيائى غربى نمونه‌هاى از آن وجود دارد ميتوان افراد را ساكن گردانيد و رژيم يلاق وقشلاق را براى رمه‌ها ادامه داد . وبه بيان ديگر رمه گردانى را كه عبارتست از كوچ گله‌ها همراه با تعدادى شبان متخصص ، جانشين كوچ توأم انسان وحيوان ساخت . باين ترتيب هم چادر نشينان اسكان يافته‌اند و زيرويشان صرف توليد كشاورزى ودامدارى در كنار هم ميگردد وهم اينكه بدون صرف هزينه زياد ميتوان ازچراگاههاى طبيعى وسيع براى نقاطى كه داراى دامهاى فراوانى هستند استفاده نمود . اين شيوه عملى با توجه به شرايط طبيعى واوضاع واحوال ايران بيشتر تطابق دارد زيرا كه درعين حال نه تنها محصولات دامپرورى را كم نميسازد وبالا ميبرد ، بلكه در توليد فراورده‌هاى كشاورزى نيز فزونى حاصل ميگردد و مشكل كوچ ايلات نيز حل ميشود .

احداث راههاى ارتباطى : چنانكه در ذكر مشكلات يلاق و قشلاق رفتن

ایلات یادآور شدیم، مسیرهایی که توسط چادر نشینان بین نواحی سردسیر و گرمسیر طی میگردد اکثر از نقاط سخت و ناهموار میگذرد و نمودن پل و جاده های سرتب اسکان هرگونه استفاده ای را از وسایل موتوری در این مناطق غیرممکن ساخته است. اگرچنانچه در برخی از این نواحی اقدام به احداث جاده و ساختمان پلهای لازم بگردد، فاصله موجود بمقدار قابل ملاحظه ای کم شده و امکان ارتباط میسر میگردد. در چنین حالتی بیلاق و قشلاق کردن ربه ها ساده تر و بدور از خطر تلفات انجام خواهد پذیرفت.

همچنین میسر خواهد بود که حمل دامها بوسیله وسایل نقلیه بمورد اجراء درآید تا کم گشتن وزن به حداقل برسد. ازسوی دیگر چنانکه در دهکده های نوین که محل چادر نشینان اسکان یافته است، دامهای متعددی نگهداری میشوند، امکان آن خواهد بود که علوفه تازه را از منطقه ای که فصل باروری آنست جمع آوری نموده با وسایل نقلیه بدهات مزبور منتقل ساخت و مورد استفاده قرار داد.

وجود راههای ارتباطی، گذشته از نتایج فوق سبب تماس جامعه چادر نشین بادهات بزرگ و شهرک ها گشته ؛ اسکان اینرا فراهم میسازد که آنها بطور مستقیم با بازارهای منطقه تماس حاصل نمایند و به نرخ عادلانه محصولات خود را بفروش برسانند و مایحتاج خود را خریداری کنند. وجود راههای ارتباطی برای دسترسی آنها بمراکز بهداشتی و فرهنگی ضرورت کامل را دارد. ازطرف دیگر دستگاه دولت نیز برای استقرار نظم و نظارت لازم بر حرکات این جوامع به چنین عاملی یعنی جاده های سرتب مواصلاتی احتیاج مبرم دارد.

اقدامات اجتماعی و سیاسی در زمینه

یکجانشین ساختن ایلات

در کنار اقداماتی که از جهاتی جنبه فنی داشته و چنانکه گفته شد مربوط است به ایجاد تغییراتی در وضع دانداری و چراگاهها و غیره، ایجاب مینماید که در زمینه

امور اجتماعی و سیاسی نیز اقداماتی صورت پذیرد که در مجموع توفیق لازم در اسکان این جوامع بدست آید .

همانطور که در صفحات پیشین بیان داشتیم ایجاد هر گونه تغییر شکلی در ساختمان و سازمان ایل میباید بر مطالعه کامل و منطقی هر منطقه و ایلات آن متکی باشد . سازمانهای دولتی باید تصور اینکه در شرایط فعلی اصول جاری و سیستم موجود اداری را صد درصد بر این جوامع تحمیل نمایند از نظر دور بدارند . و بعکس باید کوشش نمایند تا بنحوی تطابقی بین کادرهای اداری و سازمانهای موجود با تشکیلات ایل بوجود آورند .

در زمینه مسائل مالیاتی ، امور مربوط به داد گستری ، ثبت اسناد و ثبت احوال آمار و سر باز گیری ، باید فرمولهائی را که در زمینه جوامع شهرنشین و بر طبق شرایط و مقتضیات آنها تدوین و تنظیم گردیده بطور مطلق بعنوان وحدت بخشیدن به قوانین و سازمانهای اداری در سراسر مملکت، درباره جوامع متحرک بهمان وضع بمورد اجراء در نیآورد . بلکه شیوههای مطالعه شده و قابل انطباق با موقعیت و شرایط این مردم را برگزید و بکار بست .

در مواردی که قاضی میبایست اظهار نظر نماید و یک امر جنائی، جنحه و حقوقی را بررسی نماید ، عدم توجه به رسوم و سنن ایلات مشکلات فراوانی را پیش میآورد بنابراین باید دقت نمود تا ترتیبی داده شود که عرف موجود در بین این جوامع مورد توجه قرار گرفته به اصول جاری و مورد احترام آنها بی اعتنائی روا نگردد . این امری است که کلیه محققین مردم شناسی بآن توجه داشته اند و در اجراء قوانین و آراء محاکم مورد نظر قرار داده اند . پرفسور « گویکتین » استاد دانشگاه بیرمنگام انگلستان در مقاله ای تحت عنوان (ارتباط عرف و قانون با مبحث مردم شناسی) چنین مینویسد : «از آن زمان که قانون در انگلستان از نظر فلسفی مورد مطالعه قرار گرفته موضوع نژاد شناسی و یا چیزیکه امروز بنام مردم شناسی مشهور گشته هیچگاه از نظر نویسندگان انگلیسی دور نبوده است.» او همچنان مینویسد :

«... یکی از نویسندگان بزرگ علم الاجتماع بنام «بلاکستون» در استنباط اصول و سبادی اجتماع از اهمیت عرف و عقاید و رسوم نیاکانی غافل نبوده است. ... ولیکن کسیکه تفسیر قوانین را از نقطه نظر فوق مورد مطالعه و بررسی دقیق قرار داده و از این بابت سهم بسزائی ادا کرده «سرهنری سین» میباشد.

... بعضی از استنتاجات عمومی دانشمند مذکور در کتاب «قوانین باستانی» امروزه نیز مورد قبول میباشد و بهمین مناسبت باید وی را پدید آورنده مبحث مردم شناسی امروزی بشمار آورد^(۱) استاد مزبور درباره ادامه این نوع بررسی ها در زمینه عرف و عادات جوامع مختلف توسط سایر دانشمندان مینویسد :

«... کوئلر» کار را بسرحد کمال رسانید ، قوانین حمورابی و آداب و رسوم و قوانین ملل مختلف هندوستان و نوشته هائیکه نسبت به رسوم سیاه پوستان استرالیائی و سرخ پوستان آمریکائی تهیه شده بود ، همچنین تاریخچه فقه اسلامی همگی در بوته مطالعات این دانشمند مورد محک قرار گرفت نتیجه مطالعات این دانشمند بود که مباحث کتاب «تفسیرات تاریخ قانون» نوشته «روسکوپوند» چاپ ۱۹۲۳ را بوجود آورد. روسکوپوند در غور و بررسی قوانین خاص امریکا و انگلستان که به عرف مشهور است تخصص کامل داشت.»

مشاهده میگردد که دانشمندان مغرب زمین تا چه حد به اسر مزبور توجه داشته اند ، شک نیست که دول استعماری برای اداره سرزمینهای مختلف تحت تسلط خویش احتیاج مبرم به آگاهی از چگونگی کلیه خصوصیات مردم آنها داشتند تا از هر گونه اقدامی که سبب اعتراض و شورش آنها گردد خود را برکنار بدارند . و براین پایه اقدام به تأسیس سازمانهایی نموده اند که بتواند با آگاهی از مطالعات مردم شناسان ، در اداره نواحی مزبور وحل و فصل مسائل حقوقی و غیره آنها توفیق یابد . چنانکه در انگلستان یکی از عالیترین دادگاهها در تمام مدت سال موظف بر رسیدگی و اجرای عدالت در باره افراد بدوی ترین اجتماعات بشری میباشد . این

دادگاه اختصاصی مقرش درلندن میباشد و تعداد قضات آن برابر قضاتی است که معمولاً در مجلس لردان انگلستان برای حل و فصل امور قضائی تشکیل جلسه میدهند. دعاوی اقوام و ملل مختلف تابع حکومت سلطنتی انگلستان را مورد رسیدگی قرار میدهند. زمانیکه بین یکی از اقوام بومی طبق آداب و رسوم مذهبی و سایر سنت ها قتلی بوجود می پیوندد و پرونده امر برای فرجام به لندن ارجاع میشود از نظر حقوقدانانیکه با علوم مردم شناسی آشنائی دارند آن عوامل عجیب و غریبی که موجبات این قتل را فراهم آورده بهتر قابل درک و استنباط میباشد.

باین ترتیب روشن میگردد که وظیفه سازمانهای دولتی در قبال جوامع چادر نشین و ایلیاتی ایران که از برخی جهات در مراحل عقب افتاده ای از تمدن بسر میبرند اینست که با دقت کامل و شناخت کافی نرزش های لازم را در زمینه اجراء مقررات و تطبیق آنها با خصوصیات روانی، عرف و عادت و سنن این مردم بعمل آورند. بقول پرفسور «گویکتین»: «آنانکه با وضع قوانین سروکار دارند و میخواهند قانون را وسیله مؤثری در اجرای عدالت اجتماعی قرار دهند چنانکه از امکانات موجود استفاده کرده اجتماعات بشری را با بصیرت علمی مطالعه کنند در انجام مقصود موفقیت بیشتری نصیبشان خواهد شد»^(۱).

گسترش فرهنگ و بهداشت: با توجه به روانشناسی مردمان ایلیاتی که بعلمت مشکلات شرایط زندگی و سختی های ناشی از محیط، دارای خشونت و خشکی خاصی میباشد، ایجاب میکند که با طرح برنامه های کمکی درباره آنها، اعتماد و محبتشان را به سازمانهای دولتی جلب نمود. باید مأمورانی را در تماس با آنها گذارد که از هر گونه اجحاف و تندروی خودداری نمایند و خود را خدمتگذار این مردم معرفی سازند و نه ارباب و قادر مطلق. امروز ایل نشینان ایران بیش از هر چیز محتاج به کمکهای بهداشتی هستند. اغلب ایل نشینان در نهایت رنج و عذاب شاهد مرگ عزیزان خود هستند که شاید بایک داروی مختصر بتوان آنها را از کام نیستی و مرگ نجات داد،

ولی چنین امکاناتی در اختیار آنها نیست. باید واحدهای سیار بهداشتی جهت تعلیم اصولی که مانع از بروز گسترش برخی بیماریها میگردد باین نقاط گسیل گردد و واحدهای درمانی سیار وثابت نیز در اختیار آنها قرار گیرد. و عملاً بیاری این مردم فراموش گشته بشتابند تا آنها سازمان دولت را دوست خویش ببابند. درباره بیماریهای بوسی و رایج محلی که همه ساله تعدادی از افراد را بذاك هلاك میافکند باید ترتیبی داد تا واحدهای مطالعاتی مجهز مأسور بررسی آنها گردند و راه درمان و پیشگیری را بدست آورند و در این نقاط بمورد اجراء در آورند.

در زمینه فرهنگ بی شک ایلات گروهی از مردم کشور را تشکیل میدهند که میزان پیسوادی در بین آنها رقم بسیار بالائی را نشان میدهد و اگر افراد ایلیمائی را که از آن خارج گشته و در شهرها و شهرکها زندگی میکنند و هنوز ارتباطی با ایل دارند بحساب نیاوریم میتوان گفت که بالاترین رقم پیسوادی را نسبت به کل جمعیت در این گروهها میتوان بدست آورد.

بنابراین لازمست که مربیانی برای تربیت فرزندان ایل بداخل آن فرستاد و چه بهتر که این مربیها در بعضی نقاط از فرزندان تحصیل کرده خود ایل باشند تا با آگاهی وسیعی که نسبت بآن دارند بهتر بتوانند وظیفه مقدس و دشوار خود را انجام دهند. در مورد برنامه اجرائی فرهنگ و کتابهای آن باید دانست که شیوه موجود و آنچه که در شهرها بکار میرود بهیچوجه قابل اجراء و انطباق با شرایط محیط ایل نیست. در ایل باید باین توجه نمود که کودکان آنها و جوانانشان همگی وظایفی بعهدہ دارند که بعنوان اقدام به تحصیل و پرداختن روزی شش ساعت بدرس نمیتوانند آنها را نادیده بگیرند.

از طرف دیگر مطالبی که در کتابهای ابتدائی موجود نوشته شده با روح و خصوصیات یک ایلیمائی تطابق ندارد. باید مطالبی وابسته بازندگی روزانه و فعالیت های سالیانه آنها برگزید و بآنها آموخت، تا ضمن آشنائی با مفهوم آنها از اینکه درباره خودشان مجل زندگیشان و وسایل و ابزار کارشان صحبت میشود در خود احساس غرور نمایند

و بادل بسته‌گی فراوان بفرا گرفتن اطلاعات بیشتری درباره ایل و طایفه خود بپردازند. در کتابهای مزبور باید کوشید تا مسائل فنی مربوط به مرغ داری، دامپروری و زراعت و تولید صنایع دستی را بزبانی ساده بیان داشت و ضمن درس آنها را باتخاذ شیوه‌هایی صحیح‌تر و عملی‌تر راهنمایی نمود.

مربیان باید قادر باشند که با شرکت در وظایف روزانه مردم ایل‌یاتی در عمل راههای علمی صحیح را بآنها نشان دهند و رفته رفته وادارشان سازند که شیوه‌های کهنه و کم بهره دیرین را ترك گویند و به روشهای نوین روی آورند.

بطور کلی تعلیمات فرهنگی در بین این جوامع باید مبتنی بر یک روش علمی و عملی در زمینه تخصص و فعالیت‌های روزانه و همیشگی آنها بوده و سعی گردد که بتدریج راههای گذشته به شیوه‌های نو تبدیل گردد. و در مجموع شناخت بیشتر و شخصیت بیشتر برای این مردم بوجود آید. تا نقش مؤثرتری را در پیشرفت اجتماع و تولید محصولات بهتر و فراوانتر ایفاء نمایند.

اسکان فردی و خانوداگی یا مهاجرت از ایل

تا اینجا مطالبی که در زمینه اسکان چادر نشینان و ایلات بیان داشتیم مربوط بود با اقداماتی که باید درباره همه افراد یک تیره و طایفه انجام پذیرد و آنها را در نقطه‌ای مسکون سازد. ولی از سالها پیش با توجه به تغییرات و دگرگونیهای اجتماعی جمعی از چادر نشینان بطور فردی و یا بصورت خانواده از ایل جدا گشته و به جوامع ساکن در دهات، شرکت‌ها و حتی شهرهای بزرگ صنعتی پیوسته‌اند.

این جدائی و یا مهاجرت از ایل و ساکن گشتن در نقاط ساکن به گونه‌های مختلف صورت پذیرفته و این امر همچنان ادامه دارد، از جمله شیوه‌های اسکان فردی و یا خانوار نمونه‌های زیر را میتوان یاد کرد:

۱- مالکیت زمین در دهات: تعداد کمی از افراد ایل که ثروتی از راه

دامداری بدست آورده‌اند در بعضی دهات آباد که نزدیک منطقه ایل قرار دارند، همراه با خانواده خویش ساکن میگردند. این افراد با خرید قطعه زمینی در ده عنوان مالکیت پیدا میکنند و بزراعت میپردازند. اغلب این گروهها گله‌های خود را نگه میدارند و بدست چوپان میسپارند. ولی معدودی از آنها بکلی دامداری را ترك گفته فقط بکار کشت و زرع میپردازند.

۲- اجاره داری ملک: برخی از خانواده‌های ایلیاتی که دارای امکانات مالی قابل ملاحظه‌ای هستند بکار اجاره‌داری دهات منطقه خویش و یا مسیر سر راه مشغول میگردند و ضمن پرداختن با سرکشاورزی گله خود را نیز حفظ میسازند. سابقه نشان میدهد که این افراد برای همیشه در دهات ساکن میگردند.

۳- زندگی خوش نشینی در دهات: اغلب اوقات بر اثر فقر شدید و خشکسالی و یا بروز بیماریهای دامی، خانوارهایی از چادر نشینان و عشایر ایل را ترك گفته و در دهات اطراف پراکنده گشته بصورت کارگر زراعی و سایر خدمات در ده بکار مشغول میشوند. این گروه اگر چه در آغاز وضع بهتری پیدا میکنند ولی چون هیچگونه حقی برای آنها بر روی زمینهای زیر کشت ده بعنوان گاو بند و برزگر قائل نمیشوند همیشه در وضع نابسامانی بسر میبرند.

۴- کارگران زراعی فصلی: جمعی از مردان ایل در برخی از فصول سال برای کار در مزارع و کشتزارهای دهات اطراف، ایل را پشت سر گذاشته و مهاجرت میکنند. بسته باینکه چه نوع محصول در آن منطقه و یا مناطق نزدیک بآن کشت بگردد این افراد در طول اواسط بهار تا اواخر پائیز خارج از ایل بسر میبرند و گاه در زمستان بایل باز میگردند و یا در ده میمانند و امکان دارد برای کار به شهرکها رو کنند. این کارگران زراعی در هنگام درو و یا وجین و چین مزارع پنبه بیشتر موفق بیافتن کار میشوند.

۵- مهاجرت به شهرکها و یا شهرهای بزرگ: بر حسب منطقه گروهی از این چادر نشینان بر اثر فقر شدید ایل را رها ساخته برای جستجوی کار به شهرکها و شهرهای

بزرگ رو میآورند. آنها بگروه دهقانانی که بر اثر تنگدستی ده را بسوی شهر ترك گفته اند، میپیوندند و سپاه بیکاران غیر متخصص را بوجود میآورند. اینها بکارهای پرزحمت و عادی عملگی، در کارگاههای ساختمانی و یاجاده سازی مشغول میگرددند. بعضی اوقات وجود شهرهای صنعتی در جوار منطقه های گرسیر ایلات، محل خوبی برای جذب این افراد است. در چنین شهرهایی این مهاجران ایلماتی کمتر بکارهای تخصصی گماشته میشوند بلکه کارهای عادی را بآنها مراجعه میکنند و درازاء دستمزد ناچیزی این گروه را سورد بهره برداری قرار میدهند.

بطور کلی مهاجرت های نوع اخیر و یا بصورت کارگر فصلی زراعی و خوش نشین، دردهات مشکلات فراوانی را بوجود میآورند. و آن عبارتست از بوجود آمدن یک طبقه عظیم کارگر عادی و غیر متخصص دردهات و شهرها. این کارگران بیش از چند ماهی در ده کار نخواهند داشت و در شهرها نیز بکارهای دائمی گماشته نمیشوند و باین ترتیب به سپاه بیکاران پنهانی افزوده میگرددند و نتیجه آنکه از نظر اقتصادی و اجتماعی مشکلاتی را برای دهات و شهرها پیش میآورند. که از آنجمله است پائین آوردن میزان دستمزد کارگران واقعی، بالا رفتن کرایه مسکن در نقاط کارگر نشین و تهیدست شهر، بالا رفتن میزان جرم و بسیاری از اختلالات دیگر که باید مفصل بتوضیح و تفسیر آنها پرداخت.

با توجه به کلیه نکات فوق لازمست که بشدت از سیاست توسعه فقر در بین جوامع چادرنشین بخاطر مسکون ساختن آنها جلوگیری نمود. زیرا امر فوق گذشته از ناراحتی ها و مشکلاتی که هجوم آنها به نقاط ساکن دربردارد، در پائین آوردن سطح تولید دامپروری ایلات نیز اثر فراوان خواهد داشت.

ازجمله وظایف مهمی که سازمانهای مسئول دولتی بعهده دارند و باید بآن توجه نمایند، اینست که از بروز فقر در بین این جوامع جلوگیری نمایند و در مواردی که بعلت ضعیف ساختن قدرت سازمان ایلی، کسی نیست تا پدربانان ایل کمک نماید، بطریق وام و غیره خانواده های دامپرور را از سقوط و اجبار به مهاجرت از ایل

و پیوستن بگروه بیکاران دردهات و شهرها باز بدارند .

همچنین باید با ایجاد شرکت‌های تعاونی تولید جهت جمع‌آوری محصولات دامی و تبدیل آنها بانواع مواد قابل عرضه به بازار و بازاریابی برای فروش عمده آنها ، دست واسطه‌ها را از خرید جزئی محصولات خانواده‌های دامدار بقیمت ناچیز کوتاه ساخت تا امکان بالا بردن سطح درآمد این مردم میسر گردد . اصولاً اقتصاد شهر آماده آنست که از دسترنج دامپروران ایلمیاتی بهره‌برداری غیر عادلانه نماید و این امری است که باید بشدت با آن مقابله نمود و از انجام آن جلوگیری کرد .

بخش چهارم

روش بررسی جوامع چادر نشین و ایلات و عشایر

تا باینجا در صفحات گذشته اهمیت بررسی جوامع چادر نشین و ایلات و عشایر و نقشی را که آنها در حیات سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی مملکت دارند باختصار بیان داشتیم .

همچنین بطور خلاصه به بیان گونه های مختلف چادر نشینی و ایلیاتی پرداختیم و چهره هائی از آنها که بیشتر رواج دارد و در ایران نیز جریان دارد نشان دادیم . و بالاخره با توجه به اهمیتی که امر اسکان عشایر و جوامع چادر نشین در بر دارد و از سالها پیش مورد بحث سازمانها و اکثر علاقمندان بوده است ، به بررسی آن پرداختیم و راه حلهائی را که اسکان دارد برای نیل بآن برگزید مطرح ساختیم . و همچنین مشکلاتی را که در این راه با آن مواجه خواهیم بود متذکر گشتیم .

در مجموع مطالب باین امر اشاره گردید که جوامع مزبور از جهات مختلف دارای ویژگیهائی هستند که باید نسبت بآنها شناخت لازم پیدا نمود ، تا توانست در اسر برنامه ریزی بخاطر تحول این جوامع توفیق کامل بدست آورد . از اینرو است که ما در صفحات بعد پس از بحث درباره شیوه کلی مطالعه ایلات ، عشایر و قبایل مختلف ، و شرایط و چگونگی واحد تحقیق و خصوصیات فرد محقق و ابزار کار آنها ، روش بررسی یک ایل و مسائلی را که باید مورد مطالعه قرار گیرند بر خواهیم شمرد تا دانشجویان و علاقمندان به مطالعه ایلات و عشایر کشور ، شیوه عمل معین و منظم و هم آهنگی را برگزینند و حاصل کار آنها قابل استخراج و نتیجه گیری علمی باشد .

روش کلی بررسی

برای مطالعه یک گروه انسانی که در مراحل پیشرفته تمدن شهر نشینی قرار ندارد و خصوصیات مربوط به جوامع شهری را دربر نمیگیرد، روش بخصوصی را باید برگزید و مطالعه ژرفانگر و درعین حال همه جانبه ای را درباره آن بمورد اجراء درآورد تا شناخت کامل آن میسر گردد.

در بررسی یک قوم، قبیله و یا یک ایل ایجاب می کند که آنرا بصورت یک واحد متشکل مورد توجه قرار داد. باید کوشش نمود جنبه های مختلف اجتماعی، فرهنگی، فنی، اقتصادی و مذهبی جامعه مورد مطالعه و رابطه آنها را با یکدیگر و مجموعه واحد مزبور را باز شناخت. همچنین ایجاب می کند که دلایل شخصیت آن گروه و یا به عبارت دیگر عواملی که سبب میگردد گروهی از گروه دیگر تشخیص داده شود باز شناسیم.

از طرف دیگر باتوجه به واحدهای همجوار جامعه مورد نظر و پیوستگی های اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی آنها بیکدیگر، لزوم بررسی این ارتباطها و تداخلها و نقشی که گروه مزبور در اجتماع وسیع منطقه دارد، نمیتواند نادیده گرفته شود. بنابراین بخوبی روشن میگردد که مطالعه یک گروه در یک مورد و یا از یک نظر بخصوص نمیتواند پاسخگوی نیاز ما دایر بر شناخت کامل و جامع آن باشد همچنین انجام یک بررسی کلی و بدست آوردن خصائص عموسی چندین گروه نخواهد توانست پیچیدگیها و ساختمان دقیق جامعه و نهادهای مختلف آنرا چنانکه باید روشن گرداند. بکار بردن روش نمونه گیری که عبارتست از انتخاب دسته ای از مردم یک جامعه و بررسی دروضع واحوال آنها سپس تعمیم دادن این نتایج بر جامعه بزرگ اصلی، بدون شک در بررسی یک قبیله و یا یک ایل نمی تواند نتایج ثمر بخشی دربر داشته باشد درحالیکه این شیوه اسروزه در تحقیقات جامعه شناسی در زمینه جوامع صنعتی و شهرنشین مورد

نظر بوده و آنرا بکار می‌بندند و به نتایج قابل قبولی می‌رسند .
در تحقیقات مربوط به جوامع انسانی بیشتر از دو روش استفاده می‌گردد که آنها را در فارسی روشهای «پهنانگر»^(۱) و «ژرف‌نگر»^(۲) مینامند .

در روش پهنانگر جوامع وسیعی مورد بررسی قرار می‌گیرند و وسعت یک پدیده یا مسئله خاصی را در آنها مطالعه میکنند . در این شیوه بکار نمونه‌گیری می‌پردازند و بر حسب منطقه و یا بر اساس طبقه‌بندی اجتماعی آمارگیری نمونه‌ای انجام میدهند و به تجزیه و تحلیل نتایج آن می‌پردازند . بطور مثال چنانچه بخواهند مالکیت خانه را در ایران مورد بررسی قرار دهند و بدانند که چند درصد از مردم مالک خانه‌های شخصی خود هستند اینکار را با انجام نمونه‌گیری در مناطق مختلف کشور و یادیرین طبقات مختلف مردم (تاجر، کارگر، زارع، کارمند و غیره) عملی می‌سازند .

ولی در روش ژرف‌نگر عمق مسائل را می‌نگرند و گروه محدودی را برای مطالعه انتخاب می‌کنند . این روش اساس کار مردم‌شناسان و انسان‌شناسان را تشکیل میدهد . اعم از اینکه موضوع مورد مطالعه هر یک از واحدهای اجتماعی زیر باشد :

۱- قبایل ابتدائی استرالیا و آفریقا

۲- قبیله‌ای از بومیان آمریکا

۳- ایلات مختلف آسیای غربی و مرکزی

۴- منوگرافی دهکده یا یک جامعه روستائی

۵- مطالعه یک شهرک و یا طبقه معین از ساکنان یک شهر . (بطور مثال بازرگانان یا کارمندان شهر تهران) .

در مطالعه هر یک از واحدهای نامبرده ایجاب می‌کند که کلیه رویدادها و وقایعی را که در جوامع مزبور جریان دارد بدقت مشاهده نمود و جمع‌آوری ساخت و سپس بایزش لازم اقدام به بررسی و شناختن شکل و ساختمان کلی آن جامعه و نقش و عمل نهادهای آن نمود . برای انجام مطالعه مزبور باید از روش

«مشاهده» و روش «مصاحبه و پرسش» استفاده نمود. و باین دلیل است که لزوم شرکت در زندگی مردم مورد نظر و تماس نزدیک با آنها و جلب اعتمادشان ایجاب مینماید. روش پنهانگر اغلب بعنوان یک سونداز قبلی در ناحیه‌ای که بررسی کامل آن مدتی بعد بعمل خواهد آمد بکار میرود. این تحقیق معمولاً جنبه سطحی دارد و تهیه کنندگان پرسشنامه با فرصت کم قادر به جمع آوری مدارك لازم نخواهند بود و بهمین جهت است که برنوشته‌هائی که توسط برخی از جهانگردان درباره قبایل و ایلات نوشته شده است نمیتوان اعتماد داشت. زیرا در مدت کوتاهی که در بین آن مردم بسر برده‌اند جز نمودارهای ظاهری را بررسی نکرده‌اند و چه بسا که در درك صحیح آنها نیز دچار اشتباه گشته‌اند.

چنانکه حتی «لوئیس هنری مورگان»^(۱) دانشمند معروف که ویرا پدر علم مردم شناسی آمریکا خوانده‌اند، در جریان بررسی‌های خود در بین بومیان آمریکا تا مدتها توفیق آنرا نیافت که بتواند مفهوم واقعی «توتم» را درك نماید و آنرا نشانه‌هائی رمزی میدانست^(۲).

بنابراین بکاربردن روش ژرف‌نگر و انجام مشاهده نزدیک جامعه مورد نظر و تهیه پرسشنامه و انجام مصاحبه و تهیه آنکته‌های لازم امکان میدهد یک ساخته هم‌آهنگی بوجود آید که عوامل ترکیب کننده آن به آهستگی جمع شده، بررسی گشته و تجزیه و تحلیل شده‌اند.

شیوه مزبور از تمام ظرافت‌ها و موشکافی‌های مربوط به تحقیق و تهیه مدارك لازم برخوردار است. درحالات مختلف تهیه یک منوگرافی و داشتن مدارك لازم مربوط به یک منطقه کافی بنظر میرسد ولی در مرحله یک تحقیق جامع ایجاب می‌کند که از حدود یک منوگرافی پافرا تر نهاده و از فضای محدود خارج شویم و به محیط وسیعتری که جامعه مورد مطالعه در آن زندگی می‌کند داخل گردیم و باز از این فضای وسیع

۱ - Lewis Henry morgan (۱۸۱۸-۱۸۸۱)

۲ - تاریخ مردم شناسی - تألیف ه. ر. همیس - ترجمه: ابوالقاسم طاهری

نیز فراتر رویم و منطقه پهناوری را که این گروه بصورت یک عامل از یک مجموعه بسیار وسیع در آن ظاهر گردیده بررسی نمائیم و رابطه این واحد را با جوامع اطرافش سنجش نمائیم. بطور مثال زمانیکه تیره‌ای از ایل هفت‌لنگ بختیاری را مورد مطالعه قرار می‌دهیم لازمست که موقعیت و رابطه آنرا با تمام ایل هفت‌لنگ و جوامع ساکن اطرافش نیز بررسی نمائیم و در پایان نقش آنرا در جامعه ایلانی منطقه بختیاری دریابیم^(۱).

راههای همجوار در مطالعه یک جامعه همبسته انسانی

در بررسی‌های «اتنولوژیک» و مردم‌شناسی که نیاز از آن مطالعه قبایل، ایلات و گروههای مختلف غیرشهرنشین و شناخت ساختمان اجتماعی و فرهنگ آنها میباشد چهار طریق اصلی که همجوار هم هستند بکار میرود. این راهها در زمینه تحقیق و مطالعه قوانین، شکل و تحول گروهها بکار میرود و کار مردم‌شناس عبارتست از ایجاد هماهنگی و بوجود آوردن یک مجموعه هم‌بسته بر مبنای آنچه که از این راههای مختلف بدست آمده و در نتیجه تشریح چگونگی جامعه مورد نظر.

بررسی جنبه‌های فنی و اقتصادی: مطالعه یک قبیله یا یک ایل نخست متوجه اشیاء میگردد چنانکه بررسی لوازم و ابزار کار و کلیه ساخته‌های یک جامعه در هر مرحله که باشد اهمیت فراوانی را دربردارد. ولی تحقیق و مطالعه منظم شیوه‌ها و فن‌های مختلف و تقسیم‌بندیهای مربوط بآن اسری است بسیار جدید. این کار از اواخر قرن نوزدهم آغاز گردید و افراد مختلفی تقسیم‌بندیهای را ادامه دادند و از جمله میتوان به نظریات قابل ارزش «مارسل موس»^(۲) اشاره نمود. ولی اولین تقسیم‌بندی کامل

۱- برای بدست آوردن اطلاع بیشتر در زمینه روش تحقیق ژرفانگر مراجعه به کتاب «روش مردم‌شناسی» نوشته: پیربسنیه ترجمه آقای دکتر علیمحمد کاردان توصیه میگردد.

در فاصله سالهای ۱۹۴۳-۱۹۵۰ توسط «لوروآ گورهان»^(۱) استاد دانشگاه سوربن و رئیس «انستیتوی اتنولوژی»^(۲) دانشگاه سزبور بعمل آمد و در کتابی بنال «تحول و تکنیک»^(۳) عرضه گردید. بطور کلی میتوان گفت که در هر موقع از زمان گروههای انسانی بوسیله آگاهیهایی فنی شرایط مساعدتری را برای زندگی خود و حفظ و نگهداری خویشتن در برابر عوامل نامساعد طبیعی بوجود آورده اند.

خصوصیات و چگونگی فن و صنعت هر گروه و بطور کلی گروههای صنعتی در جریان زمان مستقر و بدون تغییر نخواهد ماند. در بعضی نقاط اقوامی هستند که در طی چند قرن در یک وضع ثابت صنعتی باقی مانده اند. ولی آنها جزء موارد استثنائی هستند زیرا از دوره «پارینه سنگی»^(۴) وجود یک دنباله سریعی از تغییر و تحول شیوههای مختلف فنی ب تحقیق رسیده است.

عوامل تکنیکی گروههای مختلف بایک شیوه خاص و معینی در تمام نقاط تحول نیافته است. در بعضی گروهها نیز هیچگونه وحدتی میان زمانهای مختلف تحول اشیاء گوناگون وجود ندارد.

چنانکه در بسیاری از نقاط جهان در کنار تراکتور و ماشین خرمن جمع کن هنوز ابزار بسیار ابتدائی کشاورزی چون گاوآهن و داس را مشاهده میکنیم و این هر دو در یک محل و در دو سزرعه همجوار یکدیگر بکار میروند. دلیل استفاده از این وسایل متعلق به عهدهای باستانی آنست که هنوز قادر هستند به احتیاج فنی بشر پاسخ مثبت بدهند و مورد استفاده قرار گیرند.

بنابراین مشاهده میگردد که بعضی اشیاء بطور سریع متحول گشته اند و انواع ابتدائی آن از دسترس بشر خارج گردیده و بعضی دیگر تحولشان کندتر بوده و در بسیاری از نقاط با همان وضع ابتدائی و جزئی تغییر بکار میروند.

در نتیجه میتوان اشیاء را بر حسب تندی و کندی آنها در شیوه تحولشان

۱- Leroi-Gourhan

۲- L'Institut d' Ethnologie

۳- Evolution et Technique

۴- Paléolithique Supérieur

طبقه‌بندی نمود و نشان داد که در جامعه مورد بحث کدام قسمت از ابزار و اشیاء وحتى شیوه‌های فنی ساخت و تولید (مانند پارچه‌بافی قالی‌بافی یا سفال‌سازی وغیره) بیشتر تحول یافته‌اند و کدام دسته در حالت ابتدائی‌تر باقی مانده‌اند.

بطور کلی میتوان وسایل و ابزار کشاورزی را جزء طبقه‌ای دانست که تحول آن کند میباشد (صرف نظر از وجود ماشین‌آلات کشاورزی که ممکن است در بعضی نقاط بکاربرده شود و بدیهی است که ساخته و پرداخته قدرت فنی افراد جوامع ایلیاتی و روستائین نیستند و از خارج بدانجا وارد گشته است)

بعکس ابزار و اشیاء کشاورزی، اسلحه‌ها حتی در ابتدائی‌ترین قبایل دنیا در طبقه‌ای از تولید وسایل فنی قرار دارند که تحولشان بسوی تکامل بسیار سریع است. بررسی شکل و شیوه اقتصادی و مطالعه درباره گروه‌های تولید کننده، شیوه داد و ستد و بالاخره تعیین نوع و حجم محصولات تولیدی و مصرفی هر جامعه نیز در شناخت کامل آن نقش مؤثری را ایفاء مینماید.

زبان شناسی :

مردم‌شناسان در مطالعات گروه‌های انسانی برای بررسی‌های زبان‌شناسی اهمیت فراوان قائل هستند و بعنوان یکی از قسمتهای اساسی کار خود بآن توجه مینمایند. «لور و آگروهان» میگوید: «میتوان تصور نمود که از آغاز گروه‌های مختلف انسانی از طریق زبان آنها بوجود آمده باشد^(۱)». البته این امر مورد قبول کامل نیست و نمیتوان تظاهر یک گروه بخصوص و شخصیت آنرا تنها مربوط به زبان آن دانست. چنانکه خود «لور و آگروهان» بدنبال مطلب فوق اضافه میکنند که: «با وجود این برای گروه‌های متعدد، تقسیمات کاملاً تقسیمات زبانی نیستند بلکه تقسیمات سیاسی میباشد^(۲)». با اینحال زمانیکه مطالعه گروه‌های پراکنده در افریقای سیاه بعمل میآید، اگر نقشه پراکندگی این قبایل را تهیه نمائیم، بطور طبیعی این نقشه منتج به یک اطلس زبان‌شناسی منطقه خواهد گردید. این امر درباره سایر نقاط

نیز صادق است و میتوان گویش‌ها و لهجه‌های مختلف را برحسب منطقه و گروه‌های انسانی ساکن آنها مشخص گردانید .

برخی از زبان‌شناسان و از جمله «پروفسورسایپر» معتقدند که با بررسی زبان هر مردمی میتوان به فلسفه و خصوصیات روانی و اجتماعی آنها پی برد . و از طریق زبان است که بسیاری از سنت‌ها و قسمتی از فرهنگ یک جامعه به نسل دیگر انتقال یابد . باید گفت که در هر زبان و گویشی در زمینه امور مختلف زبان بخصوصی بکار برده میشود . چنانکه می‌توان مکالمات فنی ، فلسفی ، هنری ، مذهبی و غیره را باز شناخت . این مکالمات و یا زبانهای تخصصی که بازینه‌های مختلف فعالیت‌های انسانی مطابقت دارند، بنابراین شیوه مخصوص تحول نمی‌یابند بلکه تغییر وضع و تحول آنها با احتیاجات عامل وابسته‌شان مطابقت دارد .

بطور مثال زبان مذهبی هر مردم وعدم تغییر و دگرگونی آن را نمیتوان نشانه بی‌حرکتی و فراموش شدن آن دانست بلکه استحکام آن و تغییر ناپذیریش رابطه مستقیم با عامل وابسته‌اش دارد و همچنین عامل مذهب دستخوش دگرگونیهای سریع نميگردد و به حفظ خصوصیات کهن خویش پای بند می‌باشد ، زبانی که بیان کننده منویات این عامل است نیز باید با آن تطابق داشته باشد . بعکس آن تحول سریع را در زبان صنعتی گروه‌های انسانی مشاهده مینمائیم زیرا عامل وابسته بآن بطور دائم در حال تغییر شکل و توسعه یافتن است .

بطور کلی عمل زبان‌شناسی یک عمل اجتماعی کامل است و انعکاسی است از تمام آنچه که گروه را شامل میشود . همچنین در آن واحد وابسته است به محیط کنونی زندگی هر مردم و همچنین گذشته تاریخی آنها .

چنانکه برخی از اتنولوگ‌ها از طریق زبان‌شناسی و بررسی زبان هر قومی در طول زمان نکاتی از تحول صنعتی آن مردم را روشن می‌سازند . چنانچه «هودریکورت^(۱)» این امر را در بررسی لغت «گاواهن^(۲)» انجام داده است .

باتوجه بانچه كه گفته شد مى توان به اهميت بررسى علمى زبانشناسى در مطالعه گروههاى انساني پى برد و براى آن در علم مردم شناسى جاىگاه بلندى قائل بود .

جنبه اجتماعى: مطالعه ساختمان اجتماعى هر گروه و شناخت نهادها و تحولات قسمتهاى گوناگون يك جامعه، نظير تشكيلات خانوادگى ، سياسى ، مذهبى وغيره قسمت مهم كاريك مردم شناس را تشكيل ميدهد . اين قلمروى است كه بين مردم شناس ها يك جامعه شناس مشترك مى باشد . زيرا هردو ميكوشند تا بنيان ساختمان جامعه و روابط آنرا باز شناسند و دريابند ، با اين تفاوت كه جامعه شناس امروزى دائره عمل خود را بيشتر محدود به جوامع شهرنشين و صنعتى ميسازد ، در حاليكه مردم شناس بيشتر جوامع غير صنعتى و خصوصاً قبائل بدوى وايلات را مورد بررسى قرار ميدهد .

آنچه كه در اين بررسى بايد مورد توجه قرار گيرد عبارتست از آهنگ تغيير و تحول ساختمان جامعه با توجه به تحولاتى كه در زمينه هاى صنعتى و اقتصادى و يا حوادث سياسى رخ داده است .

در محيط زندگى يك گروه انساني ، حوادث مختلف سياسى رخ ميدهد ، در حاليكه تحول ساختمانهاى اجتماعى چون موجى آرام از طريق نسل هاى بيشمار منتشر ميگردد و يكباره دستخوش دگرگونى شديد نميشود . نگاهی به تحولات سياسى نوم قرن اخير ايران و سپس مشاهده وضع اجتماعى اكثريت مردم ايليائى نشان ميدهد كه موضوع فوق تاحد فراوانى صادق بوده چنانكه باوجود دگرگونىهاى فراوان سياسى ، تغيير فاحشى در آهنگ طبيعى سير گروههاى ايلي و ساختمان جامعه آنها هويدا نگشته است . بلكه تغييرات مهم بيشتر در وضع سران ايلات و مقام وموقعيت آنها بوجود آمده است ، كه اثر چندانى در وضع مردم ايلي نداشته است .

همچنين در جوامع انساني اكثر در مقايسه بين پيشرفتهاى صنعتى و فنى و تحولات اجتماعى اختلافى وجود دارد و دگرگونىهاى اجتماعى هم زمان با پيشرفتهاى تكنيكى صورت نميپذيرد و دير كرد دارند . چنانكه جامعه اى ميتواند تكنيك جديدى را

بکار برد ولی تمام خصوصیات ساختمان اجتماعی خود را که در مرحله قبلی داشته است حفظ نماید. بطور کلی زمانی تغییرات تکنیکی میتوانند تحول کاملی در زمینه زندگی اجتماعی بوجود آورند که بتوانند دگرگونی و تغییرات قابل ملاحظه‌ای در وضع زندگی اقتصادی آن مردم پیش آورند از طرف دیگر طبقه اجتماعی و ساختمان خانواده بایک آهنگ شبیه بهم تحول نمیابند. توجه باین نکات در بررسی یک گروه انسانی نهایت ضرورت را دارد. زیرا در نظر گرفتن یک یا دو عامل و سپس نتیجه گیری کلی نسبت به سایر عوامل، نتایج نادرستی را بدست میدهد. و حتی اغلب با مطالعه کلی جامعه نمی توان خصوصیت های تشکیلات خانوادگی را دریافت و بعکس تنها با بررسی تشکیلات خانوادگی نمیتوان درباره ساختمان جامعه مزبور اظهار نظر قطعی نمود.

جنبه مذهبی: موضوع مذهب نیز در جوامع مختلف نقش مهمی را ایفاء مینماید و جا دارد که میزان نفوذ آن در بین هر گروه بخوبی مورد مطالعه قرار گیرد. در جوامع مختلف بسته به نوع مذهب و شدت وضع تسلط آن بر افراد شرایط بخصوصی وجود دارد که در زمینه های دیگر جامعه اثر می گذارد.

عامل مذهب در برابر عامل صنعت و اقتصاد استقرار و عمق بخصوصی را معرفی می کند و حامل مشترکی با تحول زمینه های دیگر ندارد. چنانکه نهاد مذهب طی قرنهای متمادی از میان انقلابها و تحولات اقتصادی و اجتماعی گذر نموده و پا برجا مانده است. با این حال سابقه نشان داده است که تحولات اجتماعی و سیاسی در بعضی نقاط و در زمانهای خاص بر روی عامل مذهب اثر گذارده است. ولی هیچگاه قادر به نفی آن نگردیده است. از طرف دیگر گروههای محدود، چون قبایل و ایلات در سراسر دنیا تا حد قابل ملاحظه ای از این تغییرات برکنار بوده اند. ولی بعکس عامل مذهب در مراحل مختلف سبب رویدادهائی بس عظیم بوده است. و از همین جا است که اهمیت این پدیده روشن میگردد و ایجاب میکند که بدقت نهاد مذهب و سازمانهای وابسته بآن در بین هر گروهی مورد مطالعه قرار گیرد.

هنر و زیبا شناسی: بشر در دوران مختلف عمر خویش از زمانیکه هنوز در غارها

میزبست وزندگی شبیه به حیوانات داشت دست بخلق آثار هنری زده است .

کنده کاری های روی استخوان و سپس نقش های زیبائی که در بعضی غارها چون «التمیرا» در اسپانیا بچشم میخورد نشانه ایست از سابقه ذوق هنری بشر . امروزه نیز در میان عقب افتاده ترین قبایل آفریقا و صحرا گردان آسیا و ایلات نقاط مختلف نمودارهای ارزنده ای از کارهای هنر بومی را مشاهده می کنیم . شناخت بینش هنری و معیارهای زیباشناسی در بین هر قوم و گروهی ما را قادر خواهد ساخت که شخصیت روانی و قدرت خلق کننده آن مردم را بهتر بشناسیم . آثار هنری مردمانی که دور از شهرها بسر میبرند و محیط زندگی محدودی دارند، کمتر دستخوش تحول گشته و بیشتر منعکس کننده روحیات و ادراک آن مردم از طبیعت و سایر عواملی است که با آن در برخورد هستند . در هر جامعه ای امکان ایجاد دگرگونی سریع در وضع صنعت و تکنیک آن امکان پذیر است و بخوبی میتوان ابزار کار قدیمی یک جامعه را با وسایل نو تعویض نمود و بطور مثال تراکتور را جایگزین گاو آهن ساخت . اما امکان بدور انداختن زبان و شیوه بیان هنری و زیباشناسی یک گروه بسختی امکان پذیر خواهد بود . روی این اصل میتوان از طریق مطالعه آثار هنری و تزئینی هر مردم بر بسیاری از خصوصیات آنها واقف گردید .

چگونگی مشاهده و مراحل تحقیق

برای بررسی یک جامعه انسانی می توان حوزه مطالعه را به سه مرحله اصلی تجزیه نمود .

۱- مرحله مقدماتی که در طی آن باید تمام اطلاعات لازم مربوط به موضوع مورد مطالعه اعم از کتاب ، رساله ها و مقاله ها جمع آوری گردیده و بنحو منظمی مورد بررسی قرار گیرند .

۲- اعزام گروه به منطقه و دنبال ساختن مطالعه در محل . در این مرحله عمل

تشخیص و بررسی مسائل مختلف همورداجراء درمیآید و درجریان آن بنحوساده ای تحدید حدود روشنی نسبت به عوامل گوناگون بعمل میآید .

۳- پس از جمع آوری کلیه مدارك و پر كردن و تكمیل پرسشنامه ها و فیش های مختلف اقدام به تجزیه و تحلیل آنها نموده و نتیجه گیری کلی مینمایند . زمانیکه سراد مطالعه چند قبیله در يك منطقه وسیع است جا دارد كه مقایسه ای بین پدیده های اجتماعی ، فرهنگی و نهادهای مختلف آنها صورت پذیرد و يك نظریه کلی و عمومی از پدیده های مزبور بدست آید . بطور مثال باید كوشش نمود تا تظاهرات گوناگون نهاد خانواده را در جوامع مختلف باز شناخت و درك نمود .

مدت و زمان مطالعه : زمان لازم برای مطالعه نهادهای يك جامعه را مدت زمانی میدانند كه شامل تمام دوره تغییر حال و وضع نهادها در روی زمین است . و برای این امر طول يكسال را بهترین مدت زمان میدانند . در این باره میتوان گفت بهتر است كه طی سالیان دراز در آن محل اقامت داشت ، تا تغییرات جزئی و تحولی را كه هر نهاد احتمالاً هر سال نسبت بسال قبل شامل میگردد مورد بررسی قرارداد . ولی باید گفت كه دوره بعضی از نهادها اغلب چندین سال و حتی چندین دهسال بطول میانجامد . چنانكه مراسم مذهبی خاص «دوگون»^(۱) ها كه در انحنای رود «نیژر» در آفریقا ساكن میباشند ؛ يك دوره شصت ساله را طی می كند و همین مراسم است كه قسمت عمده زندگی مذهبی مردم مزبور را تنظیم میسازد .

باید قبول نمود كه برای يك محقق با تمام قدرت روحی و حتی چنانكه از همکاری يك گروه مجهز از محققین نیز برخوردار باشد ، امكان ماندن در يك منطقه برای چندسال نه از نظر مالی و نه از جهات دیگر میسر نیست . و بهترین شیوه اینست كه در مواقع مختلف سال و فصول مختلف برای مدتی به محل عزیمت نموده و بررسی را دنبال ساخت . بنحوی كه دوره يكساله زندگی آن مردم با جمع آوری اطلاعات قطعه قطعه پر گردد .

در مورد ایلات ایجاب می‌کند که محقق در موقع عزیمت از بیلاق به قشلاق و بعکس آنها را همراهی نماید . زیرا قسمت عمده و حساس زندگی ایلات را امر کوچ سالیانه آنها تشکیل میدهد .

ترتیب مشاهده و مطالعه :

در مبحث گذشته راجع به زمینه‌هائی که باید در آنها بررسی بعمل آید گفتگو نمودیم و نشان دادیم که شناخت یک جامعه بدون آنکه موارد مزبور مطالعه گردند امکان پذیر نخواهد بود .

در اینجا ترتیب مشاهده و مطالعه آن عوامل را در یک گروه بیان میداریم . بنابراین که در قسمت مربوط به خود محقق یا گروه محققین متذکر گشته‌ایم ایجاب می‌کند که محقق نخست کار خود را در گروه از مطالعه اشیاء و ابزار و وسایل زندگی چادر ، بنا ، آغل ، اصطبل و از این قبیل آغاز نماید . اشیاء را از دو جهت داخلی و خارجی باید بررسی نمود . جنبه داخلی عبارتست از اینکه این ابزار یا این چادر و بنا چگونه ساخته شده ، شامل چند قسمت است ، چه موادی در ساختنش بکار رفته و نامهای بومی و محلی آنها چیست .

جنبه خارجی عبارتست از اینکه مورد استفاده آن چه خواهد بود . مطالعه اشیاء را میتوان در محل و بکمک افراد بومی انجام داد . و یا اینکه آنها را جمع‌آوری ساخت و دور از محل در سالنهای تکنولوژی و موزه‌های مردم شناسی مورد مطالعه قرار داد . شیوه دوم بیشتر از روش باستان شناسان الهام میگیرد که بر مبنای آثار بدست آمده در حفاریها به بررسی‌شان میپردازند . میتوان گفت زمانی که مطالعه یک گروه انسانی مطرح است دقیق ترین و صحیح ترین راه اینست که بررسی اشیاء و ابزار در محل صورت پذیرد . برای اینکه محقق میبایست چند فرد مطلع محلی را روی تمام جزئیات ممکن ساختمان و مصرف هر شیئی ، در زمینه تمام اعمالی که آن شیئی وابسته بآنست و تمام افراد و گروه‌هائی که آنها بکار میبرند ، مورد سؤال قرار دهد .

محقق میبایست سعی کند تا در محل طرز بکار بردن همه اشیاء را ببیند و در مورد تکنیک‌های مختلف خصوصاً در زمینه ساخت صنایع دستی و بومی محل بدقت

جنبه‌های فنی آنرا یاد داشت نماید . در کنار مطالعه مسکن ایجاب می‌کند فرم اردوگاه یا محل استقرار نیز بررسی گردد . چنانکه خطوط مواصلاتی و یا شبکه آبیاری در منطقه وجود دارد جادارد که طرح و نقشه آنها تهیه گردد . بطور کلی تمام آنچه که مربوط است به طریقه وابستگی فرد با زمین لازمست که مورد بررسی قرار گیرد .

تشکیلات سیاسی ، ساختمان اجتماعی ، فرهنگ :

در زمینه مطالعه این موارد که بطور مستقیم با افراد و گروههای انسانی محل رابطه دارد ، محقق یا محققین مجبور خواهند بود که با جامعه مزبور رآمینند و جامعه آنها را بخود بپذیرد در این مرحله است که از نزدیک قادر خواهند بود نقش نهاد ها و ساختمان اجتماعی را دریابند . محقق ضمن مشاهده مستقیم ودقت در چگونگی جریان طبیعی نهاد ها ، سازمانها و مراسم ، میتواند افراد را نیز مورد سؤال قرار دهد . در این زمینه باید تعدادی افراد وارد وعادی محل را در تمام جنبه‌های ممکن زندگی شان مورد سؤال قرار داد و در نتیجه موفق خواهیم گشت که منوگرافی هائی بر مبنای افراد ، خانواده و یا گروهها بدست آوریم . بعد آنها را از نظر عمقی وسطحی یعنی بادوشیوه ژرف‌نگر ، از نظر شناخت کامل وجامع موضوع و پهنانگر از نظر بررسی وسعت آن ، گسترش داد . چنین آنکتهی اسکان آنرا خواهد داشت که زمینه‌های وسیعی از زندگی اجتماعی مردمی که افراد مورد سؤال وابسته‌بآن هستند مکشوف سازد . برای آگاهی بر طرز فکر آنها در زمینه‌های مختلف چون عقیده‌شان به زندگی پس از مرگ نیز میباید نظر افراد مطلع وهمچنین عادی محلی را جویا شد وبا احترام به گفته‌های آنها توجه نمود تا هرچه را که میاندیشند وسعت‌دند بیان بدارند .

نتیجه : پس از جمع‌آوری اطلاعات وتهیه منوگرافی باید درك نمود ومشخص ساخت ونمایش داد که مجموعه روابط اجتماعی در یک جامعه چگونه عمل میکنند وانجام میپذیرند . باید دانست که عوامل مختلف یک اجتماع عملاً وابسته بهم هستند ، هر کدام از آنها یک نقش و یک عملی را با اهمیت معینی در زندگی کلی جامعه مورد نظرا یفا می‌کنند . باید کوشش نمود تا تشخیص دهیم که این نقش

چیست و چگونه عمل میکنند . بطور مثال باید کوشش نمود که تظاهرات متعدد پدیده خانواده را که تحت یک فرم یا فرمهای دیگر در تمام جوامع شناخته شده ، درك نمود و شناخت . باید نقش و عملش را در جامعه بطور عمومی دریافت و رابطه اش را با سایر مقوله ها و پدیده هائی مانند پدیده های مذهبی و اقتصادی باز شناخت .

گروه تحقیق

برای انجام تحقیقات مردم شناسی درباره ایلات چنانکه گفته شد لازمست تا بررسی و مطالعه جامعی در محل و بین آن مردم صورت پذیرد .

در اینجا ایجاب می کند که در مورد شکل گروه پژوهندگان مطالبی بیان بداریم . تاکنون بیشتر بررسی های انجام شده در ایران توسط یک فرد صورت گرفته و کمتر سابقه دارد که یک گروه مجهز اقدام باینکار نموده باشد . تنها گروه هائی از طریق هنرهای زیبا برای مطالعه فلکلور بعضی نواحی اعزام گشته اند که بیشتر در زمینه لباس و موسیقی و رقص اطلاعاتی را جمع آوری ساخته اند .

انجام یک تحقیق کامل مربوط به یک ایل در تمام زمینه ها بعلت وسعت و تعدد مسائل اجتماعی و پیچیدگی آنها در عمل به یک پژوهنده تنها امکان نمیدهد که به یک بازده خوب و کامل امیدوار باشد . میتوان گفت که تنها یک گروه متشکل قادر خواهد بود یک آنکت قابل انطباق و با فایده را بوجود آورد . زیرا امکان تقسیم کار بر مبنای کمیت و کیفیت برای یک گروه فراهم می باشد . چنانکه برای ثبت جریان مراسم عروسی و یا یک مراسم مذهبی ، افراد قبیله و ایل در دسته های مختلف بر حسب وظایفی که بعده دارند هر دسته مشغول بانجام کاری هستند . این فعالیت ها قبل از شروع و در حین اجراء مراسم در قسمت های مختلف انجام می پذیرد که ثبت آنها حائز اهمیت فراوان می باشد .

در حین اجراء مراسم خان و نزدیکان او وظایف و نقش های خاصی بعده دارند

در همین زمان روحانیون نیز بکار دیگری سرگرم هستند و سایر مردم نقش‌هایی را ایفاء می‌نمایند. باین ترتیب برای ضبط تمام آنها ایجاب می‌کند که چند نفر محقق در قسمت‌های مختلف تشریفات را دنبال نمایند. این امری است که از عهده یک فرد محقق با وجود آشنائی کامل به همه علوم انسانی بر نخواهد آمد.

گروه محققین باید در ترکیب خود همانقدر که از نظر جنبه‌های تخصصی گوناگون می‌باشد، در رسیدن به هدف واحد هم‌آهنگ باشد.

برای جمع‌آوری مدارک کامل و دقیق، یک گروه باید از محققینی تشکیل گردد که جامعه مورد نظر را از دیده گاه‌های مختلف بنگرند و بعد مشاهدات خود را بهم مربوط سازند و نتیجه گیری کلی و جامعی بنمایند. از اینرو وجود یک مورخ - عالم اسویر مذهبی - زبان‌شناس - طبیعی دان - دکتر - حقوق دان و روانشناس در یک گروه برای همکاری نزدیک با مردم شناس می‌تواند گروه ایده‌آلی را بوجود آورد. زمانیکه مطالعه یک ایل یا قبیله توسط یک گروه انجام می‌پذیرد دوشیوه را برمیگزینند و بکار می‌برند:

- ۱- دوشیوه اول کلیه افراد گروه کار خود را متوجه مطالعه یک نهاد بخصوص از جامعه مورد نظر قرار میدهند. بطور مثال نهاد مذهب از جانب یک مورخ، حقوق دان و روانشناس، زبان‌شناس و مردم شناس مورد بررسی قرار می‌گیرد و از جنبه‌ای که هر یک در آن تخصص دارند آنرا تجزیه و تحلیل میکنند.

- ۲- شیوه دوم که اغلب در تکمیل اولی بکار می‌رود عبارتست از انجام یک رشته مطالعه گوناگون و جدای از هم که هر یک از محققین به تنهایی به بررسی مطالعه نهادی خاص می‌پردازند، نهادی که وابسته به رشته تخصصی‌شان می‌باشد. آنها مطالعه را تا حدود مطالعات همکاران خود در زمینه نهاد های همجوار گسترش میدهند، و در پایان کار اقدام به نتیجه گیری کلی نموده وابستگی های عوامل و پدیده ها و نهاد های سازنده جامعه مورد بحث را روشن می‌سازند.

باین مطالب فوق میتوان نتیجه گرفت که بهترین شیوه کار، مطالعه دسته جمعی یک گروه محقق است. ولی باید دانست که اجراء چنین طرحی احتیاج به

اسکانات مالی فراوان دارد و این امری است که در شرایط فعلی برای ما قابل اهمیت فراوان است. از اینرو باید کوشش نمود تا آنجا که ممکن است افراد گروه را محدود ساخت و سطح اطلاعات عمومی محققین مردم شناس را در زمینه های مختلف بالا برد تا قادر باشند ضعف گروه را بر اثر نبودن متخصصین گوناگون تاحدی جبران کنند.

یک گروه کوچک نباید از دو نفر کمتر باشد، یک مردم شناس ورزیده و مطلع که به علوم مختلف انسانی آگاهی نسبی داشته باشد و یک دستیار که بیشتر مسئولیت کارهای فنی را از قبیل، فیلمبرداری عکس برداری، تهیه نوار، تهیه کروکی و طرحهای لازم از محل، مراسم و آثار هنری و ابزار کار بعهدہ داشته باشد. با وجود آنچه که گفته شد و مشکلاتی که در امر تحقیق برای یک فرد تنها در پیش است، نمیتوان حاصل کار یک محقق تنها را اگر بینش کامل داشته باشد کم اهمیت و ناقص تلقی نمود. خصوصاً اینکه شرایط روانی اکثر مردم ایلیماتی چنانست که بایک فرد بیشتر و زودتر از یک گروه چند نفری آشنا میگردند و او را بخود سپندیرند.

نکته ای که ذکر آنرا در اینجا بی مورد نمیداند، اینست که در زمینه تحقیق مربوط به زنان ایلات، نقش و ووظایف آنها، وجود یک محقق زن در گروه لازم بنظر میرسد. زیرا با وجود آنکه در ایلات مسئله روگرفتن و در پرده بودن زنان مطرح نیست. با اینحال زنهای ایل با فرد بیگانه کمتر نشست و برخاست می کنند و تهیه پرسشنامه از آنها بسیار مشکل و یا اکثر غیر ممکن است. بنابراین وجود یک زن در گروه، جهت جمع آوری اطلاعات مربوط به زنان می تواند موثر واقع شود.

خصوصیات فرد محقق

بدست آوردن موفقیت کامل در بررسی یک قبیله یا ایل تنها وابسته به آگاهی و اطلاعات وسیع فرد محقق یا گروه محققین نمی باشد. بلکه داشتن بعضی خصوصیات

و توجه نمودن به مسائلی که در زیر بآنها اشاره خواهد رفت در راه رسیدن بمقصود اثر فراوان خواهد داشت .

محقق یا محققینی که قدم در راه مطالعه جوامع ایلیاتی میگذارند باید به اهمیت ارزش کار علمی خود و خدمتی که از این طریق به فرهنگ ملت خویش و جامعه مورد مطالعه انجام میدهند ایمان کامل داشته باشند . این بررسی را بعنوان انجام یک مأموریت اداری و یا یک نوع وقت گذارانی و کنجکاوی موقتی تلقی نمایند . بلکه معتقد باشند که در صورت انجام یک کار علمی می توان از آن نتیجه گیری خوبی نمود که بحال آن مردم مفید واقع شود .

بنابراین باید بمردم آن محل علاقه داشت و بحالشان دلسوز بود . از گذراندن وقت خود در بین این جوامع با همه مشکلاتی که از نظر زندگی و مایحتاج ضروری وجود دارد ، ناراحت نشد و با حوصله و علاقه واقعی مصمم به شناخت چگونگی وضع آنها بود . محقق باید به نهادها ، سازمانها آداب و سنن و رسوم مردمی که در بین آنها به بررسی پرداخته است احترام بگذارد . باید برای آنها ارزش فراوان قائل باشد و آنها را بی پایه و ناچیز نداند و تمسخر نکند . در غیر این صورت نه تنها موفق به درک چگونگی آنها نخواهد گشت بلکه مردم پاک دل و ساده ایلات و قبایل که احترام و ایمان فراوانی به نهادها و آداب و رسوم خود دارند ، قدرت تحمل بی حرمتی و استهزاء را نخواهند داشت و اغلب عکس العمل های شدید نشان میدهند .

بنابراین باید محقق موفق شود که از تمام وسایل برای جلب اعتماد کامل مردم نسبت بخود استفاده نماید زیرا چنانکه گفته شد او باید با مردم در آمیزد و آنها او را بخود بپذیرند تا موفق گردد که واقعیت های جامعه مورد مطالعه خود را باز شناسد .

محقق باید بکوشد تا اعتماد مردم را به رازدار بودن خود جلب نماید و از این طریق موفق به جمع آوری مدارک و پر کردن پرسشنامه های لازم گردد .

هر قدر محقق بیشتر توجه مردم را بخود معطوف بدارد و به رازدار بودن خویش

آنها را مطمئن سازد ، بهتر میتواند اطلاعات مورد نظر را بطور مستقیم وبدون واسطه مطمئن محلی از افراد ایل بدست آورد . خصوصاً زمانی که صحبت از رابطه افراد عادی با مسئولان ایل و خانها بمیان میآید باید فرد ایلمیاتی مطمئن باشد که گفته های او بگوش خان یا کد خدا نمیرسد و در اینصورت است که محقق می تواند پرسشنامه های جالبی را پر نماید .

در طول زمانی که فرد محقق در میان قبیله و یا ایلی بسر میبرد نباید انتظار داشته باشد که در مدت کوتاهی کار خود را به پایان رساند و بمانعی برخورد نماید . محقق باید باشکیبائی هر چه تمامتر و در نهایت علاقمندی و صمیمت در زندگی روزانه و مراسم مختلف جامعه مورد مطالعه اش شرکت جوید و به جمع آوری مدارك لازم بپردازد . در انجام سئوال و جواب کوشش باید کرد که وقت افراد محلی را در حین اشتغال بکار نگرفت . بلکه باید چنان گفتگو کرد که در جریان کار آنها وقفه ای حاصل نگردد . سئوال در زمینه وسایل و ابزار کار و چگونگی انجام کار بخصوصی بهتر است در زمانی انجام پذیرد که افراد آن وسایل را مورد استفاده قرار داده و بکار مورد نظر مشغول باشند . زمانی که فرد شخص محقق را نسبت به حرفه خویش علاقمند ببیند و احساس کند که برای کار او ارزش قائل هستند در نهایت راستی وبدون کم و بیش هر چه را که میداند در اختیار سئوال کننده قرار خواهد داد .

همیشه محققین بر مبنای اطلاعاتی که بصورت کتاب و یا برخی مدارك نوشته در اختیار دارند ، قبل از رفتن بروی زمین ، برنامه معینی را برای کار خود در نظر میگیرند . سابقه نشان داده است که انجام مطالعه در محل با برنامه تنظیمی تطابق ندارد . چه بسا اتفاق می افتد که اطلاعات قبلی ناقص و ناصحیح بوده و یا اینکه در جریان اسر به مسائل مبهم و تازه ای برخورد میگردد که راه پیش بینی شده را تغییر میدهد .

چنین وضعی نباید سبب ناراحتی محقق گردد و او را از رسیدن به نتیجه مورد نظر مأیوس سازد . همچنانکه محقق نباید در برابر موفقیت های بدست آمده که بدون

برخورد با مشکلی نصیب او گردیده کاملاً راضی باشد و با بدست آوردن جواب سئوالهایی که قبلاً طرح ساخته است کار را تمام شده فرض نماید .

بطور کلی محقق باید واقع بین و روشن بین بوده و دارای جامعیت کامل و حسن تشخیص قوی باشد .

محققی که خود در جامعه شهری پرورده شده و تربیت یافته است باید برای امر آگاهی داشته باشد که خصوصیات مردم ایلیاتی با شهرنشینان تفاوت فراوان دارد و بهمین جهت نیز شیوه کار او با طرز کار یک جامعه شناس فرق بسیار دارد . او باید جامعه را از داخل با شرکت در زندگی افراد آن بنگرد ، بهمین دلیل سیماست جامعه ایل او را بخود بپذیرد و هیچگونه سوءظنی نسبت باو وجود نداشته باشد . باوجود آنکه سازمانهای دولتی در نقاط ایلیاتی مستقر میباشد ولی هنوز وارد شدن به جامعه ایل برای فرد غیرایلی کار مشکلی است .

زیرا در آن واحد خان و کدخدایان و مردم هردو باید باو اعتماد نمایند . ممکن است خان و کدخدایان به فرد اجازه ورود بدهند ولی تا زمانی که محقق نتواند اعتماد مردم را بخود جلب نماید جز مطالبی که از افراد مطلع ایل می تواند بدست آورد ، از زبان اکثریت افراد ایل چیزی نخواهد شنید این وضع در بین ایلاتی که خان و کدخدایان محبوبیت چندانی ندارند بیشتر به چشم می خورد .

خانها معمولاً مایل نیستند که محققین زیاد با مردم در تماس باشند و از اینرو سعی میکنند که همیشه آنها را بعنوان مهمان خود در ایل پذیرائی نمایند .

محقق باید بنحوی که سبب رنجش خان نشود رفته رفته با افراد عادی ایل تماس برقرار کند ، شبها در جمع آنها شرکت جوید و بخواهد که از داستانها و حکایات سرزمینشان و قهرمانانشان برایش صحبت کنند . علاقه نشان دادن به گفته های آنها و تحسین قهرمانانشان و یا شرکت کردن در آوازهای دسته جمعی آنها و در برخی اوقات در آمدن به لباس محلی آنها و بکار بردن سلام و تعارف بصورت خود مردم محل ، احترام گذاردن به پیر مردان و ریش سفیدان همه و همه می تواند محبت و علاقه مردم

را به محقق جلب نماید. محقق باید سعی کند که با مأموران دولتی تماس نداشته باشد زیرا افراد ساده ایلیماتی و حتی کدخداهای و خان نیز او را جزء مأموران دولت دانسته و فکر میکنند برای انجام نظر خاصی همیان آنها آمده است. این حس بدبینی خواه و ناخواه وجود دارد و برعهده سازمانهای دولتی است که با گسیل داشتن افراد مطلع و مدیر و بی نظر این طرز تفکر را تغییر دهند.

زمانیکه محقق بمحل میرود و برایش امکان ندارد که مدت زیادی در آنجا اقامت کند مبنایست با پینش کامل و توجه فراوان بررسی نماید که چه قسمتی را میتواند در این مدت مورد مطالعه قرار دهد و نتیجه گیری کند، سپس در آن قسمت بکار پردازد. بنابراین انجام یک رشته مطالعات پراکنده و سطحی در طی مدت کوتاه نمیتواند بازده علمی خوبی داشته باشد و محققین از انجام چنین کاری باید خود داری نمایند. وقتی برای فرد محقق امکان اقامت طولانی میسر است در مراحل اولیه نباید کار بررسی و سؤال و جواب مربوط به مسائل اجتماعی ایل را آغاز نماید. زیرا بدون شک این پرسشها در جریان عادی زندگی مردم ایجاد ناراحتی مینماید، خصوصاً زمانیکه فرد هنوز در بین افراد چنانکه باید پذیرفته نشده و اعتماد آنها را بخود جلب نساخته است. بنابراین جا دارد که در آغاز خود را فردی معرفی کند که برای گردش به جمع آنها آمده است و وقت خود را صرف تهیه نقشه محل، خانه ها چادرها و نمونه برداری از طرحهای هنری، دستبافها و فرش و غیره و بازار و وسایل کار آن مردم بسازد. اینها همگی مورد نیاز می باشند و وقتی که صرف تهیه شان می گردد هدر نخواهد رفت.

شک نیست که پس از انجام بررسی های لازم در تمام زمینه محقق اقدام به نتیجه گیری نموده و درباره چگونگی ساختمان جامعه مزبور، سازمانها، وضع اقتصادی آن و آداب و رسوم آن مردم نظریاتی را ابراز میدارد. در چنین مرحله ای باید توجه داشت که محقق نباید تابع احساسات خاص و یا تحت تأثیر ایده و تئورهای بخصوصی قرار گیرد. و در نتیجه مسائل را در زمینه تائید نظریه معین و مشخصی مورد تجزیه

و تحلیل قرار دهد. خصوصاً در ایران محققین مردم‌شناس باید واقع بینی فراوان بخرج دهند و در طرز انتخاب سئوالها کوشش نمایند که افراد ساده و بی سواد ایلات را ناخودآگاه با پرسش‌های خود در جهت پاسخهای منطبق با حقیقت زندگیشان راهنمایی نمایند.

محققین باید توجه داشته باشند که نیاز از این بررسی‌ها تأیید این طرز فکر و یا رد آن دیگری نیست، بلکه هدف بازشناختن کامل این جوامع و دردهای آنها است تا بتوان درمانی برای آنها جستجو نمود و شرایط ناگوار آنها را برای نیل به یک زندگی بهتر تغییر داد. بطور کلی محقق مردم‌شناس باید فردی انسان دوست و دلسوز باشد و بکار خود ایمان داشته از مشکلات و اغلب مخاطراتی که در راه اوقرار دارد هراس ننماید. باین امر معتقد باشد که نتیجه کار او مفید خواهد بود و در سرنوشت گروهی که به مطالعه آنها پرداخته است اثر فراوان خواهد داشت.

داشتن ایمان به ارزش کار خود، داشتن پشتکار، علاقه بزندگی و سرنوشت مردم مورد مطالعه، بینش واقع بینانه و حقیقت جوئی، آگاهی به علوم انسانی، همگی در تضمین موفقیت فرد محقق مؤثر خواهند بود.

وسایل ثبت و یادداشت اشیاء و رویدادها

با توجه بآنچه که تا کنون بیان داشتیم، جادارد که شیوه ثبت و یادداشت آنها و وسایلی که برای آن بکار می‌رود متذکر برگردیم.

اصولاً آنچه که مورد مطالعه ماقرار میگیرند یا عبارتند از وضع محل، اشیاء مختلف و آثار ساخته شده و یا مسائل اجتماعی و اعمالی که در جامعه روی میدهد. برای یادداشت خصوصیات هر دو دسته می‌توان وسیله‌ای که آنرا «فیش» می‌نامند بکار برد. درباره کلمه فیش نباید تصور نمود که نیاز از آن اندازه معینی است که فرضاً در کتابخانه‌ها بکار می‌رود، بلکه قصد آنست که اطلاعات لازم روی صفحه

کاغذی ثبت گردد و این کاغذ قابلیت آنرا داشته باشد که از مجموع جداگشته و در جای دیگر طبقه بندی گردد. باید کوشش نمود که یادداشت روی یک فیش به تنهایی گویای مطلبی باشد که از نظر رشته کلام به فیش قبلی یا بعدی وابسته نباشد. به عبارت دیگر جادارد که هر فیش دارای عنوانی باشد و جمله در اول آن آغازگشته و در انتهایش پایان یابد.

معمولاً فیش ها را بر حسب موضوع آنها به سه دسته تقسیم می کنند.

۱- فیش مربوط به موزه و «تکنولوژی»

۲- فیش توصیفی در زمینه مسائل اجتماعی

۳- فیش سؤال و جواب

اندازه فیش های مزبور بسته به نظر محقق و یا گروه تحقیقاتی فرق می کند ولی باید کوشش نمود که اندازه فیش های هر دسته یکسان باشد و زمانی که در پرونده ای آنها را مرتب می سازند اختلافی باهم نداشته باشند.

یادداشت فیش های مربوط به اشیاء و یا ثبت وقایع بهتر است که در مرحله اول در کتابچه های متوسطی صورت پذیرد. زیرا حمل و نقل و نگهداری آن ساده تر است و هم اینکه با پاکنویس کردن از روی آنها بر روی فیش های اصلی، مجموعه فیش های تمیزتر و صحیح تری در اختیار خواهیم داشت.

فیش مربوط به موزه و «تکنولوژی» - فیش های مزبور در زمینه ثبت، شرح و توصیف یک شئی از جهات مختلف و ترسیم دقیق شکل آن بکار میرود. اطلاعاتی که روی این فیش باید ثبت گردد عبارتست از:

۱- نمره ای که بر روی شیئی مزبور گذارده ایم و در مجموعه اشیاء جمع آوری شده بان داده ایم.

۲- محل بدست آمدن آن: استان، بخش، دهستان و بالاخره نام محل قطعی.

۳- نام شیئی و نام اجزاء مختلف آن.

۴- شرح ساختمان شیئی - مواد بکار رفته در آن - طرز ساختمان و تزئین بکار رفته روی قسمتهای مختلف آن .

۵- اطلاعات مربوط به مردمی که آنرا ساخته اند ، نامشان ، دسته ای که آنرا ساخته و بکار میبرد - آیا طبقه بخصوصی آنرا بکار میبرد ، آیا شیئی ارزش خاصی دارد (مقدس است - در مراسم بخصوص بکار می رود یا مربوط به زندگی عادی مردم است) تعداد آن زیاد است و برای مالکیت آن امکانات مالی خاصی باید داشت یا خیر.

۶- رجوع : درباره مطالب فوق می توان به فیش های متعددی که در این زمینه تهیه شده و همچنین طرح ها و عکس های مربوط اشاره نمود و شماره آنها را ذکر کرد.

۷- نام گروه تحقیق - تهیه کننده فیش - بدست آورنده شیئی - تاریخ نیاز از فیش های «تکنولوژی» آنست که طریقه تهیه برخی از وسایل را که در آن گروه عمومیت دارد مشخص سازیم . بطور مثال طرز بافت پارچه ، قالی - گلیم ، تهیه نم ، انواع بافت و انواع کوره برای پخت ظروف سفالی و چرخ برای تهیه آنها و بالاخره تکنیک های وابسته مانند رنگ سازی ، لعاب سازی و غیره را باید با دقت و توصیف کامل به همراه شکل و عکس مشخص نمود .

۲- فیش توصیفی در زمینه مسائل اجتماعی

در اینگونه فیش های بیشتر به ذکر و توصیف مراسم میپردازند . و ایجاب میکند که نام آن مردم ، محلشان نام تهیه کننده آنکت و همکارانش و تاریخ تهیه و ساعت اجراء مراسم (آغاز و پایان) ذکر گردد . در اینجا باید سراحل اصلی مراسم ذکر شود - افراد مؤثر آن که نقش مهمی را بعهده دارند با عنوان مربوط بخود باید یادداشت شوند . فواصل زمانی وقایع نیز باید ثبت گردد همچنین نقاط مختلفی که وقایع در آن صورت میپذیرد باید روی کروکی معین گردد و جایگاه هر دسته از اجراء کنندگان و تماشاگران مشخص شود . شک نیست که برای مشاهده و ثبت تمام وقایع اگر

محیط عمل وسیع باشد یکنفر توفیق کامل بدست نخواهد آورد و جا دارد که چند نفر بکار پردازند و خصوصاً چنانکه قبلاً متذکر گشتیم یکنفر باسر عکسبرداری و فیلمبرداری بپردازد. محقق یا محققینی که مشغول یادداشت وقایع هستند بهتر است در کنار خود افراد مطلع و واقع گوی محلی داشته باشند، تا در مورد لازم به سئوالهای آنها در مورد آنچه که مبهم است پاسخ گویند و یا اینکه عنوان اجراء کنندگان مراسم را توضیح دهند.

محقق باید در این فیش ها سعی کند طرز فکر مردم و اهمیتی را که برای این مراسم قائل هستند تشریح نماید و در صورتیکه این بحث کلی را در جای دیگر انجام داده بدقت بآن اشاره نماید تا در موقع مطالعه فیش مشکلی پیش نیاید.

۳- فیش سئوال و جواب

این فیش ها عبارتند از پرسشنامه هایی که در زمینه های مختلف تهیه میشود و بدقت مسائل مورد نظر مطرح گردیده و از اهالی خواسته میشود تا بدان پاسخ گویند. در این پرسشنامه ها باید نام مردم مورد بحث، تاریخ، پرسش کننده موضوع اصلی و مطالبی که در ذیل آن مورد پرسش قرار گرفته اند ذکر گردد.

این فیش ها میتواند یکمک مطلعین محلی برگردد و یا اینکه مستقیماً توسط محقق صورت پذیرد. موضوع مورد مطالعه آنها میتواند مسائلی چون: طرز دید و تفکر مردم نسبت به مسائل اجتماعی و یا اعتقاداتشان نسبت به دنیا، عالم خلقت، زندگی پس از مرگ، شجره نسب، و مسائل بسیار دیگر باشد. در تهیه این پرسشنامه ها باید دقت کامل بکار برد و خصوصیات را رعایت نمود.

شرایط پرسشنامه :

در تنظیم پرسشنامه ها خصوصاً وقتی که موضوع مربوط است به مسائل و روابط اجتماعی افراد باهم و یا افراد با گروهها، و افراد با سازمانهای اداری ایل یا محل، باید دقت فراوان مبذول داشت. زیرا بدون شک مطرح ساختن این سئوالها در وضع آنها ایجاد اختلال نمیکند. مشکل مزبور زمانی که پرسش کننده فردی غریبه باشد بیشتر

بچشم می‌خورد. گو اینکه فرد محلی نیز بر اثر طرح سؤالها ایجاد ناراحتی مینماید ولی چنانچه پرسش کننده محلی بادقت انتخاب گردد و فردی باشد که در بین مردم مورد احترام و طرف اعتماد باشد بمیزان زیادی فرق خواهد نمود .

سؤالها باید چنان تنظیم گردد که بطور ناخود آگاه پاسخ هارا هدایت نماید . کمال مطلوب اینست که سؤالها تا آنجا که ممکن است غیر فردی باشد ، برای اینکه پاسخ ها را در یک جهت بخصوص به مطامعین محل ویا افراد عادی که مورد سؤال قرار گرفته اند تلقین ننماید .

بطور کلی پرسش نامه میتواند هم بصورت «مقید» تنظیم گردد و هم بصورت «آزاد» بعنوان مثال ممکن است پرسیده شود چه تفریحی را بیشتر دوست دارید وبعد بلافاصله پرسیده شود، رقص یا اسب سواری را ، در اینجا فرد مقید است که یکی از آندو پاسخ گوید .

ولی ممکن است پرسیده شود آیا به تفریح علاقمند هستید و سپس ، به چه نوع تفریحی ، در اینجا فرد آزادی بیشتری در دادن پاسخ دارد . ولی سابقه نشان داده است که نتایج استخراج شده از پرسشنامه هائی باسؤالهای مقید ، مفیدتر خواهد بود .

شیوه های تکمیلی

در مطالعات مردم شناسی و انسان شناسی که در گروه های مختلف انجام میپذیرد، گذشته از تهیه فیش از شیوه هائی چون: تهیه نقشه - طراحی - نقاشی - عکس برداری فیلم برداری - ضبط صوت نیز استفاده میگردد .

تهیه نقشه و کروکی : زبانی که مطالعه بر روی یک محل بصورت ده ، اردوگاه ویا قرارگاه وقلعه صورت میپذیرد ایجاب میکند که نقشه محل از نظر طبیعی واز نظر شکل منطقه استقرار طرح گردد و بصورت کروکی دقیقی تهیه شود . در این نقشه

محلات ویا نقاط مختلف تمرکز افراد ، ردیف چادرها ویا محل آغل واصطبل وحتى شکل مزارع وترتیب نقاط دفاعی باید مشخص گردد .

طراحی و نقاشی : برای هر محققى ایجاب میکند که بامرطراحی و نقاشی آشنائی داشته باشد تا بتواند از عهده کشیدن طرح مسکن ، اشیاء و ابزار و نقش های تزئینی قالبی و گلیم و غیره برآید . این امر در شناخت تکنولوژی و همچنین ارزش هنری آثار نهایت مؤثر است . از طرف دیگر زمانیکه محقق سرگرم مطالعه یک جشن یا یکی از مراسم مذهبی میباشد باید بتواند بخوبی از عهده تهیه چند طرح سریع از مراحل مختلف جریان مزبور برآید .

عکس بردای و فیلمبرداری : ثبت وقایع مراسم و اعیاد و همچنین تهیه شکل محل و مسکن ، و تصویری از اشیاء و ابزار مختلف بکمک عکسبرداری و فیلمبرداری میتواند بنحوی جالبی انجام پذیرد . ولی بکار بردن این دو دستگاه در محل اغلب ایجاد اشکال مینماید و افراد بومی ابراز ناراحتی مینمایند . و در برخی نقاط چنانکه از مراسم مذهبی آنها عکس تهیه شود آنها بی احترامی تلقی میکنند و بالاخره زمانیکه زنان در مراسم شرکت بجویند و بخواهند عکسبرداری کنند امکان دارد ممانعت نمایند . بطور کلی محقق ویا گروه محققین از این دو وسیله نباید از روزهای اول کار استفاده نمایند و بهر کجا که قدم میگذارند دوربین و دستگاه فیلمبرداری را با خود ببرند . باینحال نباید از این دو وسیله غافل بود و باید کوشید بهر صورت که شده از مراسم فیلمبرداری کرد و از دستگاه عکسبرداری نیز برای تهیه عکس از اشیاء - مسکن وحتى طرز لباس پوشیدن افراد و غیره استفاده نمود .

داشتن فیلم از مراسم و نشان دادن آن بروی پرده در دفعات مختلف اغلب سبب می گردد که نکات مبهم و یا فراموش شده ای آشکار گردد که حائز اهمیت بوده اند .

تهیه فیلم رنگی و عکس رنگی معمولاً رجحان دارد زیرا گذشته از ثبت شکل و حرکات رنگ واقعی را نیز ضبط مینماید .

ضبط صوت : بکار بردن دستگاه ضبط صوت برای ثبت آهنگهای موسیقی ، ترانه ها و بالاخره گویش و لهجه محل حائز اهمیت بسیار است . اگر در مراسم چون جشن ها و مراسم مذهبی و شبیه خوانیها همراه با فیلمبرداری موفق به ضبط آهنگها و کلام نیز بگردیم ، کار کاملی را انجام داده ایم .

اغلب ضبط یک یا چند داستان و قصه محلی بالحن کلام یک فرد محلی برای مطالعه زبانشناسان و حتی روانشناسان میتواند سفید واقع شود . زیرا از روی آهنگ کلام و تکیه کردن روی بعضی مسائل میتوان به احساس آن مردم نسبت به وقایعی که در طول داستان اتفاق میافتد پی برد و روحیه آنها را باز شناخت .

بخش پنجم

روش منوگرافی يك ایل

در این بخش مواردی را که برای شناخت کامل یک جامعه ایلیاتی باید مورد بررسی قرار داد، بترتیب بیان خواهیم داشت. در اینجا کوشش شده است تا با اختصار در هر زمینه‌ای بحث کوتاهی جهت توجیه مطلب صورت پذیرد. همچنین در بعضی موارد تا جائیکه اطلاعات و مدارک موجود امکان داده است بصورت خلاصه چگونگی وضعیت موضوع مورد بحث را در ایران توضیح داده ایم.

موقعیت جغرافیائی و اوضاع طبیعی

برای آنکه بخواهیم درباره مردمی آغاز سخن نماییم، باید که محل و موقعیتی را که در روی زمین بهر صورت اشغال نموده‌اند باز شناسیم. از اینرو شناخت موقعیت و وضعیت جغرافیائی و اوضاع و احوال طبیعی سرزمین مربوط به هر ایل و طایفه‌ای اولین قدم برای مطالعه و بررسی واحد مورد نظر میباشد. ومانیز کار خود را از این مرحله آغاز مینمائیم.

از آنجا که مطالعه کافی یک منطقه از نظر جغرافیائی و اوضاع و احوال طبیعی وابستگی به واحد بزرگتر جغرافیائی داشته و گذشته از احتیاج به متخصصین فن نیاز به مدت زمان و وسایل فراوان دارد، بجا است که بروی مطالعات جغرافیائی انجام شده تکیه نمود. ولی این امر مانع آن نمیگردد که در مدت مطالعه روی زمین، زمانی را صرف بررسی مسائل مزبور نسازیم و از مشاهده مستقیم و یادداشت

اوضاع طبیعی محل در فصل مربوط بخود تحت عنوان «مشاهدات مستقیم» خودداری نمائیم. بلکه انجام این امر کمال ضرورت را دارد زیرا که اطلاعات جغرافیائی موجود بیشتر مربوط است به مناطق وسیع و درباره نواحی محدودتر هنوز نقشه های دقیق و بررسی های لازم صورت نپذیرفته است و جادارد که وضع محل مورد مطالعه به روشنی تشریح گردد و توضیح داده شود.

ذکر چگونگی ساختمان پستی و بلندی و منظره طبیعی محیط مورد مطالعه، مستقیماً در شناخت طرز زندگی و اوضاع و احوال اجتماعی، اقتصادی و روحیه مردم منطقه اثر فراوان دارد. زیرا بین ساکنان نقاط کوهستانی و سرزمینهای جلگه ای و دشتهای وسیع اختلافهای زیادی وجود دارد که در همه شؤون زندگی آنها هویدا می باشد. این طرز فکر و دید که محیط جغرافیائی بر طرز معیشت، زندگی و روحیات افراد اثر میگذارد از دیرباز مورد توجه بوده و علمای مختلفی درباره آن اظهار نظر کرده اند که برخی از آنها راه افراط پیموده اند. چنانکه نبودن رشد تمدن را در بعضی جوامع عقب افتاده تنها وابسته به شرایط جغرافیائی و اقلیمی دانسته اند.

از جمله کسانی که در زمینه مکتب «جغرافیائی» و رابطه آن با زندگی جوامع بشری مطالعه کرده اند میتوان افراد زیر را نام برد. قبل از همه جادارد از دانشمند بزرگ اسلامی «ابن خلدون» یاد نمود که در قرن هشتم هجری میزیست. ابن خلدون در تحقیقات خود اثر شرایط اقلیمی را در چگونگی وضع زندگی اجتماعی مردم هر منطقه مورد بررسی قرار داده و برای آن اهمیت فراوان قائل شده است. ابن خلدون موضوع رابطه بین انسان و محیط زندگی او را چنان با وسوسه کافی و دقت تجزیه و تحلیل نموده که اغلب او را پایه گذار مکتب جدید جامعه شناسی و جغرافیای انسانی بشمار میآورند.

در بین محققین جدید «لوپله^(۱)» دانشمند فرانسوی معتقد بود که وجود دشت های وسیع و استپ ها در آسیا برای برگزیدن شیوه زندگی گله داری و شبانی مساعد

بوده و سازمان قبیله‌ای و خانواده وسیع پدرسالاری را با همه اصول و مقررات و سلسله مراتب منظمش بوجود آورده است. خصوصیات روانی چنین مردسی را در اطاعت کامل از دستورات رئیس خانواده و قبیله نیز زائیده شیوه زندگی و طرز معیشت آنها میدانند. بعوض معتقد است که وجود دره‌های تنگ در نروژ سبب جدائی شده، خودپرستی را پرورش داده و خانواده‌هائی که شخص در آن دارای اهمیت و اعتبار بوده و برخلاف خانواده‌های پدرسالاری یکنفر جنبه رهبری و فرماندهی را ندارد بوجود آورده است. افراد دیگری نیز در همین زمینه نظریاتی ابراز داشتند. از جمله «راتسل»^(۱) دانشمند آلمانی، مکتبی را در زمینه جغرافیای سیاسی بوجود آورد. او با دلایل متعدد تاریخی نشان میدهد که تا چه حد آب و هوا، وسعت منطقه و دیگر خصوصیات جغرافیائی و طبیعی در زندگی اجتماعی موثر است. در تایید نظریات «راتسل» یک دانشمند امریکائی کتابی تحت عنوان «تمدن و آب و هوا» تدوین ساخته که در آن وجود همه تمدنهای بزرگ را مربوط به منطقه معتدله دانسته است.

در اینجا باید گفت که نظریات دانشمندان فوق و همفکران آنها در بعضی موارد راه افراط پیموده و عوامل دیگر را در رشد اجتماعات و شیوه زندگی و نمود روحیات آنها بی اثر فرض نموده‌اند.

مادر اینجا قصد نداریم که وارد بحث فوق بگردیم تنها یاد آور میشویم که میزان شدت تأثیر عوامل طبیعی و موقعیت جغرافیائی در هر جامعه وابسته است به نوع فرهنگ و ساختمان اجتماعی آن واحد. باینصورت که هر قدر وابستگی معیشت و زندگی آن مردم با عوامل طبیعی بیشتر باشد، میزان زیادتری تحت تأثیر آن قرار خواهند داشت. چنانکه جوامع چادر نشین و کشاورز بیشتر از یک جامعه شهری و صنعتی تحت تأثیر دگرگونیها و شرایط جغرافیائی محل زندگی قرار میگیرند.

در مبحث مربوط به موقعیت جغرافیائی و اوضاع طبیعی محل باید به نکات زیر توجه داشت و بآنها اشاره نمود.

۱- موقعیت جغرافیائی :

ذکر اینکه محل مورد بررسی درجه نقطه‌ای از کشور قرار گرفته و چنانکه منطقه مهم و وسیعی مورد بررسی است ، لازمست که طول و عرض جغرافیائی آن معین گردد . در تمام حالات ایجاب مینماید که یک نقشه $\frac{1}{253000}$ همراه باشد تا حدود محل مورد مطالعه بر روی آن بارنگ مشخصی رسم گردد .

۲- وضعیت طبیعی :

باید ناحیه مورد بحث از نظر پستی و بلندی مورد بررسی قرار گرفته و روشن گردد که جزء کدام دسته از مناظر طبیعی میباشد . چنانکه منطقه وسیع است لازمست معلوم شود شامل چند دسته از مناظر طبیعی میباشد .

مناظر طبیعی را بطور کلی میتوان به چند دسته تقسیم نمود که عبارتند از :

مناظر کوهستانی

» تپه ماهور

» جلگه و دشت و کویر

» کرانه‌های دریا

» کرانه و امتداد رودخانه‌ها

» کوهپایه

» دره‌ای : در اینجا باید بانواع دره‌ها توجه داشت و نوع دره را معین ساخت . (دره‌های وسیع و دره‌های تنگ - تک دره یا مجموعه‌ای از دره‌ها - دره با رودخانه یا بدون رودخانه - دره‌های مستقیم یا پیچ و خم دار - شیب دره ملایم است یا تند - دره متقارن است یا بی‌قرینه - دره طشتکی شکل است یا خیر .)

در ایران با توجه به وضع طبیعی آن مناظر مربوط به دره‌ها و کوهپایه‌ها و پس از آن مناظر جلگه‌ای و دشتی بیشتر از سایرین بچشم می‌خورد . جلگه‌های وسیع ایران که اغلب مراتع وسیعی را هم دربردارد در نقاطی چون ترکمن صحرا ، دشت مغان و خوزستان قرار گرفته‌اند .

۳- عوارض طبیعی منطقه :

پس از آنکه وضع منطقه از نظر سنظره طبیعی شرح داده شد و حدود آن معلوم گشت، جا دارد که به ذکر عوارض طبیعی مهم آن بپردازیم این عوارض را میتوان چنین یاد کرد :

کوه یا کوهستان - با ذکر جنس ، طول و عرض و ارتفاع قله آن . (بر حسب اطلاعات جغرافیائی که در دست است) باید توجه داشت که ذکر مشاهدات مستقیم فرد محقق نیز کمال اهمیت را دارد . باینصورت که آیا شیب دامنه تند است یا ملایم - دارای پوشش گیاهی هست یا نه - برای چرا از آن استفاده میکنند یا خیر.

رودخانه - رودخانه از جهت اقتصادی دارای اهمیت فراوانی است و از اینرو جا دارد که بخوبی مورد مطالعه قرار گیرد . در بررسی رودخانه های جاری در منطقه مورد بحث ، باید به اطلاعات جغرافیائی موجود مراجعه نمود و سپس مسائل ذیل را نیز از طریق مشاهده و پرسش مورد توجه قرار داد .

آیا مسیر رودخانه در ناحیه کوهستانی است یا از میان تپه و ماهور و جلگه میگذرد . و اینکه آیا در طول منطقه مورد نظر امتداد مستقیمی را طی میکند یا پیچ و خم فراوان دارد . بستر آن از کف زمین زیاد پائین است (مثل رودخانه گرگانرود) و یا اختلاف زیادی با سطح زمین ندارد .

از طرف دیگر با استفاده از اطلاعات سازمانهای مسئول و مقادیر وارد محلی باید میزان آب رودخانه (Debit) در فصلهای مختلف سال ثبت گردد و مشخص شود که رودخانه مزبور در همه ایام سال جریان منظمی دارد یا بیشتر دارای جنبه سیلابی است . لازمست مشاهده شود که بستر رودخانه پهن است یا تنگ، عبور از آن با مشکل صورت میپذیرد یا پل و وسیله عبور دارد - قابل قایق رانی است یا خیر . همچنین باید بررسی نمود که آیا شعباتی از آن در منطقه جدا میشوند و یا بآن میپوندند . و بالاخره اینکه در رودخانه مزبور ماهی صید میگردد یا نه و نوع آن چیست .

دریاچه - **برکه** - **چشمه** - چنانکه در منطقه دریاچه ای وجود دارد و یا برکه ای هست جا دارد که وسعت و عمق آن ذکر گردد و شیرینی و شوری آب آن مشخص شود . همچنین باید مطالعه نمود که میزان آب این منابع در طول سال در تغییر است

یاخیر و میزان این تغییر تاچه حد است . و بالاخره اینکه از این آب تاچه حد برای کشت و زرع استفاده میشود و آیا از نظر صیدساهی دارای اهمیت هستند یا نه . در مورد چشمه سارها لازمست که میزان آب آن مشخص گردد و بررسی شود آیا از نظر طبی مورد توجه هستند یا خیر و اینکه بیشتر مصرف خوراکی دارد یا از آن برای کشاورزی هم استفاده میکنند .

آب و هوا

بررسی و شناخت چگونگی وضع آب و هوای یک منطقه بدلیل رابطه مستقیمی که عامل سزبور با ترکیب و وضع خارجی خاک زمین ، رویش گیاهی و موجودات حیوانی ناحیه مورد مطالعه دارد ، حائز اهمیت فراوان میباشد . عواملی که بطور کلی در ترکیب و چگونگی آب و هوای یک محیط دخالت دارد عبارتند از : درجه گرما ، فشار هوا ، میزان رطوبت هوا ، باد و نوع و مقدار بارش های آسمان . برای بررسی این عوامل انجام یک مطالعه کوتاه و بدون وسیله نه ممکن است و نه مؤثر . زیرا اسروژه برای اندازه گیری آنها از وسایل مختلف و ایستگاههای مجهز هواشناسی استفاده مینمایند و تازه اطلاعاتی که در طول یکسال بدست میآید و در دفترهای بخصوصی یادداشت میگردد کافی برای اظهار نظر جامع در زمینه چگونگی آب و هوای یک منطقه نمیباشند . بلکه باید طی سالیان متمادی این آزمایشها صورت پذیرد تا بتوان از نظر علمی درباره میانگین هوای یک منطقه اظهار نظر نمود . بنابراین باید قبول نمود که برای یک محقق یا یک گروه از محققین که درباره یک ایل بمطالعه میپردازند انجام چنین اسری امکان پذیر نیست و از طرف دیگر بدون آگاهی و بحث درباره چگونگی آب و هوای منطقه امکان شناخت صحیح اوضاع و احوال طبیعی ناحیه و اثرات مستقیمی که عامل آب و هوا بر روی چگونگی شیوه زندگی چادر نشینان و ایلات ساکن منطقه میگذازد میسر نخواهد بود .

چگونگی آب و هوای هر ناحیه در رویش گیاهان و نوع آنها اثر مؤثر دارد چنانکه وجود گیاه و درخت نیز در تغییر وضع آب و هوای هر منطقه اثر فراوان دارد. گیاهان و محصولات کشاورزی نواحی گرم، معتدل و سرد، نواحی واقع در کنار دریا، دانه کوهستان و دشتهای از نظر شکل و برگ و جنس گیاه و نوع میوه تحت تأثیر آب و هوای محل میباشند. چنانکه در نواحی سردسیر سوزنی برگها کمتر میرویند و در نواحی خشک و سوزان پهن برگها تاب مقاومت نخواهند داشت.

در مورد کشت محصولات زراعی نیز باید بخوبی با احوال آب و هوای محل آگاهی داشت تا با توجه باین امر در انتخاب نوع محصول و سپس نوع مقاوم آن در برابر سرما یا گرما که بر اثر آزمایش در نقاط دیگر مشخص گردیده اقدام نمود. همچنین برای تأمین مواد غذائی مردم محل، لازمست که میزان متوسط گرما و سرما را در فصلهای مختلف سال بحساب آورد و محصولات مورد نیازی که بتواند انرژی لازم را تأمین نماید کشت نمود.

رابطه آب و هوا و دامپروری :

از آنجا که مهمترین منبع درآمد ایلات و عشایر را امر دامداری تشکیل میدهد، آگاهی بوضع آب و هوا و نوسانات آن حائز اهمیت فراوان است. زیرا در نقاط مختلف بر حسب درجه حرارت انواع مختلف دام تربیت و نگاهداری میشود. این امر بسته به میزان توانائی و قدرت مقاومت حیوان در برابر سرما و گرما میباشد. گوسفندها نیز بر حسب مناطق از نظر میزان تحمل وضع آب و هوا دارای انواع مختلف میباشند و این امر چنانست که امکان نگهداری نوع گوسفندهای کرمان و بلوچستان در ناحیه کردستان عملاً غیر ممکن است.

چگونگی آب و هوای محل در فرم و جنس دامها و میزان ذخیره چربی و یا انبوهی پشم آنها نیز اثر دارد.

رابطه آب و هوا و خصوصیات انسانی :

عامل آب و هوا در چگونگی خصوصیات روانی و فعالیت های اجتماعی افراد

انسانی در تمام نقاط اثر مؤثر دارد. این امر با توجه به پیشرفت های صنعتی در جوامع پیشرفته شهرنشین روز بروز اثرش کمتر میگردد و بعکس در جوامع روستائین و ایلات و عشایر که همچنان شیوه زندگی در مراحل ابتدائی و دور از دسترسی با امکانات گسترده صنعتی است، اثر عوامل طبیعی بر همه امور و فعالیت های آنها سایه گستر بوده و بسیاری از مسائل کار و زندگی آنها بسته به تغییرات و اوضاع و احوال و دگرگونی های آب و هوای محیط میباشد.

چنانکه وضع کشت و برداشت آنها و محصولات داسی که منابع عمده درآمد این دو جامعه را تشکیل میدهد تابع نوسانات آب و هوای محل میباشد. باین ترتیب و بطور غیر مستقیم امر آب و هوا از این طریق در وضع آنها اثر میگذارد. از جانب دیگر سرما و گرما و اوضاع معتدل هوا در روحیه و طرز سلوک مردم نواحی مختلف نیز تغییراتی چند بوجود میآورد که در اساس و بنیان روابط اجتماعی انسانها اثر فراوان میگذارد. خشونت و ستیزه جوئی مردمان نواحی گرمسیر، در برابر مقاومت و پایداری روانی مردمان مناطق سردسیر و جنبه اعتدالی روحیه مردمان ساکن نواحی معتدل روشنگر اثر محیط زندگی و آب و هوای محل سکونت آنها است. در حالیکه از نظر نوع و شیوه زندگی ممکن است وضع مشابهی داشته باشند. باین صورت که یا روستائین و کشاورز باشند و یا اینکه بزندگی چادرنشینی و شبانی اشتغال داشته باشند. وضع آب و هوای منطقه در میزان تولید و نوع محصولات دستی و صنعتی ایلات و چادرنشینان نیز دخالت فراوان دارد.

آب و هوای هر منطقه همچنین در پدید آوردن نوع مسکن، همیشگی و یا موقت ساکنان نیز اثر دارد.

در بین ایلاتی که بیشتر به امر چادرنشینی میپردازند و نوع مسکن موقت در بین آنها عمومیت دارد، فرم چادر و جنس و رنگ آن نسبت به وضع هوای محل و سرما و گرما فرق میکند.

باین ترتیب مشاهده میگردد که عامل آب و هوا در امر زندگی چادرنشینان

و ایلات از جهات مختلف اثر دارد و سزاوار آنست در بررسی وضع منطقه ای که ایل مورد نظر در آن به بیلاق و قشلاق میپردازد عامل مزبور بخوبی مطالعه گردد. لازمست تا حد امکان مشخص شود که چه جنبه ها و نمود هائی از زندگی مردم محل وابستگی کامل با این پدیده طبیعی دارد. در مرحله ایجاد تغییرات و دگرگونیهای جزئی و کلی در زمینه شیوه زندگی و منابع تولیدی آنها مانند دامپروری و کشاورزی، باید که برنامه ریزان باین عامل توجه کامل مبذول دارند، تا مشکلات نوینی بروز نکند. این امر خصوصاً باید مورد توجه سازمانهای عمرانی که مسئول گسترش امر دانداری و کشاورزی میباشند قرار گیرد تا در انتخاب نوع محصول و جنس دام دقت کامل صورت پذیرد.

چنانکه گفته شد برای جمع آوری اطلاعات کافی در زمینه آب و هوای یک منطقه احتیاج به زمان کافی و وسایل لازم میباشد. چنانکه فرد یا یک گروه تحقیقاتی مدت زمانی در منطقه بمانند جا دارد که حداقل با وسایل فنی متوسط از قبیل: بارومتر، گرماسنج، هادسنج و غیره اقدام باندازه گیریهای بنمایند. در مورد هر منطقه احتیاج باینست که میزان حداکثر، حد متوسط و حداقل درجه حرارت هرماه، هرفصل و هر سال را در دست داشته باشیم. لازمست که میزان رطوبت و بارش های هوا، سرعت باد و جهت آن را بدست آورد. در بیشتر موارد احتیاج به ایستگاههای هواشناسی است. ولی در نقاطی که وجود ندارد باید ضمن پرسش از افراد مطلع محل آنکته در این موارد تهیه نمود. در مورد هادهای موسمی، زمان و چگونگی آن و اثری که بر روی رستنی ها دارد و همچنین جهت آن ایجاب میکند که اطلاعات کافی جمع آوری ساخت.

دقت در وضع گیاهان منطقه و طرز ساختمان خانه ها، در نواحی باد گیر و مناطقی که هادهای موسمی میوزد خود حائز اهمیت میباشد و باید مورد توجه و دقت خاص قرار گیرد، و کاملاً یادداشت شود.

جاء دارد که از افراد وارد محل پرسش گردد که در زمستانهای خیلی سرد و

تابستانهای بسیار گرم که نسبت بوضع معمول غیرعادی جلوه گر گشته اند، چه تغییرات عمده ای در بین دامها و گیاهان بروز نموده و چه انواعی از آنها توان بیشتری آورده اند.

آب و هوای ایران :

در بحث مربوط به آب و هوا جا دارد که چگونگی آنرا در ایران باختصار مورد بررسی قرار دهیم .

هوای ایران جز در قسمت های واقع در دامنه های شمالی البرز و کناره دریای خزر که رطوبت هوا فراوان و میزان بارندگی از ۱۰۰ میلیمتر بیشتر میباشد، در بقیه نواحی دارای مشخصات اقلیم خشک بری آسیاست .

چنانکه بیابانهای مرکزی دارای هوای خشک و فراخشک (extra - aride) میباشد . میزان بارندگی در این نقاط بسیار کم و اغلب از ۱۰۰ میلیمتر در سال تجاوز نمیکند .

هوای سواحل خلیج فارس و دریای عمان نیز نظیر منطقه فوق است و بارندگی آن بیشتر در فصل زمستان صورت میپذیرد .

نواحی غربی و شمال غربی بین ۳۰۰ تا ۶۰۰ میلیمتر در سال بارندگی دارد، و تابستانهای آن خنک و زمستانها بسیار سرد است . در غرب ایران نسبت به ارتفاع کوهستان وضع هوا از پائین تا کمره کوه و بالای آن متغیر است و به همین جهت رستنی های آن نیز در کمره های مختلف فرق میکنند .

اختلاف آب و هوا و اقلیم در نواحی مختلف ایران تنها وابسته به عرض جغرافیائی منطقه نیست بلکه وجود اختلاف سطح از دریا در سورد دانه ها ، دره های مرتفع و فلاتهای بلند عامل مؤثری است ، باینصورت که افقهای مختلف هر یک اقلیمی بخصوص میسازند که دارای درجاتی میباشد . در سورد آب و هوای ایران هنوز چنانکه باید وسایل لازم و کافی جهت مطالعه و بررسی در اختیار سازمانهای مربوط نیست و ایستگاههای هواشناسی موجود تعدادشان نسبت به وسعت و گوناگونی اقلیم نقاط مختلف کشور ناچیز می باشد . باینحال آقای دکتر گنجی استاد محترم دانشگاه بر اساس آمارهای موجود تقسیم بندی خاصی را برای آب و هوای ایران در نظر گرفته اند

که بطور خلاصه جهت اطلاع بیشتر، آنرا در اینجا نقل می‌نمائیم^(۱)
براساس این تقسیم‌بندی انواع آب و هوای زیر در ایران قابل تشخیص است.

آب و هوای خشک :

«یک‌نظر سطحی بنقشه تقسیمات اقلیمی ایران بخوبی می‌رساند که قسمت عمده‌ای از سطح کشور مادرای آب و هوای خشک است که در آن میزان تبخیر سالیانه بیشتر از میزان نزولاتی (منظور از این کلمه جمع باران و برف است) که در سال بوجود می‌آید و بنابراین آب و برف اضافی که باعث ایجاد رودخانه‌های دائمی شود وجود ندارد .

بموجب محاسبه دقیقی که نگارنده بعمل آورده از $۱/۶۴۰/۰۰۰$ کیلومتر مربع مساحت ایران در حدود $۱/۲۰۰/۰۰۰$ کیلومتر مربع یا بیش از دو ثلث مساحت آن دارای آب و هوای خشک است که از این وسعت $۷۰۰/۰۰۰$ کیلومتر مربع آن صحرائی و $۵۰۰/۰۰۰$ کیلومتر مربع نیمه صحرائی می‌باشد»

آب و هوای خشک صحرائی در دو قسمت مشخص از کشور ملاحظه می‌شود یکی در طول سواحل دریاهای جنوبی از حدود گواتر تا خوزستان و دیگر در داخله، بنابراین میتوان دونوع آب و هوای خشک ساحلی و داخلی تشخیص داد .

وسعت منطقه صحرائی ایران که دارای آب و هوای مزبور از نوع داخلی است بمراتب بیشتر از منطقه ساحلی است . زیرا تمام کویرهای داخلی فلات ایران از نزدیکی تهران تا سرز پاکستان و از دامنه‌های جبال مرکزی تا سرحد افغانستان دارای این نوع آب و هوا می‌باشد . از مشخصات مهم آب و هوای صحرائی ایران اختلاف فاحش درجه گرمای شب و روز است که در تمام صحرای دنیا کم و بیش مشاهده می‌شود ولی در این جا این نکته از اینرو باتأکید قید می‌گردد که تنها عامل تشخیص دونوع آب و هوای ساحلی و داخلی است .

باران منطقه صحرائی ایران بطوری که میدانیم ناچیز و کمتر از مناطق ساحلی است . از مشخصات دیگر این منطقه اقلیمی که دارای عواقب اقتصادی واجتماعی

فوق العاده است نامرتب بودن همین مقدار باران ناچیز ازسالی بسال دیگر است .

آب وهوای نیمه صحرائی :

این نوع آب وهوا درفاصله بین آب وهوای صحرائی و مرطوب قرار میگیرد و درایران هم همه جا دورا دور صحراها دیده میشود .

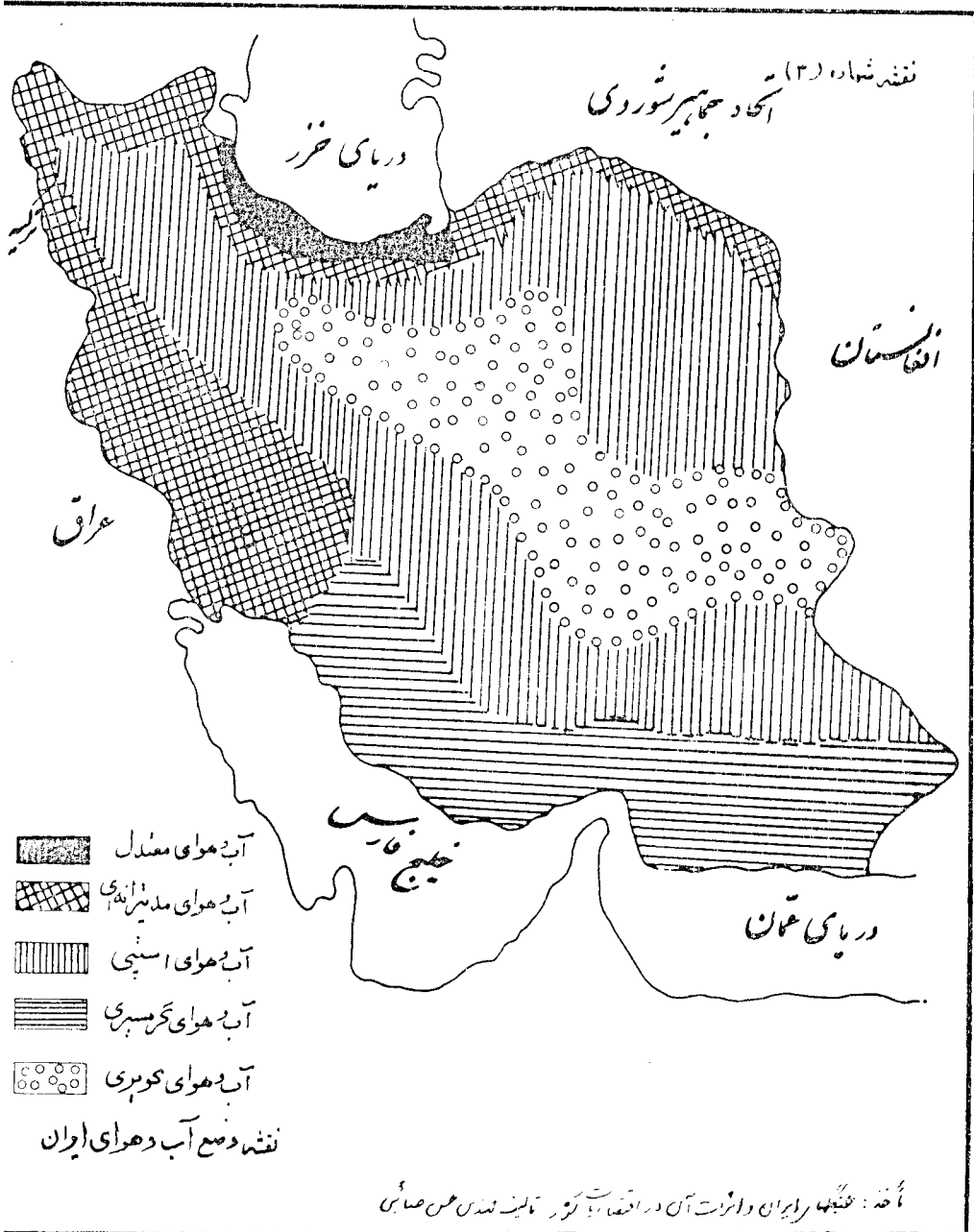
درایران حدود نیم میلیون کیلومتر مربع را این نوع آب وهوا فرا گرفته و (باستثنای دشتهای مغان و گرگان) در دامنه کوهها و یادرئواحی دیده میشود که از نظر بلندی بین ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارند . و میتوان در مورد ایران آب وهوای کوهپایه ای نامید . باران این منطقه مانند منطقه صحرائی کم و متغیر است .

آب وهوای معتدل :

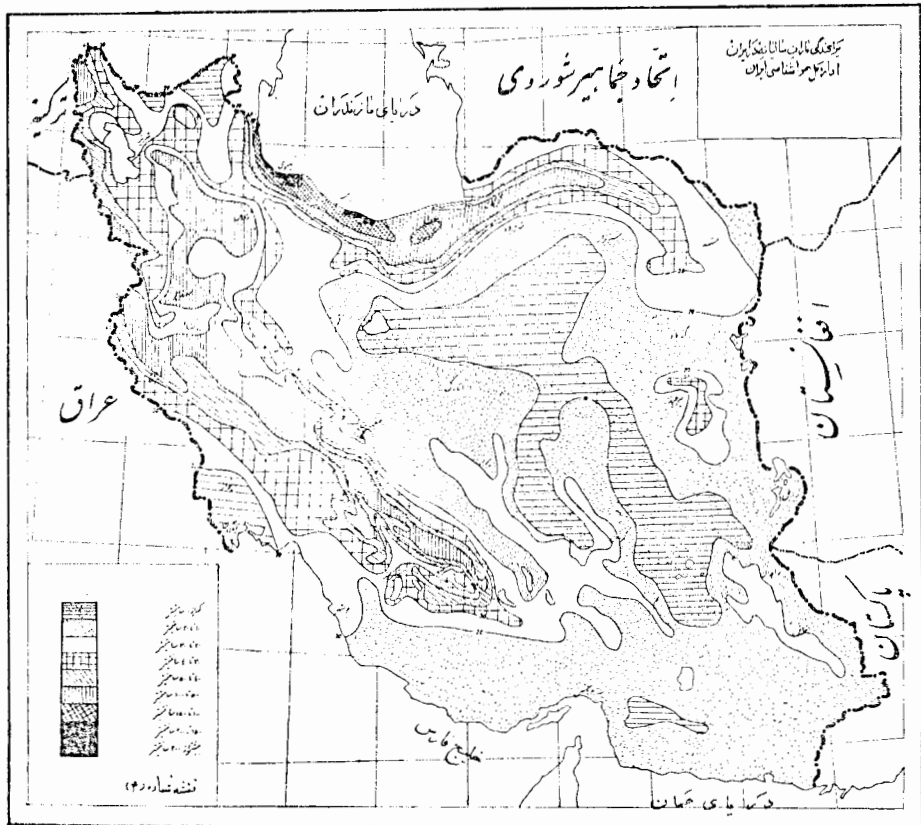
حدود ۴۰۰/۰۰۰ کیلومتر مربع کشور دارای این نوع آب وهوا است . و کم و بیش باز مینهائی که ارتفاع آنها از ۱۵۰۰ متر بیشتر است مطابقت دارد . بجز مناطق سواحل بحر خزر که در آنجا این رابطه بین آب وهوا و ارتفاع جغرافیائی وجود ندارد . و از این رو آب وهوای معتدل ایران را بدو قسمت کوهستانی و خزری تقسیم میکنند . نقشه شماره (۳) وضع و انواع آب وهوای ایران را در نقاط مختلف کشور نشان میدهد .

ریزش باران :

موقع و میزان ریزش باران در ایران حائز اهمیت و توجه بسیار است . زیرا این هر دو در امر کشاورزی دیم و آبی و خصوصاً باروری مراتع طبیعی نقش اساسی را ایفاء مینمایند . و توجه به آب وهوای گرم ، نیمه صحرائی و صحرائی اکثر نقاط کشور ، اینکه عمده بارندگی و سایر ریزش ها در فصل زمستان صورت میپذیرد ، دارای ارزش فراوان میباشد . زیرا خنک بودن هوا در این فصل مانع از تبخیر مقدار ناچیز بارندگی میگردد و تمام آن در زمین نفوذ نموده بمصرف رویش گیاهان میرسد . خصوصاً در نقاطی که هوای بهار آن معتدل و گرم میباشد ، رویش مراتع و چراگاهها به بهترین وجهی صورت میپذیرد زیرا سرمای هوا چنان نیست که گیاه چون برخی نقاط سردسیر در حال خواب باشد و از ریزش باران استفاده نبرد .



بارش برف در نقاط مرتفع کوهستانی نیز سبب تقویت منابع آب زیر زمینی ناحیه میگردد. در نقشه شماره (۴) پراکندگی باران سالیانه ایران نشان داده شده است.



شکل شماره (۴)

پوشش گیاهی

در روی زمین آنچه که بصورت پوشش گیاهی بنظر میرسد از دو دسته خارج نیستند، دسته اول گیاهانی که بر اثر کوشش و فعالیت و دخالت دست بشر کشت گردیده و پرورش یافته و دسته دوم گیاهانی که بطور طبیعی و دور از دخالت انسان روئیده

و منطقه و یا مناطقی را فرا گرفته است. ما در اینجا به بحث درباره دسته دوم میپردازیم و بررسی مربوط به گروه نخست را به بحث مربوط به کشاورزی واگذار می‌نمائیم.

بطور کلی باید گفت که پوشش گیاهی طبیعی رابطه مستقیم با جنس خاک و وضع آب و هوای هر منطقه دارد و از اینرو چنانکه جنس خاک و ساختمان طبقات زمین آن ناحیه نیز مورد بررسی قرار گیرد کمک بیشتری به شناسائی و چگونگی پیدایش و رویش گیاهان مختلف ناحیه مزبور می‌باشد. در بررسی انواع پوشش گیاهی به گونه‌های مختلفی برخورد می‌نمائیم که مطالعه یک‌یک آنها در حوصله کار ما نخواهد بود بلکه لازمست انواع مهم آنرا ذکر نمائیم و اطلاعاتی درباره آنها بدست دهیم.

انواع مهم پوشش گیاهی عبارتند از:

- جنگل‌ها
- علفزارها و چمنزارها
- استپ‌ها
- پشته‌ها
- مراتع
- گیاهان روئیده در باتلاقها و برکه‌ها.

جنگل

جنگل مهمترین و برجسته‌ترین پوشش گیاهی است که در نظر اول مورد توجه قرار می‌گیرد، خصوصاً آنکه از نظر اقتصادی نیز اهمیت فراوانی را در بردارد.

چنانکه در منطقه مورد مطالعه جنگل وجود داشته باشد باید بجمع‌آوری اطلاعاتی چند درباره آن پرداخت. شک نیست که در صورت داشتن وقت کافی و امکانات لازم و همراهی متخصصین فن میتوان به بررسی وسیعی پرداخت ولی بطور کلی جمع‌آوری اطلاعات زیر در حدود کار ما کافی بنظر می‌رسد.

وضع و پراکندگی جنگلها :

تهیه لیستی از جنگل‌های منطقه ، باینصورت که وضع پراکندگی آنها در ناحیه مورد مطالعه بر روی نقشه مشخص گردد و قسمت‌های انبوه و تنگ از هم مجزا گردند . از طرف دیگر مساحت آنها را باید معین ساخت و چنانکه جنگل‌های مزبور دارای حدودی است که توسط مردم بوجود آمده چگونگی این حدود و وسیله‌ای که به کار برده شده باید ذکر گردد . همچنین اگر در قسمت‌هایی از جنگل قطعه زمینی بکلی بی بهره از درخت گشته باید بخوبی حدود و مساحت آن مشخص گردد و چنانکه زیر کشت قرار گرفته نوع محصول و وضع آن از نظر باروری ذکر گردیده و خصوصاً مطالعه شود که این قطعه زمین بچه دلیل باینصورت درآمده ، اتفاقی بوده یا با قصد و نیت خاص چنین گشته و در هر دو مورد تحقیق کافی صورت پذیرد . زیرا هم اکنون در اغلب نقاط شمال که جنگل‌های انبوهی بوده و امروز بصورت تنگ درآمده‌اند ، قسمت‌هایی هست که توسط کشاورزان به آتش کشانده شده تا در آن محوطه به کشت پنبه بپردازند و این امری است که بشدت جنگل‌های شمال را تهدید می‌کند . از اینرو تحقیق کامل در مورد قطعه زمینهای باز در جنگلها از هر جهت شایان توجه است .

نوع درخت و گیاه :

بررسی اینکه در جنگل‌های منطقه چند نوع درخت و چند نوع گیاه روئیده حائز اهمیت است . در این مطالعه باید کوشش نمود تا نوع فزونتر درخت و گیاه جنگل مزبور را که نسبت به سایر انواع برتری دارد مشخص ساخت . و در صورت امکان دلیل این امر را بررسی نمود که آیا به جنس خاک و وضع اقلیمی بستگی دارد ، یا اینکه اگر جنگل مزبور مورد بهره برداری قرار گرفته است ، نوع مزبور با توجه به شرایط خاص محل کمتر مورد نیاز بوده و در نتیجه دست نخورده باقی مانده است .

در این بررسی جا دارد که اهمیت انواع مختلف آنها را از نظر بهره برداری کشاورزی و صنعتی ذکر نمود و در صورت امکان میزان محصول هر یک را در جنگل‌های منطقه مشخص ساخت .

ذکر میزان فشردگی وانبوهی درختان در کل جنگل و همین عامل درسورد انواع مختلف نیز قابل اهمیت است .

در بررسی درختان باید نوع کلی را مشخص ساخت که فرضاً جنگل مزبور جزء گروه جنگل های نواحی معتدل است یا سردسیر و اینکه دسته اصلی درختان آن جزء گروه سوزنی برگها است یا پهن برگها و بالاخره اینکه آیا درختهای میوه جنگل مزبور دارای چه میزان محصول هستند و تا چه حد سورد بهره برداری قرار میگیرند . و هم چنین محصول چوب آنها تا چه حد ارزش دارد و از نظر ارتفاع و قطر حد متوسط آنها و در نتیجه حجم مجموع آنها چقدر است .

بهره برداری و درخت کاری :

زمانیکه در سورد جنگل های منطقه ای به بحث سپرداریم جا دارد که در زمینه انواع بهره برداری و نونشانی درختان نیز نکاتی را بازگو کنیم .
بهره برداری از جنگل را به سه دسته میتوان تقسیم نمود :

۱- بهره برداری کشاورزی ، مانند استفاده از بعضی محصولات نظیر بلوط یا میوه های جنگلی و غیره .

۲- بهره برداری در زمینه داسپروری ، بصورت چراندن حیوانات و استفاده از علوفه سطح آن برای چهارپایان .

۳- بهره برداری صنعتی ، بصورت استفاده از چوب درختان برای امور مختلف ، تهیه ذغال و ساختن خانه ، اشیاء مختلف چوبی و سایر مصارف صنعتی . در زمینه کاشتن درختان نو باید بررسی نمود که آیا درازاء بهره برداری که بصورت بریدن درختان انجام میپذیرد ، درختهای جدید کاشته میگردد یا خیر ، و اگر چنین کاری انجام میشود ، آیا از جنس همان درختهای بومی است و یا غیر بومی و بالاخره علاقه مردم به کاشت چه نوع درختی بیشتر است ، درختهایی که ارزش بهره برداری صنعتی دارند و یا کشاورزی .

تأسیسات وابسته به جنگل:

چنانکه در جنگل های مزبور تأسیساتی وجود دارد که رابطه مستقیم با محصولات جنگلی دارند میبایست ذکر شوند. از قبیل کارخانه چوب بری - خمیر کاغذ و کوره های ذغال .

در مورد کوره های ذغال لازمست که طرحی از آنها تهیه شود و نوع آنها مشخص گردد و بخصوص مطالعه شود که چه مقدار محصول ذغال در سال تهیه میشود ، بازده کوره ها چقدر است ، تنه های درخت را میسوزانند یا سرشاخه هارا . و بهر حال چه میزان نیروی انسانی در این صنایع بکار گمارده شده و چقدر از محصول برای رفع نیاز مردم است و چقدر برای صدور تهیه میشود .

سایر پوشهای گیاهی :

گذشته از جنگل درباره انواع دیگر پوشش ها که از آنها نام بردیم ، باید کوشش شود که تا حد امکان نوع غالب و گونه های مختلف آن یادداشت گردد . در مورد بیشه ها نوع درختچه های آن و نوع غالبش ، میزان تراکم بیشه ها و بوته های آن و بوته زارهای کنار آن نیز لازمست ، مورد بررسی قرار گیرند .

در مورد مراتع و چمن زارها واستپ ها ایجاب میکند که انواع علوفه آن یادداشت گردد و نوع مرغوب آن از نظر اهالی مشخص شود . و خصوصاً ذکر گردد که چه نوع آن سبب زیاد شدن شیر میشود و چه نوعی سبب پرواری گوسفند .

بطور کلی باید میزان محصول چراگاه مورد نظر ، ضمن تماس با اهالی و افراد بصیر ذکر گردد و ضمناً موقعیت این علفزارها از نظر باروری و یا تنک بودن مشخص شود . درباره مطالعه مراتع جادارد به مطالبی که در بخش سوم در ضمن بحث مربوط به اسکان عشایر در زمینه مراتع طبیعی و مصنوعی بیان داشتیم توجه کامل مبذول داشت . چنانکه در بیابانها و کوههای محل مورد مطالعه گیاهان طبی و صنعتی نیز وجود دارد لازمست که از آنها ذکر شود .

در نقاطی که باتلاق و یا برکه هایی هست گیاهانی چون «نی» «جگن» و غیره میروید که لازمست از آنها نام برده شود . بطور کلی ایجاب میکند وضع پوشش

گیاهی و انواع آن مورد توجه قرار گیرد زیرا برای چرای چهار پایان توجه به گیاهان طبیعی منطقه و وضع و منظر پوشش گیاهی آن حائز اهمیت میباشد .

پوشش گیاهی ایران

در اینجا بی مورد نیست که در نهایت اختصار ذکر از چگونگی وضع پوشش گیاهی ایران بنمائیم تا نظری کلی در این زمینه بدست داده باشیم . با توجه به موقعیت جغرافیائی و شرایط اقلیمی وضع برجستگی ها و هم چنین تاریخ تغییرات نباتات میتوان دریافت که رستنی های ایرای بسیار متنوع و گوناگون است . در عین حال باید گفت که نوع غالب آن مربوط است به رستنی های بیابانی و نیمه بیابانی^(۱) . نوع مزبور بیشتر در دشت ها و دامنه های پست کوه ها (باستثنای دامنه شمالی دریای خزر و قسمت هایی از غرب ایران) میروید .

پهن برگها - رستنی های پهن برگ جنگلی رامیتوان در ارتفاعات سواحل جنوبی دریای مازندران و کوه های جنوب غربی ایران مشاهده نمود .

جنگل های انبوه بیشتر در شمال واقع است و در ناحیه غرب جنگل ها کم درخت و تنک هستند . وجود بارندگی فراوان و رطوبت کافی هوا برای رشد اینگونه درختان و پدید آوردن جنگل ها موثر است .

درخت های جنگلی مزبور بیشتر از نوع : **ممرز** (Carpinus) **مرس** (راش-آلش) (Fagus) - **بلوط** - **دغدغان** - **شمشاد** و غیره است .

در نقاط پست دشتهای کنار دریا جنگلهای بلوط مخلوط ، همراه با زیر درختیها و هم چنین بیشه هایی دیده میشود که تیپ آن با جنگلهای نقاط مرتفع فرق دارد . در این جنگلها درخت **توسکا** نیز وجود دارد .

در غرب ایران و نواحی شامل کردستان - لرستان و بختیاری چنانکه گفته شد

۱- مشخصات جغرافیای طبیعی ایران - تألیف: م.پ. پتروف - ترجمه: ح. گلا گلاب

رستنی‌های پهن برگ وجود دارد. ولی درخت‌های مزبور بیشتر به شکل بیشه‌های کوچک و گاهی متفرق و بصورت درخچه‌های پراکنده در کمره کوه‌ها تا ارتفاعی حدود ۲۰۰ متر می‌رویند. در دره‌های این مناطق نیز نوع درخت‌های پهن برگ فراوان و قابل ملاحظه است. در امتداد بسوی شرق کشور که میزان بارندگی و رطوبت روبکاهش می‌رود پهن برگ‌ها نیز کمتر می‌شوند فقط در بعضی نقاط در دامنه‌های شمالی رشته‌های مرتفع کوهستان‌ها بیشه‌هایی از این نوع درخت‌ها یافت می‌شود. با اینکه میزان ریزش باران در داخله فلات نسبت به نواحی شمالی روبکاهش می‌رود ولی در اغلب دره‌های کوهستان‌های داخلی که جویباری در آنها روان می‌باشد و میزان تبخیر زیاد نبوده و رطوبت کافی وجود دارد، شرایط مساعد برای رشد رستنی‌هایی که دارای تیپ گیاهان بیابانی و نیمه بیابانی نیستند، موجود است. خصوصاً که موقعیت دره، رستنی‌ها را از وزش باد‌های خشک و گرم و همچنین باد‌های سرد برکنار می‌دارد.

رستنی‌های استپ کوهستانی:

در کمره‌های بلند برخی از کوهستان‌ها در شمال شرقی در ارتفاعات بیش از ۲۰۰ متر نوع رستنی‌ها تغییر شکل پیدا می‌کند و بصورت گیاهان استپی و فریگانی نمایان می‌گردند. در قسمت‌هایی که جنس سنگی و قلوه سنگ وجود دارد، جنس گیاهان بیشتر بسوی گروه‌های خشک روی، گرایش می‌یابد و میزان کمی از آن بصورت نباتات نوع استپی وجود دارد که بیشتر معرف جنس‌های خشک روی فلاتی می‌باشد. در قسمت‌های پائین برخی از کوهستان‌ها و از جمله کوه‌های غرب ایران نوع گیان بصورت نیمه کویری و گروه‌های کویری میل می‌نماید.

رستنی‌های جلگه‌ها و دشت‌ها و نواحی پست:

در دشت‌ها و نواحی پست واقع در فلات گیاهان مختلفی می‌روید. چنانکه نقاط مزبور کم و بیش بر اثر لای رودخانه‌ها تشکیل یافته باشد، رستنی‌های چنین ناحیه‌ای بیشتر از جنس گیاهان استپی خواهد بود در قسمت شمال در جلگه‌های گرگان و اترک و مغان گروه‌های رستنی‌های مختلفی را می‌توان باز شناخت.



جنگل تنک وپراکنده بادرختان کوتاه قد واقع بین شیراز و گچساران

در حدود اترك آنجا كه از لایه های شور تشكيل یافته است نوع رستنی های شوره زار از قبیل اشنیان درختی (*Halachnemum Strobilaceum*) وجود دارد . دورتر از این منطقه شوره زار تا نزدیکی های قراسو گیاهان چمنی مانند : چمنی بروموس و فالاریس و دم روباه میروید . و در بقیه جلگه های اترك و تركمن صحرای چراگاهها و علفزارهای وسیعی قرار دارند . گیاهانی كه در استپ دشت مغان وجود دارد بیشتر از نوع درمنه (*Artemisia*) و علفهای شورگزی میباشدند كه در لایه های دره ارس میرویند .

در سواحل و دامنه های ساحلی و جلگه های ساحلی خلیج فارس و عمان كه از زمینهای شوره زار - شن زار - ریگ زار تشكيل یافته است بر حسب اقلیم و وضعیت اراضی و جنس آن گیاهان متعددی میروید كه در مجموع نوع رستنی های مناطق خشك و كم آب را معرفی نمایند .

بیمابانهای واقع در فلات ایران و دامنه ها و دره های پست رشته کوههای داخلی و کویر لوت نیز جزء منطقه نیم گرمسیری داخلی (Subtropical) بشمار می آیند و رستنی های آنها از قبیل : تاغ - اسكنبیل - ارمك - اشنیان و غیره حائز اهمیت فراوان نیستند .

حیوانات غیر اهلی

همچنانكه آگاهی بر پوشش گیاهی منطقه لازمست شناخت حیوانات غیر اهلی نیز در ناحیه مورد مطالعه ضروری بنظر میرسد .

حیوانات مزبور از سه دسته کلی خارج نیستند یا در جنگل ها و بیشه ها زندگی میکنند و یا در دشتها و کوهها بسر میبرند و بالاخره دسته سوم كه در آب زندگی میکنند .

تهیه آماري از انواع پرندگان منطقه و تعیین اینکه کدامیک را مردم حلال میدانند و مصرف میکنند و کدام را حرام ، حائز اهمیت است .

در بین حیوانات جنگلی و دشت و کوهستانهای غیر جنگلی جا دارد انواعی را كه نام شكار بر آنها مینهند و مردم محل (بسته باینكه در جوار کدامیک از مناطق

مزبور باشند) برای خوردن گوشت آنها بشکارشان میروند مشخص ساخت .
 از آنجا که امرشکار در بین مردم ایلیاتی با امکاناتی که در اختیار دارند بسیار رواج دارد ، لازمست به میزان کم یا زیاد شکار در منطقه اشاره شود .
 چنانکه حیوانات درنده و سودی و حیواناتی که برای رسته و زراعت هر دو مضر هستند ، وجود دارد ایجاب میکند که نامبرده شوند .
 در صورتیکه حشرات موذی و همچنین مار و عقربهای خطرناک در آن ناحیه هست جا دارد که نوع آن در حدود اطلاعاتی که از افراد محل بدست میآید در یادداشت افراد گروه ثبت گردد . و بهتر خواهد بود که نمونه‌هایی از آن را گرفته در الکل نگهدارند تا در آزمایشگاه مورد بررسی قرار گرفته ، نوع زهر آنها مشخص گردد . و در صورت امکان برای نجات مارگزیدگان محل از سرمهای ضد زهر بخصوص استفاده شود .

جغرافیای سیاسی منطقه

گذشته از بیان موقعیت جغرافیائی و حدود طبیعی منطقه ای که ایل دوران ییلاق و قشلاق خود را در آنجا میگذرانند ؛ لازمست با توجه به تقسیمات سیاسی استانهای کشور منطقه‌ای را که ایل اشغال نموده روشن ساخت .

باین ترتیب که مشخص شود ناحیه مزبور در چه استان و یا چه فرمانداری کل قرار دارد . اغلب پیش میآید که بعلمت فاصله زیاد بین محل ییلاق و قشلاق ایل ، ناحیه ییلاق آن در یک استان و قشلاقش در استان دیگر است . نظیر ایل بختیاری که گرمسیر آن در خوزستان و سردسیرش در نزدیکی اصفهان است . و این خود مشکلات فراوانی را برای سازمانهای دولتی پیش میآورد . چنانکه ایجاد فرمانداری کل بختیاری نیز بر اثر احساس همین مشکلات صورت پذیرفته است .

لازمست مشخص شود ایلات همجوار ایل مزبور در منطقه ییلاق و قشلاق کدامها هستند .

چنانکه ایل در ناحیه مرزی سکونت دارد ، پایگاههای مهم مرزی و شهرهای نزدیک و واقع در روی باند مرزی که بنجوی با ایل مزبور در ارتباط هستند باید مشخص شوند .

چنانکه در آنسوی مرز طوایف ویا تیره‌هائی از این ایل بسر میبرند و ارتباطی درین آنها برقرار است لازمست مورد بررسی قرار گیرد .

- جمع کل جمعیت ایل مورد بحث بر مبنای سرشماری و آمار گیریهای رسمی و اظهار نظر گروه محقق درباره درستی و نادرستی آن سیبایست مورد توجه قرار گیرد .

- چنانکه اقلیت‌های مذهبی در ایل وجود دارد جادارد که بآنها اشاره شود .

در طی زمان در برخی نقاط ایلیاتی شهرک‌ها و دهات بزرگی پدید آمده که ذکر خصوصیات آنها و موقعیتشان و اینکه در گرسیر قرار دارند یا سردسیر لازم بنظر میرسد . در ییلاق و قشلاق ایلات معمولاً مراکزی دارند که از نظر داد و ستد و انجام سایر امور برایشان حائز اهمیت فراوان است ، این مراکز لازمست ذکر گردد .

سازمانهای دولتی نیز معمولاً در نواحی ایلیاتی شعبه‌هائی دارند ، نظیر : ثبت اسناد - اداره آمار - داد گستری - دارائی و بالاخره بخشداریه و فرمانداریه و پاسگاههای انتظامی ، لازمست مشخص گردد که مراکز اصلی این سازمانها و شعبه‌های کوچکتر آنها در چه نقاطی واقع میباشند .

خصوصاً باید معین شود که مرکز خن نشین در ییلاق و قشلاق با مراکز اصلی سازمانهای اداری دولتی در یکجا است یا فرق دارد .

در مورد شهرها و دهات بزرگی که در حدود منطقه ایل قرار دارند جا دارد بخوبی بررسی گردد که چه تعداد از ساکنان آنها از مردم ایلیاتی میباشند . سابقه نشان داده است که برخی از شهر تقریباً با استقرار افراد مربوط بیک ایل بزرگ پدید آمده‌اند . از جمله میتوان «شهر کردوایند» را یاد کرد که اکثریت افراد آنرا ، طوایف بختیاری تشکیل میدهند .

چنانکه دامنه مطالعه وسیع باشد لازمست که شهرها یا شهرک‌های مزبور

برطبق اصولی که مربوط به بررسی جوامع شهرنشین یا روستانشین است مورد مطالعه قرار گیرد. ازجمله اینکه: موقعیت طبیعی - وضع مورفولوژی شهر - ترکیب جمعیت و حرکات مربوط به جمعیت - وضع طبقات اجتماعی - سازمانهای موجود - انواع فعالیت مردم و اقتصاد شهر - شرایط فرهنگی و بهداشتی شهر و سایر مسائل بطور دقیق به بحث گذارده شوند .

مسائل مربوط به ساختمان جمعیت و حرکات آن

((دموگرافی))

از اواسط قرن نوزدهم توجه به علم دموگرافی و شناخت جنبه های آماری و تجزیه و تحلیل آن در مورد جوامع انسانی آغاز گردید . براساس علم مزبور تعیین شماره افراد جامعه ، گروه های سنی و جنسی آن ، توزیع مکانی جمعیت از نظر پراکندگی یا تراکم و همچنین حرکات جمعیت چه بصورت زمانی مانند تولد و چه مکانی مانند مهاجرت گروهی از نقطه ای به نقطه دیگر مورد مطالعه قرار می گیرد . با پیشرفتی که علم دموگرافی در کنار سایر علوم انسانی نموده است ، شناخت روابطی که میان پدیده های دموگرافیک وجود دارد و همچنین جنبه های کیفی در زمینه وضع روحی ، جسمی و اجتماعی جمعیت ها مورد بررسی قرار می گیرد . ازجمله مسائلی چون وراثت خصوصیات بیولوژیکی و تأثیراتی که محیط جغرافیائی و اجتماعی بر جمعیت ها و متقابلاً جمعیت ها در تغییر وضع اجتماعی پیش می آورند مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرند ولی انجام هرگونه مطالعه کیفی در زمینه جمعیت پس از بدست آوردن آمار جامعه مورد بحث میسر خواهد بود . از اینرو کوشش میشود تا راه های آسانتر و عملی تر و دقیق تر و کم خرج تری را برای سرشماری نقاط مختلف بدست آورند .

در نقاطی چون ایران که فقط یکبار سرشماری کلی در آن بعمل آمده به علل مختلف آمار بدست آمده با واقعیت امر تطبیق نمی کند .

این نارسائی بیشتر در نقاطی که مشکلات طبیعی، حضور مأموران را در آنجا غیر ممکن ساخته است و یا بعزت وجود کوچ سالیانه وعدم ثبات گروههای مزبور در یک نقطه، سرشماری آنها میسر نگردیده بیشتر بچشم میخورد. در ایران هیچ یک از سازمانها آمار دقیقی از ایلات در دست ندارند و این گروه عظیم که بین ۱ و بقولی تا ۲ درصد کل جمعیت را تشکیل میدهند شمارش نگشته اند، تا بتوان براساس آن ساختمان و حرکات جمعیتی آنها را مورد مطالعه قرارداد، تنها با توجه به خصوصیت جوامعی که از بعضی جهات دارای شرایط مشابهی با آنها هستند میتوان اظهار نظرهای کلی درباره وضع دموگرافی ایلات نمود. بطور کلی در جوامع مزبور خصوصیات زیر صادق است.

- میزان تولد نوزادان نسبت به جوامع شهرنشین بالا است.

- میزان مرگ و میر نیز فزونتر از جوامع شهری است و این بدلیل نداشتن

امکانات بهداشتی، تغذیه بدو عدم دسترسی به طبیب و دارو است.

- میزان مرگ و میر نوزادان و گروههای سنی کمتر از پنج سال بین این مردم

فراوان است. این نوع مرگ و میر کودکان را (mortalité exogen) نامند و مربوط است به شرایط محیط زندگی طفل و طرز تغذیه او.

طبق آمار سال ۱۳۳۴ اداره کل بهداشت ۰/۷۴ درصد تلفات کودکان در گروه سنی فوق مربوط به بیماری گاستروانتریت بوده که نشانه ای از مصرف شیر ناسالم و وضع بد تغذیه در ماهها و سالهای اول زندگی است.

بدون شک چنین وضعی در بین جوامع ایلیاتی بیشتر از سایر گروهها صادق است.

- ساختمان سنی این جوامع نظیر ساختمان سنی جمعیت کشور، جوان است.

چنانکه بنا بر آمار سال ۱۳۳۵ گروههای کمتر از ۱۵ سال در ایران ۴۳/۲

درصد جمعیت را تشکیل میدهد در حالیکه گروههای سنی بیش از ۶۵ سال فقط ۴ درصد جمعیت را تشکیل میدهند^(۱).

امرفراوانی باروری در بین مردم ایلات ایران می تواند مربوط به سنت ها و خصوصیات

کهن جامعه پدرسالاری باشد. چنانکه زنهای عقیم درین این مردم مرشکسته هستند و هدف اصلی از ازدواج داشتن فرزندان زیاد است. همچنین عامل بازوی کارگر برای تولید افزونتر نیز می تواند دلیلی بر توجه و علاقه مردم به داشتن فرزندان زیاد باشد. بدون شک شیوه زندگی ساده و فقیرانه ایلات و نبودن مدرسه و مخارج مختلفی که هربچه برای یک خانواده شهرنشین در بردارد و نداشتن بیم از آینده فرزندان در فزونی باروری جوامع مزبور مؤثر می باشد.

مهاجرت: از جمله مسائلی که محققان علوم اجتماعی بررسی آنرا بدقت مورد توجه قرار میدهند عامل مهاجرت است.

پدیده مهاجرت بدو صورت کلی انجام می پذیرد: اول از داخل به خارج کشور. دوم مهاجرت های داخلی بین شهرهای درجه دوم و درجه اول بین شهرک ها و شهرها بین روستاها و شهرها و بالاخره در کشورهایی نظیر ایران بین مناطق ایلمیاتی و روستاها. امر کوچ سالیانه و بیلاق و قشلاق کردن ایلات را نیز جزء دسته مهاجرت های داخلی بشمار میاورند. آنچه در شرایط موجود بررسی آن برای ما حائز اهمیت است مهاجرت های افراد ایلات بصورت کارگران فصلی به روستاها و اغلب شهرها و همچنین مهاجرت های خانوادگی از ایل بسوی روستاها و ساکن گشتن همیشگی در آنها می باشد. این دو شیوه از جهات اجتماعی و اقتصادی اثرات فراوانی در بردارد که اغلب بیان کننده مشکلات و دگرگونیهای در جوامع مزبور و همچنین در جوامع ساکن روستا نشین و شهرنشین خواهد بود. این مهاجرتها در هرم گروه های سنی زن و مرد تغییرات قابل ملاحظه ای را بوجود می آورد، باینصورت که تعداد مردان فعال بین ۱۸ تا ۴۰ ساله از ایل خارج میشوند و به گروه مردان روستاها و شهرها می پیوندند و در نتیجه تعادل نسبت زن و مرد در هر دو جامعه بهم می خورد. همین امر مسائل خاص اجتماعی را پیش می آورد که جا دارد مورد توجه قرار گیرد.

بطور کلی در بررسی دموگرافی ایل مورد نظر باید به مسائل زیر توجه داشت و آمار مزبور را بدست آورد:

- آمار کل جمعیت ایل - تعیین نسبت زن و مرد - ترکیب سنی جمعیت

(نسبت افراد در هریک از گروههای سنی به کل جمعیت محل) این ترکیب سنی را بشکل هرمی نشان میدهند که به «هرم سنی» معروف است .

تعیین جمعیت نسبی، نسبت به مساحت منطقه - بدست آوردن آمار مرگ و میر - جمع آوری آمار مربوط به نوزادان و نسبت آنها به درگذشتگان و همچنین تقسیم میزان نوزادان به کل جمعیت برای بدست آوردن نسبت نوزادان به تعداد جمعیت - تعیین آمار مرگ نوزادان که شامل دو قسمت است :

۱- مرگ نوزاد در ماههای اول زندگی که بر اثر کسالت پدر و مادر و یا حوادث دوران جنینی صورت می گیرد .

۲- مرگ کودک از دوماهگی به بعد که مربوط به شرایط محیط زندگی و طرز تغذیه آنست. گذشته از بدست آوردن میزان تراکم حسابی^(۱) که عبارتست از تعیین تعداد نفر در کیلو متر مربع ، میزان تراکم فیزیولوژیک^(۲) منطقه را نیز حساب می کنند. و آن عبارتست از تقسیم کل جمعیت به مساحت زمین مولد و قابل بهره برداری برای بدست آوردن رابطه ای بین جمعیت منطقه و آن قسمت از سطح زمین محل که دارای ارزش اقتصادی برای آن مردم می باشد.

- ثبت وقایع چهار گانه زندگی و تهیه آمار آنها نهایت ضرورت را دارد .

این وقایع چهار گانه شامل : ولادت، ازدواج ، طلاق و فوت است .

بررسی آمار ازدواج و طلاق در تجزیه و تحلیل وضع جامعه و شناخت اثرات برخی از تحولات و دگرگونیها مؤثر می باشد .

- برای آنکه بتوان در شرایط موجود با مشکلاتی که در پیش است موفق به ثبت وقایع چهار گانه منطقه ایل بگردیم ، جا دارد از شیوه های آزمایشی استفاده نمود . از جمله می توان برای یک منطقه مأمور سیاری را اعزام نمود تا در طول سال در آن ناحیه با دفتراهای خود گردش کرده و وقایع مزبور را ثبت نماید .

۱- densité mathématique

۲- densité Physiologique

چنانکه این کار را در برزیل نیز انجام داده اند و نتایج رضایت بخشی بدست آورده اند. همچنین میتوان در هر تیره بیکمی از ریش سفیدان و کدخدایان که مورد احترام همگان بوده و به صحت کار او میشود اعتماد نمود، مسئولیت ثبت وقایع را واگذار ساخت و سپس در طی سال یک یا دو بار دفترهای او را به مرکز سازمانهای آساری و ثبت احوال منتقل ساخت. بیش از هر چیز لازمست برای ایلات روشن نمود که ثبت وقایع مزبور مشکلی برای آنها پیش نخواهد آورد. زیرا ترس از امر سر باز گیری و غیره آنها را از گرفتن شناسنامه و ثبت وقایع زندگیشان در دفاتر رسمی باز میدارد.

سابقه تاریخی منطقه و ایل

در صفحه های پیشین بیان داشتیم که شناخت گذشته یک ایل بدلیل وابستگی شدید این جوامع با سنتها و اصول کهن زندگی نهایت ضرورت را دارد. بررسی امر مزبور شامل منطقه و ایل هر دو می گردد. باینصورت که لازمست اطلاعات باستانشناسی و تاریخی را درباره سرزمین مورد مطالعه و مردم آن جمع آوری ساخت.

این اقدام در دو مرحله انجام میپذیرد:

الف: جمع آوری مدارك و کتابهای نوشته شده.

ب: جمع آوری اطلاعات محلی.

آثار باستانی:

در زمینه محل سکونت (ناحیه ای که در آن به ییلاق و قشلاق میپردازند) لازمست اطلاعاتی بصورت زیر جمع آوری شود:

- آیا آثاری از تپه های ما قبل تاریخ^(۱) در آنجا وجود دارد یا نه. چنانکه وجود دارد آیا حفاری در آنجا بعمل آمده یا خیر و در صورتیکه کاوش شده است به چه آثاری و مربوط به چه دوره ای برخورد کرده اند. دوره های سکونت ما قبل تاریخ در آن ناحیه از چه تاریخی آغاز شده و چه تمدنهایی را دربر گرفته است. (معمولاً در ایران

تمدنهای ماقبل تاریخ را بیشتر براساس رنگ و نقش ظروف سفالی طبقه بندی میکنند).
 - از آثار مربوط بدوران باستانی بصورت اردوگاه - شهر - سد - پل - شبکه آبیاری - بناهای مذهبی - قبرستان - تک بنا (آتشکده وغیره) در منطقه ، اثری وجود دارد یا خیر و اگر هست آنرا به چه دوره ای نسبت میدهند . در این قسمت مهمترین اثری که باید فرد محقق در نقاط کوهستانی همیشه در جستجوی آن باشد ، کشف سنگ نوشته ها و حجاریهای باستانی است که دارای اهمیت فراوان میباشد .
 - همچنین از آثار معماری و یا تپه ها و نقاط مربوط بدوره بعد از اسلام لازمست که باز کر دوره یاد گردد .

در بیان اطلاعات فوق چنانکه گفته شد میبایست از مدارك نوشته و مطالعات و تحقیقات علمی انجام شده مدد گرفت و از اظهار نظر فردی مگر در مواقعی که متخصص باستانشناسی به همراه گروه باشد خودداری نمود . ولی ایجاب میکند که در برخورد با این نقاط باستانی و آثار معماری مزبور از تهیه نمونه (قطععات سفال) و عکسبرداری دقیق خودداری ننمود و مدارك لازم را جمع آوری ساخت . باینصورت که اقدام با اندازه گیری آثار معماری و تهیه نقشه از آنها بشود . زیرا سابقه نشان داده که باین صورت آثار جدیدی در نقاط دور افتاده کشف گردیده که حائز اهمیت فراوان بوده است .

نژاد و سابقه تاریخی ایل :

در چگونگی شناخت سابقه تاریخی ایلات اغلب به بحث درباره نژاد آن مردم میپردازند . این امری است که احتیاج فراوان به تخصص در نژاد شناسی و مردم شناسی فیزیك دارد .

برای اظهار نظر درباره گذشته نژادی مردم هر منطقه ایجاب میکند که با انجام حفاری های دقیق اسکلت هائی چند بدست آورد و اقدام بیک سری اندازه گیریهای علمی نمود و سپس ، ارقام بدست آمده را با جداول تنظیم یافته ای که در دست است مقایسه نمود و نتیجه گیری کرد .

طرز حفاظت اسکلت و سپس اندازه گیری آن و نتیجه گیریهای بعدی همگی احتیاج کامل بوجود یک متخصص نژادشناس دارد .

بطور کلی جادارد که در حین مطالعه یک ایل، آنکتی نیز درباره مردم شناسی فیزیک تنظیم گردد. برای اینکار خصوصاً در قسمت اندازه گیریها لازمست که قبلاً در آزمایشگاه مدتی به محققین تعلیم داده شود تا شیوه عمل را بیاموزند. اطلاعات جمع آوری شده در این آنکت به سه دسته تقسیم میگردد:

۱- تهیه نشانه های ظاهری

۲- اندازه گیریهای جمجمه و اندام

۳- آزمایشهای آزمایشگاهی

- دسته اول شامل ضبط نشانه های ظاهری بدن است از قبیل :

رنگ پوست - رنگ چشم - رنگ مو - حالت موی سر (صاف - تاب دار -

مجعد ریز) میزان موی بدن (بدون مو - کم مو - پر مو)

ترکیب ظاهری صورت از قبیل : پیشانی جلو آمده یا بسیار عقب رفته - لب

کلفت - بینی پهن .

- دسته دوم شامل اندازه گیریهای طول اندام در قسمتهای مختلف و جمجمه

است . در این امر عامل مهم اندازه گیری سراسر است . این اندازه گیریها بدو دسته

تقسیم میگردد :

اندازه گیریهای کاسه سر - اندازه گیریهای صورت . از جمله برای کاسه سر

هشت نوع اندازه گیری صورت میپذیرد و برای چهره چهار نوع . بر شمردن شیوه

اندازه گیریها بدون بحث کامل درباره ساختمان جمجمه همراه با اشکال توصیفی ،

کاری است بی نتیجه ، از اینرو با ذکر چهار نوع اندازه گیری که در آن بدون توضیح

مفصل امکان پذیر میباشد نمونه ای را جهت اطلاع بیان میداریم^(۱)

۱- اندازه گیری اندیس (indice) افقی کاسه سر.

برای اینکار بیشترین عرض کاسه سر و بلندترین طول آن را از جلو به عقب

۱- L'Anthropologie et ses Méthodes. Etude des caractères descriptifs et métriques du squelette et du Vivant.

اندازه گیری نموده و آندورا بیکدیگر تقسیم مینمائیم و سه دسته اندیس کلی بدست میدهد :

الف - اگر نسبت عرض به طول کمتر از 0.7% باشد آنرا (Dolichocrâne) یا (جمعده مستطیل) گویند .

ب - اگر نسبت مزبور بین 0.7% تا 0.8% باشد آنرا (Mésocrâne) گویند .

پ - اگر نسبت فوق بیش از 0.8% باشد آنرا (Brachyocrâne) یا (جمعده مستدیر) نامند .

۲- اندازه گیری اندیس عمودی کاسه سر :

برای اینکار بلندترین ارتفاع جمجمه را اندازه گیری نموده به طول آن تقسیم میکنند و سه اندیس بدست میدهد .

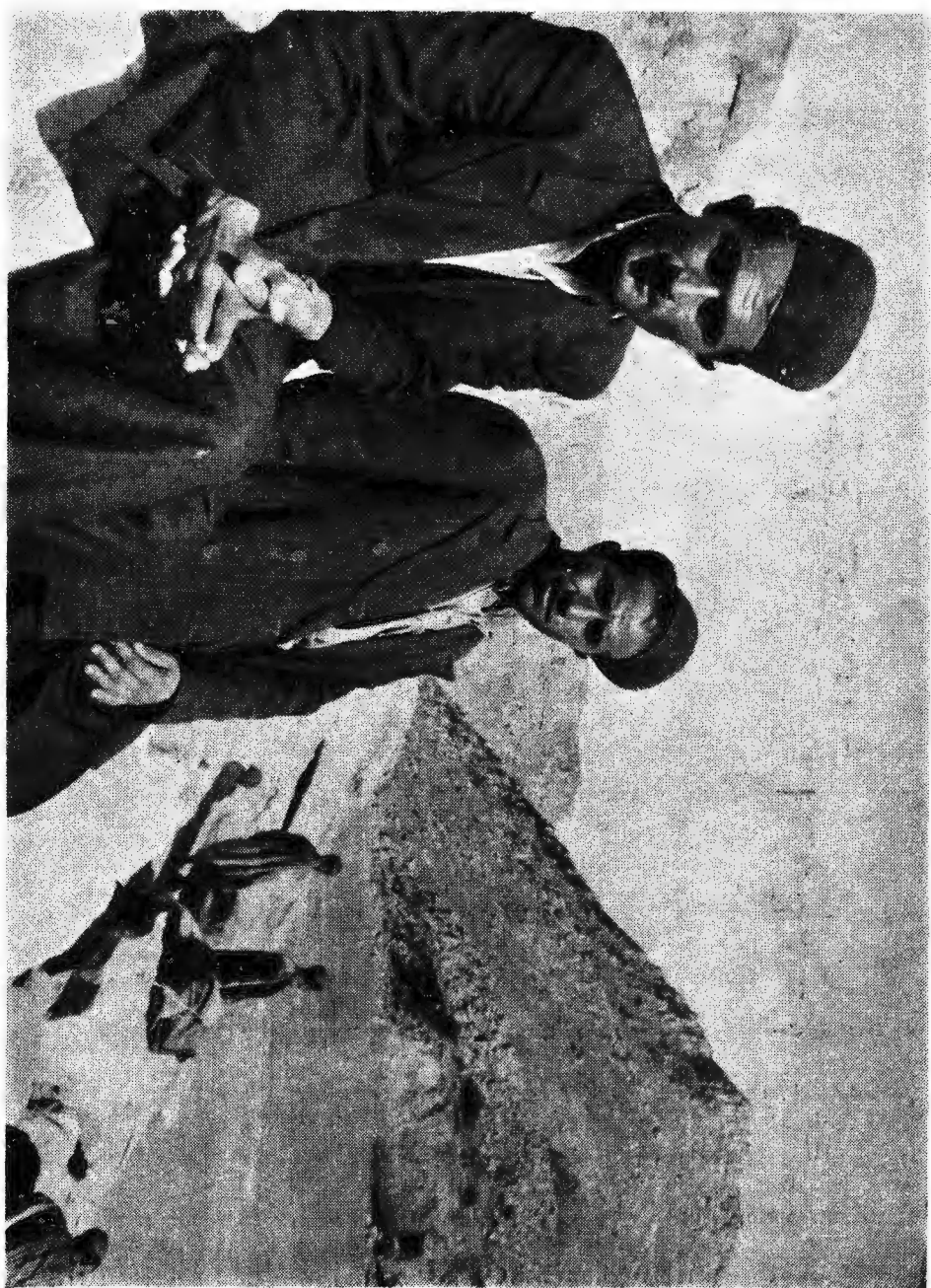
تا 0.7% را (Chamaecrâne) و از 0.7% تا 0.75% را (Orthocrâne) و از 0.75% ببعدها را (Hypsicrâne) مینامند .

۳- اندازه گیری اندیس عمودی دیگر کاسه سر :

این بار بلندترین ارتفاع جمجمه را به پهن ترین عرض آن تقسیم مینمائیم و باز سه نوع اندیس بدست میآید :

تا 0.92% را (Tapéinocrâne) و از 0.92% تا 0.98% را (Métricrâne) و از 0.98% ببعدها را (Acrocrâne) نامند .

۴- از جمله اندازه گیریهای مربوط به چهره یکی اندازه گیری است مربوط به ارتفاع یا طول چهره از نقطه تلاقی بینی با پیشانی تا زیر چانه تقسیم بر فاصله بین برجستگی دو گونه . در اینجا نیز سه دسته کلی اندیس بدست میدهد : تا 0.8% را «Face moyenne» یا صورت پهن و گرد گویند . از 0.8% تا 0.9% را «Face bass-large» یا صورت متوسط و بالاخره از 0.9% به بالا را «Face Haute, étroite» یا صورت کشیده گویند . در مورد اندازه گیریهای بدن انسان زنده ، اندازه های زیر نیز صورت میپذیرد .



یکی از کلانتران بهشتیاری دزدر یکی مسجد سلیمان نمونه‌ای از چهره والد نام مردان بهشتیاری

بدن : اندازه گیری تمام طول بدن از سرتا پا - از شانه تا پا - عرض شانه ها
عرض سینه - فاصله گشودگی دو دست .

سر : فاصله پیشانی تا پشت سر - عرض سر از محل شقیقه راست تا شقیقه چپ
عرض سر از دوطرف گوش - محیط سر

صورت : عرض صورت از دوطرف گونه - طول بینی و عرض آن - فاصله بین
دو چشم - طول و عرض چشم - فاصله انتهای بینی تا بالای لب - وسایر اندازه ها که
در جداول مربوط مشخص می باشد . در برخی از جدولها تا ۱۰۳۷ مورد بیش بینی
شده که برای هر فرد بسته به اینکه دارای چه خصوصیات باشد ، مقداری از آنها
پرمی گردد و سپس نتیجه گیری میشود .

دسته سوم مربوط است به کارهای آزمایشگاهی از قبیل : تعیین گروه خونی ،
تعیین مقطع مو و غیره .

برای تعیین گروه خونی میتوان با همراه داشتن تعدادی لام و مقدار کمی دارو
و داشتن بصیرت لازم اینکار را در محل انجام داد .

سابقه تاریخی :

در مرحله شناخت سابقه تاریخی ایل ، خصوصاً در مورد ایلاتی که گویش و یازبان
آنها بجهاتی با ملت های همجوار نزدیکی دارد ، ایجاب میکند که با دقت در مدارک و اسناد
تاریخی مطالعه صورت گیرد تا ریشه اصلی آنها باز شناخته شود . برای اینکار ضمن مدد
گرفتن از علم زبان شناسی نباید در این راه زیاده روی نمود و تنها از طریق عامل زبان
بدنبال یافتن وابستگی ایل مزبور با گروه های دیگر برآمد . چه بسا مردمانی که بعلت
تجاوز های تاریخی و فشار اقوام متعصب خارجی و قاتح ، زبان شان تغییر شکل یافته در حالیکه
خودشان وابسته به گروه مزبور نیستند . در تحقیقات محلی باید به داستانها و اعتقادات
محلی در مورد ریشه ایل توجه نمود و آنها را بدقت ضبط ساخت و سعی نمود تا بین
این گفته ها و واقعیت های تاریخی رابطه ای یافت و یا آنکه آنها را رد ساخت .

پس از مطالعه درباره اصل و نسب ایل جادارد تا آنجا که ممکن است نقشی

را که در طی سالیان متمادی ایل مزبور در آن منطقه بعهده داشته و در حوادث و رویدادهای تاریخی ایفاء نموده است باز شناخت و برای ایل مزبور تاریخچه ای تدوین نمود .

با توجه باینکه نقش ایلات از دوره صفویه به بعد بیشتر با حوادث سیاسی چهار قرن اخیر رابطه پیدا میکند لازمست که اطلاعات جمع آوری شده از آن زمان به بعد دارای دقت بیشتر و متکی بر مدارك فراوانتری باشد . هر قدر به عهد حاضر نزدیک میشویم این بررسی حوادث تاریخی و ارتباط آن با ایل مزبور باید وسیع تر و کنجکاوانه تر صورت پذیرد .

تقسیمات ایل یا تیره شناسی :

قبل از آنکه به شناخت سایر مسائل اقدام شود لازمست که تقسیمات ایل مورد بررسی قرار گیرد . باینصورت که ایل مزبور به چند تیره - طایفه شاخه و خانوار تقسیم میگردد .

تقسیمات هریک از ایلات در ایران بر حسب بزرگی و کوچکی شان و منطقه ای که در آن قرار دارند شکل و وضع بخصوصی دارد . کوچکترین تقسیمات هرایل که عبارتست از تجمع چند خانوار ، در هر ناحیه نام خاصی دارد . چنانکه شاهسونها ابه ، بلوچها شلوار و بختیارها آنرا اولاد و مال مینامند .

در مورد تقسیمات ایل به طوایف و تیره ها و شاخه ها در برخی از ایلات تا شش قسمت تشخیص داده میشود . بطور مثال ایل بختیاری را میتوان به دو ایل عمده هفت لنگ و چهار لنگ تقسیم نمود و سپس هریک از آنها به طایفه ها ، تیره ها ، زیر تیره ها ، شاخه ها و زیر شاخه ها تقسیم میشوند . طرح صفحه ۱۴۵ نمونه ای از تقسیم بندی مزبور را نشان میدهد . در این بررسی باید مشخص ساخت که محل ییلاق و قشلاق هریک از تقسیمات فوق درجه منطقه ای میباشد . این امر نسبت به بزرگی و کوچکی ایل فرق میکند و جادارد که بر روی نقشه تا حد امکان این مراکز بدقت مشخص گردد .

لازمست بررسی شود که این تقسیم بندی ها بر چه اصلی انجام پذیرفته .

آیا بر اساس تقسیمات فامیلی صورت پذیرفته ، یعنی اینکه در آغاز رئیس ایل پنج فرزند داشته و پس از مرگ او هریک در رأس قسمتی از ایل قرار گرفته و تیره های

جداگانه بوجود آورده‌اند ، یا اینکه عوامل تاریخی و سیاسی دیگر منجر بایجاد این تیره‌ها گشته است .

ذکر آمار تعداد خانوارهای هر طایفه و حد متوسط افراد هر خانوار نیز لازم می‌باشد . در بیان اسامی تیره‌ها و طایفه‌ها در زمان حال ، میبایست نام رؤسای تیره‌ها و طایفه‌ها و ریش سفیدان نیز ذکر گردد . همچنین بجا خواهد بود که مهمترین تیره‌های ایل سزور ذکر گردد و دلیل اهمیت آن نیز تحقیق شود .

احتمالاً این اهمیت مربوط است به اینکه خان ایل از آن تیره انتخاب میشود ، البته این در شرایطی است که خان همیشه از یک تیره انتخاب گردد .

شجره نسب خان :

بررسی حوادث و رویدادهای تاریخی هر ایل بیشتر بدو دسته تقسیم میشود . دسته اول حوادث داخلی خود ایل که بر سر کسب قدرت و بدست گرفتن مقام خانی ، بین افراد معتبر آن صورت میپذیرد . دسته دوم مربوط به حوادث خارجی است که ایل را در برابر نیروهای غیره اعم از اینکه ایل دیگری باشد یا قدرت نظامی دولتی و یا شرکت در جنگهای میهنی در برابر نیروی متجاوز خارجی قرار میدهد . قسمت دوم را میبایست در ذکر تاریخ رویدادهای ایل به تفصیل بیان داشت و مورد توجه قرار داد .

قسمت اول اهمیتش از جهاتی چند کمتر از قسمت دوم نیست ، در اینجامیتوان به راز قدرت خانها و نزاعهایی که بر سر کسب مقام خانی در گرفته است پی برد . باید سعی نمود تا آنجا که مدارك نوشته و گفته‌های افراد معتبر ایل اجازه میدهد ، ترتیب فرمانروائی خانها را ذکر نمود و مشخص ساخت که چه عاملی بیش از همه در حفظ مقام خانی مؤثر بوده است . باید بررسی نمود که از دو قرن پیش تا بحال چه نزاعهایی بر سر بدست آوردن این مقام در گرفته و بیشتر چه خانواده‌هایی در این میدان زور آزمائی کرده‌اند . باید دید چه عاملی برای ایجاد محبوبیت در سردم ایل جهت بدست آوردن پشتیبانی آنها مؤثر بوده است .

عواملی چون ثروت، شجاعت و تهور فردی، نفوذ مذهبی، وابستگی و نزدیکی به دولت مرکزی، جوانمردی و کمک به افراد ایل، کدامیک برای احراز مقام خانی بین مردم عامل مهمتری شناخته شده است.

آیا سابقه داشته است که فردی از خانواده‌های عادی ایل بر اثر کسب یک یا چند عامل فوق به رهبری ایل رسیده باشد. یا اینکه اصالت فامیلی و داشتن شجره نسب مشخصی که به خانواده و افراد معروفی منتهی شود، برای کسب مقام خانی از واجبات است.

لازمست مطالعه شود که آیا وصلت مردی با یک خانواده معتبر ایل، تغییری در وضعیت پدید می‌آورد و با و امکان می‌دهد که بمرحله خانی برسد یا خیر. با توجه به آنچه گفته شد ایجاب می‌کند که اساسی خانهای ایل را در طی دو قرن اخیر همراه با شجره‌نامه آنها ذکر نمود و مشخص ساخت که چند بار این سمت دست بدست گشته و در طی آن چه حوادثی بروز نموده است. باین ترتیب موفق خواهیم گشت که تاریخ رویدادهای داخلی ایل را تنظیم نماییم.

ساختمان اجتماعی ایل

جامعه‌های بشری در هر مرحله‌ای که قرار داشته باشند ترکیب و ساختمان مشخصی را معرفی می‌نمایند. با این فرق که بر حسب زمان و شرایط اکولوژی و مراحل مختلف، شکل و ساختمان این جوامع نسبت به تغییرات فراوانی را نشان می‌دهند. در هر جامعه نهادهایی وجود دارد که شناخت و بررسی آنها ما را به چگونگی ساختمان جامعه مزبور هدایت می‌کند.

نهادها را میتوان پایه‌های اساسی زندگی اجتماعی دانست. نهادها عبارتند از شیوه‌های تنظیم شده و مقرر شده زندگی که از گذشته برجای مانده و فرد خود را در مقابل آنها مجبور حس می‌نماید. نهادها بطور کلی عمومیت داشته و سابقه طولانی

را پشتسر دارند ، نهادها علاوه بر شیوه‌های مقرر شده و آداب و رسوم پذیرفته شده هرجامعه ، گروهها و سازمانهایی را نیز شامل میباشند .

نهاد اجتماعی چنانکه گفته شد شامل گروهها نیز میگردد از اینرو نباید آنرا با سیستم اجتماعی ، و گروه اجتماعی یک دانست . بلکه نهاد اجتماعی دارای مفهومی وسیع‌تر است که عوامل فوق را دربرمیگیرد . از جهتی دیگر نهادهای اجتماعی و سیستم اجتماعی در یکدیگر مؤثراند .

اکثر نهادهای اجتماعی گروههای چندی را دربرمیگیرند و این امر خصوصاً در جوامع پیشرفته بیشتر هویدا است .

در جوامع ایللیاتی که بیشتر شیوه زندگی دورانهای بسیار دور را حفظ ساخته‌اند ، مطالعه نهادها گذشته از بازشناختن ساختمان جامعه‌های نامبرده ، در امر بررسی تحول و دگرگونی بسیاری از نهادها کمک مؤثری خواهد نمود .

چنانکه از این طریق به اختلاف نقش نهاد خانواده در بین ایلات و جامعه‌های شهری پی خواهیم برد .

شک نیست که امروز در کشورهای مختلف ورژیم‌های گوناگون سازمانهای اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی بخصوصی منطبق با شرایط و احوال آنها وجود دارد . این اختلاف سازمانی و گوناگونی رژیم‌ها اصل مسأله را که عبارتست از وجود نهاد اقتصادی و حکومت در این جوامع ، نفی نمیکند . بلکه از دیرباز برای اداره سیاسی و اجتماعی هرجامعه‌ای حکومتی وجود داشته و اصول و شرایط و قوانین بخصوصی همراه با سازمانهایی جهت تنظیم امور برقرار بوده است .

منظور از بیان مطالب فوق این بود که نشان دهیم اگر بصورت ظاهر شکل جامعه ایللیاتی و سازمانهای آنها در مقایسه با جوامع شهری ، ناچیز جلوه گرمیشود ، بواقع چنین نیست و بعکس ساختمان جامعه‌های ایللیاتی و سازمانهای آنها دارای ارزش لازم بوده و ایجاب مینماید مطالعه کاملی درباره آنها صورت پذیرد . تا اصول و شیوه‌های جاری که دارای ریشه‌های کهنی میباشند ، بنحو شایسته‌ای روشن گردند

و در تغییر و دگرگونی آنچه که منطقی بنظر نمیرسد با آگاهی کامل اقدام شود .

برای شناخت ساختمان اجتماعی ایل لازمست با مراکولوژی که عبارتست از بررسی روابط فعل و انفعال و تاثیر و تاثر بین انسان و محیط مسکون او توجه کامل مبذول داشت .

در مطالعه ساختمان جوامع از شیوه شکل شناسی یا (مورفولوژیک) نیز باید مدد گرفت . باینصورت که از راه قرار گرفتن و شکل یک جامعه و یا یک سازمان در روی زمین ، ساختمان و ترکیب آن جامعه را میتوان بررسی و معین ساخت . زیرا میان ساختمان و شکل جامعه ارتباط نزدیک و قابل توجهی وجود دارد . از شیوه فوق در بررسی های جامعه شناسی در زمینه مطالعات جوامع شهری برای شناخت چگونگی قرار گرفتن محلات مختلف و گروهها و طبقات گوناگون و میزان تراکم آنها استفاده میگردد . همچنین در بررسی های مردم شناسی و نژاد شناسی در زمینه جوامع محدودتر ، اقوام و ایلات نیز روش شکل شناسی را بکار میبرند . چنانکه طرز ساختمان دهکده بطور کلی و ترتیب قرار گرفتن خانه ها و اماکن عمومی ، و یا شکل اردوهای چادر نشینان و تنظیم موقعیت چادرها در منطقه ، مردم شناسان و نژاد شناسان متخصص را در شناخت ساختمان جوامع مزبور و سازمانهای آنها ، یاری فراوان میکند . این شیوه در کار بررسی جامعه های معدوم شده که شهرها و خانه های آنها امروزه توسط باستان شناسان از زیر خاک بیرون آورده شده است ، بخوبی بکار میرود و باستان شناسان بر مبنای شکل شهر ، بنای بزرگ و یا اردوگاهها ، ساختمان این جوامع را باز میشناسند و ترسیم میکنند .

چگونگی تشکیل و ساختمان ایل

در این بررسی باید مشخص ساخت که ایل بر چه اساسی پایه گرفته . یعنی اینکه در مرحله خاصی از زمان بصورت یک نیروی ضربه ای ، یا تدافعی بوجود آمده

و پس از مدتی چهره ساختگی آن از بین رفته و بصورت یک جمع متشکل با خصوصیات مشترکی به حیات خود ادامه داده . یا از دیر باز تحت شرایط قلمرو جغرافیائی هم بستگی بین آنها بوجود آمده و نسل بعد نسل ، افراد آن ایل زندگی مشترکی را ادامه داده اند . در مورد اول چنانکه از مدارك تاريخی بر می آید میتوان ایل «شاهسون» را ذکر نمود که در عهد صفویه در برابر قزلباشها بوجود آمدند . و باین ترتیب عامل سیاسی و نظامی ، خاص زمان در تشکیل ایل سزبور دخالت داشته ولی پس از آنکه عوامل مؤثر از بین رفته است ایل همچنان برجای مانده و ویژگیهای یک ایل را بخوبی حفظ ساخته است .

سورد دوم مربوط میشود به اکثریت ایلات که از دیر باز بر مبنای زندگی شبنانی بوجود آمده اند .

- مشخص ساختن موقعیت خانواده و روابط داخلی افراد آن بایکدیگر و جمع آنها بارتیسی خانواده حائز اهمیت فراوان است . زیرا خانواده هسته اصلی و واحد اولیه ایل را تشکیل میدهد . از اینرو مطالعه علل و چگونگی پیوستگی خانواده ها دریگه طایفه ، لازمست که مورد توجه قرار گیرد . بطور کلی مطالعه نهاد خانواده و وظایف مختلف آن در شناخت ساختمان اجتماعی ایل نقش مؤثری خواهد داشت . باید دید اختلافی که بین دوتیره از یک طایفه و دو طایفه از یک ایل وجود دارد مربوط به چیست اهمیت و اعتبار بعضی از خانوارها ، طایفه و یا یک تیره در یک ایل نسبت ب دیگران مربوط به چیست و بنیاد ارزش ها بر چه اساسی گذارده شده است - در ترکیب یک ایل طایفه ها و تیره ها حکم گروههای مختلفی را دارند و بصورت هرم یکی بروی دیگری قرار میگردد یا اینکه همه هم عرض یکدیگر هستند و وجه امتیاز فقط در مورد یک یا دو طایفه بخصوص است .

گروهها :

وجود گروههای مختلف و امر تقسیم کار بصورت وسیع آن امروزه یکی از مشخصات بارز جامعه های صنعتی و شهری محسوب میشود و خود پدیده ای تازه بشمار میرود .

درحالیکه تنوع گروهها و تقسیم کار در قبیله ها و جوامع ایلی محدود میباشد و همین امر در خصوصیات روانی و طرز رفتار مردم اثر میگذارد. زیرا سبب میگردد که فرد با داشتن عضویت در یک گروه از تمام آداب و رسوم و مقررات آن بی چون و چرا پیروی نماید. بنابراین در امر بررسی ساختمان اجتماعی ایل مطالعه درباره گروههای مختلف آن و چگونگی نقش و وظایف آنها و روابطشان با یکدیگر حائز اهمیت میباشد. در این زمینه باید بررسی گردد که آیا در ایل مورد نظر گروههای تخصصی و اجتماعی وجود دارد یا خیر - باینصورت که افراد گروهی فقط به کارهای دستی بپردازند و گروه دیگری به پیشه وری. و یا اینکه گروهی فقط طبقه محافظان را تشکیل دهند و گروه دیگر طبقه میرزاها و دسته دیگر روحانیون و بالاخره جمعی برای همیشه ریاست و رهبری سیاسی ایل را مربوط بخود بدانند.

بطور کلی لازمست بررسی شود که تقسیم کار بر چه اساسی وجود دارد، جنس و سن و سایر مسائل در این امر تا چه حد دخالت دارند.

- لازمست تحقیق شود که در ایل طبقات اجتماعی بصورت کاست وجود دارد یا نه. و آیا دسته ای را پست تر و جمعی را آقا و بزرگ تر میدانند یا خیر.

- شیوه برگزیدن رؤسای واحدهای مختلف از ریش سفید گرفته، تا کدخدا و کلانتر و خان؛ و در بعضی ایلات، ایل بیگی و ایلخانانی بر چه اساسی قرار دارد.

آیا هر واحدی با مراجعه بآراء افراد خود رئیسش را انتخاب میکند یا اینکه رئیس مزبور با در دست داشتن یک یا چند مورد از عوامل قدرت خود را بر آنها تحمیل میسازد و سپس مورد تأیید رئیس بالاتر قرار میگیرد.

آیا در انتخاب هر یک از رؤسای واحدها نظر رئیس بالاتر دخالت دارد یا نه. - بطور کلی رابطه افراد ایل با رؤسای خود از ریش سفید گرفته تا خان بر اساس احترام و فرمانبرداری دلخواه بنیان گرفته یا اینکه مسئولان خود را به نیروی ثروت و زور بر آنها تحمیل ساخته اند.

- خان و سایر مسئولان تاجچه حد خود را موظف به پیروی و رعایت از افکار عمومی ایل میدانند .

- اساس جامعه بر پایه تعاون و همکاری قرار دارد یا اینکه خانواده ها فقط بفکر منافع خویش هستند و ب دیگران کمکی نمیکنند .

- خان و سایر مسئولان درازاء استفاده ای که از افراد ایل میبرند و ضمناً خود را مسئول و فرمانده میدانند ، در مواقع خطر دسته جمعی و یا پیش آمدهای جزئی برای بعضی از خانوارها خود را تاجچه حد موظف بدفاع از منافع ایل و کمک به افراد ناتوان آن میدانند .

- در مواردی که قتل روی میدهد یا بحقوق فردی از یک خانواده تجاوزی صورت میپذیرد این امر جنبه فردی خواهد داشت یا اینکه خانواده و طایفه ای که فرد مقتول یا مورد تجاوز قرار گرفته وابسته بآنست، دسته جمعی به خونخواهی و احقاق حق برمیخیزند و جنبه همگانی پیدا میکند .

- نقش زن در این جامعه چیست و برای آن تاجچه حد ارزش قائل هستند این ارزش از چه نقطه نظر است - باچه دیدی باو مینگرند - آزادی او در چه حدی است و چه وظایفی برعهده دارد - همکاری زن با مرد در چه سراحلی است .

- تعداد اولاد و نوع آن از نظر این مردم چگونه توجیه میگردد . اگر به پسر علاقه بیشتری دارند برچه پایه است - تا چه حد جنبه روانی و سنتی آن مطرح است و تاجچه حد شرایط مادی زندگی در این باره اثر دارد .

- عامل خویشاوندی در حفظ قدرت رهبری تاجچه حد مؤثر است و این وصلت ها بیشتر در چه جهتی سبب تقویت موقعیت فرد میگردد . بطور کلی چه عواملی در امر موروثی بودن قدرت رهبری و یا وصلت با خانواده های بزرگ مؤثراند و مورد توجه ایل میباشند .

- آنهائیکه از خارج بایل میپوندند چه موقعیتی را کسب میکنند و چه اختلافی بین آنها و افراد ایل خواهد بود . از نظر طبقه اجتماعی آنها چه وضعی را در ایل

خواهند داشت و تا چه مرحله در صورت بروز شخصیت قادر به پیشرفت میباشند .
 وصلت با افراد ایل تا چه مرتبه و به چه صورت برای آنها میسر است .

ترکیب اجتماعی ایلات ایران :

با اینکه شناخت ترکیب اجتماعی ایلات ایران مطالعه وسیعی را ایجاب
 مینماید و قبل از آن هر گونه اظهار نظر قطعی غیر علمی بنظر میرسد : با اینحال ازطوهر
 امر چنین برمیآید که در ترکیب مزبور سه دسته وجود دارد .

دسته اول عبارتست از گروه خانها و کلانتران که گذشته از اغنام و احشام
 دردهات واقع در قلمرو ایل و برخی اوقات خارج از آن اغلب مالک کشتزارهای
 وسیعی میباشند و در شهرهای عمده نزدیک به منطقه ایل نیز مالکیت مستقالات را
 دارا هستند . از طرف دیگر آنها بر اثر تماس با مقامات مسئول مملکتی جزء گروه اشراف
 و متنفذین کشور نیز قرار دارند و اغلب سمت های حساس اداری و سیاسی را بعهده
 میگیرند .

دسته دوم شامل کدخدایان و ریش سفیدان^(۱) و تعدادی از طبقه متوسط مردم
 ایل میباشد . آنها دارای اغنام و احشام بوده و بزندگی دامپروری مشغول میباشند و با فروش
 فراورده های لبنیاتی و محصولات دامی معیشت خویش را تأمین میسازند . و به عبارت
 دیگر برای خود کار میکنند، نه کارگردارند و نه مزدورانند .

دسته سوم عبارتند از خانواده های که اغلب دارای دام نیستند و اگر بعضی
 از آنها هم دارای چند رأس دام باشند، هیچگاه تکافوی تأمین معیشت آنها را نمیکند .
 این دسته بیشتر به شغل چوپانی و کارگری در داخل ایل و یا بصورت کارگران
 فصلی در روستاها و شهرها مشغول میباشند و امرار معاش میکنند .

بیشتر افراد این دسته را کسانی تشکیل میدهند که بعلمت تنگدستی از روستاها

۱- در بعضی از ایلات از جمله شاهسونها، ریش سفیدان مقام و جایگاهی چون کدخدایان
 و کلانتران را در ایلات دیگر نظیر بختیاری و قشقایی دارا هستند .

کوچ کرده‌اند و بعنوان عمله به ایل داخل شده‌اند و هیچ‌گونه حقی بر روی چراگاههای ایل ندارند.

همچنین اغلب افراد کم بضاعت ایل نیز بر اثر خشکسالی و یا زمستانهای سرد تعداد مختصر دامهای خود را ازدست میدهند و به این گروه می‌پیوندند. و میتوان گفت که تعداد افراد دسته سوم هم اکنون رقم بسیار زیادی را در بین ایلات نشان میدهد.

سازمان ایل

برای اداره ایل بر طبق شیوه کهن آن، سازمانهای معین و مشخصی با حدود مسئولیت‌های روشن، نظیر آنچه که در سیستم سازمانهای دولتی و جوامع شهری دیده میشود، وجود ندارد. ولی همانطور که در قبل بیان داشتیم برخی از نهادهای این جوامع وظایف مختلفی را بعهده دارند، از جمله نهاد خانواده است که نقش وسیعی را ایفاء مینماید. افراد مسئول در محیط ایلات معمولاً سلسله سراتبی را باینصورت حفظ می‌سازند: ریش سفیدان، کدخدایان، کلانتران، خانها، ایل بیگی و ایلخانی این افراد با قدرت کامل و مشورت با پیران قوم و افراد زیر دستشان به اداره امور ایل می‌پردازند و در همه کارها دخالت دارند.

- در شناخت سازمان یک ایل باید مطالعه شود که مقامات ایل از کجا شروع و کجا ختم میشود. در بعضی ایلات، عنوان ایل بیگی و ایلخانی وجود ندارد و یا اینکه کلانترها حذف شده‌اند و خان مستقیماً با کدخدایان طرف می‌باشد. باین ترتیب شناخت این سلسله سراتب ایل و ذکر عنوان آنها بر حسب ایلات مختلف لازم میباشد. زیرا در ایلات مختلف اغلب عنوانهای فوق فرق میکنند.

- جا دارد بررسی شود که کلانتران و خانها برای رسیدگی با امور مختلف چه افرادی را به همکاری بر میگزینند و چنانکه در ایل بختیاری مرسوم است امور دیوانی

و جمع مالیات در اختیار میرزاها بوده و یا شیوه دیگری وجود دارد .
 - در ایلات بزرگ مانند بهختیاری و قشقائی ایلخانی و ایل بیگی و اغلب خانهای بزرگ دارای سازمانهای وسیعی هستند که بدو دسته تقسیم میشود . اول سازمانهای مسئول تماس با افراد ایل برای جمع مالیات - رسیدگی بدعاوی - نظارت در برداشت محصول و جداساختن سهم خان - و بالاخره نیروی نظامی و محافظ ایل - گشتی های اردو که در موقع کوچ وظایف سنگین تری را بعهده دارند . دوم سازمانی که مربوط به شخص خان است و در واقع دستگاه تشریفاتی او را تشکیل میدهد .

قسمت مزبور عبارتست از : فراشخانه - آبدارخانه و آشپزخانه - سازمان مربوط به اصطبل و قاطرچی ها و تربیت کنندگان اسب - اسلحه دار .

باین ترتیب جادارد که در موارد فوق و احتمالاً موارد دیگری که ممکن است وجود داشته باشد مطالعه گردد و بطور کلی تمام خدماتی که مربوط به ایل و دستگاه خان میگردد مورد بررسی قرار گیرد .

در زیر به ذکر برخی از این سازمانها و مطالبی که باید درباره شان بر حسب نقش آنها مطالعه صورت پذیرد ، اقدام مینمائیم .

دادرسی و امور حقوقی :

ضمن بررسی سازمانهای ایل جادارد که به عرف و سنت های جاری در ایل ، در مورد مسائل مختلف حقوقی و جنائی و منافی عفت ، دزدی و غیره اشاره شود . و ترتیب تعقیب ، دادرسی ، صدور رأی و اجراء مجازات را در سیستم ایلی بخوبی شرح داد . و در ضمن آن سازمان و یا افراد مسئولی که وظایف فوق را بعهده دارند مورد مطالعه قرارداد . اینجا مینماید که در این زمینه به مشکلاتی که اداره های داد گستری و داد گاههای بخش با آن مواجه هستند اشاره شود . این مشکلات میتوانند در موارد مختلفی چون احضار ، تشخیص ماهیت دعوا و بالاخره صدور رأی عادلانه و اجراء عدالت وجود داشته باشد .

دریافت مالیات :

دریافت مالیات نسبت به داسها و در صورت انجام کشاورزی در زمینه محصولات

مزبور از دیرباز برقرار بوده و همه ساله افراد ایل به کلانتران و خانها مالیات میپرداختند. خانها نیز معمولاً خود بادرستگاه دولت طرف معامله بوده اند و یکجا بصورت قرارداد همه ساله مبلغی بدولت مرکزی میپرداختند. لازمست بررسی شود که مقدار مالیات هر خانواده یا فرد به خان به چه مأخذی پرداخت میشده و جنس شاخص که سایر چیزها را نسبت بآن میسنجیده اند در هر دسته چه بوده - چنانکه فرضاً در ایل بختیاری مادیان بعنوان نمونه سنجش در بین داسها مأخذ قرار میگرفته است.

- گذشته از مالیاتی که افراد ایل به خان میپرداختند، دریلاق و قشلاق نیز تأمین خرج سفره خان بعهدہ تیره های مختلف ایل بوده و هر یک از آنها بمیزان معین دام، روغن، گندم، برنج و غیره برای مصارف دستگاه خان میپرداختند.

لازمست سازمان و افراد مسئول دریافت مالیاتها بدقت مورد بررسی و مطالعه قرار گیرند. لازمست بررسی شود که مورد اول هنوز برقرار است یا تغییر یافته و سازمان دریافت مالیات که از جانب دولت مأمور است برچه مبنی مالیات دریافت مینماید. این کار مستقیم انجام میپذیرد یا آنکه هنوز مسئولان ایل در این امر دخالت دارند و واسطه میباشند. در اینجا باید بررسی گردد که ایلات وضع قبلی را بیشتر بصالح و صرفه خود میدانند یا شرایط موجود را. درباره خرج سفره خان و پیش کشی لازمست تحقیق شود باتغییرات اداری سالهای اخیر امر فوق همچنان برقرار است یا تغییر یافته و یا اینکه بکلی از میان رفته است. در این باره بجا است تحقیق شود که رسم مزبور را تاچه حد ایلات اجحاف میپنداشته اند و تاچه حد تمایل کامل به پرداخت این سهم نشان میداده اند.

- در اینجا لازمست که نشان داده شود آیا خان و کلانتران متقابلاً بخشش و یادستگیری نسبت بمردم میکرده اند یا خیر. و این دستگیری و کمک درچه مواردی صورت میپذیرفته است.

سازمان دفاعی ایل و سربازگیری :

از دیر باز ایلات برای حفظ موقعیت و منافع خویش و گاه جهت تجاوز

بگروههای دیگر خود را مجهز میساخته‌اند .

چنانکه اسلحه جزء جداناپذیر هر فرد عشایری می‌باشد و آنرا چون ناسوس خویش عزیز می‌شمارد و از آن مراقبت می‌کند . فرد ایلیاتی چون قدرت تجهیزی را طی قرن‌ها در دست‌ها و کوهساران حافظ بی‌طمع منافع خویش ندانسته است ، خود را موظف دیده تا همیشه مجهز و آماده باشد ، این حس آمادگی همیشگی و ترس از تجاوز و هم‌چنین زندگی سخت و پرمشقت کوچ‌سالیانه در روحیه او اثر گذاشته و فردی خشن بارآمده که رفته رفته حس تجاوز بدیگران نیز در او تقویت گردیده است .

این آمادگی برای نبرد تا بدانجا قوت گرفته است که اغلب بر سر اسور کوچک و گاه بر سر جانشینی خان یا یک کلانتر بین خود افراد ایل نیز نبرد در می‌گیرد و کشتارهای خونین صورت می‌پذیرد .

توجه به اسلحه و نوع کامل تر آن تا بدانجا در بین این مردم دارای اهمیت می‌باشد که اغلب دارندگان سلاحهای مؤثرتر و دقیق‌تر در جامعه ایلیاتی برای خود کسب موقعیت خاص اجتماعی مینمایند .

در طی قرن‌ها امر سربازگیری بصورت امروز متداول نبوده و در زمان جنگ هر منطقه و در نتیجه ایلهای آن موظف به تهیه قوا برای کمک بدولت مرکزی بوده‌اند . در دوره‌های بعد از عهد صفویه و بعد زمان نادرشاه و بالاخره عهد قاجاریه چون اغلب ایلات قصد سرکشی داشتند و مزاحمت‌هایی پیش می‌آوردند قرار بر این گشت که تعدادی سوار همیشه از ایلات بمرکز حکومت فرستاده شوند تا بصورت گروگان در رکاب شاه یا ولیعهد باشند .

همچنانکه گروهی سوار در اختیار دولت وقت قرار می‌گرفت ، در خود ایل نیز گروهی تفنگچی و سوارکار بعنوان نیروی دفاعی و ضربتی ایل وجود داشت . شناخت ترکیب این گروه‌ها و اینکه چه تعدادی از آنها وابسته به خانواده‌های مشخصی بوده و تنها به جنگاوری و امر نبرد می‌پرداخته‌اند و چه تعدادی از آنها در حین



تصویری از یک تفنگچی سوار ایلیاتی
(عکس از بایگانی اداره فرهنگ عامه هنرهای زیبا)

اشتغال بهدانداری و سایر کارها درمواقع ضروری مجهزگشته وآآماده نبرد میشوند ، نهایت اهمیت را دارد .

دراین مبحث ترکیب سازمان دفاعی - اسلحه ایل - گروههای سواره نظام و پیاده - استراتژی و تاکتیک نبرد در مراحل حمله و دفاع - نبرد در کوه و دشت - طرز قلعه گیری و سنگر بندی - رفتار با اسراء - رفتار با زخمی های خودی و دشمن - رفتار در قبال شهدای خودی و دشمن - رفتار با زن و بچه های دشمن در موقع حمله به محل و در موقعی که آنها را به اسیری میگیرند باید مورد بررسی قرار گیرند . و بالاخره لازمست معلوم گردد که هزینه نبرد و مصارف جنگی به چه صورت تأمین و تهیه میگردد .

اختلاف شیوه نبرد در قبال قوای منظم دولتی - رفتار با سربازان و نظامیان در موقع جنگ ، و بالاخره روحیه نظامی این مردم و سنت هایی که از جنبه های اخلاقی و شجاعت مورد توجه قرار میدهند نیز باید مورد مطالعه قرار گیرند .

درباره سرباز گیری بشیوه اخیر جادارد مطالعه شود که مأموران دولتی چگونه اقدام میکنند و در موقع ورود مأموران به ایل رفتارشان با مردم چگونه است ، و نظر افراد ایل درباره نظام وظیفه و انجام خدمت سربازی چیست .

آیا مأموران دولتی زمان کوچ از بیلاق به قشلاق را برای سرباز گیری انتخاب میکنند یا موقع دیگر را .

سازمان نظارت بر امر بیلاق و قشلاق :

در موقع انجام کوچ سالیانه به دستور خان و کلانترها برای هدایت و عبور ایل از از نقاط سخت و جلوگیری از حمله سایر ایلات و هر گونه برخوردی ، سازمان بخصوصی مأمور نظارت میگردد . هموار ساختن راه ، پیدا کردن بهترین مسیر در کوهستانهای سخت ، تهیه وسایل عبور از رودخانه ها و مراقبت از اردوهای شبانه و موقتی و سایر امور که در بحث مربوط به «اسکان عشایر» بآنها اشاره گردید از جمله وظایف سازمان رهبری در امر بیلاق و قشلاق است . که ایجاب میکند بخوبی جزئیات آن مورد بررسی قرار گیرد .

مذهب :

از جمله سازمانهایی که ظاهراً خان برآن نظارت کامل ندارد ، سازمان مربوط به امور مذهبی است . اگر چه تشریفات مذهبی در بین ایلات نظیر روستانشینان و شهرنشینان پر زرق و برق نیست با اینحال ملاهایی^(۱) هستند که امور مذهبی زیر نظارت آنها انجام میپذیرد .

آنها در امر برگزاری برخی از مراسم مهم مربوط به اعیاد و سوگواریهای مذهبی دخالت تام دارند، در مراسمی چون ازدواج و مرگ نیز نقش مهمی بعهده آنها و گذار مییابد . اغلب کار تعلیم معدودی از کودکان افراد ثروتمند ایل نیز بعهده مقامات مذهبی مییابد .

بطور کلی جا دارد که در هر ایل نقش سازمان مذهبی آن در مراحل مختلف مورد مطالعه قرار گرفته و نفوذ این سازمان و اعضاء وابسته بآن در بین مردم روشن گردد . همچنین باید تحقیق شود که مخارج این سازمان و مراسم عمومی آن چگونه تأمین میگردد . و میزان استفاده خانها و کلانتران از نفوذ روحانیون در عامه مردم تا چه حد مییابد .

- در مبحث مذهب جا دارد مطالعه شود که آیا دادن خمس و زکوة در بین افراد ایل مرسوم است یا نه . در تعیین میزان آن مقامات مسئول روحانی و ملاها تا چه حد دخالت و نظارت دارند - به چه کسانی و توسط چه اشخاص پرداخت میشود .
- مقابر متبر که مهم در منطقه ایل کدامها هستند و شجره نسب این امامزادهها را اهالی محل به چه کسانی میرسانند - میزان اعتقاد مردم بآنها تا چه حد است .
- نذر و نیاز و انداختن سفره تا چه حد بین آنها مرسوم است آیا در امامزادهها شمع روشن میکنند یا نه - آیا درختهای کهنسالی هست که بآنها دخیل ببندند یا نه و دلیل توجه مردم باین درختها چیست .

۱- ملاها بیشتر در دهات ساکن هستند و اغلب در موقع کوچ ایل بسوی بیلاق همراه آن نمیروند .

چه سفره‌هایی میاندازند و تا چه حد باج‌راء این مراسم علاقه نشان میدهند

ارث :

مطالعه موضوع ارث و چگونگی تقسیم آن در بین ایلات از نظر حقوقی و جنبه شرعی هردو شایان توجه است . زیرا میتوان دریافت که آیا در جامعه مورد بحث، قوانین مدنی و اصول شرعی بمورد اجراء درمیآید و یا اینکه عرف و سنن ایلی ملاک عمل است . چنانکه در بعضی از ایلات جنوب بابت ارث پدر سهمی به دختران تعلق نمیگیرد و معمولاً جهیزیه ایراکه دختر با خود به خانه شوهر میبرد، سهم ارث او بشمار می‌رود . حتی در چند سال قبل که مأموران ثبت اسناد از ثبت تمام اموال پدر بنام پسر خود داری مینمودند ، دختران از حقی که قانون شرع و قانون مدنی برای آنها قائل شده است در گذشتند و سهم خود را به برادران خویش واگذار ساختند^(۱) .

در بین ایلات جنوب اگر پدری صاحب دختر و پسر باشد که هردو قبل از اوفوت نمایند، چنانکه از هردو فرزندی باقی بماند ، ارث پدر بزرگ از آن نوه پسر است نه دختری . در موردی که فرد متوفی فرزندی نداشته باشد سهم او به برادرش میرسد نه خواهرش و در مرحله بعدی برادرزاده برخواهرزاده حق تقدم دارد . باین ترتیب ملاحظه میگردد که اغلب مقررات و اصول شرعی و قانونی در مورد تقسیم ارث در بین تمام ایلات بمورد اجراء در نمیآید . بنابراین جادارد که امر فوق بدقت مورد بررسی قرار گرفته و معلوم گردد که در ایل مورد بحث نحوه تقسیم ارث بر چه پایه ای قرار دارد و چه کسانی در حیات افراد چه طبقه ای از حق ارث محروم میشوند . و یا در تقسیم ارث بین پسران یک خانواده اموال منقول و غیر منقول پدر چگونه و با نظارت چه کسانی تقسیم میگردد .

سازمان تعلیم و تربیت :

تعداد بیسوادان در جامعه ایلیاتی ایران نسبت به سایر جوامع بسیار فراوانتر

است و در محیط ایل جز در بین خانواده کلانتران و خوانین کمتر به افراد باسواد برخورد میکنند.

در بعضی نقاط ایلیاتی اغلب در منطقه قشلاق مکتب خانه‌هایی وجود دارد که فرزندان افراد متمکن ایل در آنجا خواندن و نوشتن را فرا میگیرند. تعداد این نوآموزان بسیار ناچیز است و موادی که تدریس میشود بیشتر جنبه مذهبی دارد؛ زیرا کار تدریس در این مکتب خانه‌ها بعهد ملاها میباشد.

در چند سال اخیر در بعضی نواحی ایلیاتی، خصوصاً در قسمت گرمسیر که زمان اقامت ایل در آنجا طولانی‌تر میباشد، مدارس ابتدائی بوجود آمده. همچنین در چند مرکز مهم نیز دانشسراهای عشایری تأسیس شده است.

ذکر این مؤسسات فرهنگی در منطقه ایل مورد بحث و چگونگی وضع آنها و میزان دانش‌آموزانشان و اینکه چند ساعت در روز برنامه درس دارند و موادی که تدریس میشود شامل چه مطالبی است، شایان توجه خاص است.

لازمست میزان علاقه مردم ایل را نسبت باسر تحصیل فرزندانیشان بررسی نمود و تشخیص داد که برای افراد باسواد تا چه حد احترام و ارزش قائل میشوند. - در آمارگیری مربوط به افراد باسواد ایل باید آنها را به چند دسته تقسیم نمود. از جمله کسانی که فقط میتوانند قرآن بخوانند، کسانی که فقط خواندن میدانند، آنهائیکه خواندن و نوشتن هر دو را میدانند.

- بررسی درباره کتابهای داستانی، دیوان شعرا و بطور کلی نوع کتابهای مورد توجه افراد باسواد ایل نیز ضروری بنظر میرسد.

- در مورد مکتب خانه‌ها و وضع اداره آنها و کتابهایی که تدریس میگردد جا دارد اطلاعاتی جمع‌آوری گردد.

رابطه ایل با سازمانهای دولتی:

با استقرار سازمانهای دولتی و پاسگاههای انتظامی در نقاط ایلیاتی، طی سی سال اخیر چگونگی ارتباط ایل با دستگاه دولتی تغییر نموده است. زیرا در گذشته خان و سران

ایل بودند که در مراکز حکومتی ایالات با مأموران عالی مقام دولت در ارتباط بودند. در حالیکه امروز اکثر افراد ایل با مأموران عادی دولت در زمینه های مختلف در تماس میباشند.

شک نیست که بر مبنای وضع جدید دگرگونی قابل توجهی پدیدار گشته و مشکلاتی بروز نموده است. تحقیق در چگونگی رابطه موجود و اثرات آن و میزان تفاهم و یا اختلاف بین ایل و مقامات مزبور نهایت ضرورت را دارد. ما در بیان سازمانهای وصول مالیات، حل و فصل دعاوی و نیروی دفاعی ایل به پدیده نوین فوق و دگرگونیها و مشکلاتی که امکان دارد بوجود بیاورند اشاره نمودیم تا در موقع تحقیق مورد توجه قرار گیرند.

مشاغل و خدمات مختلف :

در بین ایلات بعضی مشاغل و خدماتی وجود دارد که ذکر آنها ضرورت دارد، از جمله میتوان: سلمانی، حماسی، آهنگر و نعل بند، مطرب، گورکن و غیره را یاد کرد. در مورد این مشاغل و نظایر آن جا دارد مشخص شود که این افراد از خود ایل هستند یا از خارج وارد شده اند نظر مردم ایلایاتی درباره این مشاغل چیست، کدامها را خوب و کدامها را بد می شمارند.

آیا در تمام طول سال شاغلین نامبرده فقط باینکار میپردازند یا کارهای دیگری چون دامداری، حرفه اصلی آنها را تشکیل میدهد.

دستمزد این افراد به چه میزان و چگونه پرداخت میشود: بصورت پول یا جنس - سالیانه پرداخت میشود یا بازاء هر بار انجام کار.

بیلاق و قشلاق ایل

با توجه بآنچه که درباره اسر کوچ و اهمیت آن در زندگی ایلات در صفحات قبل بر شمردیم، جادارد که مسائل مربوط باین پدیده را با جزئیات آن مورد بررسی قرار دهیم.

زمان کوچ :

بسته به وضع منطقه و اینکه ایل دریلاق باشد یا درقشلاق زمان کوچ فرق میکند . بنابراین تعیین زمان حرکت از هریک از دو منطقه حائز اهمیت است . لازمست تحقیق شود که برای آغاز حرکت چه مراسمی صورت میپذیرد و به چه نحوی طوایف و تیره های ایل خبر میگردند و آماده میشوند .

ترتیب حرکت :

در مطالعه این قسمت توجه بمطالب زیر ضروری بنظر میرسد :

طرز آرایش ایل برای حرکت به نقطه دیگر چگونه است و ترتیب عزیمت طایفه ها و تیره ها بر چه اساسی است ، کدامیک زودتر و کدامیک دیرتر حرکت میکنند . در موقع عزیمت ، گروه کوچ کنندگان چه آرایشی را برمیگزینند ، مردان در جلو و زن ها و کودکان در عقب ، یا اینکه خانواده ها با حشم و بار و بینه خود دنبال هم در قافله قرار میگیرند . کودکان و بیماران و پیره زنان را چگونه حمل میکنند . خان و کلانتران و کدخداها دسته جمعی در پیشاپیش حرکت میکنند یا کلانتر و کدخدای هرتیره و طایفه در مقابل واحد خود حرکت میکند و از آن سرپرستی مینماید - آیا خان و اعضاء خانواده او از همان راه و باترتیبی که همه افراد ایل میروند ، طی طریق میکنند یا از راه دیگر و با وضع دیگر .

راه عبور :

مسیری را که ایل بین سردسیر و گرمسیر طی میکند لازمست بخوبی بر روی نقشه ترسیم نمود و نقاط مهم آنرا که عبارتست از گردنه ها و گذارهای سخت ، عبور از کوهستانهای مشکل ، گذشتن از رودخانه های پر آب و خروشان ذکر نمود . جادارد مشخص شود که برای رسیدن به محل مورد نظر راه کوتاهتری را میتوان انتخاب نمود یا نه ، و راه مزبور از کجا خواهد گذشت . آیا دلیل طولانی بودن راه نبودن جاده های شوسه و پل های ضروری است و یا اینکه وجود سوانعی چون منطقه نفوذ



گروهی از شاهسونها در حال کوچ



نمونه‌ای از چرای مفرط در مراتع واقع در حوالی لالی در منطقه قشلاق بختیاری

ایل دیگر ویا کشتزارهای روستانشینان مسبب اصلی آنست .
 در طی مسیر، دهات و شهرک‌هایی که بر سر راه ایل قرار دارند باید مشخص گردد .
 همچنین لازمست اساسی و منطقه ایلات همجوار در مسیر مزبور بروشنی معلوم شود .
 در این سبب جا دارد که ضمن بیان مسیرهای تاریخی ایل ، کوتاهترین و
 بهترین راه بین دوناحیه که بجهاتی چند احداث آن ضروری است بیان گردد .

اردوگاهها :

در فاصله بین دو منطقه ، ایل مجبور از آنست که شبها را برای استراحت از
 حرکت باز بایستد و در بعضی مراحل نیز اردوهای چند روزه برپا کند . در هر دو مورد
 مطالعه شکل اردو ترتیب قرار گرفتن چادرها ، محل جمع ساختن دامها و بار و بنه
 و بالاخره طریقه حفاظت از اردو حائز اهمیت فراوان است .
 اینکه حافظین اردو چگونه انتخاب میشوند و چه وظایفی را بعهده دارند نیز
 باید بررسی شود .

چگونگی رابطه با جوامع ساکن و ایلات همجوار :

در طول مسیر بیلاق و قشلاق و یا در دو منطقه مزبور ، اغلب ایل با جوامع
 ساکن روستانشین و یا ایلات مختلف تماس پیدا میکند . بررسی چگونگی ارتباط آن
 با این جوامع و مشکلاتی که ممکن است بروز نماید حائز اهمیت است . برای آنکه
 وضع مزبور را دریا بیم و مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم ، لازمست به مطالبی که
 در بخش مربوط به «یکجانشین ساختن عشایر» بیان داشتیم توجه کامل مبذول داشت .
 درباره رابطه ایل با ایلات همجوارش و آگاهی بر چگونگی آن ، ایجاب مینماید
 که ضمن بررسی گذشته تاریخی و رویدادهای آن ، با انجام مصاحبه‌هایی چند با افراد
 مطلع و همچنین افراد عادی نظر کلی ایل را نسبت به ایلات همجوار آن دریافت .
 در این زمینه جا دارد بررسی شود که داشتن رابطه دوستانه بیشتر بر اساس وصلت
 بین دو گروه است یا امر دیگر .



منظره‌ای از اردوی ایل سگوند در حوالی خرم‌آباد



منظره دیگری از چادرهای اردوی ایل سگوند

همچنین باید مشخص شود که در مسیر کوچ ویا چراگاهها ، استفاده مشترك دوايل از يك منطقه وجود دارد يا نه . در موقع عبور از منطقه ايل ديگر ، چه مسائلي را بايد رعايت نمايند . در مواقع خشكسالي و يا ساير حوادث طبيعي كه بايل خسارت وارد ميشود ، ايلهاي همجوار بان كمك ميكنند يا خير . درموردي كه اختلاف فردي يا جمعي بين دو ايل بروز ميكند تنها جنگ بان فيصله ميدهد يا از طريق كدخدانشي موضوع حل وفصل ميشود .

فعاليت‌های توليدي و اقتصاد ايل

پس از بررسي اوضاع اجتماعي و سياسي ايل آنچه كه بيش از همه شناخت چگونگي اش ضروري بنظر ميرسد وضع فعاليت‌هاي توليدي و اقتصاد ايل است . دراينجا نيز بجهاتي چند بسياري از مسائل اجتماعي نيز طرح ميگردد و بخوبي پيوستگي نهادهاي مختلف دراين رژيم زندگي مشخص ميشود .

محقق دراين مرحله بايد كوشش نمايد تا سرحد اسكان بررسي‌هاي خود را متكي برآمارگيري بنمايد تا بتوان با قاطعيت و شناخت بيشتري درباره مسائل مورد بحث اظهار نظر نمود .

فعاليت‌هاي توليدي جوامع ايليائي را به سه دسته كلي ميتوان تقسيم نمود كه اهميت يكي بسيار فزونتر از دو دسته ديگر است . آنها عبارتند از :

۱- فعاليت دامپروري و توليد محصولات دامی و فراورده‌های لبنیاتی

۲- توليد محصولات كشاورزي

۳- توليد مربوط به صنايع دستی

در بررسي سه مرحله فوق بايد تمام مسائل مربوط را مورد توجه قرارداد و بان

پاسخ گفت .

فعالیت دامپروری و تولید محصولات دامی و فرآورده‌های لبنیاتی

در توضیح و تشریح فعالیت مزبور میبایست آنچه که مربوط به دام و پرورش آن و تولید محصولات آنست مورد گفتگو قرار گیرد. از جمله لازمست درباره مسائل زیر تحقیق گردد:

- انواع دام و طیوری که در منطقه پرورش مییابد - آساری هرچه دقیق‌تر از تعداد هریک از آنها - تعیین حداقل و حداکثر تعداد هر دام در بین خانوارهای ایل مورد بحث - تعیین نوع دامها از حیث نژاد (در صورت وجود متخصص بکمک او و در غیر آن صورت براساس گفتگو با افراد وارد محلی) - تعیین میزان محصول متوسط شیر - گوشت - پشم در طی سال برای هریک از انواع دامها - ذکر بعضی خصوصیات از قبیل اینکه در بین گوسفندان منطقه چه نوعی دوبار در سال سیزاید و یا اینکه نوع پشم و پوست آنها چگونه است - آیا در منطقه اسبهای ایلخی وجود دارد یا خیر.

- بحث درباره علوفه دامها:

بطور کلی در تمام طول سال دام از مرتع آزاد استفاده میکنند یا چند ماهی را باو علوفه خشک میدهند. چنانکه همیشه از مرتع استفاده میکنند نوع علوفه آنها چیست و مراتع درجه مرحله‌ای قرار دارند. ذکر نام مراتع ایل نیز ضروری است. چنانچه دامها از علوفه خشک استفاده میکنند درجه مدت از سال و درجه منطقه است آیا در طول بهار نگهداری میشوند یا نه - نوع علوفه و خوراک آنها چیست - در کدام موقع از سال پرورتر هستند.

- موقع زایش دامهای مختلف چه فصل سال است و در موقع کوچ، بره‌ها، گوساله‌ها و نوزادان سایر دامها درجه سنی هستند - نوزادان تاجه سنی از شیر مادر

استفاده میکنند این تغذیه برای آنها کافی است یا اینکه برای استفاده از شیر، آنها را از خوردن شیر لازم مانع میشوند - موقع پشم چینی چه فصل از سال است - آیا برای استفاده از پوست بره‌های تودلی، گوسفندان را قبل از تولد سر می‌برند، تعداد متوسط آن در سال چقدر است .

آیا اخته کردن گوسفندان در آنجا رواج دارد یا خیر - اصولاً گله‌های منطقه ردیف و یکدست هستند یا اینکه انواع گوسفند را در یک گله میتوان دید . بطور کلی شرایط طبیعی محل برای پرورش چه نوع نژادی مناسب تر بنظر میرسد چنانکه آزمایش علمی تا بحال در منطقه صورت پذیرفته نتیجه اش چه بوده است .

فرآورده‌های لبنیاتی :

فرآورده‌های لبنیاتی چند نوع است ، بیشتر از شیر گوسفند تهیه میشود یا گاو - نحوه تهیه هر یک به چه صورت است و بازار کار آنها چیست - رعایت اصول بهداشت تا چه حد صورت می‌پذیرد . آیا برای دوشیدن و سپس ساختن انواع لبنیات وجدا کردن کره و غیره از وسایل جدید استفاده میشود یا خیر - آیا هر خانوار بر حسب تعداد دامی که دارد و محصول شیری که بدست می‌آورد اقدام به تهیه محصولات لبنیاتی مینماید یا اینکه مجموع محصول چند خانوار بطور مشترک برای تولید بکار میرود و به نسبت محصول شیر اولیه از محصولات ساخته شده و یا فروش آنها بهره‌مند میشوند . آیا روش تعاونی بر اساس استفاده هر خانوار از محصول شیر چند خانوار دیگر بطور نوبت برقرار است یا نه . باینصورت که هر روز طبق قرار بین ۵ تا ۱۰ خانوار ، محصول شیر بدست آمده متعلق به یکی باشد و این وضع همچنان بگردد تا باز نوبت به خانوار اول برسد .

آغل واصطبل :

چنانکه در بعضی نقاط افراد ایل در کنار خانه‌هایی که مدتی از سال را در آنها می‌گذرانند ، آغل واصطبل احداث کرده‌اند ، لازمست که طرح آنها و وضعشان از نظر

نظافت، میزان نور، خشکی یا رطوبت کف، هواگیری کافی و غیره مورد بررسی قرار گیرد. زیرا بر مبنای اطلاعات فوق میتوان در تغییر وضع آنها اقدام نمود و شرایط مناسب را بوجود آورد.

دامپزشکی :

دامهای ایلات اغلب در معرض خطر بیماریهای بومی و بیماریهای مخصوص دامی قرار دارند. و این امر از دیرباز وجود داشته و دامپروران در حد تجربیاتی که طی هزاران سال نسل بعد نسل بدست آورده اند، به معالجه آنها اقدام میکنند. شک نیست که نحوه معالجه آنها منطبق با اصول علمی و پیشرفت علم دامپزشکی نیست. بنابراین شناخت بیماریهای بومی منطقه مورد نظر، و حشراتی که سبب بیماری و انتقال آن از دامی بدام دیگر میگرددند حائز اهمیت است. ضمناً باید کوشش نمود تا نحوه معالجاتی را که آنها برای دامها بکار میبرند بدقت ثبت نمود.

خصوصاً انواع گیاهان و داروهای که بکار میبرند باید یادداشت نمود و نمونه هایی از آنها را با ذکر مورد استعمالشان برای مطالعه به آزمایشگاههای دامپزشکی فرستاد. این اطلاعات اغلب برای مراکز علمی حائز اهمیت فراوان است و چه بسا بکشف داروهای نوینی آنها را هدایت میکند.

مالکیت و استفاده از چراگاهها :

چنانکه بیان داشتیم در رژیم دامپروری وسیع که معمول میان ایلات ایران است، فقط از مراتع و چمنزارها و علفزارهای طبیعی بهره برداری میشود و مراتع مصنوعی که بر اثر فعالیت افراد ایل بوجود آمده باشد دیده نمیشود. آنچه که بررسی آن نهایت ضرورت را دارد، شیوه ایست که در امر استفاده مشترك از چراگاههای مزبور بکاربرده میشود.

لازمست روشن گردد که این حق استفاده به چه صورت و بر مبنای چه اصلی به خانوارها تعلق میگیرد. آیا هر طایفه ای چراگاه معینی دارد و حدود آن مشخص

است، یا اینکه درموقع چراگله‌های طایفه‌های مختلف یک‌ایل در منطقه وسیعی به‌چرا مشغول میشوند - این حق استفاده به‌طایفه تعلق دارد یا به‌خانوارهای معین - آیا هرخانوار میتواند تا هر میزان که بخواهد تعداد دامهای خود را بالا ببرد و باز برطبق حق سابقش از همان چراگاه با میزان دامهای کنونیش استفاده نماید یا نه .

آیا خانوار یا خانوارهایی که بعلمی دامهایشان را از دست میدهند حق استفاده از مراتع را حفظ خواهند نمود و میتوانند آنرا منتقل سازند یا خیر - اصولاً حق استفاده از چراگاههای یک‌ایل به ایل دیگر قابل انتقال است یا نه و به‌چه صورت امکان میپذیرد . طرز استفاده از علفزارهای مسیر کوچ بین گرمسیر و سردسیر چگونه تنظیم میگردد . آیا چراگاههایی در منطقه وجود دارد که در سالکیت یک فرد یا چند فرد باشد و بادریافت اجازه بصورت حق علفچر، اجازه چرا به گله‌های ایلات بدهند؟ - چراگاههایی که دولت برای استفاده از آنها حق علفچر میگیرد، در منطقه وجود دارد یا نه و میزان این حق چقدر است .

ایلاتی که در مناطق سرزی بسر میبرند آیا برای چرا برحسب فصل و منطقه به‌خارج از مرز میروند یا نه و اگر این کوچ صورت میپذیرد پولی به‌دولت هم‌جوار و یا مالکین سرزمینهای مزبور پرداخت میشود یا نه و میزان آن و چقدر است . همچنین وقتی احشام ایلات هم‌جوار به سرزمینهای ایلات ایران می‌آیند حق علفچر میدهند یا نه و این حق بدولت تعلق دارد یا مالکین و یا ایل .

چوپان :

گفته شد که در برخی نقاط خانوارهای ایلیاتی که در ده ساکن گشته‌اند، گوسفندان خویش را برای چرا به‌چوپان می‌سپارند . همچنین در قسمتی از سال در بعضی نواحی افراد ایل شیوه ربه گردانی را برگزیده و گوسفندان و گاوهارا همراه تنی چند چوپان برای مدتی به نقاط دوردست و یانزدیک محل اردوگاه و دهکده می‌فرستند . باین ترتیب در بین ایلات و عشایر نیز چون میان روستائیشان، شبانان متخصصی هستند که در ازاء دریافت دستمزد نقدی و یا جنسی برحسب تعداد دام هرخانوار در گله به کار

چوپانی میپردازند. بررسی وضع این چوپانان درحالیکه دستمزد بگیر میباشند، حائز اهمیت است. لازمست روشن شود که بابت هر نوع دام و هر رأس آن در طی سال چه مقدار دستمزد دریافت میدارند - این دستمزد بصورت جنس است یا پول یا هر دو.

دامپروران متخصص :

بعضی حرفه ها در بین عشایر وجود دارد که همگی بآن آشنائی ندارند. از آنجمله است تربیت اسب، اصلاح نژاد و غیره. در بعضی ایلات مانند ترکمن و ایلات منطقه کردستان تربیت اسب و پرورش آن جزء حرفه های تخصصی و با اهمیت بشمار میروند. لازمست که اصول کار این افراد و وسایلی که بکار میبرند شرح داده شود. خصوصاً زمانی که در منطقه ای اسبهای ایلخی وجود دارد، شرح رام کردن و استفاده از این اسبها جالب میباشد. چنانکه در منطقه مورد بحث مراکزی برای اینکار وجود دارد، بررسی تمام خصوصیات آنها و تعداد داسی که در سال تولید میکنند و پرورش میدهند ضروری است. - لازمست میزان دستمزد این افراد مشخص گردد و قیمت متوسط یک دام متوسط نیز معلوم شود.

در این بحث جا دارد، که خصوصیات یک اسب سواری، بارکش، یک قاطر خوب نیز ذکر گردد.

فعالیت کشاورزی و محصولات مربوط بآن

فعالیت کشاورزی در بین ایلات و عشایر ایران دامنه چندانی ندارد و جز در مواردی که طی ۳۰ سال اخیر بتدریج دسته هائی از چادر نشینان در نقطه ای ساکن گشته و ده کوچک و یا بمیزان کم دهکده هائی را بوجود آورده اند، فعالیت افراد ایلیماتی در امر کشاورزی اهمیت فراوانی ندارد.

برای آنکه روستاهای مزبور از نظر کشاورزی و شرایط کلی مورد بررسی قرار گیرند جا دارد که مطالعه بخصوصی در مورد آنها انجام پذیرد و این از حوصله کار ما

خارج است^(۱). ما در اینجا فقط راجع به کشت مختصری که بعضی ایلات دریلاق و قشلاق انجام میدهند اشاره مینمائیم .

انواع کشت و محصول :

چه نوع محصول کشت میشود: گندم - جو - برنج - حبوبات - صیفی کاری - سبزی کاری - چغندر - پنبه - دانه های روغنی - میوه و غیره .

کشت محصولات بصورت دیم است یا آبی . در صورتیکه کشت دیم است محصول بهار بر میدارند و پائیزه ، یا فقط یکبار محصول بر میدارند . در صورتیکه از آب دستی برای زراعت استفاده میکنند این آب مربوط است به رودخانه ، چشمه و یاقنات . اقدامات مربوط به کانال کشی ، و کندن نهروقتات توسط ایل صورت پذیرفته یا از آبی که روستانشینان تهیه کرده اند بر حسب قرارداد استفاده مینمایند .

طرز تقسیم آب برچه اساسی است و اصول محلی در این زمینه برچه پایه ای استوار است . یعنی اینکه میزان گردش آب در هر مزرعه بر اساس ساعت است ، یا اصول کهنی چون: فنجان، جام و غیره که عبارتست از مدت زمان لازم برای پر شدن یک یا چند ظرف بخصوصی که در کف آن سوراخی تعبیه نموده اند .

استعداد منطقه :

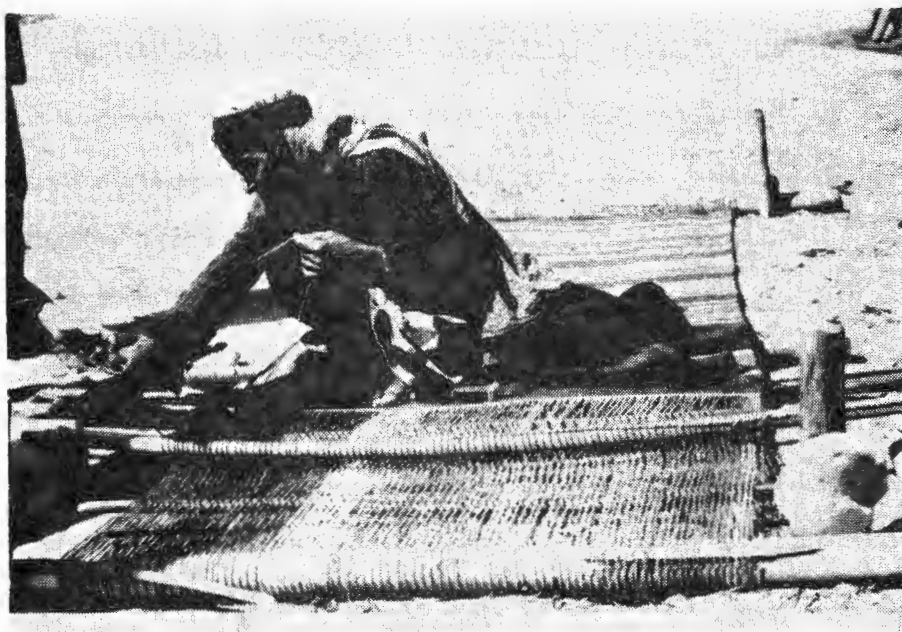
از نظر جنس خاک و میزان آب و وضع اقلیمی استعداد محیط مزبور برای کشت چه نوع محصول مساعد است و آنچه که کشت میشود چقدر محصول میدهد . یعنی یک گندم چند گندم بدست میدهد و در جمع یک هکتار مقدار محصول چقدر است . این محصول با بذر پاشیده شده چه نسبتی دارد . نوع گندم یا سایر دانه هایی که کشت میشوند چیست و جادارد نمونه ای از آنها را برای آزمایش و مطالعه جمع آوری ساخت . لازمست ضمن تماس با افراد مطلع ایل از اینکه چه نوع محصولی در آن منطقه بهتر ثمر میدهد آگاهی یافت .

۱- برای آگاهی به شیوه مطالعه و بررسی جوامع روستانشین جادارد که به کتاب : «راهنمای

مطالعات جغرافیائی و عمرانه ای ناحیه ای» تألیف آقای دکتر ودیعی مراجعه شود .



عکس از یک خیش کشاورزی مورد استفاده برخی از ایلات



یک پیره زن ایللیاتی در حال بافتن زیلو (عکس از بایگانی اداره فرهنگ عامه هنرهای زیبا)

تکنیک و ابزار کار:

جادارد که درباره کلیه وسایل کار کشاورزی آنها مطالعه شود و از تمام ابزار کارشان طرحی ترسیم گردد. در اینجا باید متذکر گردید که فرضاً با گاو آهن تا چند سانتیمتر خاک برگردانده میشود. باید مشخص شود که برای شخم کردن و خرمن کوفتن چه نوع حیوانی بکار برده میشود، گاو یا اسب. همچنین برای حمل بار در صحرای و مزرعه از وجود چه حیوانی استفاده میشود.

موقعیت، شکل و حدود مزارع:

با اینکه در بخش مربوط باوضاع طبیعی محل از شکل و چهره منطقه سخن بمیان آمد با وجود این جادارد متذکر شویم که منطقه زیر کشت دارای چه موقعیتی است. در کوهپایه قرار دارد، در دشت است، کنار رودخانه است، روی تپه ماهور است و همچنین درباره شکل مزارع و اینکه به چه سطح هندسی نزدیکتر هستند و کردبندی آن به چه صورت است باید گفتگو نمود.

مطالعه اینکه آیا مزارع مزبور دارای حدود سرزمین مشخصی بر مبنای تعیین حدود مالکیت هر خانوار هستند یا نه ضروری است. در صورت وجود چنین حدودی لازمست معلوم گردد به چه صورت مشخص گردیده و چه اصولی رعایت گردیده است. آیا دور آنها پرچین گذارده شده یا اینکه کانال حفر کرده اند. این تحدید حدود برای جدا کردن زمینهای مالکین مختلف است یا برای جلوگیری از ورود چهارپایان.

مالکیت و نسق زراعی:

موضوع مالکیت زمینهایی که ایل دریلاق و یا قشلاق بر روی آن تخم میافشاند و از محصول آن بهره برداری میکند خود امری است حائز اهمیت. باید مطالعه شود که مالکیت زمینهای مزبور در بین خانوارهای ایل مشترک است و یا مالکیت فردی در آنها وجود دارد. آیا همه افراد ایل در کشت محصول و بهره آن دخالت دارند و سهیم میباشند یا فقط قسمتی از آنها دارای این حق هستند.

آیا قسمتی از این زمینها متعلق به خان است و او به افراد ایل بشیوه‌ایکه در روستاها بین مالک و زارع مرسوم است واگذار میکند یا وضع دیگری دارد. چنانکه امر مالکیت خصوصی ونوعی از گاوپندی وجود دارد، نسق زراعی مرسوم چگونه است. آگاهی بر نسق جاری هر محل از جهات فراوان حائز اهمیت است و جادارد که در بررسی هر واحد زراعی عامل مزبور مورد مطالعه قرار گیرد.

چنانکه در منطقه، مالکیت خصوصی بین ایلات وجود دارد، لازمست روشن شود، ایلات طی چه شرایطی این حق مالکیت را در گذشته بدست آورده‌اند و امروزه برای بدست آوردن آن چه راههایی وجود دارد.

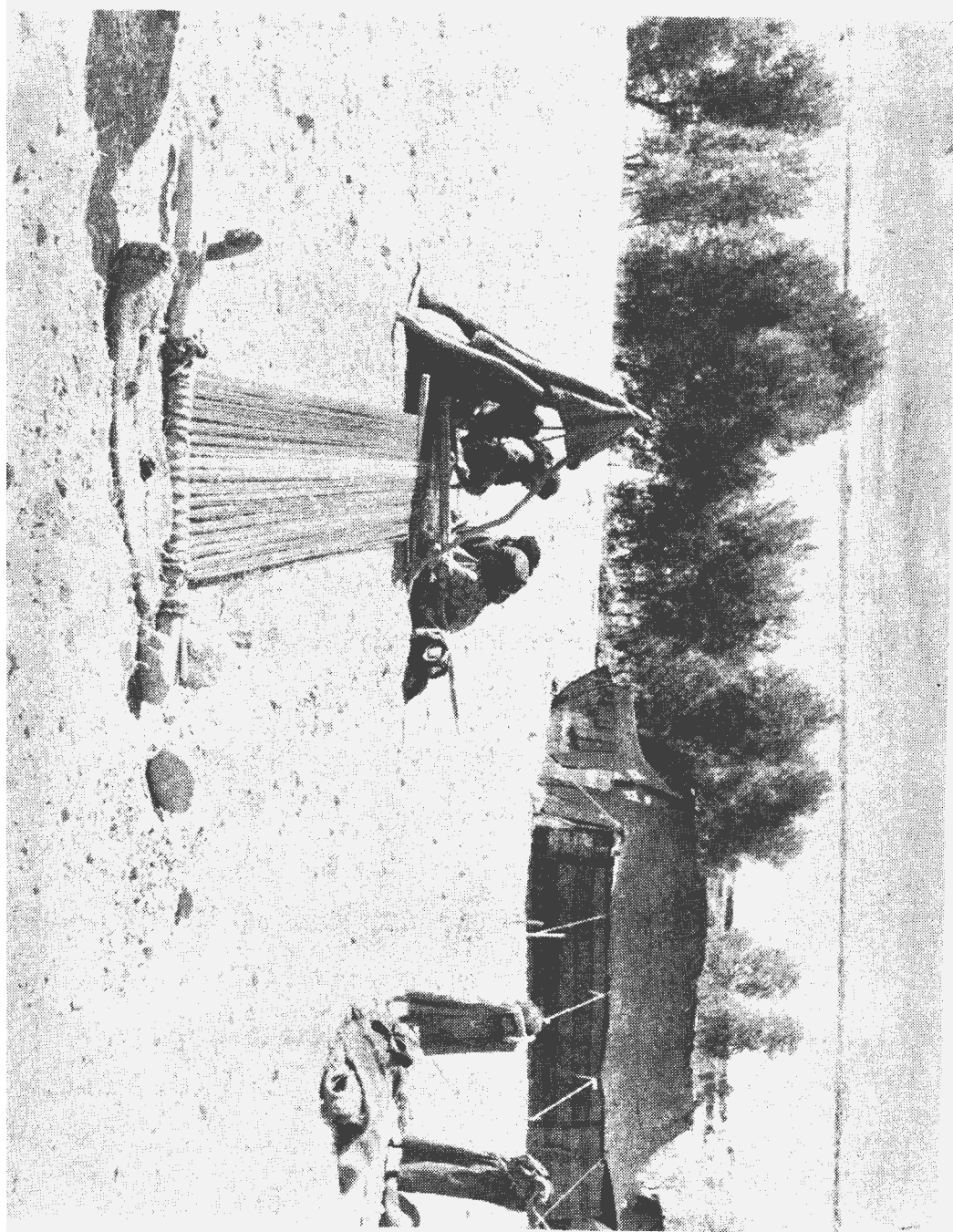
آیا مردم ایل بقرض ساکن شدن در یک نقطه و شروع با سر زراعت میتوانند مالکیت قسمتی از سرزمینهای ایلی را باینصورت بدست آورند یا خیر.

سابقه نشان میدهد که اغلب ایلات در موقع بیلاق به قشلاق در زمین بذر میافشاند و در بازگشت سال بعد محصول را برمیچینند. در این مورد باید دید که چه تضمین‌هایی برای حفظ منافع آنها وجود دارد.

تقسیم محصول :

تقسیم محصول بدست آمده وابسته است به مشخص گشتن وضع مالکیت کشتزارها و در مرحله‌ایکه مالکیت مشترك وجود دارد باید روشن شود که تقسیم محصول بر مبنای تعداد خانوار است یا تعداد بازوهای کارگری که روی زمین کار کرده‌اند و یا بازوی کارگر، ابزار کار و بذر.

در حالتی که بهره حاصله بطور مشترك میان افراد یک تیره تقسیم میشود لازمست مشخص شود که بابت سهم خان، کلانتر، کدخدا، ریش سفید و ملای ده چه میزان در نظر گرفته میشود و چه افرادی در انجام این تقسیم سهم نظارت دارند. پیمانیه مربوطه چیست و چه وزنی را دارا میباشد. آیا برای کشت بعدی مقداری از محصول را کنار میگذارند یا خیر. در موقع کشت مجدد بذر لازم چگونه تهیه میشود.



زنان ایلستانی در حال بافتن قطعه‌ای از یک سیاه چادر عکس مربوط به ایلات کرد منطقه قوچان

فعالیت تولیدی در زمینه صنایع دستی

در بین جوامع چادر نشین و ایلداتی صنایع دستی بیشتر وابسته به محصولات داسی هستند. باینصورت که ماده اصلی اکثر این ساخته ها از فراورده های داسی تأمین میگردد. محصولات داسی نظیر پشم، کرک، پوست، شاخ و روده، آنچه که در محل ایل بدست آید با تغییراتی آماده فروش بصورت خام یا ساخته شده میگردد. بطور مثال مقدار زیادی از پشم و کرک پس از چیده شدن بفروش میرسد، پوست نیز با مختصر تغییری که در آن داده میشود تا بهتر محفوظ بماند به بازار عرضه میشود. برای فرستادن روده به بازار و عرضه کردن به کارخانه ها نیز یک رشته اقدامات ابتدائی صورت میپذیرد. باینصورت مقداری از محصول با جزئی دست کاری به بازار عرضه میگردد.

ولی آنچه که مورد توجه ما است قسمت دوم میباشد. در این مرحله پشم و کرک پس از شسته شدن، با گیاهان طبیعی رنگ میگردند و شانده میخورند و برای بافتن فرش- گلیم- جاجیم - خرجین - ساختن نماد و غیره مورد استفاده قرار میگیرد. پوست را نیز تمیز میسازند و آنرا بعمل میآورند و از آن پوستین و سایر وسایل لازم چون سشگ و غیره تهیه میکنند. این صنایع دستی بدو دسته تقسیم میشوند یا مورد مصرف داخلی دارند و یا اینکه با وضع بهتری برای فروش ساخته میشوند. در دسته اول ابزار کار و وسایل گوناگونی ساخته میشود که جادارد همگی مورد بررسی قرار گرفته و صورتی از آنها تهیه شود.

در مورد صنایع دستی نوع دوم باید کوشش نمود که حجم آن و ارزش ریالی اش روشن گردد.

جنبه هنری :

در مورد این آثار و صنایع دستی لازمست مطالعه ای در زمینه ارزش هنری آنها



یک زن بختیاری در حال رسیدن به شهر

نیز صورت پذیرد. از جمله رنگهای سهمی که بیشتر مورد توجه هستند و بکار میروند باید مشخص شوند. بحث در دنیای رنگها و رابطه آن با شرایط محیط و وضع آب و هوا و همچنین خصوصیات مردم محل حائز اهمیت فراوان است. باید دید بیشتر رنگهای تیره بکار میبرند یا روشن، رنگها زنده هستند و شوخ یا سیاه و کدر. این امر به چگونگی نوع پشم و مواد رنگی بکار رفته نیز بستگی دارد.

در مورد طرحهای تزئینی نیز باید بررسی کامل بشود و سعی گردد تا چنانکه بین طرحهای مزبور و گیاهان منطقه و پرندگان و سایر پدیدههای طبیعی رابطه ای وجود دارد مشخص شود.

بین آثار قدیمی که در ایل باقی مانده (بطور مثال قالیهای کهنه) و آثار جدید مقایسه شود که آیا تغییری در طرحها صورت پذیرفته و نقشی از خارج وارد شده یا نه. در تکنیک بافت و ساخت اشیاء از شیوههای خارج از محل استفاده شده یا خیر. بر اثر این تغییرات نوع محصول بهتر شده یا اصالتش از دست رفته و کم ارزش تر شده است. آیا برای رنگ کردن پشم و کرک از رنگهای ساخته شده غیر طبیعی استفاده میکنند و یا اینکه پشم ساده را میفروشند و از بازار پشم رنگی تهیه میکنند.

بطور کلی لازمست تکنیک کار و وسایل آن مورد بررسی قرار گرفته و نقل شود. در این زمینه جا دارد که فیشهای مربوط به تکنولوژی با دقت تهیه گردد و کروکیهای لازم که معرف شیوه کار و ابزار کار است کشیده شود و جزئیات امر یادداشت گردد.

اوضاع اقتصادی ایل

پس از بحث درباره فعالیتهای تولیدی و منابع درآمد ایل لازمست که وضع اقتصادی آنها در مجموع مورد بررسی قرار گیرد.

با توجه باینکه تولید عمده ایلپات را محصولات داسی و فرآوردههای لبنیاتی

تشکیل میدهد، میتوان نوع اقتصاد این گروهها را اقتصاد شبانی نامید .

این جوامع در منطقه‌ای که اقدام به کوچ سالانه مینمایند ، در برخورد مستقیم با جوامع ساکن روستانشین و شهرک‌ها قرار میگیرند از اینرو شکل اقتصاد کاملاً بسته گروههای چادرنشین نواحی دورافتاده و منزوی را ندارند . باینصورت که تمام احتیاجات خودشان را در داخل ایل تأمین نمیسازند و به محصولات کشاورزی و ساخته شده روستاها و شهرها نیاز فراوان دارند . از جانب دیگر چون عمده تولید محصولات داسی کشور و فرآورده‌های لبنیاتی آن توسط آنها تهیه میگردد، روستانشینان و مردم شهرها نیز بآنها احتیاج مبرم دارند . براین اصل است که در مجموع نقش آنها در اقتصاد داخلی کشور و بعضی اقلام صادراتی حائز اهمیت میباشد . ما در زیر مواردی را که آگاهی بر آنها برای شناخت وضع اقتصادی ایل ضروری بنظر میرسد متذکر میگرددیم .

میزان تولید :

لازمست میزان تولید فرآورده‌های مختلف داسی، لبنیاتی، کشاورزی و همچنین صنایع دستی از نظر حجم و ارزش ریالی مورد بررسی قرار گیرد .

شک نیست که تولید محصولات کشاورزی کفاف احتیاجات آنها را نمیدهد ، بنابراین باید میزان کمبود و نوع آن مشخص گردد .

- وسایلی که مردم ایل برای رفع احتیاجات خود از قبیل ابزار کار ، پوشاک ، ساز و برگ اسب و سایر وسایل مورد نیاز برای حمل و نقل و غیره بدست خود تهیه میکنند لازمست مورد نظر قرار گیرد و بحساب آید . مواد سوختنی از قبیل هیزم و ذغال که توسط ایلات تهیه و تولید میگردد جا دارد که بررسی گردد .

چنانکه در بعضی نقاط کود حیوانی جمع‌آوری میشود و به روستانشینان فروخته میگردد باید بحساب آید .

میزان مصرف :

مصرف ایل شامل مواد غذایی ، پوشاک و وسایل و ابزار کار است . مقداری

از مواد غذایی ایل از محصولات دامی و مقداری از محصولات کشاورزی تأمین می‌گردد. سایحتاج مواد کشاورزی ایل با تولید مختصر خودشان تأمین نمی‌گردد و از اینرو چنانکه امکانات مادی در اختیار داشته باشند، آنرا از خارج تهیه می‌کنند و در غیر اینصورت با استفاده از بلوط در نقاطی که وجود دارد کسری را تا حدی تأمین می‌سازند. شک نیست که ایلات ایران همگی رژیم غذایی کاملی ندارند. باینصورت که میزان ۲۰۰ کالری لازم برای هرفرد را در روز در اختیار ندارند و مصرف نمی‌کنند. بنابراین برای اینکه حجم واقعی مصرف مواد حیوانی و کشاورزی بدست آید و روشن گردد که احتیاج ایل به چه مقدار مواد خوراکی می‌باشد، لازمست مطالعه‌ای بر روی رژیم غذایی آنها بعمل آید. باتهییه پرسشنامه بطریقه نمونه گیری در جامعه ایلیاتی، میزان و نوع مواد مصرفی روزانه را در طی یک هفته و یا در صورت امکان یک ماه باید یادداشت نمود. اینجا می‌کند که این پرسشنامه‌ها در ییلاق و در قشلاق هردو انجام گیرد، زیرا در دو مرحله مزبور بر حسب مکان و شرایط فصل در غذای آنها تغییراتی رخ می‌دهد که حائز اهمیت است.

بنابراین باید مصرف واقعی مواد غذایی ایل مشخص گردد و روشن شود که کمبود حقیقی آن چقدر است و کمبود ظاهری آن با رژیم غذایی موجود چه میزان است. - در مورد پوشاک، هزینه‌ای را که در طی سال یک خانواده مصرف می‌کند باید مشخص ساخت. در اینجا قسمتی را که خود خانوار تهیه می‌کند و از خارج می‌خرد باید معلوم نمود.

- انواع وسایل و ابزار و قیمت آنرا که در طی سال مورد نیاز یک خانواده می‌باشد باید ثبت نمود. بطور کلی لازمست حجم مصرف و ارزش ریالی آن در ایل مشخص گردد و با میزان تولید مقایسه گشته کمبود و میزان اضافی از نظر نوع و جنس روشن گردد.

وضع مبادله :

بطور کلی مبادله جنس دوجنبه دارد، یکی مبادله با داخل گروه و دیگری مبادله با خارج گروه.

میزان مبادله داخل گروه، یعنی بین خانوارهای یک طایفه یا بین طوایف و تیره‌های یک ایل میزان قابل ملاحظه‌ای نیست، زیرا نوع مواد تولیدی تا حد فراوانی یکسان است و همگی قادر به تولید آن می‌باشند، تنها در بعضی موارد که طایفه‌ای بیشتر به اسر زراعت بپردازد و تولید اضافی داشته باشد، ممکن است مبادله داخل گروه صورت پذیرد. این یک اسر کلی است ولی باید بطور دقیق مورد بررسی قرار گیرد و مشخص گردد که مبادله داخل گروه تا چه حد و در مورد چه جنسی صورت می‌پذیرد. همچنین مبادله بصورت جنس با جنس است یا پول و اگر بصورت جنس انجام می‌پذیرد نوع شاخص و مورد مقایسه و پیمانه در محصولات دامی، فرآورده‌های لبنیاتی و کشاورزی چیست.

مبادله خارج از گروه:

این نوع مبادله نیز دو جنبه دارد: اول مبادلاتیکه با جوامع روستائی همجوار محل بیلاقی و قشلاقی ایل و یا بر سر راه بیلاق و قشلاق توسط واسطه‌ها صورت می‌پذیرد. دوم مبادلاتیکه در بازارهای بزرگ منطقه با حجم زیاد انجام می‌گیرد. در هر دو مورد نوع اجناسی که افراد ایل بر حسب احتیاج در برابر محصولات دامی خود از این بازارهای کوچک یا بزرگ می‌خرند یا دارند بروشنی با ذکر نوع و مرغوبیت جنس و ارزش آن مشخص گردد. در این مرحله نیز باید چگونگی مبادله از نظر جنس با جنس و یا خرید و فروش با واسطه پول معلوم شود. و بالاخره باید مشخص ساخت که حجم کل معاملات و دادوستد ایل با خارج از آن چه مقدار و به چه ارزشی است.

بازار:

آیا بازارهای عمده خرید و فروش در منطقه وجود دارد یا خیر و در کجا است. بازارهای بزرگ هم در بیلاق است و هم در قشلاق یا در یک منطقه است. مهمترین زمان دادوستد ایلات درجه فصلی است و این اسرتا چه حد بازاریش کوفته‌اند و فصل جمع‌آوری روغن و پشم چینی رابطه دارد. آیا بازارهای هفتگی یا ماهیانه نیز در منطقه

وجود دارد یا خیر - در فاصله تماس با بازارهای بزرگ مایحتاج ایلات چگونه تأمین میگردد - نقش پيله واران در بین ایلات چیست و چگونه اسر دادوستد را تنظیم مینمایند آیا این پيله واران از افراد ایل هستند یا خارج از آن - نزدیکترین بازار دائمی به منطقه ییلاق و قشلاق ایل در کجا قرار دارد - ایلات درباره امر کسب چه نظری دارند ، آنرا حرفه خوبی میدانند یا بد می شمارند (مانند بختیاریها) - آیا نوعی از واحدهای تعاونی بصورت ابتدائی در امر تولید در بین ایلات وجود دارد یا خیر - در موقع فروش عمده محصول ، کوشش در زمینه همکاری برای تعیین یک نرخ واحد وجود دارد یا اینکه واسطه ها، محصولات افراد ایل را به قیمت های مختلف و نازل از آنها میخرند - آیا هر چند خانوار یا طایفه ای بایک یا چند واسطه معین در تمام مدت در تماس هستند و معاملات خود را با آنها انجام میدهند یا اینکه وضع ثابتی در این باره وجود ندارد . باید به امر سلف خریدن توسط واسطه ها نیز توجه خاص مبذول داشت و چگونگی آنرا بررسی نمود .

باین ترتیب از جهات مختلف امور اقتصادی ایل ، رابطه آن با جوامع ساکن محل و بازارهای منطقه باید مورد بررسی قرار گیرد . زیرا ایجاد یک نظم منطقی در امر دادوستد و شیوه تولید و مبادله بدون شناخت کامل شرایط موجود و عوامل مؤثر در آن ممکن نخواهد بود .

بودجه خانواره :

ضمن گفتگو درباره مصرف ایل باین امر اشاره نمودیم که موضوع مزبور بارژیم غذائی ، وضع پوشاک و لوازم ضروری زندگی و ابزار کار هر خانواره رابطه مستقیم دارد . بنا بر این ایجاب میکند که ضمن پرساختن پرسشنامه درباره مسائل فوق ، بودجه خانواره را نیز مورد بررسی قرارداد . درآمد هر خانواره را میتوان مشخص نمود و گذشته از مخارج بالا ، برج خانواره را نیز برای بدست آوردن رقم کلی خرج آن اضافه نمود . از جمله پولی که برای رفتن به زیارت و یا نذر و نیاز خرج میشود ، همچنین آنچه که بصورت پیش کشی و سهم کدخدا و خان از بودجه خانواره پرداخت میگردد . بطور



نمونه یک (آلاچیق) یاچادر ترکمنی و محوطه متقابل آن



نمونه یک سیاه چادر ایلات منطقه لرستان

کلی تعیین بودجه خانوار و تعیین خرج و دخل آن ضرورت کامل را دارد .

نوع مسکن ایل و وسایل زندگی

نوع مسکن در هر منطقه تابع شرایط جغرافیائی، آب و هوا، میزان بارندگی، و بالاخره مواد ساختمانی موجود در منطقه است. چنانکه تهران و بعضی ساختمانهای جدیدی را که در چهارپنچ شهر بزرگ ایران برپا گشته است، متشمنی بداریم واقعیت اسرفوق درباره اکثر سرزمینهای مسکونی ایران بخوبی هویدا میگردد. طرز بنای خانه ها و مواد ساختمانی بکار رفته در آنها در نواحی شمالی، مرکزی، غرب و جنوب ایران با هم اختلافاتی دارند که جادارد براساس فوق مطالعه وسیعی صورت پذیرد. نوع مسکن در بین ایلات مختلف ایران نیز تاحدی منعکس کننده شرایط محیط و مواد اولیه ایست که در اختیار آنها میباشد.

با اینحال گوناگونی مسکن در بین ایلات فراوان نیست و به چند نوع محدود میگردد و بطور کلی میتوان آنرا بدو دسته عمده تقسیم نمود. ۱- خانه ۲- چادر

نوع اول مساکنی است که با استفاده از چوب و یا مواد بنائی مانند خشت و گل آجر، سنگ و غیره بنا گردیده. این نوع خانه ها بیشتر در نقاط قشلاق هرایل و یا دهکده هایی که برای تمام ایام سال از طرف ایلات مسکون می باشد بنا گشته و جنبه دائمی دارند. در برخی از نقاط از جمله ترکمن صحرا در کنار آلاچیق های قدیمی انواع بناهای خشت و گلی، آجری و حتی بناهای چوبی بسیار زیبا برپا گردیده است. ثبت طرح و پلان این بناها و تهیه عکس از نمای آنها و بررسی مواد ساختمانی بکار رفته نهایت ضرورت را دارد. جا دارد بررسی شود که مواد ساختمانی مزبور در یکجا تهیه میشود و کسانی به شغل تهیه آن میپردازند (مانند کوره های آجر پزی- آهک پزی نجارخانه هایی که تخصص در تهیه قطعات چوبی بناهای چوبی و غیره دارند) یا اینکه هر خانوار برای تهیه وسائل و مواد اولیه به تنهایی اقدام میکند. سازندگان این

بناها را افراد متخصص مانند معمار و بنا تشکیل میدهند یا هر خانوار برای تهیه خانه خود آگاهی فنی لازم را دارد. شیوه بنا از نواحی مسکون اطراف تقلید گردیده یا پرداخته حسن ابتکار خود مردم محل می باشد .

قلعه :

در منطقه گرمسیر و سردسیر و بعضی اوقات در طول مسیر بین دونا حیه سزبور و در نقاط مهم سوق الجیشی از طرف خوانین قلعه هائی برپا شده که از دو جهت باید مورد مطالعه قرار گیرد: یکی از جنبه مسکن و دیگری از نظر ارزش دفاعی آن .

وجود زدو خورد بین تیره های مختلف و یابین ایلات و در بعضی موارد میان ایل و قوای دولتی در پدید آمدن این قلعه ها نقش عمده ای را داشته است . اغلب در مراکز ییلاق و قشلاق قلعه هائی وجود دارد که محل خان نشین ایل است و سابقه نشان داده که در موارد اختلاف بین دونفر بر سر رهبری ایل بیشتر پیروزی از آن کسی بوده که بر قلعه سزبور تسلط یافته است . این قلعه ها دارای برجهای دیده بانی و نقاطی برای تمرکز تفنگچی می باشد . انبارهای آذوقه و همچنین اصطبل نیز در محیط قلعه بنا شده است . قسمت دیگری برای محل سکونت خان و افراد خانواده او وجود دارد که اغلب دارای تزئینات زیبایی می باشد .

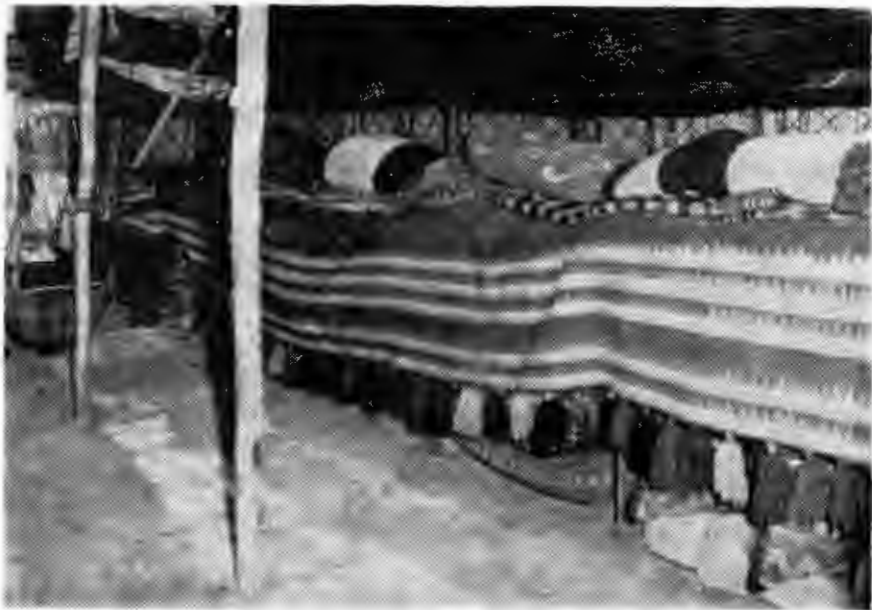
تهیه نقشه این قلعه ها و نشان دادن شکل ساختمان و مصالحی که در آن بکار رفته ضروری است . همچنین بررسی موقعیت آن نسبت به نقاط اطرافش و رابطه ای که با سایر خانه ها و یا چادرهای افراد ایل دارد حائز اهمیت فراوان است .

چادر :

نوع دوم مسکن که در بین اکثریت عظیم چادر نشینان عمومیت دارد و با وضع زندگی متحرک آنها تطابق دارد ، عبارتست از چادر . چادرها قابلیت آنرا دارند که در مدت کوتاهی از روی زمین برچیده شوند و بر پشت چهار پایان برای بردن به ناحیه دیگر حمل شوند . طرح و پلان چادرها از دوتیپ کلی خارج نیست: دایره شکل و مستطیل .



نمونه مسکن موقت گروهی از چادرنشینان کردستان و کرمانشاهان



تصویری از قسمتی از وسایل داخل چادریکه خانواده مرفه ایلیاتی

این دو دسته برحسب منطقه گونه‌های خاصی پیدا می‌کنند که مربوط میشود به نمای خارجی آنها و طرز پوشششان، چنانکه در گروه چادرهای دایره‌شکل، نوع معروف به قلندری و آلاچیق ترکمنی را می‌توان بازشناخت. آلاچیق ترکمنی از نظر قطعات مختلف و مواد گوناگونی که در آن بکار رفته است و همچنین جنبه حفاظی آن از سایر چادرها مجهزتر می‌باشد. تشکیلات داخلی آن نیز قابل ملاحظه است بدنه و پوشش چادرها معمولاً توسط خود ایلات تهیه میگردد و آنرا از پشم شتر یا بز می‌بافند نمدی که در آلاچیق‌های ترکمنی بکار میرود نیز در خود ایل تهیه میشود. در بررسی چادرهای هرایل لازمست که جنس و مواد بکار رفته و ترتیب تهیه آنها مطالعه شود اسامی هر قسمت و شیوه سوار کردن چادرها بخوبی تشریح گردد.

تشریح وضع داخلی هر چادر و محل قرار گرفتن وسایل مختلف نیز ضرورت دارد. چنانکه در داخل چادر محلی برای کارگاه بافندگی، اجاق، کوزه، آذوقه، گهواره بچه و غیره وجود دارد باید در روی کروکی معلوم گردد.

در ایلات بین چادر افراد عادی ایل و سران آنها اختلاف است.

چادر خانهای ایل اغلب بزرگ و بسیار مجهز است. بطور مثال چادرهایی با سه قسمت مختلف نیز دیده میشود. قسمت اصلی چادر در وسط واقع شده و گرداگرد آن را هروئی قرار داد که بان غلام گردشی گویند. در قسمت پائین چادر دو محوطه جدا قرار دارد که با قسمت اصلی در ارتباط است. این دوطاق محل آبدارخانه خان و استراحت مستخدمین است. چادرهای مزبور اکثراً دوپوش است و بدین ترتیب از نفوذ سرما و گرما بداخل آنها جلوگیری میشود.

اثاثیه :

در هر چادر تهیه آزاری از کلیه اشیاء مربوط به زندگی یک خانوار اعم از وسایل آشپزخانه، سرویس غذاخوری، رختخواب، وسایل تزئینی و غیره و ارزیابی آنها امری است ضروری. در مورد جنس ظرفها و وسایل مختلف باید توضیح کافی داده شود. چنانکه ظروف سفالی مورد مصرف است، لازمست توضیح داده شود که توسط

خود مردم تهیه میشود یا خریداری میگردد .
 بطور کلی از وسایل زندگی آنچه که توسط ایلات ساخته میشود و آنچه که از
 خارج فراهم میشود باید معلوم و مشخص گردند .

پوشاک

مطالعه جنس لباس و فرم آن در بین مردم ایلات امری است که نمیتوان از
 نظر دور داشت . اغلب ایلات ایران از نظر فرم لباس با هم اختلافاتی دارند . این
 اختلافات در لباس مردان و زنان هر دو مشاهده میگردد . زیبایی و جلوه لباس زنان
 معمولاً بیشتر بچشم میخورد و تقریباً هیچگونه تأثیری را بر اثر تماس با جوامع ساکن
 نپذیرفته در حالیکه لباس مردان بیشتر تحت نفوذ قرار گرفته است . در بررسی وضع
 پوشاک ایلات باید مشخص ساخت که آیا نوعی پارچه تابستانی و یا زمستانی را خودشان
 تهیه می کنند یا خیر - بافتن عبا و تهیه پوستین چوخا و کلاه نمدی با فرمهای مختلف
 در سحل ایل صورت میپذیرد یا از بازارهای عمده نزدیک منطقه خریداری میشود .
 لازم است نوع پارچه ای را که مرد ها و زن ها بیش از سایر پارچه ها مورد استفاده قرار
 میدهند تعیین نمود - باید سعی نمود مقدار متوسط پارچه مورد نیاز یک مرد و یک
 زن و کودک را در طول سال معین ساخت - جا دارد معلوم شود که بین لباس
 مردان و زنان عادی ایلیماتی و خانها و زنان آنها اختلافی از نظر جنس و شکل وجود
 دارد یا نه - لازمست مطالعه شود که در موقع جشن و سرور لباسهای بخصوصی میپوشند
 و تزئینات اضافی بکار میبرند یا خیر . ذکر قطعات کامل لباس یک زن و یک مرد
 و اختلاف آن در دو فصل تابستان و زمستان ، خصوصاً اگر قسمتی از افراد ایل در تمام
 ایام سال در نقطه ای ساکن باشند ضروری است .

- جا دارد که تزئینات و رنگ لباس زن ها مورد بررسی قرار گیرد . در بعضی از
 ایلات ایران نسبت بمیزان سن ، رنگ لباس زنان تغییر می کند . چنانکه دختران

وتازه عروسان ترکمن لباسهای رنگارنگ شوخی بتن می کنند ، ولی از ۳۵ سالگی
بعد تغییر یافته و تیره تر میگردد و در بین پیره زنان دیگر رنگهای سبز و زرد و قرمز را
نمی توان دید .

در بررسی لباس جادارد لباس عروس و داماد را در شب عروسی نیز مورد مطالعه
قرار داد .

آرایش و زیور:

آرایش سروصورت بان نحو که در بین زنان شهر نشین رواج دارد اصولاً در میان
زنان ایلیاتی وجود ندارد . با این حال از آنجا که زن علاقمند به آرایش است شیوه هایی
در بین زنان ایلات وجود دارد که با مطالعه آن میتوان به معیارهای زیبایی در بین
مردم هر ایل آگاهی یافت . حنا بستن دست و پا ، کشیدن و سمه به ابرو و انجام خالکوبی
و طرز آرایش گیسوان و حفظ موهای بلند همه حاکی از علاقه زنان ایل به انجام آرایش
و زیباتر ساختن خود می باشد . در مطالعه این امر محقق باید توجه داشته باشد
که موضوع را چنان دنبال نکند که سبب ناراحتی سردان و زنان ایل گردد .

حمل زیور آلات از قبیل گلو بند ، دست بند ، گوشواره و خلیخال (آنچه که به میچ
پامی بندند) و مهره های تزئینی و زنجیر هایی که به گیسوان می بندند ، در بین اغلب
ایلات رواج دارد . شناخت فرم و طرح های تزئینی مزبور اهمیت فراوان دارد چنانکه
زنها و دختران ترکمن مدالهای نقره ای بزرگی بگردن می اندازند که از نظریک کار تزئینی
بسیار زیبا و جالب است .

در مورد خالکوبی باید بررسی شود که تا چه حد جنبه آرایش دارد و تا چه حد
جنبه جادویی و یا اشرافیت و علامت افتخاری یک طایفه یا ایل بخصوص است .

طب و بهداشت

رعایت شرایط بهداشتی در گروه های ایلیاتی مورد توجه قرار نمی گیرد و چنانکه

آب وهوای سالم ، نور کافی آفتاب و فعالیت های روزانه آنها نبود بدون شک میزان مرگ و میر در بین این مردم فزونیتر از امروز میبود .

طبق مطالعاتی که انستیتوی مالاریالوژی و پارازیتولوژی انجام داده است بیماریهای انگلی در بین این جوامع میزانش پائین است و بیماری تراخم چشم نیز کمتر از بعضی نقاط روستانشین و شهرنشین می باشد .

بطور کلی میتوان گفت با توجه به شرایط سخت زندگی در مناطق ایلیاتی و مشکلاتی که از بدو تولد فرد ایلیاتی با آن روبرو می باشد ، خود بخود کسانی که قدرت مقابله بیشتر با شرایط نامساعد محیط زندگی را دارند قادر به ادامه حیات خواهند بود . بعلمت آنکه امکانات بهداشتی و درمانی در اختیار این مردم نیست ، آشنائی میتوانند از ابتلاء به بیماری برکنار بمانند یا مرض را رد کنند که مقاومت جنسی بیشتری داشته باشند . باین ترتیب با وجود تمام نابسامانی های بهداشتی و نداشتن دسترسی به پزشک و دارو ، در جمع مردم ایلات اکثریت با افراد سالم و نیرومند است .

شک نیست چنانکه رعایت اصول بهداشتی بین این مردم معمول گردد و امکانات طبی برایشان مهیا شود و از میزان مرگ و میر نوزادان در ماههای اولیه زندگی جلوگیری بعمل آید ، آهنگ افزایش جمعیت در این گروهها بسیار بالا خواهد بود . در بررسی وضع بهداشت مردم منطقه باید بمسائل زیر توجه داشت:

آیا برای شستشوی مرتب بدن حمام وجود دارد یا خیر - برای شستن بدن چه امکاناتی در اختیار دارند و فاصله معمولی بین دوبار استحمام چقدر طول میکشد . شستشوی سروصورت و دهان در روز بین آنها معمول است یا خیر - در ییلاق و قشلاق مستراح وجود دارد یا خیر - اصلاح موی سروصورت بطور مرتب انجام میگردد یا خیر - لباسهای زیر و رو را تمیز نگه میدارند یا اینکه تعویض آنها مدت زمانی بطول میانجامد .

در تمیز نگهداشتن محل زندگی و چادر و اطراف آن توجه کامل دارند یا اعتنائی بمرئطافت آنها مبذول نمیدارند .

آب روان را اگر بصورت جوی یا نهر کوچک باشد از کثافت بدور میدارند یا توجهی باین امر نمیشود .

اضافه های مواد غذایی را در نقطه ای برای کود چال می کنند ، آتش میزنند و یا بآب روان میدهند . برای خوردن غذا قاشق بکار میبرند یا با دست میخورند . ظرف غذا مشترك است یا هر فرد بشقابی جداگانه دارد . بطور کلی از جهات مختلف امر بهداشت ایل باید مورد توجه قرار گیرد .

طب محلی :

از دیر باز جوامع ایلیاتی به دکترو دارو دسترسی نداشته اند و این وضع کم و بیش همچنان برقرار است . روی این اصل در بین مردم ایل طبیب های محلی وجود دارد که بر اساس تجربه و آنچه که سینه به سینه آموخته اند بمدای بیماران میپردازند . شناخت داروهای بومی که بیشتر از علفها و گیاهان محلی ترکیب یافته اند نهایت اهمیت را دارد .

لازمست انواع بیماریهای شناخته شده منطقه با ذکر نام و خصوصیات آنها یادداشت گردد . همچنین داروهای که برای معالجه هر کدام بکار میرود معین شود و در صورت امکان نمونه ای از هر کدام با ذکر مورد استعمال برای آزمایش به آزمایشگاهها فرستاده شود چه بسا از این راه موفق به کشف داروهای ثمر بخشی بگردند . گذشته از مداوای بیماریهای داخلی ، در بین ایلات کسانی هستند که با امر جراحی و شکسته بندی میپردازند . وجود راههای کوهستانی و سخت و همچنین نبردهائی که بین ایلات در میگیرد ، در طول سال منجر به مجروح گشتن تعدادی از افراد ایلات میگردد که مجبور ب مداوای آنها هستند .

مطالعه شیوه های معالجه و ابزار کار آنها نیز شایان توجه است .

در بررسی امور فوق جادارد که درباره شخصیت اطباء محلی و میزان دستمزد آنها نیز بررسی بعمل آید . چنانکه در منطقه درسانگاه و یا واحد بهداشتی جدید وجود دارد لازمست که چگونگی آن مورد توجه قرار گیرد .

فرهنگ ایل

بررسی فرهنگ جوامع ایلیاتی بخش عمده کار مردم شناس را تشکیل میدهد. اهمیت این قسمت برای درک تفاوتها و ویژه گیهای فرهنگی ایلات مختلف و شناخت عمیق این جوامع بسیار است. اصولاً برای شناخت فرهنگ یک ملت که جامعه بزرگی را معرفی مینماید، ایجاب میکند که خصوصیات فرهنگی جوامع کوچکتر و محدودتر آنها مورد بررسی قرار داد، تا از مجموع آنها به ترکیب فرهنگ ملت آگاهی یافت. میتوان گفت که مجموعه اندیشه ها، آداب و رسوم، هنر، ادبیات و شعر، موسیقی و رقص، فرهنگ یک ایل، قوم و ملتی را تشکیل میدهند. فرهنگ هر قوم از راه آموختن و یاد گیری از نسلی به نسل دیگر انتقال مییابد و کمتر دستخوش دگرگونیهای آنی میگردد.

چنانکه در جامعه ای پیشرفت صنعت و تحول تکنولوژی و ابزار کار در مراحل ابتدائی و عقب افتاده ای باشد و شرایط و ساختمان اجتماعی جوامع شهرنشین در آن مشاهده نگردد، نمیتوان آنها فاقد فرهنگ نامید. در آفریقا، آسیا و در بین بومیان آمریکای شمالی گروههای بسیاری هستند که فاقد مظاهر تمدن جوامع صنعتی و شهرنشین امروز دنیا هستند؛ ولی وارث فرهنگی بس کهن و غنی میباشند. بنابراین عقب افتادگی از قافله تمدن شهرنشین و پیشرفت صنعتی که یکی از مشخصات جوامع ایلیاتی ایران است، دلیل فقدان مظاهر فرهنگ در بین این مردم نیست و جا دارد که بخوبی ویژگیهای این پدیده در میان آنها مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

گویش های مختلف :

برای آنکه بتوانیم ادبیات، شعر و ترانه های مردم هر محل را بخوبی درک کنیم و ظرافت آنها دریابیم جادارد که به زبان آن مردم آشنائی داشته باشیم. در ایران با توجه به وسعت زیاد آن و با توجه به رویدادهای سیاسی و هجومهای مختلف

وتحولاتی که در امر زبان در بعضی نقاط بدنبال داشته است؛ موضوع بررسی زبان و گویشهای گوناگون حائز اهمیت است.

«زبانها و گویشهای ایرانی که امروز متداول است و از قفقاز تا فلات پامیر و از عمان تا آسیای مرکزی بآنها سخن میگویند، تنوع بسیار دارد.

زبانها و گویشهای ایرانی را میتوان بدو دسته بزرگ شرقی و غربی تقسیم نمود. لهجههای ایرانی کمونی در مرحله واحدی از تحول نیستند. بعضی مانند فارسی و لری و کردی و تاجیکستانی در تحول پیشتر رفته و نسبت بصورت قدیم خود سادهتر شده اند.

ولی بعضی دیگر از گویشها مانند آسی و پشتو و بلوچی محافظه کارترند و نزدیکی آنها بصورت قدیمتر زبانهای ایرانی بیشتر است^(۱)».

شناخت خصوصیت زبانها و گویشها و اختلافهای موجود و یا روابط بین آنها در تخصص زبانشناسان و محققین این رشته است. و جا دارد که در یک گروه از محققین انسان شناس و مردم شناس، یک زبان شناس نیز شرکت جوید. در غیر اینصورت لازمست کوشش شود که بر مبنای اطلاعات کلی زبانشناسی در زمینه امر فوق نیز مطالعه شود. محقق مردم شناس باید با مراجعه بمدارك و تماس با افراد مطلع نام گویش محل را مشخص بسازد. همچنین روشن سازد که در منطقه مزبور یک فارسی زبان برای صحبت و درك مطلب و فهماندن گفتههای خود دچار مشکل میگردد یا براحتی قادر به گفت و شنود میباشد. ایل مورد نظر از نظر گویش با ایلات همجوارش اختلاف دارد یا خیر و بالاخره سعی شود که تعدادی از واژههای متداول محل را با طرز بیان آن از نظر «فونتیک» و معنی آن جمع آوری نمود.

در مورد گویشهای ایران نباید آنرا بالهجه اشتباه نمود. زیرا لهجه عبارتست از طرز بیان و آکسان، نظیر اینکه یک فرد اصفهانی و شیرازی و تهرانی هر سه نفر فارسی صحبت میکنند ولی طرز بیان آنها باهم فرق دارد و در نتیجه لهجههایشان مختلف

است. درحالیکه بین یک فرد گیلانی و مازندرانی و بلوچ در بیان مطلب اختلاف وجود دارد و با اینکه ریشه همه آنها زبان ایرانی است ولی درك مفهوم گفته یکی برای دیگری مشکل است. باین ترتیب آنها هر یک با گویش خاصی سخن میگویند. شناخت چگونگی گویش های مختلف ایرانی و ویژگیهای آن چنانکه باید انجام پذیرفته و هنوز بسیاری از آنها ناشناخته باقی مانده اند که میتوان در جریان مطالعات مردم شناسی فرهنگی بر آنها آگاهی یافت و بررسی جامع رابعهده زبان شناسان و گذار نمود. برای آگاهی نسبت به گویش های شناخته شده کنونی در ایران بطور مثال به ذکر برخی از آنها بر حسب ناحیه میپردازیم. در طرف شمال گویش های کناره دریای مازندران عبارتند از: طالش - گیلکی - طبری - مکرگانی - سمنانی - راستگردی - سرخه ای. در سمت مشرق زبان محلی وسیعی بنام پشتو وجود دارد که در افغانستان نیز رایج است.

در جنوب گویش های: بلوچی - لارستان - سیوند وجود دارد.

در خوزستان گویش دزفولی - لری (در بختیاری).

در جانب غرب زبان کردی که آثار فراوانی از آن وجود دارد و خود آن به گویش های مختلف تقسیم میشود: مکر - سنندجی - کرمانشاهی - سلیمانیه ای بایزیدی - زندی.

در اطراف کویر نیز گویش های محلی از قبیل: انارکی - جندقی - بیابانکی وجود دارد.

گویش های نواحی مرکزی نیز متعددند و از نزدیکی قم تا حوالی یزد و کرمان و شیراز و آنها سخن میگویند. از این جمله است: نطنزی - فریزندی (نزدیک نطنز) یارندی - میمه ای - جوشقانی - سدهی - گزی - قمشه ای - اردستانی - نائینی - انارکی محلاتی - خونساری و غیره.

در شمال ایران و با نقاط دیگر که به ترکی صحبت میکنند گویش فارسی محلی را در برابر آن «تات» مینامند.

ادبیات و شعر :

ادبیات و شعر در هر جامعه تا حد فراوانی منعکس کننده روحیات ، احساس و اندیشه مردم آن است . از اینرو تحقیق در آثار نوشته جوامع مختلف ارزش بسیار دارد . لازمست اگر کتاب یا جزوه‌هایی توسط افراد ایل در گذشته تنظیم یافته‌است مورد بررسی قرار گیرد - اغلب خانهای ایل یاد داشته‌هایی داشته‌اند که در اختیار خانواده و فرزندان آنها است . باید سعی نمود که با جلب اعتماد بر آنها دست یافت و در صورت امکان رونوشت تهیه نمود - بطور کلی باید مشخص ساخت که این آثار در چه زمینه‌ای تنظیم گردیده ، به فارسی رایج نوشته شده یا به گویش محلی .

در مورد شعرای محلی لازمست قطعات مختلفی از آنها جمع‌آوری گردد و در صورتیکه به گویش محلی سروده شده است معنی آن به فارسی نوشته شود .

خصوصیت خود شاعران و وضع زندگی آنها و اینکه تا چه حد در تماس با جوامع ساکن بوده‌اند و تحت تأثیر چه عوامل غیر محلی قرار گرفته‌اند ، باید بررسی گردد . روح نوشته‌ها و اشعار آنها لازمست مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته روشن شود که بحث درباره چه مسائلی است ، عشقی ، اوضاع طبیعت ، مطالب قهرمانی و حماسی یا غیره .

افسانه‌ها :

جمع‌آوری افسانه‌های مشهور بین مردم ایلیاتی حائز اهمیت فراوان است . برخی از این افسانه‌ها بیان کننده تاریخ گذشته آن سرزمین و رویدادهای آنست که جا دارد مورد تعمق و بررسی قرار گیرد . برخی از آنها بنحوی بیان کننده اعتقادات آن مردم درباره پیدایش دنیا و ظهور بشر است .

درباره بعضی نقاط تاریخی ، بعضی قله کوهها و یاد رختهای کهنسال و تخته سنگهای بزرگ سرگردان و چشمه‌ها ، داستانهای وجود دارد که آنها را به بعضی قهرمانان باستانی و یا ماجراهای تاریخی نسبت میدهند .



زنان و دختران قشقائی در حال رقص در یک جشن عروسی
(عکس از بایگانی اداره فرهنگ عامه هنرهای زیبا)



زنان و مردان کرد در حال رقص و اجرای یک رقص محلی
(عکس از بایگانی اداره فرهنگ عامه هنرهای زیبا)

بطور کلی یادداشت این افسانه‌ها و سپس کنکاش در آنها با رعایت اصولی که در این زمینه موجود است به روشن ساختن برخی مسائل باستانی و تاریخی و شناخت روحيات آن مردم کمک فراوان می‌نماید .

تعزیه و مراسم مذهبی :

در بین بعضی از ایلات اغلب مراسم مذهبی نظیر مولودی و یا عزاداری (تاسوعا - عاشورا) همراه باشبیه خوانی و تعزیه برپا می‌گردد . تهیه متن این تعزیه‌ها و «میزانسن» صحنه‌ها و بالاخره توصیف طرز لباس و وسایلی که برای اجراء این برنامه‌ها بکار می‌برند حائز اهمیت است .

موسیقی و رقص :

تهیه نوار از آهنگهای مختلف موسیقی محلی امری است ضروری - کلیه وسایل وسازهای موسیقی باید توضیح داده شوند و طرح آنها تهیه شود . لازمست مشخص شود که نوع موزیک آرام است ، یا تند و نشاط انگیز . ترانه‌های معروف بر مبنای داستانهای عشقی تنظیم یافته یا اعمال قهرمانی . آوازهای دسته جمعی وجود دارد یا اینکه بیشتر یک صدائی است . ترانه رواج بیشتری دارد یا آواز . در خواندن آواز و ترانه زن‌ها و مرد‌ها با هم شرکت می‌کنند یا زن‌ها در حضور جمع از آواز خواندن پرهیز می‌کنند .

در زمینه رقص نیز لازمست ریتم آن مشخص شود که تند و هیجان انگیز است یا آرام . دسته جمعی است یا انفرادی - در حالت دسته جمعی زن و مرد با هم می‌رقصند یا جدا جدا .

آیا در انجام بعضی امور (بیشتر در مناطقی که زراعت می‌کنند) از جمله کشت و درو و چین و غیره بعضی حرکات دسته جمعی موزون انجام می‌گیرد یا خیر و در صورت وجود چنین حرکاتی ، بین آنها و رقصهای معمولی محل چه رابطه‌ای موجود است آیا نوعی رقص مربوط به جنگاوران وجود دارد یا خیر (مانند رقص باشمشیر و یا خنجر) . اصولاً ریشه و اساس رقص در بین این جامعه از کجا سرچشمه گرفته و توجه مردم



دختران بختیاری در حال رقص

به موسیقی ورقص و اجراء برنامه های نشاط انگیز تاجچه حد است .
رقص های مخصوصی نظیر آنچه که بین بعضی از فرقه های مذهبی در کردستان
و نواحی ساحلی جنوب مانند رقص «زار» معمول است وجود دارد یا خیر .

جشن ها و مراسم آنها :

جشن ها و اعیاد معمولاً به چهار دسته کلی تقسیم میگردند .

۱- جشن های ملی - مانند : نوروز - سیزده بدر - مهرگان - سده - چهارشنبه سوری
و غیره ؛ که در هر منطقه با وجود جنبه های مشترک با آداب و رسوم خاص و ترتیبات ویژه ای
برگزار می گردد . ذکر جزئیات این مراسم و اهمیتی که برای هریک از آنها قائل هستند
ضروری است .

۲- اعیاد مذهبی - از قبیل عید قربان - عید غدیر - عید فطر - پانزده شعبان و غیره
لازمست اهمیت هریک از آنها و مراسمی که برپا میشود توضیح داده شود .
سپس در مقایسه با جشن های ملی روشن گردد که عمومیت و عظمت کدامیک
بیشتر است .

۳- تولد و عروسی - دسته سوم مربوط میشود به جشنهایی که در مواردی چون
تولد ، ختنه سوران و عروسی برپا میشود ، ذکر مراسم مربوط به هریک با جزئیات و تشریفات
آن باید مورد توجه قرار گیرد .

۴- جشنهای مربوط به پیشه - این نوع جشن ها بیشتر در بین مردمانی که بکار
کشت مشغول اند وجود دارد . و اغلب مربوط است به هنگام درو ، کوبیدن خرمن
و امثال آن که بمناسبت های مزبور جشنها برپا میکنند و پایکوبی مینمایند . شرح مراسم
مزبور از هر جهت حائز اهمیت خواهد بود .

بازی :

بررسی و مطالعه درباره اوقات فراغت مردم ایلیاتی و اینکه آنرا چگونه و با چه
تفریحاتی سپری میسازند حائز اهمیت بسیار است . باید ضمن تنظیم تقویم کارروزان
آنها در فصل های مختلف سال ، مشخص نمود که در هر فصل به چه نوع تفریحاتی

میپردازند. آیا برای بزرگسالان تفریحات و بازیهای دسته جمعی نظیر: چوب بازی مسابقات اسب دوانی - قیراندازی - سوارخوبی و غیره وجود دارد یا خیر. و چنانکه هست شرایط و نحوه اجراء آنها چگونه است.

لازمست مطالعه شود که آیا نوعی قمار در بین جاسعه بعنوان سرگرمی رایج است یا نه. در صورتیکه وجود دارد ترتیب آن چیست و تاچه حد قصد از انجام آن برد و باخت پول است و تاچه حد جنبه وقت گذراندن دارد. در بین بعضی ایلات و بطور مثال بختیاریها بازی تخته نرد بین گروههای ممتاز آن رواج دارد. در بعضی نقاط نیز بازی ورق رسوخ یافته است. تحقیق در میزان وسعت و رسوخ آن در بین طبقات مختلف ایل ضروری بنظر میرسد.

درباره بازیهای مخصوص کودکان نیز لازمست که مطالعه کاملی صورت پذیرد و ویژگیهای آن یادداشت شود. زیرا از اینطریق میتوان به چگونگی وضع روانی و مبانی مورد اعتقاد مردم از نظر تعلیم و تربیت و پرورش اطفال پی برد و آنرا مورد تجزیه و تحلیل قرارداد.

اعتقادات و خرافات:

بررسی اعتقادات مردم ایلیاتی در زمینه های مختلف زندگی و طرز تفکر آنها نسبت به دنیای هستی، چگونگی پیدایش جهان و بشر، دنیای پس از مرگ و بالاخره مسائلی چون سرنوشت و قسمت، برای شناخت بینش و روحیات آن مردم نهایت ضرورت را دارد. در این باره محقق باید تبحر و دقت فراوان داشته باشد و بتواند باموشکافی هرچه بیشتر نکات پیچیده را مورد مطالعه قرار دهد. در مرحله پرسش نمودن از افراد، طریقه طرح سؤال و لحن سؤال کننده و موقعیت شناسی او میتواند در بدست آوردن پاسخ های منطقی مؤثر واقع شود.

باید بررسی گردد که این مردم تاچه حد برای کوشش و تلاش خود ارزش قائل هستند و تاچه حد حوادث و پیش آمد و قسمت را در اسور زندگی خویش مؤثر میدانند.

آیا برای اقدام بکارهای مهم به اقداماتی چون استخاره و غیره متوسل میگردند یا اراده خود را شرط اصلی انجام کار میدانند. بطور کلی با توجه به نقش مؤثر عوامل طبیعی در زندگی آنها تا چه حد خود را تسلیم قضا و قدر میسازند و تا چه میزان اتکاء به قدرت و ابتکار شخص خویش دارند.

در زمینه جنبه های خرافی لازمست بررسی شود که به مسائلی چون جن و پری، سحر و جادو و نظیر آن چقدر اعتقاد دارند.

بطور مثال برای درآسان نگهداشتن زائو و نوزاد از خطر اجنه و شیاطین بکارهایی چون خط کشیدن بدور محل زائو و فرو کردن سوزن در کنار گهواره بچه و دوختن مهره های رنگی به لباس و کلاه او برای رفع چشم زخم اقدام میکنند یا خیر. به شکستن تخم مرغ برای مریض و گرفتن دعا برای بیماران مبتلا به غش اعتقاد دارند یا خیر.

آیا در بین مردم ایل افرادی به شغل فالگیری و دعا نویسی و نوعی جادوگری مشغول هستند یا خیر. چنانکه وجود دارد از افراد ایل هستند یا از خارج بدانجا وارد شده اند. مقام و منزلت این افراد در بین مردم تا چه پایه است.

ازدواج

ایلات با امر ازدواج اهمیت فراوان میدهند و تقریباً اکثر مردان و زنان ایلیاتی در سنین پائین ازدواج میکنند. کمتر مرد یا زنی است که از تشکیل خانواده خودداری نماید. شناخت آداب و رسوم مربوط به ازدواج در بین این مردم از جمله مسائل قابل توجه است.

عمده مطالبی که باید بررسی گردد عبارتند از:

سن ازدواج برای پسر و دختر - دایره همسرگزینی: باینصورت که بجز محدودیتهای مذهبی و قانونی آیا برحسب سنت های رایج در محل ازدواج بعضی افراد با هم

ممنوعیت‌هایی دارد یاخیر آیا وضعی شبیه به کاست که درجوامع هند برقرار است، دربین ایل وجود دارد ودرنتیجه ازدواج طبقه‌ای را با طبقه دیگر منع می‌سازد - در صورتیکه چنین وضعی وجود دارد آیا ازدواج با طبقه پائین‌تر برای مرد میسر است یاخیر - ازدواج در بعضی موارد جنبه اجباری پیدا میکند یا نه (مانند ازدواج برادر بازن برادر خود وقتی که برادر فوت می‌کند ویا ازدواج مرد باخواهرزن خود وقتی که زنش فوت نماید).

ازدواج‌ها بیشتر در داخل طایفه صورت می‌پذیرد یا بین طایفه‌ها و تیره‌ها . به عبارت دیگر افراد یک تیره در داخل خود وصلت می‌کنند یا بیشتر از تیره‌های دیگر زن می‌گیرند - ازدواج بین ایلات هم‌جوار صورت می‌پذیرد یا نه - بین افراد ایل و جوامع ساکن روستاها وصلت انجام میشود یا نه و میزان آن چقدر است .

- ازدواج بین بستگان نزدیک مانند پسرعمو دخترعمو ، پسرعمو ، دخترعمه ، پسرخاله ، دخترخاله ، پسردائی ، دختردائی ، تاچه‌حد رواج دارد - رواج این نوع وصلت در بین خانواده خوانین بیشتر است یا افراد عادی .

- جنبه چند همسری در ایل دارای چه وضعی است . تعداد مردانی که دارای چند زن هستند چند نفر است - وضع مزبور عمومیت دارد یا خیر - چند زنی بیشتر در بین مردان ثروتمند و صاحب قدرت وجود دارد یا در بین افراد عادی نیز برقرار است - عامل چند زنی بین افراد عادی بیشتر برای اضافه ساختن بازوی کارگر و بر مبنای شرایط اقتصادی است یا امر دیگری در آن مؤثر بوده است .

- حد متوسط امکانات مادی برای مردی که میخواهد زن بگیرد چه میزان است . آیا برای اینکه مردی قصد ازدواج داشته باشد لازمست غیر از امکانات مالی شرایط خاص دیگری هم داشته باشد یا خیر .

- تمایل دختر و پسر در امر ازدواج تاچه حد مؤثر است - علاقه دختر و پسر اساس ازدواج را تشکیل میدهد یا نظر پدر و مادرهایشان برای وصلت شرط لازم و کافی است .

- اسرازدواج بصورت فرار دختر و پسر از ایل در موقعی که اقوام آنها با ازدواجشان مخالفت میکنند تاجه حد سابقه دارد - ربودن دختر توسط پسر از خانواده او و سپس وصلت با اوسابقه دارد یاخیر - دردومورد فوق آیا منجر به زد و خورد بین دوطایفه یا خانوارهای یک طایفه میشود یا نه .

ذکر مشروح مراسم ازدواج در مرحله خواستگاری ، شیرینی خوران ، ترتیب مجلس عقد و سپس عروسی و تشریفات مربوط بآن نهایت ضرورت را دارد .
- توضیح اینکه جنبه تعاونی افراد طایفه ، تیره و ایل برای اجراء مراسم و کمک های مالی به داماد تاجه حد می باشد نیز قابل ملاحظه است .

عزاداری

از جمله مراسمی که اغلب همراه با تشریفات در بین ایلات صورت میپذیرد مربوط است به عزاداری درمرك عزیزانشان .

در میان بعضی ایلات توجه به مراسم مزبور و مخارجی که در طی آن بعهده فامیل شخص متوفی گذارده میشود چنانست که اغلب خانواده های عزادار را از همستی ساقط میکند . چنانکه تا کنون بعضی از خانهای با فکر بختیاری علیه این مراسم اقداماتی کرده اند و از مردم خواسته اند تا از اجراء برنامه مفصل در طی چند روز دست بردارند . در مراسم عزاداری برخلاف عروسی به خانواده ای که فردی را از دست داده هیچگونه کمکی نمیشود و بعکس طی چند روز هزینه سنگینی برای پذیرائی بدوش او گذارده میشود . آگاهی برجستگی تشریفات مزبور و نحوه سوگواری مردم هر منطقه و ایل درخور توجه فراوان میباشد . لازمست بررسی شود که بین سوگواری برای یک فرد عادی و یک دلاور ایل و یک خان چه اختلافاتی وجود دارد . همچنین اگر فرد مزبور در جنگ کشته شده باشد یا بمرگ طبیعی مرده باشد چه فرقی در اجراء مراسم بوجود خواهد آمد .

- فرق بین مراسم مربوط به یک مرد و یک زن چیست .
 - فرم آرامگاه و سنگ قبرها و نقش روی آنها چگونه است .
 - آیا در گورستان عمومی امامزاده‌ای وجود دارد و اصولاً برای انتخاب محل گورستان عامل خاصی را دخیل دانسته‌اند یا خیر .



نمونه‌ای از سنگ روی قبر در یک مقبره بختیاری در مسجد سلیمان

پیوست

برای آنکه نمونه‌ای از یک بررسی علمی دربارۀ وضع چادر نشینان و ایلات را عرضه نمائیم و اهمیت چنین مطالعه‌ای را نشان داده باشیم، در اینجا به ترجمه مطلبی که توسط فردریک بارت، عالم سوئدی نوشته شده است اقدام کردیم. بررسی مزبور شامل منطقه وسیعی از آسیای جنوب غربی است که بعثت دردست نبودن مدارك كافی و لازم که خود نویسنده نیز بآن اشاره نموده است بطور کلی مورد مطالعه قرار گرفته و از شیوه ژرفانگر^(۱) که خاص بررسی جوامع چادر نشین و ایلات میباشد استفاده نشده است. بنابراین نتایج بدست آمده دارای قاطعیت کامل نیست؛ با اینحال این اثر میتواند نمونه خوبی از مجموعه محدود بررسی‌های مربوط به چادر نشینان و ایلات محسوب گردد و مورد استفاده علاقمندان اینگونه مطالعات قرار گیرد.

سازمان ملل متحد

بخش تعلیم و تربیت ، علم و فرهنگ

طرح بزرگ مربوط به تحقیقات علمی در سرزمینهای خشک
بحث عمومی در زمینه مسائل مربوط به منطقه خشک

پاریس ۱۱ تا ۱۸ ماه مه ۱۹۶۰

چادر نشینی در کوهستانها و بر روی فلاتهای
آسیای جنوب غربی

مؤلف : « فردریک بارت »

ترجمه : دکتر پرویز ورجاوند

پیشگفتار

موضوع مورد بحث جزوه حاضر عبارتست از مطالعه مسئله چادرنشینی در ایران افغانستان و در پاکستان غربی و بخصوص بررسی مبنایی (اکولوژیک) این شیوه، زندگی و شیوه‌های اقتصادی و تغییرات یا مسائل جدیدی که تحول این ناحیه بدنبال خواهد داشت.

موضوع عبارتست از بررسی یک مطلب بسیار قابل ملاحظه برای کشورهای مورد بحث، که در آنجا عوامل چادرنشین قسمت قابل ملاحظه‌ای از مردم منطقه را تشکیل می‌دهند. بخشی از مردم که وجود و فعالیت آنها، اثر عمیقی بر روی زندگی جوامع ساکن می‌گذارد.

با اینکه افراد چادرنشین منطقه مورد بحث بطور دقیق برشمرده نشده‌اند، ولی آمار موجود امکان می‌دهد که این گروه را مجموعه بزرگی بدانیم.

بنابراین تشارات رسمی حکومت افغانستان، کل جمعیت این کشور ۱۲ میلیون می‌باشد، که ۲ میلیون نفر آن و یا ۱۶٪ از کل جمعیت این کشور (تخمینی که احتمالاً دور از واقعیت است) بحساب چادرنشین گذارده شده‌اند. در بین بیست میلیون ساکنان ایران نیز ۲ میلیون چادرنشین وجود دارد که ۱۰٪ ساکنان کشور را تشکیل می‌دهند.

از طرف دیگر دامنه کوهستانهای پاکستان غربی نیز چادرنشین‌های فراوانی را دربردارد. و بالاخره در عراق و ترکیه به مردم چادرنشینی برخورد میکنیم که - تمدنشان و شیوه زندگیشان بنحو محکمی با چادرنشینان ایران غربی خویشی و وابستگی دارد.

در نتیجه مجموعه گروه‌های چادرنشینی را که هم‌اکنون در کوهستانها و بر روی

فلاتهای مرتفع آسیای جنوب غربی زلزله می‌کنند میتوان در حدود ۵ میلیون تخمین زد که در واقع ۱۰٪ کل جمعیت را در این ناحیه تشکیل می‌دهند .

تغییراتی که در زمینه شکل و ساختمان سازمانهای اداری و اقتصادی دولتهای آسیای جنوب غربی بر مبنای زندگی شهرنشینی و برای رفع احتیاجات عوامل ساکن و شهرنشین طرح ریزی شده است، هر روز بیش از پیش سرنوشت این مردم چادر نشین را وابسته به حوادث و اتفاق ساخته است .

در چنین حالتی دنبال نمودن شیوه‌های کهن زندگی ، روز بروز اثر کمتری در بهبود وضع آنها نشان می‌دهد . از طرف دیگر شیوه‌های جدید زندگی نیز که بتازگی هویدا گشته اغلب در اصل سبب اختلاف در امور دیگر می‌گردد .

همچنین بر اثر پدید آوردن تغییراتی در تشکیلات داخلی دولتهای مورد بحث، مشکلاتی آتی بروز مینماید که میتوان آنها را تحت دو عنوان بهم پیوسته بیان داشت که عبارتند از حفظ و امنیت شکل و ساختمان سیاسی و نظامی این دولتها .

در مورد نکته اول آنچه محقق است ، اینست که در این کشورها روابط اجتماعی بیش از پیش مبتنی بر حفظ نظم عمومی، از طرف مقامات مرکزی است ؛ که در نتیجه امنیت و آرامش کشور را برای همه تضمین مینماید .

در حالیکه در شیوه کهن که هرج و مرج بر آن حکم فرماست و مرکزیتی ندارد ، احترام به حقوق و امنیت افراد جز بر مبنای ابتکار شخصی و ایجاد توازن قدرت ، بر حسب محل و منطقه ، در میان دستجات و بحسب تضاد منافع آنها تأمین نمی‌گردید .

از طرف دیگر تقسیمات سیاسی و سازمان کشور بیش از پیش بصورت تیول انحصاری نهادهائی درآمده‌اند که بر روی قدرت مجلس‌های ملی منتخب مرکزی، پایه گذاری شده‌اند . مجالسی که قدرتهای خود را به سازمانهای دولتی محول ساخته‌اند ؛ در حالیکه روسای محلی پیش از این خود مختار بوده‌اند و قدرت خویش را از محل کسب مینمودند و اغلب نیز با قدرت مرکزی بطور مستقیم در مخالفت بوده‌اند . تحولی که بدین صورت حاصل گشته و همچنان ادامه یافته است ، به تغییرات

دیگری نیز در زمینه شکل و ساختمان جوامع ساکن بستگی دارد. ولی مردمان چادرنشین و تاحدی سایر مردمان ایلیاتی منطقه، در چنین وضع بخصوصی خود را نافرمان و سرکش نشان داده‌اند، و اختلافها و تضادهائی میان قانون ارزش‌ها و وفاداری بحکومت وقت که با محیط ایلی تطابق داده شده و آنچه که مقتضی سازمانهای دولتی است یکباره بروز نموده است.

این اختلافها در زمینه‌های مختلف تظاهر میکنند:

در زمینه نظامی یک محیط بدگمانی و سوءظن دوجانبه و تباها کننده، بمناسبت جنگی که اغلب میان نیروهای ارتش‌های ملی و بعضی ایلهای چادرنشین بزرگ گشوده میگردد، حکمفرما میباشد.

از نقطه نظر امنیت محلی نیز مداومت در امر دزدی و راهزنی به مردان این ایلات نسبت داده میشود.

این چادرنشینان بعلمت خصوصیت تحرکشان و خصوصاً بر اثر آنکه تعدادی از آنها در زمانهای معینی اقدام به عبور از بعضی مرزها مینمایند و یا اینکه میان سواحل خلیج فارس و نواحی مجاور ساحل دریا تغییر مکان میدهند، منبع مشکلاتی برای سازمانهایی که مسئول جلوگیری از امر قاچاق هستند، بشمار می‌آیند.

و بالاخره روابط میان چادرنشین‌ها و آنها که ساکن میباشند، بطور مداوم بر اثر خسارتهائی که چهارپایان چادرنشینان بر کشتزار ساکنان همیشگی منطقه وارد می‌سازند مسموم و تحریک کننده میباشد؛ خساراتی که تنها جنبه اتفاقی ندارند، بلکه نتیجه طینت بد چادرنشینان است که کمتر راغب به اطاعت از دستورات ناشی از یک مقام و شخصیت مسئول خارج از ایل و یا جامعه خویش میباشند.

رویه هر فرقه میتواند تأیید نمود که از نقطه نظر ایجاد تحول و ایجاد ترتیبات و نظم صحیح، طرحهای سازمانهای اداری در زمینه اصول و قواعد عمومی، در زمینه دریافت مالیاتها، نام نویسی بشمولین برای نظام وظیفه، آموزش و تعلیم عمومی، زندگی چادرنشینی در برابر قدرتهای مملکتی مسائلی را عنوان میکند که بطور مداوم مانع

انجام کارسنتظم ماشینی دستگاه اداری شده و نتایج بسیار پرخرجی را درمقایسه باقیمت وارزش دستگاه اداری اهالی شهرنشین ویکجانشین دربردارد .

دربرابراین مشکلات ، مقامات صلاحیتدار ملی منطقه ، اغلب راه حل ساده وقطعی اسکان نمودن عناصرچادرنشین را برمیگزینند ؛ که منتج بهازمیان بردن قطعی چادرنشین ها وزارع گردانیدنشان وثابت ساختن آنها در روی زمین میگردد .

اجراء اسکان نمودن وسیع ، یکاقدام مشکل ودشواری را بنظر میرساند ووقتی که این درمان (یعنی اسکان نمودن) باشدت بمرحله اجراء درآید ، اغلب منجر بهنتایج شوم وبدفرجاسی میگردد که از آنجمله است : بالا رفتن میزان مرگومیر ، ازدست رفتن گروه زیادی ازگله ها ، بوجود آمدن فقر شدید و ایجاد گروههای قابل ملاحظه انسانی بصورت طبقه رنجبر وبالاخره زوال وافول وضع اقتصادی همه منطقه . از طرف دیگر تاکنون هیچ شیوه دیگری برای استفاده از منابع شبانی کشف نگردیده است .

معذلک درمیان فعالیت های چادرنشین ها که بطوراساسی عبارتند از مشکلات بالا ، فعالیت هائی هست که شاید لزوماً وابستگی به یک اقتصاد شبانی را ایجاب نمیکند ، بلکه بیشتر به یک شیوه مخصوص از زندگی ویا تمدن محلی بستگی دارد . بعنوان عوامل مربوط بیک تمدن ، فعالیت های گوناگون یک گروه چادرنشین ، یکی بوسیله دیگری پشتیبانی میگردد واستحکام مییابد ودرنتیجه سبب میشود که مقامات خارج ازمنطقه باشکال وبسختی بتوانند تغییراتی درآنها بوجود آورند .

بعضی شیوه های کهن مربوط به اعمال وفعالیت های چادرنشیمان ، وخصوصاً آنهائی که متکی برعدم رعایت وملاحظه حقوق ومنافع مختلف ، جوامع یکجانشین میباشد ، بآسانی وبوسیله فرمان وحکم ویا قهر وجبر قانونی قابل حذف نیستند ، مگر آنکه تمام سازمان وشکلی را که این اعمال وفعالیت ها درآن گنجانیده شده وبان وابسته است واژگون گردانید .

بااینوصف ، فعالیت های مختلفی که شامل وستضمن تمدن چادرنشینها میباشد

همگی دارای جنبه کاملاً مخالف اجتماعی نیستند؛ و بعضی از آنها میتوانند تغییر شکل بیابند و یا بایک عامل هم‌طراز خودشان از نظر علمی بدون بوجود آوردن یک اختلال آشوب بزرگ در مجموع تعویض بگردد.

انجام این تغییرات یا تعویض و جانشین ساختن عاملی بجای عامل دیگر یکی از اقدامات صحیح و مشروع مربوط به طرحها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی است. در اینجا باید گفت تنها با انجام تجزیه و تحلیل دقیق روابط مختلف که سبب پیوستگی مجموع فعالیت‌ها و وابستگی آنها بیکدیگر می‌گردد، می‌سر خواهد بود که امکانات مربوط به تغییر و تحول و یا تغییر شکل را روشن و مشخص بسازیم و حدود آنها نیز بازشناسیم. و همچنین تنها موقعی میتوان امیدوار گشت که به مقصود و هدف مورد نظر خواهیم رسید که سازمان اداری مملکت در این تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری شرکت جوید.

ما در این بررسی خود قصد داریم تاشیوه‌های مختلف زندگی چادر نشینی را که در آسیای جنوب غربی وجود دارد بر مبنای اطلاعاتی که از مجموعه منطقه در اختیار داریم مورد بررسی قرار دهیم و دو سؤال اساسی زیر را در برابر خود قرار دهیم.

۱- آیا این آگاهیه‌ها و اطلاعات برای بوجود آوردن یک مبنای علمی و اظهار نظر، کافی بنظر می‌رسند یا خیر؟

۲- در صورت مثبت بودن، اظهار این آگاهیه‌ها در عمل، آیا مشکلات بخصوصی را پیش می‌آورد یا خیر؟

مبانی (اکولوژیک) در زندگی چادر نشینی

شکلهای مختلف چادر نشینی که در آسیای جنوب غربی تحول یافته‌اند، از نظر کولوژی بر اساس وجود چراگاههای وسیع حاصلخیز فصلی پایه گذاری شده‌اند.

این چراگاهها بطور کلی بدو دسته تقسیم میشوند:

اول خط سیرهای تابستانی در تپه‌های مرتفع و کوهستانهای بزرگ .

دوم چراگاههای زمستانی و اوایل بهار در زمینهای پست .

از طرف دیگر چهارپایان در پایان تابستان و در فصل پائیز چراگاه فصلی کاملاً متوسطی را در اختیار دارند، که از ساقه غلات محصولات زراعتی تشکیل یافته است . وسعت و حاصلخیزی چراگاههای تابستانی بطور فراوان وابسته به نقش و میزان ارتفاع منطقه میباشد . در تمام آسیای جنوب غربی ، قسمت عمده ریزشها در زمستان سیار و در نقاط بسیار مرتفع و بسیار سرد ، این دوره زمستانی مدت زیادی بطول میانجامد و این ریزشها بصورت برف رویهم توده میگردند .

ذوب برفها خیلی دیر در فصل بهار همزمان با بالا رفتن تدریجی درجه حرارت آغاز میگردد و زمین را از یک منبع فراوان رطوبتی برخوردار میسازد .

این رطوبت به علت هوای بسیار خنک در تمام طول تابستان باقی میماند . یخ بندان پائیزی و بعد پوشش برفی که زمین را در تمام مدت زمستان میپوشاند ، دوران بهره‌برداری تابستان و زمان حاصلخیزی این چراگاهها را در این سرزمینها محدود میسازد .

نوع بزرگ دیگر چراگاههای فصل در دشتهای سوزان و خیلی گرم قرار گرفته‌اند . در هنگام سرمای بارانهای زمستانی ، این زمینها سبز میگردند و گیاهان آنها در آغاز بهار به بلندترین حدشان میرسند . با اینوصف در این زمان ، ریزش باران قطع میگردد و درجه حرارت شروع به بالا رفتن مینماید و تمام گیاهان ، باستثناء آنهاییکه به نحو مخصوصی در برابر گرما قدرت مقاومت دارند ، پژمرده میگردند و در آغاز تابستان از میان میروند .

اسکان دارد که از این منابع طبیعی بر حسب شیوه‌های مختلف زندگی روستائی خواه بصورت یک زندگی یکجانشینی خواه بصورت مهاجرت‌های فصلی و خواه بصورت چادرنشینی باشعاع عمل وسیع استفاده نمود .

عمل یکجانشین نمودن در زمانی برای جامعه‌ای با اقتصاد روستائی انجام پذیر

خواهد بود، که کشاورزان اقدام به کشت علوفه بنمایند و بمقدار کافی علوفه وعلیق را برای اطمینان جهت نگهداری حیوانات، در تمام دورانی که آنها قادر بپاافتن چراگاه نیستند ذخیره نمایند.

باوجود این بنظر نمیرسد که اسر دامداری شبانی با شیوه یکجانشینی در هیچ نقطه‌ای از آسیای جنوب غربی بصورت عامل اساسی اقتصاد جامعه متداول شده باشد؛ شاید این بدلیل آنست که چراگاههای فصلی این منطقه همگی دارای یک دوران حاصلخیزی نسبتاً کوتاهی هستند. از طرف دیگر در منطقه مورد بحث شیوه‌های مختلفی از مهاجرت‌های فصلی مشاهده میشود.

این طریقه زندگی به مردم و به حیواناتی که در مواقع عادی در یک منطقه معین ساکن هستند؛ امکان میدهد که بطور موقت در یک منطقه مجاور در هنگامی که زمان حاصلخیزی آن ناحیه است مستقر بشوند. باین طریق، چراگاههای فصلی میتوانند مورد استفاده قرار گیرند و در پایان فصل، گله‌ها بسوی منطقه و محل اصلی خود باز گردند. چراگاههای تابستانی و زمستانی آسیای جنوب غربی، هر یک بوسیله شبانانی که اقدام به مهاجرت‌های فصلی میکنند مورد استفاده قرار میگیرند.

چنانکه در یک قسمت وسیع از ایران جنوبی، در جنوب فارس دسته‌هایی از چوپانان متخصص، که تحت عنوان «بومی» خوانده میشوند، در پایان زمستان دهکده‌ها را برای روانه شدن به همراه گله‌هایشان بسوی قسمتهای صحرائی و استپهای مجاور، جهت استفاده از چراگاه، در آغاز بهار ترك میگویند و غیبت آنها از محل دهکده حدود سه تا چهار ماه طول میکشد.

همچنین چراگاههای تابستانی نقاط مرتفع نیز توسط مردم فراوانی از ساکنان دره‌های کوهستان در حین مهاجرت‌های فصلی مورد استفاده قرار میگیرند. این وضع خصوصاً در نزد «کوهستانیها»^(۱) در پاکستان شمالی؛ «کافریها»^(۲) و «هزاره‌ها»^(۳)

دراغغانستان، «کردها» درعراق و ایران دیده میشود و بمورد اجراء درمیآید .
این مهاجرت فصلی باشکال کم و زیاد پیچیده ای که متضمن وشامل شیوه هائی
چند میباشد سازمان یافته . چنانکه گاهی این امر بصورت جابجا شدن تمام مردم
یک ناحیه بر روی یک امتداد مشخص و با قرارگاههای معینی صورت میپذیرد :
بطور مثال در «کوهستان»^(۱) واقع درهند ، مانند اغلب نقاط کردستان ، یک دوره
سه ماهه زندگی زیر چادر درفاصله ۱۰ کیلومتری از دهکده محل زندگی اصلی آنها
صورت میپذیرد .

با اینوصف امکان استفاده از چراگاههای فصلی توسط شبانان «رمه گردان»^(۲)
برحسب عوامل خارجی محدود میباشد .

یکی از عوامل بسیار مهم در این زمینه عبارتست از رابطه میان تعداد چهارپایان
وظرفیتهای مناطق چرا که بصورت متناوب مورد استفاده قرار میگیرند . چنانکه تعداد
حیواناتی که میتوانند بر روی چراگاههای فصلی در مدت کوتاه چرای این نواحی
نگهداری نمایند ، از تعداد معینی نمیتوانند تجاوز نمایند . و این تعدادی است که
نگهداری آنها در بقیه مدت سال در سرزمینهای مجاور این چراگاهها امکان پذیر میباشد .
چنین است که در بعضی قسمتهای «کوهستان» ساکنان آن امکان نگهداری
تعداد فراوانی از چهارپایان را در تمام طول زمستان در اختیار ندارند ، تا بتوانند
از چراگاههای تابستانی بطور کامل استفاده نمایند . (زیرا که در طول زمستان امکان
تغذیه آنها وجود ندارد) و در نتیجه این امر است که نوعی سهولت وامکان بهره برداری
از این چراگاهها (چراگاههای تابستانی) برای گله های چادر نشینان واقعی بوجود میآید .
در مورد «بومی های» ناحیه فارس جنوبی نیز چنین امری صادق است ، چنانکه
گله هائی که موفق میشوند گرمای شدید تابستانی این ناحیه را پشت سر بگذارند ،
تعدادشان بسیار کمتر از آنست تا در همه چراگاههای که در این منطقه در اوایل
بهار بدست میآید بچرا پردازند و علوفه آنها مصرف کنند .

بنابراین بهره برداری واقعی در تمام ایام سال از منابع چراگاههایی که در مسیرهای آسیای جنوب غربی وجود دارد، بر روی شیوه سوم زندگی شبانی قرار دارد که عبارتست از شیوه چادرنشینی باشعاع عمل وسیع.

این شیوه متضمن مهاجرت‌های فصلی، همه افراد ناحیه و حیوانات آنها است که در امتداد یک مسیر طولانی صورت میپذیرد. در طول این مسیر از دونوع چراگاه اصلی فصلی که عبارتند از: چراگاههای کوهستانی در هنگام تابستان و چراگاههای واقع در دشت در هنگام زمستان و اوایل بهار، استفاده میکنند.

بنابراین خصوصیت تکمیلی این دو مقوله چراگاه، در این نوع چادرنشینی تشکیل عامل تعیین کننده را میدهد. چنانکه در جریان رفت و برگشت میان دو نقطه انتهائی مسیرشان، گله‌های آنها کم کم در ارتفاعات همراه بانمو گیاهان بهاری رشد میکنند؛ در حالیکه در هنگام بازگشت، یعنی در پائیز گله‌ها بطور کلی برای غذای خود باید از ساقه غلات محصولات کشاورزی استفاده نمایند. فواصل طی شده در جریان این گردش سالانه بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ کیلومتر متغیر میباشد. مراحل این سفر نیز متعدد هستند و فواصل طی شده اغلب کوتاه است.

این مردم چادر نشین ملزم بآن هستند که بطور مداوم و یا تقریباً برای همیشه خود را به شیوه زندگی در زیر چادر عادت بدهند.

دونوع برجستگی اصلی واقع در منطقه مورد بحث که بخوبی نمایان میباشند و سبب تقسیم آن منطقه به نواحی بخصوص اکولوژیک میگردد، عبارتند از کوهستانهای زاگرس و ارتفاعات مرکزی افغانستان، که شیوه زندگی چادرنشینی شبانی را در ناحیه مورد بحث تشکیل میدهند.

سلسله ارتفاعات زاگرس که از شمال غربی بسوی جنوب شرقی از حدود ارمنستان تا جنوب فارس معتد میباشد، قلیل آن بین ۳۰۰۰ تا ۴۰۰۰ متر بلندی دارند. در ارتفاعات سلسله کوهستان مزبور در هنگام تابستان چراگاههای غنی و پرثروتی وجود دارد. در زمستان نیز چراگاههایی که در مناطق کاملاً محفوظ در دامنه‌های

جنوبی و غربی سلسله جبال زاگرس واقع اند و دارای آب و هوای معتدلی میباشند ، چراگاههای تابستانی مزبور را تکمیل میکنند .

کوهستانهای اصلی افغانستان ، در جهت شرقی غربی قرار گرفته اند و تا حدود «قراقرم»^(۱) و امتدادهای کوهستانی پاکستان شمالی بسط یافته اند . این رشته کوهستانها بر یک منطقه از سرزمینهای پست و کاملاً محفوظ که بصورت قوسی از دایره بین هرات و قندهار در امتداد جنوب غربی و در دره هند بطرف جنوب شرقی قرار گرفته اند ، مسلط میباشند .

چوپانان چادر نشین همچنین در منطقه های کوهستانی کم اهمیت تر نیز رفت و آمد میکنند . این مناطق در ارتفاعات بسیار کم قرار دارند و در تابستان جز مقداری علف ناچیز و بسیار خشک چیز دیگری دربر ندارند .

از جمله نقاط اصلی این مناطق را باینصورت میتوان نام برد :

کوهستانهای کرمان ، کوهستانهایی که در اطراف کلات قرار دارند ، و بالاخره سلسله جبال طویل کوهستانهای سلیمان در پاکستان غربی .

منطقه مرتفعی که بوسیله رشته جبال البرز و سلسله «کپ داغ»^(۲) در حدود شمال ناحیه مورد بحث تشکیل یافته است ، بخصوص بوسیله چادر نشین هائی نظیر آنهایی که در آسیای مرکزی دوران زمستان را در پناهگاههای شمالی بسر میبرند ، مورد استفاده قرار میگیرد . این سردمان با توجه به تمدنشان و تشکیلات اقتصادی شان با چادر نشین های آسیای جنوب غربی اختلاف دارند .

برخی از محققین بخصوص «فردیناند»^(۳) (در مورد افغانستان) کوشش نموده اند تا خطی را برای تحدید حدود میان مناطق چادر نشینی تابستانی و زمستانی و حدود تحتانی مسیرهای تابستانی را بروی نقشه نقل نمایند . ولی این نوع شیوه کار فقط برای یک گروه مشخص از چادر نشین ها که در مجموع بصورت یک مقوله و یا یک

۱- Karakoram

۲- Kapet Dagh

۳- Ferdinadnd

گروه بومی و قبیلله‌ای بخصوص بشماربیایند، و یکی از شیوه‌های چرا باوضع زندگیشان قابل تطابق باشد و بطور نسبی یکک وحدت و هم‌آهنگی را درین آنها نشان بدهد قابل اجراء میباشد .

درحالیکه چنانکه بخواهند از اینطریق (یعنی نقشه‌های تهیه شده) کوششی برای درك ویافتن چگونگی تغییرات فصلی استفاده ازچراگاهها بنمایند، نقشه‌هائی که بشیوه فوق تهیه گردیده امکان دارد مذهب نتیجه‌گیری اشتباه‌آمیز بشوند . زیرا درعمل هیچ چراگاهی نیست که درتمام طول سال و یا تقریباً درطی سال حیوانات مختلف درآن بچرا مشغول نباشند .

بطور معمول دیده میشود که درهرنقطه مردمان متعددی دردنبال هم هریک بنوبت ، بچراندن گله‌هایشان میپردازند ؛ چنانکه چراگاههای منطقه درمراحل مختلف رویش سالیانه گیاهان مورد استفاده قرارمیگیرند . این شیوه استفاده ازمنابع ازیک جهت بیان‌کننده آنست که درواقع چادرنشینان همگی یکنوع حیوان تربیت نمیکنند و بنابراین همگی نیز در جستجوی یک نوع چراگاه نیستند . چنانکه درجنوب کردستان ، چراگاههای واقع در دامنه‌های پست زاگرس ، در تمام مدت زمستان مورد استفاده چادرنشینان کردی میباشد که به پرورش گوسفند مشغول اند .

در هنگام بهار کردها این مناطق را ترك میکنند و چادرنشینان عرب همراه با شترانشان از بیابانهای خشک اطراف برای فرار از گرما و خشکی تابستان بآنجا میآیند و جانشین چادرنشینان کرد میگردند . زیرا برای شتران استفاده از یک چراگاه خشک و کم‌علف و یک آب‌شخور متوسط بیشتر از سایر حیوانات موجب رضایت و تحمل است؛ و آنها سختی‌ها و ناملایماتی را که برای گوسفندان کشنده خواهد بود بخوبی تحمل میکنند .

بعلاوه اختلافهای موجود در زمینه بردباری و میزان تحمل دسته‌های مختلف گوسفندان ، انواع گوناگون آنها را که در خاور میانه تربیت میشوند از یکدیگر جدا میسازد . و این امر خود امکان استفاده از چراگاههای یک منطقه را توسط گروههای

متعدد چادر نشینان و تربیت کنندگان دام که بطور منظم در جریان فصلهای مختلف سال جانشین یکدیگر میگردند، بهتر بیان میدارد.

وانگهی سبب این اختلافهای گوناگون معمولاً دراصل مربوط است به کیفیت کوچ کردن این چهارپایان که در طی زمان توسط دامپروران و یا وضع چراگاهها بر آنها تحمیل گردیده است.

بطور مثال در فارس هم اکنون انواع گوناگون گوسفند وجود دارد که همه آنها دارای یک میزان مساوی محصول و همچنین قدرت مقاومت یکسان نیستند. میان گوسفندانی که توسط چادر نشینان تربیت میشوند و آنهایی که توسط جواسع مقیم در یک منطقه تربیت میگردند اختلاف فراوان وجود دارد.

گوسفندانی که توسط چادر نشینان تربیت میشوند معمولاً بزرگتر و بارورترند، ولی در برابر تغییرات شدید هوا مقاومت کمتری نسبت به انواعی که در دهاات واقع در نقاط مرتفع تربیت میشوند، دارا هستند. همچنین سازش آنها با گرما و مقاومتشان در برابر کم آبی و چراگاه خشک و کم علف کمتر از انواع گوسفندانی است که در قسمت جنوبی نگهداری میشوند.

سابقه دارد که وقتی چادر نشینانی اسکان یافته اند و یا مردمان یکجانشین یک منطقه بر حسب تصادف دست بخريد گوسفندان چادر نشینان زده اند، و در نتیجه گوسفندان شان را برای تمام طول سال در دشت و یا کوهستان نگهداشته اند، بین ۷ تا ۸ درصد آنها تلف شده و از دست رفته اند.

اختلافهای شبیه بهم میان انواع گوسفندانی که توسط چادر نشینان باشیوه های مختلف چرا وفق داده شده اند ولی امر کوچ آنها با کیفیت و چگونگی مشترکی صورت نمیپذیرد، وجود دارد.

چنانکه اغلب گله ها خشکی و گرما را تحمل میکنند ولی چنانکه میش ها در هنگام زائیدن در معرض یخ بندان شبانه قرار بگیرند از بین خواهند رفت. اغلب گوسفندان نیز سرما را بهتر تحمل میکنند ولی از گرمای زیاد و علوفه ای که منحصر آ

از علف‌های خشک ترکیب یافته باشد زیان فراوان می‌بینند .
 این تنها فرسول و راه حلی است که بطور قطع بهره‌برداری کامل از منابع چراگاهها را امکان‌پذیر می‌سازد .
 بنابراین مسیرهای کوچ چادر نشینان تحت یک هجوم عظیم و بدنبال آن یک تخلیه عظیم قرار نمی‌گیرند ؛ بعکس دیده می‌شود که بطور مداوم گروه‌های مختلفی از آنها می‌گذرند .
 و نتیجه آنکه طرز استفاده از چراگاهها بستگی کامل به چگونگی و میزان محصول آنها در مواقع مختلف سال خواهد داشت .

شکل و ساختمان اقتصادی

امر داسپروری شبانی بشیوه چادر نشینی در آسیای جنوب غربی تشکیل پیشه تخصصی را داده و یک قسمت کاملاً مشخص از مردم که معمولاً بعلت خصوصیات بومی از افراد یکجانشین در منطقه قابل تمیز می‌باشند ، بآن اشتغال دارند . در چنین وضعی بعلت تبادل اقتصادی و سایر وابستگی‌های اجتماعی که گروه چادر نشینان را به جوامع مقیم در یک محل می‌پیوندد ، این چادر نشینان بطور کامل در مجموعه فعالیت‌های مشترک منطقه داخل گشته‌اند .

برای نشان دادن اینکه به چه صورت این گروه چادر نشینان از نظر اکولوژی و اقتصادی تحت تسلط و نفوذ این محیط انسانی وسیع‌تر قرار دارند ، قصد آن داریم که باختصار به بررسی ویژگیهای اساسی زندگی اقتصادی آنها بپردازیم . برای انجام این امر شیوه‌های تولید ، چگونگی ساختمان دستگاه مصرف ، مبادلات و سایر فعالیت‌هایی را که بآنها امکان می‌دهد تا این دو عامل درهم ادغام گردند ، مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهیم داد .

چادر نشینان بعلت خوراک اصلی‌شان تابع محصولات دامهای خود می‌باشند .

برای آنکه چادر نشینان بادامه زندگی خود مطمئن باشند ، میبایست که هر خانواده دامها و چهارپایانی در اختیار داشته باشد . همچنین میبایست که وسایل و ابزار لازم را در دست داشته و قادر بانجام کارهای دستی بوده و به بعضی امور فنی نیز آگاهی داشته باشد .

از طرف دیگر میبایست که آنها از یک مجموعه مسیرهای فصلی که برایشان تشکیل یک گردش سالیانه جهت چراندن دامهایشان را میدهد بتوانند بطور آزاد استفاده ببرند و بهره برداری نمایند و امکان راه یافتن باین مسیرها را داشته باشند . اغلب انواع دامداری باهم ، توسط یک خانواده انجام میپذیرد .

در تمام منطقه انواع گوسفندان بطور معمول ، قسمت اصلی محصولات داسی را تشکیل میدهند ، ولی انواع بز و همچنین بطور معمول گاو نیز جایگاه قابل ملاحظه ای را در محصولات داسی حائز میباشند .

شتر در این منطقه نقش بزرگی را در محصولات داسی ایفاء نمینماید ، و اگرچه در همه جا از پشم آن استفاده میکنند ، اما این حیوان را بعنوان یک دام باربر بکار نمیبرند .

با وجود این امر حمل و نقل در اغلب اوقات بر روی پشت خر و اسب انجام میگردد؛ گوا اینکه برای این کار از گاوهای باربر و حتی از انسان نیز استفاده مینمایند . اهمیت و بزرگی گله مورد لزوم برای اعاشه کانون یک خانواده به نقشی که در اصل در زمینه سطح زندگی آن خانواده ایفاء میکند بستگی دارد ؛ که آن نیز بوسیله نوع معیشت و تعداد افرادی که خانواده را تشکیل میدهند مربوط میباشد . در میان ایل باصری در فارس ، حد متوسط تعداد دام برای یک فامیل شش نفره کمی کمتر از ۱۰۰ گوسفند یا بز و هشت خر میباشد . در تمام منطقه ، چهارپایان تشکیل یک بهره برداری کاملاً خصوصی را تحت نظر یک نفر بهره بردار میدهند . ولی وقتی که این چهارپایان متعلق به اعضاء خانواده ای هستند که هنوز از قید قیومیت و اقتدار پدر خارج نشده اند ، اداره کردن آنها به رئیس فامیل واگذار میگردد . هر فردی

در خرید، فروش و یا تعویض حیوانات آزاد است؛ ولی طبقه عادی تشکیل یک گله برای مردی که اقدام بایجاد یک کانون خانوادگی مستقل نموده عبارتست از جمع آوری گوسفند از طریق بردن ارث که اغلب قبل از مرگ پدر و مادر صورت میپذیرد و جنبه بخشش را بخود میگیرد. کالاهای واجب دیگر که در مرحله اول قرار دارند عبارتند از: پارچه برای چادر، طناب و تسمه، مشک از پوست برای آب و شیرو غیره قسمتی از این اشیاء توسط خود چادر نشینان تهیه میگردد ولی آنها نه لباس و نه هیچ یک از اسباب و آلات فلزی یا اشیاء چرمی را که برایشان ضروری است بدست خودشان نمیسازند.

در یک خانواده متوسط باصری، ارزش کلی چهار پایان و تجهیزات مربوط به تولید، بر مبنای قیمت و ارزش جاری منطقه در حدود ۱۰۰۰/۱ تومان و یا ۵۰۰ لیره استرلینگ است. در سایر قسمتهای این منطقه، بسیاری از گروههای چادر نشین دارای یک سطح معاش کاملاً پائین تری هستند که در نتیجه مستلزم یک سرمایه کم بهره تری میباشد.

محصولات عمده دامپروری چادر نشین ها عبارتست از: گوشت، شیر، پوست و پشم؛ و از طرف دیگر در قسمت عمده منطقه، کشاورزان یکجانشین کودالی را که توسط چهار پایان به زمین داده میشود نسبت بارزش واقعی آن تقویم میکنند؛ و اگر چه فضولات حیوانات هیچگاه بفروش نمیرسد، ولی ارزش آن که بعلمت نقش بارور کننده اش توسط دهقانان باز شمناخته شده است، سبب گردیده که ورود گله های چادر نشینان بر روی زمین های آیش و زمین های دروشده آسان بگردد و امکان پذیر شود. در سال ۱۳۳۷ ارزش محصولات فروش رفته مربوط به یک گوسفند در طی یکسال در میان چادر نشینان فارس بشرح زیر برآورده شده است.

کره تصفیه شده	۲۵ تومان
پوست بره	۱۵
پشم	۲۰

۶۰ تومان یا ۳ لیره استرلینگ

جمع کل

فروش گوشت عملاً دارای اهمیت چندانی نیست ، فراورده‌های شیری نیز جز کره مانند : (ماست و پنیر) قسمت سهمش توسط خود چادر نشینان به مصرف می‌رسد . چادر نشینان فقط برای رفع احتیاجات خود و جهت ساختن بعضی از وسایل مربوط به تجهیزات و وسایل زندگی شخصی خودشان اقدام به ریستن و یافتن پشم مینمایند و از جمله طناب ، خورجین ، فرش و سقف چادر تهیه میکنند .

محصولی را که آنها به بازار برای فروش عرضه میدارند تقریباً همیشه بصورت پشمی است که چربی آن گرفته نشده و تمیز نگردیده است . در هر خانواده کارها معمولاً بر مبنای تقسیم شغل صورت میپذیرد و حداقل همکاری سه نفر را ایجاب مینماید .

باین ترتیب که یک مرد مسئول حیوانات باربر و حمل کننده است و همچنین مسئولیت انتخاب مسیر کوچ و محل اطراق بعهد او میباشد . یک زن که انجام و تنظیم امور مربوط به خانه داری مانند آشپزی و بطور عادی دوشیدن گوسفندان برعهده او است .

وبالاخره یک چوپان برای حفاظت قسمت عمده گله ها ؛ این نقش بطور اجباری در سراسر منطقه بعهد مردان میباشد . از بین این سه نفر ، نفر اول معمولاً سمت ریاست خانواده را برعهده دارد .

به عبارت دیگر ، خانواده بمعنی دقیق کلمه نمیتواند کانون خانوادگی مستقلی را تشکیل بدهد ، مگر آنکه شامل پسرانی باشد . و این امر فقط محدود است به زمانیکه آن پسران در سنین شباب و یا در دوران بلوغ قبل از ازدواج باشند .

رسوم و سنن موجود در نزد چادر نشینان آسیای جنوب غربی نیز مؤید این امر است که هر زوج بجای وابستگی به کانون خانوادگی پدر و مادری ، خود دارای چادر مخصوص و کانون مجزائی باشند .

برای اینکه این خانواده‌های کوچک موفق به جمع آوری حداقل افراد لازم برای انجام امور بشوند ، بایکدیگر جهت تشکیل نوعی سازمان تعاونی شبانی ، شریک

میگردند، و حداقل اینکه آنها چوپانانی را بصورت قراردادی برای نگهداری دامهای خود استخدام نمیکنند.

معمولاً چوپانان عبارتند از افراد مجردی که دارای میراث پدری نیستند، ولی گاه در میان آنها مردانی که ازدواج نموده اند و دارای تعدادی چهارپا نیز میباشند دیده میشود: بهر حال این افراد در قبال دریافت حقوق و یا بر مبنای یک نوع سهم بردن از محصولات دامی، بکار شبانی و چراندن گوسفندان افراد دیگر میپردازند.

در جوامع چادر نشینانی که هم آهنگی و وابستگی بیشتری وجود دارد، اغلب ترجیح میدهند که به یک شیوه همکاری و تعاونی بخصوص برای نگهداری دامهای خود متکی شوند. این شیوه عبارتست از تشکیل یک گله بزرگ با مشارکت چند گله که مربوط به سه یا چهار چادر مختلف میباشد.

چوپانان این گله هریک بنوبت نقش مربوطه را بعهده میگیرند و این امر وابسته به تعداد گوسفندان هر چادر یا خانواده نیست بلکه بسته به تعداد افرادی از این خانوارها است که میتوانند نقش چوپان را ایفاء نمایند. اگر مشاهده میشود که این ترتیب قابل اجراء میباشد، بدلیل اینست که حتی در یک سرزمین مشکل نیز وجود یک چوپان برای هدایت ۳۰۰ تا ۴۰۰ گوسفند کافی بنظر میرسد. چادر نشینان برای حفاظت و بچرا بردن انواع دیگر چهار پایان نیز راه حلهای مختلف دیگری را برگزیده اند.

بطور مثال در فارس، در آنجائی که معمولاً اردوگاههای بسیار مهم چادر نشینان برقرار میباشد، حفاظت شتران مجموعه اردوگاه، اغلب بعهده یکنفر شتران است که در حفره خویش تخصص لازم دارد و تمام وقت خود را صرف اینکار میکند. و بالاخره، تقریباً در همه جا نگهداری از بزه ها و بزهایی که مورد استفاده روزانه نیستند بعهده کودکان خردسال چه پسر و چه دختر واگذار میگردد.

تقریباً کلیه کارها و اطلاعات عملی که زندگی شبانی آنها را ایجاب مینماید، بطور عموم بعهده افراد بالغ چادر نشین میباشد؛ با این اختلاف که مردان از تکنیکهای

مخصوص زنان مانند، بافندگی هیچگونه اطلائی ندارند. در مقابل نیز زن‌ها به کارهایی که کاملاً مربوط به مردان است از قبیل: پشم چینی، سربریدن حیوانات و غیره آشنائی ندارند.

اغلب پیش می‌آید که بعضی افراد بعلمت استعداد خاص از دیگران مشخص می‌باشند و این اسری است که سبب بوجود آمدن بعضی تخصص‌ها در بین این افراد می‌گردد. بطور مثال بعضی از چادر نشینان بعلمت مهارتشان در امر تربیت اسبهای سواری معروفیتی بسزا دارند، و این حرفه ایست که یک مرد بی تجربه از اقدام بان خود داری مینماید.

صرف نظر از این مسئله، چادر نشینان تقریباً برای مجموع کارهای تخصصی که به آنها آشنائی ندارند محتاج محیط خارج می‌باشند.

موضوع مربوط به حقوق چادر نشینان بر روی منطقه‌های چراگاهها، وامکان ورود بانها بر حسب نواحی مختلف بصورت‌های گوناگون تظا هر مینماید، و در مجموع آنها حقوق مختلفی که جنبه سنتی دارند باز شناخته میشود. در مورد بسیاری این حقوق نیز توسط حکومت‌هایی که در رأس دولتهای منطقه مورد بحث قرار دارند مورد تأیید قرار گرفته‌اند.

این حقوق شبانی توسط اعضاء ایل یا تیره بطور دسته جمعی کسب گردیده. (این حقوق میتواند بطور اکتسابی و یا بصورتی ارثی یعنی از طریق بستگی پدر فرزندی تحصیل گردد.) وقتی که سخن از حقوق مالکیت ارضی در میان باشد معمولاً رئیس ایل عنوان متصرف و یا مالک را دارا است؛ بدون آنکه حقوق قابل رعایت صاحب این مقام و اعضاء ایل بطور روشن حدمعین و مشخصی داشته باشد. حقوقی که بر مبنای سابقه و سنت مربوط به چراگاه می‌باشد، شامل اجازه استفاده از آب چاههای عموسی و کانالهای آبیاری و همچنین چراندن چهارپایان بر روی زمینهای غیر زراعتی تا یک فاصله معینی از زمینهای زیر کشت می‌باشد. با وجود این حقوق

مزبور هیچگونه محدودیتی در مورد سطح زمینهای زیر کشت قائل نگشته است، یعنی اینکه مالک بر حسب میل و رغبت خود به گسترش دادن سطح کشت خویش چه آبی و چه دیم آزاد است؛ و همچنین آزاد است که هر مقدار از زمین را که میخواهد شخم بزند.

از دیاد جمعیت و مکانیزه شدن کشاورزی سبب گردیده که مالکین متدرجاً این آزادی را ازین ببرند؛ چنانکه در نقاط بسیاری دیده میشود، زمینهای را که چادر نشینان در اختیار داشته اند محدود گردیده است.

از نظر چادر نشینان، این گسترش سطح کشت اثرهای - ناراحت کننده تر و مشکل تری را نسبت به کم گشتن ساده سطح کل زمینهای مورد استفاده شبانان در بر دارد. زیرا که این توسعه زمینهای زیر کشت ممکن است سبب قطع راههای ارتباطی آنها بگردد.

در مقیاس محلی حق عبوری که با مسیرهای تاریخی و سنتی مربوط به کوچ چادر نشینان وابسته باشد، باز شناخته نشده و وجود ندارد.

این مسیرها اغلب بر اثر تجاوز زمینهای زیر کشت قطع میگردد و در چنین حالتی است که چادر نشینان قادر به عبور از میان مناطقی چرا، که حقوقی در مورد آنها دارند نمیشوند، و منجر بان میگردد که یک بهره برداری غیر کافی از منابع بارور منطقه صورت پذیرد.

بطور کلی دامپروری شبانی بشیوه چادر نشینی، بصورت یک صنعت غذایی که بشدت جنبه تخصصی دارد، ملاحظه میگردد. محصولات اولیه آن از نظر نوع خیلی کم و اساس آنها محدود است به گوشت، شیر و پشم.

در حالیکه شکل مصرف در آسیای جنوب غربی بهیچوجه دارای این خصوصیت محدود و اختصاصی نیست؛ چنانکه حتی خود چادر نشینان یک قدم بلند در راه استفاده و مصرف محصولات کشاورزی و صنعتی برداشته اند.

خوراک اصلی این چادر نشینان عبارتست از گندم، چنانکه هر چادر از ایل

باصری در فارس بطور متوسط حدود ۹۰۰۰ ریال در سال مصرف گندم دارد (آمار مربوط به سال ۱۳۳۷). این رقم در نزد «ماریهای بلوچ»^(۱) به ۱۲۰۰۰ ریال در سال میرسد (آمار سال ۱۳۳۴).

با توجه به مصرف سایر غلات، خرما، انواع میوه و غیره، که در رژیم غذایی آنها دخالت دارد، سهم مربوط به غذاهائی که دارای اصل گیاهی هستند درجهیره خوراک این مردم قابل ملاحظه است.

ازسوی دیگر در اقتصاد شبانی، محلی برای تولید لباس، کفش و اشیاء ساخت دست پیشه‌وران و اشیاء صنعتی که وجودشان برای زندگی و کار چادرنشینان ضروری است، وجود ندارد.

اگر اشیائی را که در یک چادر، خواه در چادر کردهای ایران غربی و یا نزد «گوجارهای»^(۲) پاکستان شمالی قرار دارد مشاهده کنیم، خواهیم دید آنچه که توسط خود چادرنشینان و یا یکی از همجنسان آنها ساخته شده، مقدار ناچیزی را بیشتر نشان نمیدهد. از طرف دیگر تولیدات داسی این زندگی شبانی نیز جز به میزان کمی در مجموعه کلی مواد غذایی که هر خانواده در طی سال مصرف میکند دخالتی ندارد. این وضعیت با آنچه که در بین چادرنشینان متعدد نواحی مختلف خصوصاً در نزد تربیت کنندگان گوزن در منطقه «نواحی زیر دایره منجمده»^(۳) یا در تمدنهای چادرنشینان کلاسیک آسیای مرکزی دیده میشود، فرق اساسی دارد.

در این نواحی احتیاجات مردم و آنچه که مصرفشان را تشکیل میدهد، بطور مستقیم منطبق است با محصولات که از گله‌های آنها بدست میآید. آنها این محصولات را با مهارت فراوان مورد استفاده قرار میدهند و محصولات مزبور احتیاجات آنها را در زمینه غذایی اشیاء مورد نظر برطرف میسازد. و این امر چنانست که جامعه چادرنشین تقریباً قادر بانست که بطور کلی از تهیه آذوقه از خاج بی نیاز گردد. از طرف

۱- les Marri baluch

۲- Subarctique

۳- Gujars

دیگر در تمام آسیای جنوب غربی ، چادر نشینان و مردمان جوامع یکجانشین بر اثر روابط و خدمات دوجانبه بهم وابسته میباشند . ماهیت این تمدن شبانی فرض وجود این جوامع و ضرورت دسترس داشتن آنها به تولید های جوامع یکجانشین را ایجاب مینماید . عوامل چادر نشین و یکجانشین را از نقطه نظر ساختمان اقتصادی منطقه میتوان به مثابه گروههای ساده حرفه ای و متخصص که در داخل یک سیستم اقتصادی دارای همزیستی هستند ملاحظه نمائیم ؛ اگر چنانکه بخواهیم نقش چادر نشینان را در زندگی ملت مورد مطالعه قرار داده و آنرا درک نمائیم ، مطالعه کامل تمام شرایط اسر فوق حائز اهمیت خواهد بود . نه تنها این مردم (چادر نشینان) با محیطی که در آنجا دهکده ها ، بازارها و پیشه وران متخصص یافت میشوند آموخته شده اند ؛ بلکه گروههای حرفه ای دیگری هم هستند که آنها نیز بایک سیستم اقتصادی که دایماری نوع شبانی یکی از مبانی آنرا تشکیل میدهد ، زندگی خود را تطبیق داده اند اکنون کوشش خواهیم نمود تا شیوه های اصلی را که سبب بوجود آمدن این تداخل اقتصادی میگردد ، معین و مشخص بسازیم . در مرحله اول این شیوه ها را از نقطه نظر چادر نشینان بررسی مینمائیم .

بطور کلی یک خانواده چادر نشین برای تهیه کالاهائیکه بآنها احتیاج دارد ولی بدست خود قادر به تهیه شان نمیشد ، به افراد و یا گروههای ساکن منطقه متوسل میگردد و برای تأمین آنها به شیوه های مختلف اقدام مینماید . ساده ترین این شیوه ها عبارتست از معاوضه ساده تجارتی .

چنانچه همینکه گله گوسفند مقداری محصول اضافی نسبت به مصرف خانواده تولید نماید ، این تولید اضافی میتواند در بازار در برابر مواد واجناس کشاورزی و یا کالاهای صنعتی معاوضه گردد .

این فرمول بطور غیر مستقیم میفهماند که تقسیم کار تا حد امکان کامل و مؤثر است و چنین است که دامپروری شبانی بشیوه چادر نشینی ، تشکیل یک قسمت از فعالیت تخصصی را میدهد ، و خود را بطور کامل بر اثر مکانیسم تجارتی مناسب ، در اقتصاد محل داخل نموده است .

دستگاه گردش اصلی که معمولاً در این دادوستدها دخالت مینماید، عبارتست از شبکه «دوستان» یکجانشین، که یکمک ایشان هرچادرنشین یک یا چند شریک تجارتي در دهکده‌هائی که در امتداد مسیر عادی آنها واقع است در اختیار دارند. این شریکها برای آنها اجناس را بطور نسبه فراهم میکنند و چادرنشینان معمولاً قبل از آنکه اقامتگاههای خود را ترك گویند، از عهده پرداخت قرض کلی بوسیله تحویل مقدار زیادی از محصولات شبانی نظیر (پشم - پوست و غیره) برمی‌آیند.

در شرایط کنونی، این معامله‌ها تقریباً همیشه بر مبنای واحد پول رایج انجام میشود. با اینوصف در بعضی از نقاط که هنوز پول خیلی کم شناخته شده است، خصوصاً در نقاط مختلفی در پاکستان شمالی، طریقه معاوضه جنس با جنس را که از دیرباز در این نقاط رایج است، دنبال میکنند؛ چنانکه بطور مثال ذرت و شیره با حجم مساوی معاوضه میشوند.

طرفهای معامله چادرنشینان در دهات بندرت خودشان کشاورز هستند. درست است که اکثر آنها در قصبه‌های کوچک روستائی ساکن هستند، ولی فعالیت‌های آنها عبارتست از انجام نقش واسطه میان چادرنشینان (یا سایر ساکنان دهکده) و بازارگان اجتماعات مهمتری که بازار را در اختیار دارند.

بنظر میرسد که حتی وقتی چادرنشینان از مجاورت این اجتماعات بزرگ میگذرند، بندرت تصمیم به فروش اجناس خود میگیرند؛ گواينکه درنگ در کنار این بازارهای بزرگ و خرج کردن پول نقد برایشان دلپذیر و خوش آیند است.

وجود چنین وضعی بدون شک باین دلیل است که یک فرد چادرنشین، کمتر به چانه‌بازاری عادت دارد و ضمناً در حین عبور، وقت فراوان نداشته و عجله دارد. همچنین موقعی که برای فروش محصولات شبانی و دست و پا گیر خود، جهت خرید اجناس مورد نظرش اقدام میکنند بخوبی از عهده دفاع از منافع خود در برابر کاسبهای بازار برنمی‌آید.

عادت چادرنشینان در زمینه خود داری از داشتن رابطه با مراکز اصلی تجارتي، مانع از آنست که با دقت اصل و مبداء مواد و اجناس مخصوص مصارف زندگی را که

به بازار میآید معین ساخت . همچنین عادت مزبور مانع از آنست که اهمیت مهمی را که این مواد واجناس در زمینه اقتصاد مناطق مختلف دارند مشخص نمود . برای اینکه در این مورد نظری بدست آید بهتر است که مصرف متوسط یک خانواده چادر نشین مورد مطالعه قرار گیرد .

در بین شبانان «باصری» که یک گروه انسانی کاملاً متخصص را تشکیل میدهند ؛ مطالعه بودجه خانواده ها نشان میدهد که هریک از آنها در سال بطور متوسط حدود ۲۰۰ لیتر استرلینگ (. . . . ۴ ریال) خرج میکنند ؛ خرجی که منحصر از طریق فروش محصولات دامپروری مانند : کره ، پشم و پوست بره تأمین گردیده است . چنانکه به عدد میزان درصدی که اهمیت نسبی عوامل چادر نشین را در بین جمعیت منطقه بیان میدارد (که عبارتست از ده درصد مجموع جمعیت منطقه مورد بحث) توجه نهائیم ، خواهیم توانست نقشی را که این عامل در ساختمان و شکل اقتصادی منطقه بازی میکند اندازه گیری و بررسی نمائیم . و در نتیجه موفق خواهیم شد درجه وابستگی کاملاً اقتصادی را که سبب بستگی چادر نشینان به اجتماعات ساکن میگردد مورد مطالعه و سنجش قرار دهیم .

چنانکه اگر دامپروری شبانی بشیوه چادر نشینان ، بصورت فعلی آن وجود دهکده هائی را در کنار خود ایجاب مینماید ؛ شیوه اقتصادی که دهکده ها و بخش ها را در بر میگیرد نیز ، عیناً همانقدر نسبت بوجود چادر نشینان بمنزله تولید کنندگان متخصص مواد واجناس مورد مصرف که دارای اصل حیوانی هستند محتاج میباشد . باید گفت که این میزان شدت تخصص و وابستگی اقتصادی جنبه عمومی و همگانی ندارد ، چنانکه چادر نشینان برای بدست آوردن محصولات کشاورزی و صنعتی که مورد نیازشان میباشد به و مایل دیگری مشبث و متوسل میشوند ؛ و بطور مثال ایلات و قبایل مختلف در آسیای جنوب غربی این اسرار بصورت های گوناگون انجام میدهند . اغلب مسائلی که سبب بروز اختلاف میان چادر نشینان و جوامع مقیم و ساکن میگردد بیشتر از آنکه مربوط به سبانی زندگی چادر نشینی باشد ، وابسته به نمودارهای

فرعی این طرز زندگی است. مانند تأمین احتیاجات مورد لزوم چادر نشینان از راههای مختلف غیر شبانی که سبب ایجاد و بروز اختلافات و مشکلاتی میگردد.

مهمترین شیوه‌های کسب و بدست آوردن درآمد اضافی غیر شبانی، که از گذشته وجود داشته و همچنان نیز برقرار است، عبارتند از: جنگ، درآمد بدست آمده از زمینهای اجاره داده شده، انجام کشاورزی در دهات مورد اجاره، قراردادهای مربوط به معامله‌های تجارتی.

مقایسه را که خصیصه رزم‌آوری و جنگجویی در سنت‌های ایلات مختلف حفظ نموده است، دلیل محکمی است که در گذشته نبرد و غارت در بین آنها اهمیت فراوانی داشته است، چنانکه در نزد مردمانی مانند ایل «بلوچی»^(۱) تشکیلات نظامی و تقسیم غنائم علت اصلی بوجود آمدن سازمان ایلی بوده است.

بوجود این از حدود یک یا دو نسل پیش تا کنون حتی در مناطق پر آشوب نیز اسرغارت هیچگونه اهمیت اقتصادی را در بر ندارد.

امروز بسیاری از چادر نشینان تمایل بآن دارند که عنوان مالکیت زمین را کسب نمایند، تا باینوسیله بتوانند درآمدهائی را بدست آورند. مالکیت این نقاط اغلب در گذشته بر اساس زور و اعمال اسلحه بدست آمده ولی بعضی از آنها نیز بر اثر انجام معامله‌های تجارتی و انباشته شدن سرمایه حاصل از فعالیت‌های شبانی در سالهای اخیر خریداری شده‌اند.

با اینهمه باید متذکر شد که در اغلب نقاط حتی در زمان حاضر مالکی با وضعی از نوع بالا، بطور مؤثر قادر بر آن نیست که بتواند حقوقش را حفظ نماید، مگر آنکه بزرگ قدرت مستقل خود مختار و سازمان یافته متکی باشد. وقتی که چادر نشینان موفق بآن میشوند که تسلط خود را بر روی یک منطقه برقرار سازند، میتوانند از دهکده‌هائی که تحت نفوذشان هستند بخواهند که پرداخت بدهی یا وام را بصورت سواد کشاورزی تأدید نمایند. بدون آنکه متقابلاً بابت باج راه یا حق عبور چیز

قابل توجهی طبق رسم موجود بین مالک و مستأجر پیدا دارند .

برحسب خصیصه محیط طبیعی و انسانی منطقه ؛ کرایه ای را که چادر نشین از زمینهای که بابت ترتیب اجاره داده شده بدست میآورد ، بین یک دوازدهم تا نصف میزان محصول میتواند متغیر باشد .

اگر چنانکه در مقابل کفه قدرت بطرف جمعیت یکجانشین سنگینی نماید نقش ها واژگون میگرددند و در اینوقت چادر نشینان هستند که موقتاً خود را در ساختمان مسلسلہ مراتب دهکده ها جای میدهند و زمینهای را که متعلق به مردم ثابت در منطقه است اجاره میکنند . آنها معمولاً اراضی حاشیه ای و فرعی را (از لحاظ جغرافیائی و اقتصادی) که در خارج از قلمرو چراگاهها قرار دارند اجاره مینمایند .

بطور کلی از این زمینهای اجاره ای ارزان قیمت است که آنها میتوانند بایک سرمایه گذاری نسبی قابل اهمیت ، در مقایسه با سرمایه گذاری مربوط به فعالیت های دامداری ، منافع بیشتری ببرند . بدون آنکه در کوچ سالیانه آنها اختلال شدید و ناراحت کننده ای بوجود آید .

چادر نشینانی که دارای تعداد کافی چهارپایانی نیستند که بتوانند تنها روی محصول دامپروری خود برای معاوضه و تأمین مایحتاجشان حساب کنند ؛ در آزاء انجام کار فردی و بکار واداشتن حیواناتشان مایحتاج کشاورزی مورد لزوم را تهیه مینمایند .

اغلب پیش میآید در بعضی نواحی که دارای تعداد کمی یکجانشین میباشد ، چادر نشینان اقدام به کسب حق مالکیت بر روی صحراها و زمینهای حاشیه ای مینمایند و در آنجا بطور مستقیم با سر کشاورزی میپردازند .

همچنین بسیاری از چادر نشینان فقیر و تهی دست ، در جستجوی آن میباشد که بعنوان کارگر در برابر دریافت دستمزد چه بصورت پول و چه جنس بارضایت بکار بپردازند .

این چادر نشینان گاه موفق میشوند که بعنوان کارگر زراعی موسمی برای نشا

و کشت برنج با استفاده از آینه و گاهی نیز توفیق آن مییابند که پیش یک اجاره دار و یا یک مالک برای انجام شخم های زمستانی بکار مشغول گردند .

وبالاخره چادر نشینان بسیاری هستند که از طریق حمل و نقل و دوره گردی کسب درآمد میکنند . با اینکه امر ارتباط کاروانی بمفهوم واقعی آن در شرایطی که هنوز بآن میپردازند ، دردست مردمان متخصص ساکن منطقه است ، ولی اغلب شبانان چادر نشین نیز در جریان تغییر مکان عادی خود ، کالاهای تجارتی را حمل و آنها را باجنسهای دیگر مبادله میکنند و یا میفروشند . خصوصاً این مبادله و فروش در نقاط دور دست ، و یا زمانی صورت میپذیرد که قسمت اجناس بنحو مخصوص بالا بوده و سود بیشتری برای آنها دربردارد . هیئت و وقار جسمی چادر نشینان ، اسلحه هایشان و تشکیلاتشان بآنها اجازه اینرا میدهد که با موفقیت به کار قرض دادن بپردازند . و این کار را بمناسبت وجود تضمین های فوق ، برپایه وری ترجیح میدهند . وابستگیهایی که طلبکار را به بدهکار میپیوندد سبب میگردد که محصولات کشاورزی بمیزان فراوان بدست این چادر نشینان برسد و اغلب اتفاق میافتد که روابط مزبور سبب تعلق گرفتن عنوان مالکیت قطعه زمینی بآنها بشود .

باری حتی به هنگامیکه نقش چادر نشینان و یکجانشینان بطور کامل باهم اختلاف ندارد و ادغام این دو جامعه بوسیله هیچگونه مکانیسم اقتصادی تأمین نمیگردد ، ساختمان و شکل مصرف چادر نشینان آسیای جنوب غربی باتوجه به اهمیت و طبیعت آن در همه جا ایجاب میکند که آنها رابطه خودشان را باجوامع یکجانشین حفظ نمایند . بنابراین هیچ منطقه ای نیست که در آنجا چادر نشینان در زندگی اقتصادی آن دخالت نداشته باشند ؛ ولی سابقه دارد که در گذشته این امر بنحوی صورت میگرفته است که برای یکجانشینان مزایای بیشتری دربرداشته است .

زمانیکه چادر نشینان در زندگی اقتصادی منطقه بصورت تولید کننده متخصص خود را داخل نمیسازند ، این امر را خواه از طریق اعمال زور خواه بصورت ایفاء نقش مالک و یا اجاره دار وبالاخره بصورت کارگران زراعی فصلی بمورد اجراء درمیآوردند .

این حقیقتی است که چادر نشینان تمام منطقه در یک سیستم اقتصادی بسیار وسیع مجتمع گشته‌اند و با این مبنا می‌گوئیم، هر تغییری که بر جمع آنها و همچنین بر وضع و چگونگی زندگی آنها وارد بیاید، انعکاسهای مستقیمی را بر روی زندگی اقتصادی جوامع یکجانشین بدنبال خواهد داشت.

این عاملی است که باید همیشه وقتی می‌خواهیم طرحهای اجرایی سازمانی را در مورد چادر نشینان بموقع اجراء در آوریم، مورد نظر قرار دهیم و حتی وجود شیوه‌های گوناگون زندگی در داخله تمدنهای مختلف چادر نشینی، طراحان ویرانه‌ریزها را میتواند بسوی انتخاب راه‌حلهای مناسب مختلف هدایت نماید.

تشکیلات سیاسی

آنچه که سبب فرق میان شبانان چادر نشین از بقیه گروههای حرفه‌ای دیگر منطقه می‌گردد، عبارتست از تشکیلات مشترک سیاسی آنها، یعنی رژیم سیاسی ایل. این رژیمی که محیط عمل آن بسیار وسیع میباشد، بصورت یک مجموعه کامل از قوانین و حقوق سازمانی و قوانین عمومی جلوه گر می‌گردد.

اگر مشکلاتی که میان چادر نشینان و قدرتهای مرکزی بوجود می‌آید، در اصل مربوط به اختلاف شکل و ساختمان تشکیلات مرکزی با مفهوم تازه آن و شکل و ساختمان رژیم ایلیاتی میباشد. این اختلاف مانع آن می‌گردد که نهادهای ایلی خود را به مجموعه کادر سلی وابسته بگردانند.

بنظر میرسد کوشش‌هایی که به وسیله سازمانهای مملکتی برای استفاده از نهادهای ایلی یا جانشین ساختن شیوه‌های تشکیلاتی دیگری بجای آنها که بهتر بتوانند قابل انطباق با سیستم مرکزی باشند، منجر بآن می‌گردد که در هر دو مورد مشکلات بزرگ و اختلافهای پنهانی بخصوصی هویدا گردد.

در دنباله این قسمت کوشش خواهیم نمود که ساختمان سازمانهای سیاسی

ایلات و جریانهای را که سبب حفظ و نگهداری آنها میگردند، تجزیه و تحلیل نمائیم. همچنان مکانیسم‌هایی که بوسیله آنها سازمانهای سیاسی ایلات، موفق میشوند خود را به ارگانهای حکومت‌های نوین وابسته بسازند مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

وجود گوناگونی فراوان شیوه‌هایی که سازمان سیاسی ایل را دربرمیگیرد، این تجزیه و تحلیل را بقدر کافی پیچیده میسازد. با اینوصف، در تمام منطقه مورد بحث دراصل وپایه تشکیلات سیاسی آنها وجود برخی منافع دسته جمعی و مشترک اساسی را باز مییابیم. این منافع است که تمام اعضاء جوامع چادر نشین که در قلب این سازمانها مجتمع گشته‌اند در آن سهیم میباشند.

این منافع مشترک شامل دفاع از خود جامعه، حقوق مربوط به چراگاه مشترک و ترتیباتی است که برای ایجاد سهولت و همکاری در موقع کوچ‌های بزرگ صورت میپذیرد.

با وجود آنکه این منافع، همگی دارای همان اهمیت نسبی در مناطق مختلف نیستند، میتوان آنها را بصورت یک منبعی که سبب پیدایش سازمانهای سیاسی ایلی گردیده‌اند مورد نظر قرارداد.

اهمیت مخصوصی که دفاع از خود جامعه در بردارد به تعدادی از عوامل وابسته است.

از جمله آنکه سرزمینهای مسیر چادر نشینان از سرزمین‌های بزرگی تشکیل یافته است که تقریباً عاری از خانه‌های همیشگی است؛ و در نتیجه امنیت محل در این نقاط در تمام اوقات بمیزان زیاد ناپایدار میباشد و هنوز نیز نسبت به نواحی پر جمعیت کمتر قابل اطمینان است.

گاه نیز پیش میآید که ایل در طی مسیر خود از بعضی محیط‌هایی که ناامنی بنحو مخصوص در آنجا خطرناک جلوه‌گر میشود عبور نماید، و این سری است که آنها را مجبور میکند بطور موقت به بعضی فرسهای مخصوص تشکیلاتی و سازمانی متوسل شوند؛ نظیر کاروانهای بزرگی که چادر نشینان در موقع عبور از نواحی ایلیاتی

پاکستان غربی، که فاقد سازمانهای دولتی هستند تشکیل میدهند .
امکان دارد که حتی قسمتی از عدم امنیت محلی مربوط به حضور خود چادر نشینان
باشد، با اینحال این امر سبب نمیشود که هر اردوگاهی از برقراری یک سیستم دفاع
از خود بطور دائم بی نیاز باشد .

علاوه بر این، طبیعت دارائی و اموال چادر نشینان چنانست که منحصرآ تشکیل
اموال و اشیاء منقول را میدهد و براحتی قابل دزدیدن و ربودن میباشد، در حالیکه
بعکس زمینهای مربوط به کشت کاران و محصولات کشاورزی برداشت نشده ایشان
در معرض چنین خطری نیست؛ در نتیجه طبیعت اموال چادر نشینان چنان است که آنها
را در برابر دزدی آسیب پذیر میسازد. و بالاخره جابجاشدنهای همیشگی که مشخص
چادر نشینی است، آنها را ملزم میسازد که منحصرآ سیستم دفاعی مربوط به گروه
را متکی بر سازمان سیاسی و نظامی خویش سازند .

چادر نشینان برخلاف ساکنان مقیم اغلب نقاط حاشیه ای آسیای جنوب غربی،
نمیتوانند به استحکامات دفاعی دائمی تکیه نمایند؛ بلکه با تأمین و ذخیره مهمات،
برای افزایش قدرت دفاعی، قدرتی که بطور کامل متکی بر روی تعداد نفراتی است
که آنها میتوانند بکمک تشکیلات سیاسی ایل در اختیار داشته باشند، وضع دفاعی
خود را تأمین مینمایند .

از طرف دیگر چادر نشینان دارای منافع مشترکی بر روی مسیرهای مشاعی
هستند که شامل منطقه مخصوص یک ایل یا تیره ای از آن میباشد. وجود این منافع
مشترک سبب میشود که آنها بصورت یک واحد متشکل در سراسر محیط زندگی خویش
ظاهر شوند. این منافع که به چادر نشینان تعلق دارد، گاهی بصورت خالصه و یا
بخشش انجام گرفته و به نحوی بوده که مقامات مملکتی با آن موافقت داشته اند. گاهی
نیز این منافع بر اساس سنت و یک رشته مقررات قدیمی با آنها تعلق گرفته است. مبنای
این حقوق دسته جمعی هر چه میخواهد باشد، اهمیتش در اینست که کسب کنندگان
آن قادر هستند از تجاوز و تخطی دیگران بر روی قلمرو مربوط بخود جلوگیری نمایند.

بعبارت دیگر اینکه ، آنها دارائی و ثروت خویش را توسط یک تشکیلات مناسب حفظ مینمایند .

از طرف دیگر ایجاب مینماید که حتی در داخله خود گروه نیز برای اطمینان در امر تقسیم چراگاههای فصلی و ازمیان بردن سرافعه ها و کشمکش هائی که میان اعضای گروه بر سر استفاده از چراگاه پیش میآید ، توقعات و امیال افراد را در اختیار گرفت و کنترل نمود . چنانکه تشکیلات ایل نقش مزبور را نیز بعهده دارد .

وبالاخره سومین عاملی که بمناسبت وضع و شکلش در سیستم سیاسی ایلی دخالت مینماید و شرکت میجوید ، لزوم رهبری و هدایت و تنظیم کوچهای بزرگ فصلی مربوط به مردمان چادر نشین است .

در بهترین شرایط این امر باید در بهار و پائیز انجام پذیرد ، و در حالیکه باهستگی حیوانات را در حال چرا بجلو میرانند یک راه پیمائی طویل در حدود چندین صد کیلومتر انجام میپذیرد . در انجام این راه پیمائی ، در مسیرهای آنها آبروهای تنگ و باریک ، گردنه هائی که اهمیت استراتژیکی دارند ، دره های ژرف و کم عرض و سایر عواض قرار دارد . و آنها بطور اجبار باید به همراه صدها هزار حیوان از این نقاط عبور نمایند؛ و در اینجا است که اگر بخواهند از نابودی قسمتی از حیوانات جلوگیری نمایند تنظیم حرکات مربوط به عبور ضروری و گریزناپذیر است .

با تنظیم حرکات مزبور از بسته شدن راههای عبور و مرور و مصرف یکباره علوفه چراگاه و آبشخوارها ، توسط گله های دسته های اول کوچ کنندگان که سبب از دست رفتن قسمتی از گله های بعدی میگردد ، جلوگیری خواهد شد .

در حقیقت باید گفت برای سهولت کار است که حقوق مربوط به چراگاه در بند بالا بصورت حقوق «برروی محیط و منطقه» مشخص گردیده است . چنانکه قبلاً متذکر گشتیم ، گروههای مختلف چادر نشین معمولاً طرح های مربوط به کوچ را چنان تنظیم میسازند ، که یکی در پی دیگری مسیر را طی نمایند . اغلب بعضی نواحی چراگاههای زمستانی و یا تابستانی جزء اسلاك انحصاری این یا آن گروه قرار

دارد . ولی همین گروهها در سواقع مختلف سال حقوق مربوط به استفاده از چراگاه را در نواحی دیگری که بر حسب زمان و مکان حدود آن مشخص میباشد، بدست میآورند . زمانی یک گروه چادر نشین حق عبور از یک منطقه را در یک موقع معینی از سال بدست میآورد که حقوق مربوط به استفاده از چراگاههایی که متعلق به همه دسته ها و گروهها میباشد، از گروهی به گروه دیگر قابل واگذاری باشد . باین ترتیب که یک گروه این حق را برای هفته بعد بگروه دیگری از چادر نشینان تفویض نماید و آن دیگری نیز برای مرحله بعدی حق مزبور را به گروه سومی که بر حسب نوبت خود در ردیف جانشینی و ترتیب عبور قرار گرفته است واگذار سازد .

چنانکه در جای دیگر متذکر شدیم ، حقوق چادر نشینانی که در منطقه وسیع و مسافت زیادی به کوچ میپردازند ، خصوصاً در قسمت بزرگی از منطقه مشتمل بر مجموعه ای از حقوق جزئی است و نه یک حقوق خالص و ساده بر روی یک یا چند محیط و قلمرو .

تنظیم و تطابق دادن پایدار و مستمر شیوه حق استفاده مشترك و نوبتی از مسیرها و چراگاهها ، در جامعه شبانی ، ایجاب میکند که تغییر مکانهای گروههای چادر نشین با دقت ترتیب و تنظیم داده شود .

درست است که زمان باروری چراگاههای مختلف خود یک نظم شگفت آوری را نشان میدهد ، ولی هر سال نسبت بسال دیگر دگرگونیها و اختلافهایی بعمل شرایط جوی پیش میآید که منجر به تغییراتی در تقویم ثابت مربوط به زمان کوچ میگردد ؛ و بنابراین تمام گروههایی را که سیماست بدنبال هم در روی یک مسیر مشترك براه بیافتند ، مجبور میسازد که خود را با این تغییرات سازش بدهند و حرکات خود را با آن هم آهنگ سازند .

از طرف دیگر ، در شرایطی که تقسیم حقوق بصورت مطلق صورت میپذیرد ، و قابل انطباق با شرایط اکولوژییک در مراحل مختلف حاصلخیزی چراگاه نیست ، اتخاذ ترتیب ها و نظام های رهبری کننده و تصمیم گیرنده مؤثر ، برای حفظ و رعایت

و اجرای کامل یک مقررات واحد و احترام به حقوق گروه‌های مختلفی که همگی یک مسیر کوچ یا ایل راه را برمیگزینند، الزام آور و ضروری است.

بنابراین وجود تشکیلات سیاسی، پاسخ بیک احتیاج بهریم است، و در عمل بنظر می‌رسد تنها نظارت و مقررات چندی که در این زمینه توسط مردمان چادر نشین منطقه تنظیم یافته است، برای آنکه حقیقتاً این تنظیم و ارتباط را محفوظ بدارد مؤثر می‌باشد.

فرمولهای مزبور یا اینکه واجد خصوصیت‌های مورد نظر است و یا بقدر کافی مورد قبول و عمل می‌باشند. باین دلیل است که این طرح‌های پیچیده مربوط به جانشینی گروه‌های مختلف برای استفاده کامل از چراگاه‌ها جز در مناطق کاملاً مشخص در سایر نقاط مشاهده نمی‌گردد.

با توجه باین عوامل اصلی، که بصورت‌های مختلف ترکیب یافته‌اند، سه نوع جامعه سیاسی اصلی درین چادر نشینان آسیای جنوب غربی بوجود آمده و تحول یافته است که عبارتند از:

۱- اردوگاه‌های «منفرد» که بر مبنای خانواده و بدون وابستگی سیاسی با سایر اردوگاه‌های چادر نشینان پایه گذاری شده است؛ این اردوگاه‌های منفرد اغلب دارای روابط مخصوص و نوعی وابستگی بایک یا چند رئیس و یا صاحب قدرت سیاسی جامعه یکجانشین می‌باشند.

۲- گروه اردوهای بهم پیوسته، بر مبنای نسب پدری، که بمناسبت وجود اولاد‌های مختلف خانواده، به تقسیماتی چند منقسم گشته و بدون رئیس می‌باشند.

۳- گروه اردوهای که تقسیمات آن یک ساختمان شبیه و نزدیک به گروه «هم‌دودمان» را نمایان می‌سازد، و بمناسبت قبول داشتن و پذیرفتن یک رئیس مافوق تشکیل یک واحد را داده‌اند.

از این سه نوع، اولی بطور کلی بر پایه لزوم و ضرورت دفاعی پایه گذاری شده

است ؛ و معمولاً* پائین بودن سطح اقتصادی و محدود بودن نسبی میدان عمل دسته جمعی از مشخصات آنها میباشد .

درست است که گروههای مرکب از اولادان یک دودمان نیز از نظر اهمیت معرف یک تشکیلات دفاعی نظامی میباشد ، اما معمولاً در گرد یک قلمرو کاملاً معین و مشخص که مرکب از سرزمینها و حقوق مربوط به چرامیباشد ، ترکیب یافته و تشکیلات داده اند .

وضع تشکیلات ایلی که بوسیله یک رئیس رهبری میشود به همان منظورهائی که دوشیوه دیگر پامخ میدهند ، جواب گو میباشد ؛ تنها بنظر میرسد که در این نوع سازمان رهبری که عمل تنظیم و ترتیب جانشینی و حرکت گروههای مختلف را در مجموع عملیات مربوط به کوچ بعهد دارد ، بوجود میآید .

تشکیلات سیاسی ایلی که برپایه وجود یک رئیس یا خان قرار گرفته است ، فراوانترین نوع تشکیلات ایلی است که در این منطقه بان برخورد میکنیم .

در ایلهائی که بدینگونه ترکیب یافته اند ، سازمانهای سیاسی مخصوص بطور معمول سبب تقویت قدرت خان ایل میگرددند . مهم اینکه خان مزبور بوسیله یک گروه رزمی از مردان که بطور مستقیم زیر فرمان او هستند یاری میشود . در بهترین حالات ترکیب چنین گروهی بایستی دقیقاً تقسیم بندی جزئی ایل را به تیره ها و اردوها منعکس ساخته و یا برعکس بکلی دور از آن باشد ، بنحوی که از هرگونه وابستگی و وفاداری مستقیم با این یا آن عنصر ایلی برحذر باشد .

در مواقع خطر و بحران این گروه رزمی وظیفه گارد شخصی خان را نیز بعهد دارد . این گروه مردان جنگی بصورت های مختلف ترکیب میگرددند ، از جمله مردانی که از میان تیره های مختلف ایل بخدمت گرفته شده اند (نوعی شبیه به سرباز گیری) و یا مردانی که بطور موقت اجیر شده اند ، و بالاخره از مردانی که وابستگان خود و وظیفه برپاداشتن چادرهای خان را بعهد دارند ، (عمله ها) و اغلب شامل مهاجرانی هستند که دارای هیچگونه حق ارثی بر روی زمینهای ایلی نیستند .

این گروه برای خان نفعی جز آنکه افراد ایل اورا بعنوان شخص و مقام بالا بشناسند دربر نخواهد داشت. این گروه مسئول اجراء و انجام تصمیمات خان است و همچنین برای برقراری نظم در میان تیره‌ها در مواقعی که منجر به قیام دسته جمعی ایل میشود دخالت مینماید.

روابط این جوامع سیاسی چادر نشین با جامعه یکجا نشین تحت نفوذ دوا سر قرار دارد.

۱- میانجیگری میان اعضاء جوامع یکجا نشین محلی و ساکنان چادرها، و همچنین برقراری قواعدی که روابط متقابل آنها را معین میسازد.

۲- ادغام ساختن سازمان ایلی در سیستم سیاسی ملی مربوطه.

مسئله اول از دو مطلب فوق وابسته است به اختلاف اصولی میان کیفیت زندگی مردمان یکجا نشین و چادر نشینان. علت بروز کشمکش‌هایی میان افراد وابسته است به روابط داخلی اجتماعی بین دو گروه مزبور. با توجه باینکه افراد جوامع مورد بحث ما از طریق راههای ارتباطی منطقه با هم در ارتباط میباشند، کشمکش‌هایی که بین آنها در یک محیط جغرافیائی بروز میکند سبب جدائی‌شان از هم نميگردد. در میان افراد یکجا نشین و همچنین میان چادر نشینان، این همزیستی در یک محل بخصوص (یا پیاپی هم در نقاط مختلف) تقریباً بطور دائم وجود دارد. و بر اساس وجود این اصل است که دو گروه مزبور چگونگی حکمیت مربوط به اختلافها را پایه گذاری نموده‌اند.

وقتی که اختلافی میان یک چادر نشین و یک فرد ساکن بوجود میآید وضع کاملاً برای هر دو بیک صورت نیست، زیرا که زندگی فرد چادر نشین وابستگی کامل به عزیمت فوری او در انقضای موعد مقرر از محل اردو دارد، در حالیکه شرایط و اوضاع زندگی یک فرد ساکن ایجاب میکند که در دهکده خویش ساکن باشد. بنابراین ضروری است که میانجی‌گری میان چادر نشینان و ده نشینان بوسیله ترتیبات مناسب محفوظ بگردد؛ تا در نتیجه دسته اول (چادر نشینان) علی‌الرغم زندگی

سرگردان و خانه بدوش دائمی، بتوانند از نوعی ثبات و از یک شیوه امنیت متقابل بهره‌مند شوند. نقش مزبور در اینجا به‌عده تشکیلات سیاسی است. معمولاً در مواقع بروز اختلاف، ساکنان دهکده کوشش مینمایند تا تشکیلاتهای اداری و سیاسی مربوط به جامعه یکجانشین را برای دفاع از حقوق خود تجهیز نمایند.

این محقق است که کوشش آنها برای طرف ساختن سازمانهای دولتی با چادر نشینان سرانجام به نتیجه میرسد، ولی باید دانست که انجام آن محتاج به زمان است. زیرا در موقعی که نزاع و کشمکش رخ میدهد بهیچوجه اسکان ندارد که به فرد چادر نشین بر اثر یک حضاریه، برای حضور یافتن در برابر باز پرس یا قاضی دسترسی پیدا کرد زیرا که حادثه مزبور در ناحیه‌ای اتفاق افتاده که طی چندین هفته پیش فرد چادر نشین از آن عبور نموده و در نتیجه باقوی دلیل او از حضاریه قاضی تمکین نخواهد نمود. اگر بخواهیم اختلافهایی را که باین ترتیب پیش آمده بدون اتکاء زور و فشار از میان ببریم، باید که جامعه چادر نشین نیز بتواند بنوبه خود به تشکیلاتی که معرف او در برابر سازمان محاکمات جوامع ساکن باشد متکی گردد.

برای رسیدن باین مقصود فرد چادر نشین میتواند به یک مدافع از جامعه ساکن و یا به خان ایل مراجعه کند. و این درحالی است که ایل بر حسب شیوه مرکزیت تنظیم یافته و شکل گرفته باشد.

بنابراین برقراری روابط مستقیم میان تشکیلات سیاسی دو جامعه چادر نشین و ساکن غیر قابل احتراز است.

در چنین وضعی است که باید دریافت به چه صورت و در تحت چه شرایطی سازمانهای دولتی، باید خانهای گروههای چادر نشین را بر سمیت بشناسند و با آنها بنحوی سلوک بنمایند.

سازمانهایی که افراد مقیم و یکجانشین با آنها رابطه دارند قسمتی از دستگاه کلی مملکتی را تشکیل میدهند، موضوع مورد بحث در اینجا اینست که بدانیم خانها و رؤسای ایلات چادر نشین چه موقعیتی را میتوانند در داخل این دستگاه مملکتی داشته باشند.

در حکومت‌هایی که ساختمان و شکل سنتی و قدیمی نیمه فئودال خود را حفظ کرده‌اند، رؤسای ایلات می‌توانند بدون زحمت در کنار تیولداران و اربابان نواحی سردمان یکجانشین قرار بگیرند و در دستگاه آنها جای گیرشوند.

با وجود این وقتی که تشکیلات ایلات بر مبنای دودمان و بدون وجود خان یا رئیس استوار و سازمان یافته باشد، (مانند آنچه که در بین بعضی از چادر نشینان پاتان^(۱) وجود دارد)، سازمانهای دولتی، نتوانسته‌اند از این وضع استفاده نمایند و یاری بخواهند و در نتیجه آنها خان‌هایی را منصوب ساخته‌اند تا خود را با یک فرد مسئول روبرو بدانند. این افراد مسئول در مجموعه رژیم ایلی تنها بصورت سخنگوهای رهبران دودمان ملاحظه می‌گردند. و در اینحال موقعیت آنها بوسیله پشتیبانهای خارجی تقویت می‌گردد و روابط آنها با مراکز اجتماعات ساکن، بیش از پیش گرایشی در زمینه تحول تشکیلات سیاسی ایلی از شکل بدون خان و رئیس را بسوی شیوه متمرکز نشان می‌دهد.

در دوران کمونی، جنبه‌های کاملاً تخصصی ارگانهای مختلف دولتی و تحولات سازمانهای رسمی محلی که تا نواحی دور دست بسط یافته است، بیش از پیش روابط سازمانی و اداری را با رؤسای ایلات پیچیده‌تر ساخته و مقوله‌های تازه‌ای از مشکلات و مسائل مورد نظر را پدیدار ساخته است.

یکی از مشکلاتی که امروز در برابر سازمان دولتی قرار گرفته، ناشی از تخصیص و چگونگی مسئولیت منطقه‌ای سلسله مراتب سازمان اداری است. سلسله مراتبی که از پلیس و دادگاه و بخشدار تابع که مسئول یک حوزه محدود و کلیه مسائل کوچک وابسته بآن می‌باشند، شروع میشود و تا مرحله کار گزار عالی مقامی که مسئولیت امور مهمتر و مورد توجه یک بخش وسیع را بعهده دارد پیش میرود. و بالاخره این سلسله مراتب بمرحله مقام استاندار استان میرسد.

چادر نشینان در این ساختمان و سازمان نمیتوانند جائی داشته باشند زیرا با وجود

اینکه اختلافات یا مسائل مربوط به حکومت و سازمانهای دولتی که شامل چادر نشینان میگردد، اغلب اوقات تشکیل امور جزئی را میدهند، با اینحال همین امور جزئی نیز باید در مقیاس منطقه ای استان طرح شوند، و چنانکه در حد بالاتری باشند، اجباراً باید استانداران در آن دخالت نمایند و یا حتی حکومتها در مذاکرات بین المللی راجع بآن به بحث پردازند.

بنابراین، سازمانهای جدید دولتها از یک خشکی مخصوص مربوط به شکل و ساختمان برخوردار هستند که عملاً هرگونه اسیدی را به از بین بردن این مشکل بر مبنای اصول از بین میبرد.

اکنون اگر چنانچه چگونگی عمل را در نظر بگیریم نه ساختمان و جنبه تئوری اسر را محقق خواهیم داشت که امکان دوری جستن از این مشکل میسر بوده است. حتی اگر خان چادر نشین نیز بطور رسمی مقام و موقعیتی در سازمان اداری معمول مملکتی نداشته باشد، بعنوان عامل ارتباطی نقش کمتری را بر عهده نخواهد داشت. نقشی که فشار آن بر روی تصمیمات متخذه دستگاه کافی بنظر میرسد.

رؤسا و خانهای ایلات با اهمیت هرچه تمامتر در زمره برگزیدگان محل در حکومت نشینهای ایالات شرکت میکنند و از آنجا خارج از کادر رسمی، با مسئولان اداری و رؤسای نظامی مراوداتی برقرار میسازند، این روابط دارای ارزش سیاسی مهمی است، که بآنها اجازه میدهد تا برای تغییر در تصمیمات، بنفع ایل خویش دخالت نمایند.

و این اسر تا بآن حد است که این خانها معمولاً ارتباطهای بالاتری را با مقامات مسئول در پایتخت های مختلف از جمله: بغداد، تهران، کابل، لاهور و یا «ایمت آباد»^(۱) برقرار میسازند.

منظور و نظر دورتری که ظاهراً مورد توجه مقامات مرکزی میباشد، عبارتست از جایگزین ساختن کامل نهادهای سیاسی چادر نشینان بوسیله شعبه ای از تشکیلات

وسازمان مرکزی، و این اسری است که هنوز خیلی زود است بصورت عمل درآید و چیزی جز نوشته‌ای بر روی کاغذ نیست.

از طرف دیگر عادات زندگی چادر نشینان مسائل و مشکلات خاصی را که سبب بعقب افتادن نیل باین منظور و هدف است در برابر تشکیلات دولتی قرار می‌دهد. مهمترین این مسائل عبارتست از امر مربوط به ارتباطات؛ یک ایل چادر نشین، حتی بطور نسبی کم جمعیت، در تمام مواقع سال بر روی منطقه‌ای بوسعت ... ه کیلومتر مربع که عملاً فاقد راههای ارتباطی است، بصورت جوامع محلی از ه تا ه خانوار بطور پراکنده زندگی میکند. حتی در مناطقی مانند جنوب ایران، که ارتش بطور مستقیم برایلات حکومت مینماید و وسایل جدیدی مانند جیب و بی سیم و غیره در اختیار دارد؛ بنظر نمی‌رسد که نظامیان موفق شوند تسلط خود را بر روی جنبش‌های این اجتماعات حفظ نمایند و حتی اینکه بتوانند اعمال و حرکات آنها را بطور کامل کنترل نمایند.

از طرف دیگر خود تشکیلات دولتی بر روی ارتقاء درجه در سلسله سراتب ملی پایه گذاری گردیده، و باین ترتیب مشکلات محل بر اثر تغییر و تبدیل مداوم س‌سوران و ورود افراد جدید شدت می‌یابد؛ زیرا که انتصابات انجام شده در مورد مقامات صاحب قدرت هر منطقه بدون در نظر گرفتن خصوصیات محلی صورت می‌پذیرد.

غیر از عواملی که معمولاً بحساب می‌آیند، یک اختلاف اساسی ناشی از شکل و وضع قدرت‌ها و فشارهایی که خانها و رؤسای محلی ملزم و مجبور باطاعت از آنها هستند و قدرت‌ها و فشارهایی که بر حکمران محلی که برگزیده حکومت مرکزی است وارد می‌آید، وجود دارد.

قدرت رؤسا و خانهای ایلات متکی است بر کوشهای محلی، آنها اغلب میتوانند ایل را فریب بدهند و هدفهای آنها برای خدمت به منافع شخصی خود، بضرر آن طبقات منحرف سازند. ولی خود بخود محدودیتهائی وجود دارد که آنها را از زیاده روی در این راه باز میدارد، و این محدودیته‌ها عبارتست از معزول کردن

آنها توسط ایل ویا خلع آنها توسط یک رقیب دیگر.
در مقابل رؤسای ایلاتی که توسط سازمانهای دولتی برگزیده شده‌اند این قدرتهای محدودکننده را نادیده میگیرند.

یک حکمران تحمیلی که قدرتشن را از خارج ایل کسب میکند حتی در نهایت حسن نیست، میتواند نسبت به خواسته‌ها و فشارهای وارد از جانب افراد ایل بدون تفاوت بماند و منطقه خود را بصورت استبدادی کامل اداره نماید، بدون آنکه کوچکترین حساسی بر روی مشکلات چادر نشینان و احتیاجاتی که آنها آنرا احساس میکنند بنماید.

در اینجا لازمست که از خود پیرسیم آید در چهارچوبه اقدامات عادی موفق خواهیم شد که فرمولهای مسالمت آمیزی برای از میان بردن مسائل و مشکلاتی که از جانب سازمان گروههای چادر نشین بوجود آمده، بدست آوریم یاخیر.

مسائل مربوط به جمعیت

بعد از مطالعه ای که بطور اختصار در زمینه‌های: مبانی اکولوژیکی چادر نشینی شیوه اقتصاد و شکل‌های گوناگونی که بر اساس آنها زندگی چادر نشینی از نظر طرح اجتماعی و سیاسی در منطقه مورد بحث تشکیل گردیده، انجام دادیم؛ باقی میماند اینکه یک مقوله دیگر از عوامل تحلیلی را که بر روی موقعیت و وضعیت پدیده چادر نشینی در آسیای جنوب غربی اثر میگذارد، مطالعه نمائیم. و این مقوله عبارتست از قوانین دموگرافیک که جمعیت از آنها تبعیت میکند.

در این منطقه هنوز، قسمت مربوط به چادر نشین‌ها بصورت جداگانه مورد نظر قرار نگرفته، و آنچه که مطالعه آن حائز اهمیت است، عبارتست از اینکه از یک جهت تعادل میان میزان باروری گروههای مختلف منطقه را بدست آوریم و از جهت دیگر، حرکات و تغییرات مربوط به افراد را که در یک گروه نسبت به گروه دیگر

وحتی درخود یکگروه صورت میپذیرد مورد بررسی قرار دهیم .

دراینجا اطلاعاتی که دراین زمینه دراختیار داریم ، امکان میدهند که یک نظر کاملاً تقریبی نسبت به وضعیت حقیقی بدست آوریم .

تا مدت زمانی پیش ، تمام گروههای انسانی مناطق کوهستانی و فلاتهای مرتفعی که دراینجا مورد بحث ما میباشند ، بطور کامل از داشتن کمکهای پزشکی بی بهره بوده اند . ازطرف دیگر میدانیم که از چند قرن پیش تا بحال حرکت های مربوط بجمعیت ، مانند قحطی واگیرهای موسمی ، ضعف مربوط به میزان باروری ، چنان جریانی داشته اند که باتوجه به بعضی نوسانهای نزدیک بهم ، یک وضع نسبی ثابتی را درزمینه تعداد جمعیت کلی نشان میدهند .

با وجود این مقایسه میان شرایط زندگی دهات و اردوهای چادرنشینان ، چنانکه تا این اواخر بچشم میخورد ، بعضی اختلافها را هویدا میسازد و مجموع آنها توجه را باین اسر جلب مینماید که میزان افزونی زاد و ولد در نزد چادرنشینان باید بیشتر از جوامع ساکن باشد .

رژیم غذایی ساکنان ده در عمل دارای تعادل و توازن بهتری است و شامل مقدار بسیار قوی تری از پروتئین نسبت به غذای چادرنشینان است .

اما از نقطه نظر بهداشتی وآب وهوا شرائط زندگی چادرنشینان مناسب تر از ده نشینان است ؛ و بالاخره ساکنان چادرها از نظر واگیری بعلت پراکندگیشان در محیط ، کمتر آسیب پذیر میباشند .

از ارقام مربوط بیک سرشماری که از یک گروه بخصوص بدست آمده (یکی از ایلات جنوب ایران) بیک میزان زاد و ولد بسیار بالائی درین مردم منطقه مزبور برخورد نموده اند که در طی دونسل یک فاکتور ۳ درصد را در مورد هر نسل نشان میدهد .

درست است که شاید این عدد نسبت به میزان متوسط برای مجموعه جمعیت وافراد چادرنشین بیشتر باشد ، ولی تقریباً این قطعی است که در زمان کنونی رابطه میان میزان زاد و ولد وبیزان مرگ و میر بطور قوی درین بقیه گروههای چادرنشین

نیز مثبت میباشد ، و همین وضع در گذشته نیز بین اغلب آنها وجود داشته است .
 - در تمام مدتی که رقم جمعیت بطور ثابت برقرار است ، یک عدم تعادل
 دموگرافیک همیشگی میان عوامل چادر نشین و عوامل ساکن وجود دارد و سبب
 سرازیر شدن و مهاجرت چادر نشینان بطرف نقاط ساکن میشود . و این پدیده ایست
 که در تمام ایام در خاور میانه در جریان بوده است .

بر اثر جریانی خاص حرکات داخلی مربوط به جمعیت ، بطور مداوم تحت
 تأثیر کامل عزیمت ساکنان نقاط کم جمعیت بسوی نقاط پر جمعیت است ؛ از طرفی
 نیز میدانیم که مشخصه جمعیت این نقاط (نقاط پر جمعیت) پائین بودن میزان
 زاد و ولد است .

آنچه که در این نوسانات در مرحله اول برای ما قابل اهمیت است عبارتند از
 جریان مربوط به یکجانشینی و چادر نشینی . بنظر میرسد که در هر نسلی تعداد بسیاری
 از افراد ایلات بدلیل مختلف از چادر نشینی صرف نظر میکنند و در محل ثابتی بصورت
 کشاورز و یا شهر نشین ساکن میگردند . چنانکه کمتر ادوی چادر نشینی وجود دارد
 که در آن صحبت از اسکان یافتن برخی از بستگان نزدیک آنها در بین نباشد .

عکس امر فوق نیز صادق است ، و ده نشینانی که به زندگی چادر نشینی
 پرداخته اند نیز تعداد ناچیزی نیستند .

با وجود این ، بنظر میرسد که پدیده مزبور یعنی بازگشت ده نشینان بزندگی
 چادر نشینی نمیتواند بقدر کافی جبران تعدادی را که به زندگی ساکن و یکجانشینی
 در یک منطقه روی میآورند بنماید . و بعکس ، جنبه انتقال و بازگشت مردم به زندگی
 شبانی در هنگامی صورت میپذیرد که یک بحران سریع در سازمان مملکتی رخ میدهد
 و مقارن است با ایامی که شورش و هرج و مرج پدیدار گشته است ؛ و در جریان این
 وضع است که تعداد بسیاری از افراد مقیم و یکجانشین بر اثر از دست دادن مقدار
 فراوانی از زمین زراعتی شان ، از دهکده ها رانده میشوند .

مهمترین جنبش و تغییرات از نظر جمعیت در این مناطق عبارتست از اسکان

چادرنشینان ، که بصورت‌های مختلف ذیل انجام میپذیرد :

۱- فتح و تسخیر نظامی یک سرزمین که بدنبال آن ایل خود را بصورت یک طبقه برجسته مالک درمیآورد .

۲- انجام سرمایه گذاری که منجر به تغییر شکل و وضع چادرنشینان و تبدیل آنها به طبقه مالکان میشود .

۳- و بالاخره اسکان چادرنشینان بر اثر فقر ، باینصورت که یک فامیل بر اثر از دست دادن تعدادی از چهارپایان خود دچار فقر و گرسنگی میشود و برای جلوگیری از مرگ بجهتجوی کار دردهات میپردازند ، و در آنجا ساکن میشوند .

در بیشتر قسمتهای منطقه مورد مطالعه ما ، موضوع فقر شایع ترین علت برای رها کردن زندگی چادرنشینی میباشد .

ازسوی دیگر چادرنشینان معمولاً اسکان یافتن در یک نقطه را منتج به بروز حوادث بدو واژگون بختی خویش میدانند .

بطور معمول کم گشتن سریع تعداد گوسفندان و چهارپایان منتج بان میشود که دامپروران چادرنشین بجهتجوی منابع درآمد تکمیل کننده دیگری بپردازند . اگر چنانکه چادرنشینان دارای حق مالکیت باشند ، میتوانند با انجام کار کشاورزی بر روی زمین خویش ، مشکل خود را حل سازند .

در غیر اینصورت دهات انواع کارهای موسمی از قبیل : درو ، حفاظت از چهارپایان افراد ساکن در ده ، شخم و غیره را در اختیار آنها خواهند گذارد . در تمام این احوال چادرنشین خود را برای مدتی وابسته به جامعه یکجانشین مییابد ، آنچه که مانع میشود تا او در امر جابجائی و کوچ های معمول شرکت جوید ؛ و بالاخره منجر بان میگردد که در امر نقصان پذیرفتن تعداد چهار پایان او تسریع شود .

بنابراین سابقه نشان میدهد ، چنانکه چادرنشینان دچار فقر شوند ، ساده تر میتوان آنها را تابع کار در دهکده گردانید . و بالاخره منجر بان میشود که آنها بصورت طبقه کارگر در جامعه یکجانشین ادغام شوند .

آخرین نکته ای که ذکر آن در اینجا از نظر دموگرافی لازم بنظر میرسد عبارتست از اینکه از سال ۱۹۴۵ میزان افزایش نوزادان در جوامع ساکن منطقه مورد بحث ما بطور محسوس فزونی یافته است. در حالیکه میزان مرگ و میر کاهش پیدا کرده است.

بنابراین تعادل میان عوال یکجانشین و چادر نشین بطور کلی تغییر شکل یافته است؛ زیرا هم اکنون هر دوی آنها معرف فزونی میزان باروری هستند. در حالیکه فقط در جامعه یکجانشین است که امکانات گسترده گی سریع صنعت و یا کشاورزی در آن میسر میباشد.

اهمیت نسبی عامل چادر نشین، امروزه فشار خاص را بر روی طرح و برنامه ملی مملکتی هویدا میسازد؛ و نتیجه آنکه این امر یک عدم تعادل اقتصادی را بدنبال دارد، که شرایط پر زحمت و مشکلی را برای رژیم غذایی جمعیت های یکجانشین در بر خواهد داشت.

موضوع مهمتر آنکه، گسترش سطح های زیر کشت منتج به از میان رفتن چراگاهها و راههای عبور و مرور چادر نشینان و همچنین سبب تسریع در زوال و افول اقتصادی این بخش (چادر نشینان) از مردم میگردد. در نتیجه این چادر نشینان فقیر بزندگی یکجانشینی روی میآورند و هر روزه تعداد زیادی از آنها در صفوف کارگران زراعی قرار میگیرند. و بدنبال آن فعل و انفعالاتی پیش میآید که بشدت وضعیت را خراب میسازد و ثبات اقتصادی و اجتماعی منطقه را مورد تهدید قرار میدهد.

گروه های بومی

چنانکه گذشت مطالعه ای در زمینه جنبه های اساسی و تحلیلی شیوه زندگی چادر نشینان در کوهستانها و بر روی فلاتهای مرتفع آسیای جنوب غربی صورت پذیرفت اکنون سعی خواهد شد که بوسیله یک توضیح کوتاه درباره گروه های اساسی و سهم

چادر نشین منطقه مورد بحث ، آنچه را که گفته شده روشن سازیم .

اسناد و مدارکی که بعنوان پایه و اساس در این طرح بکار برده شده اند ، در تمام موارد دارای یک وضع و ارزش مساوی نیستند و شناخت بسیار ناقصی درباره بعضی از گروهها در دست است ، چنانکه درباره آنها مطلب مهمی نمیتوان گفت .

از طرف دیگر چهارچوبه مطالعه حاضر درخور آن نیست که در تمام موارد بتوان به تحلیل های لازم در زمینه جزئیات آن پرداخت .

در مرحله تحلیل اطلاعات و معلومات زیر و طرح و ترسیم خطوط اصلی نظرها فقط اینست که نشان دهیم با انجام این کار بهتر میتوان وضعیت و مسائل ویژه مربوط باین یا آن گروه را درک نمود .

در این بحث ترتیب معرفی گروههای مختلف بطور تقریبی با محلی که آنها در روی نقشه منطقه از جانب غرب بسوی شرق اشغال نموده اند ، مطابقت دارد .

کردها

مردسی که به گویش کردی سخن میگویند و روی قوس کوهستانی ترکیه - ایران زندگی میکنند ، اکثریتشان دارای زندگی اسکان یافته و یکجانشین میباشند که از یک شیره کشاورزی مخلوط برخوردار هستند . شیره ای که دام پروری و کشاورزی در آن در کنار هم قرار دارد .

با وجود این در روی تمام منطقه کردنشین به ایلهای کاملاً چادر نشین نیز برخورد میکنیم . اغلب این ایلات از چراگاههای تابستانی واقع در کوهستانهای زاگرس به چراگاههای زمستانی که در آخرین دامنه های کوهستان و یا در دشتهای بین النهرین قرار دارند تغییر مکان میدهند . ولی بعضی از آنها ترجیح میدهند که زمستان را در دره های کاملاً محفوظ منطقه بین کرمانشاه و دریاچه رضائیه بسر ببرند . بنابراین تقریباً همه آنها یک مسافت طولانی را طی میکنند و از مناطقی که

تحت نفوذ ایلات دیگر و یا مقامات غیر ایل قرار دارد میگذرند .

آنها در طول مسیرشان حق استفاده از چراگاهها را دارا میباشند، خواه چراگاههای مزبور در زمینهای باشد که متعلق به افراد دیگری است (بطور مثال چراگاههای زمستانی «هرکی»^(۱)) و خواه در املاکی باشد که توسط رؤسای آنها ضبط گردیده (بطور مثال، بسیاری از زمینهای «جاف»^(۲)). ایلات مزبور در روی یک منطقه و حداقل در روی مسیری که طی میکنند، یکی بعد از دیگری جانشین هم میشوند .

هرچند بعضی ایلات از نظر رهبری دارای شیوه‌ای شبیه به تقسیم‌بندی دودمانی که عبارت از تعاقب روابط و بستگی پدری است میباشند، ولیکن ایلات کرد معمولاً مشخص بیک سیستم سیاسی با مرکزیت قوی هستند .

اگر تحلیلی را که در قبل انجام گردید مربوط به این ایلات بدانیم، باعث تعجب نخواهد بود، زیرا که آنها در طول مسیر طولی تغییر مکان میدهند و حق استفاده از چراگاه را بصورت گروههای پی‌درپی در اختیار دارند . همچنین در منطقه‌ای رفت و آمد میکنند که جمعیت یکجانشین آنجا قابل ملاحظه میباشند، و این امری است که آنها را مجبور میسازد بارؤسای ایلات ثابت و سازمانهای اداری دولتی روابطی را حفظ نمایند .

رؤسای این چادر نشینان معمولاً توسط گارد مخصوص خود حفاظت میشوند، گاردی که یا از میان افراد ایل استخدام شده‌اند و یا از مردان مسلحی که اجیر آنها هستند تشکیل یافته‌است . وجود این گارد سبب تقویت قدرت سران عشایر میگردد .

۳- این ایلات به تمام وسایل ممکن متوسل گشته‌اند تا اینکه بتوانند محصولات کشاورزی لازم را فراهم نمایند . ضمن اینکه امر پیله‌وری در بین آنها نقش مهم خود را حفظ نموده است ؛ در بین طبقات فقیرتر ایل انجام فعالیت بصورت عملی و کارگر زراعی در روستاها نیز برای کسب درآمد رایج میباشد . ولی بطور کلی در موقعیت کنونی آنها بیشتر روی فروش محصولات دامپروری خود حساب میکنند .

در گذشته امر راهزنی و هجوم به قبایل و روستاها نیز جایگاه مهمی را در زندگی اقتصادی ایلات داشته است. چنانکه همه ایلات در اوقات مختلف باین کار میپرداختند و حتی فعالیت های شبانی خود را نیز ترك می گفتند. ولی این ایلات جنگجو دیر یا زود باین کار خاتمه داده و خود را بعنوان مالکین اراضی در نقاطی که فتح نموده اند تحمیل ساخته اند.

در بین ایلاتی که مایل بادامه زندگی بصورت چادر نشینی شبانی میباشند، معمولاً رؤسای ایل هستند که حقوقی را برای زمینهای ایلی فتح شده و یا غیر از آن برفع خود ضبط و بدست میآورند؛ و افراد ایل هیچگونه نفعی از زمین نمیبرند، مگر آنکه بصورت اجاره نشینی در این زمینها به کشاورزی بپردازند.

۴- بسته شدن مرزهای میان عراق و ترکیه و عراق و ایران (درست است که این امر هیچگاه بطور کامل انجام نپذیرفته است) برای بسیاری از ایلات یک عدم تعادلی میان درآمدهای شبانی تابستانی و زمستانی آنها در برداشته است؛ و بر اثر اهمیت این موضوع تعداد بسیاری از چهارپایان ازدست رفته اند و در مواردی که گروهائی اسکان یافته اند این امر بامرگ و میر شدید و بدبختی و تهیدستی عمومی همراه بوده است.

لر - بختیاری

این گروه از ایلات، از نظر نژادی به کردها نزدیک میباشند، آنها سلسله کوههای زاگرس را که میان کرمانشاه و بهبهان قرار دارند اشغال نموده و در منتهی الیه جنوب سرزمین بویراحمدی ها و سمنی ها مجتمع میباشند. آنچه که بطور اساسی قسمت شمال کوهستان را از قسمت های دیگر جدا میسازد، اینست که تعداد افراد یکجانشین آن کمتر میباشند. دیگر اینکه رفت و آمد کاروانی در آنجا یک نقش کم اهمیت تری را ایفاء مینماید و دوره کوچ عشایر معمولاً کمی کوتاهتر است.

از طرف دیگر، محیطی که این عشایر در آن بگردش میپردازند بطور کامل در داخل خاک ایران قرار دارد و از هیچ سرزمین المللی عبور نمیکنند. در قسمتی از این ایلات، خصوصاً در لرستان، تشکیلات سیاسی ایلی از نظر مرکزیت نسبت به ایلات کرد اهمیت کمتری را دارد. این امر بخصوص در لرستان که گروههای ایلی دارای ساختمان سیاسی متغییری میباشند، و تقسیمات ایلی برحسب دودمان ویشیوه ای نزدیک به وضع جوامع یکجانشین انجام پذیرفته است بیشتر بنظر میرسد.

روابط این عشایر با بازارها و جوامع یکجا نشین کمتر بطور مستقیم صورت میپذیرد، و بلکه آنها گرایش بیشتر و مشخص تری به شیوه اقتصاد «بسته»^(۱) دارند. بعضی از این عشایر در روی زمینهای واقع در مسیر تابستانیشان اقدام به کشت بعضی محصولات کشاورزی مینمایند و آنها را بدست طبیعت میسپارند. همچنین آنها بدهی مربوط به اجاره را که باید با جاره داران ساکن بپردازند بصورت محصولات کشاورزی تأدید میکنند.

از طرف دیگر سردهای ایلات بختیاری برای انجام کارهای عملگی به مناطق نفتخیز میروند، ولی اینها بیشتر از افراد ساکن ایل بختیاری هستند و در میانشان به تعداد کمی از افراد چادر نشین برخورد میشود.

از سوی دیگر با اینکه عدم امنیت نظامی در ناحیه لرستان قابل ملاحظه بوده است، بعلمت فقدان راههای کاروانی، امر راهزنی هرگز بعنوان بدست آوردن درآمد مالی، مقام مهمی را در زندگی آنها نداشته است.

سیاست یکجانشین ساختن (تخت قاپو کردن) اجباری ایلات که توسط مقامات ایرانی در طی سالهای ۴۰-۱۹۲۵ صورت پذیرفته است (این طرز عمل با جریان عموسی و طبیعی اسکان دادن که برحسب تمایل افراد صورت میپذیرد کاملاً مغایرت دارد و تنها اثر آن از بین بردن اضافه جمعیتی است که قادر به تأمین معاش خویش از طریق منابع شبانی موجود نیستند.) بنظر میرسد فشار شدیدی را بر این ایلات وارد

ساخته و منتج بآن گشته است که بطور مداوم از تعداد مطلق افراد چادر نشین کاسته شود .

نتیجه مزبور را چنین میتوان توجیه نمود که امر کشاورزی مخلوط که برپایه کشاورزی و دامپروری مشترک قرار گرفته است، عملاً در بین این جوامع تا آن تاریخ ناشناخته مانده ، وبدون شک دلیل آن فقدان امنیت نظامی بوده است .

فشار وارد از خارج بر چادر نشینان و عشایر لر که از دیرباز از شیوه های زراعتی گسسته بودند ، سبب گردید که آنها را بسوی این بخش از فعالیت براند . تعداد آنها تیکه باکم شدن و از بین رفتن فشار مزبور مجدداً به زندگی کامل چادر نشینی بازگشت نموده اند ، بطور نسبی ناچیز بنظر میرسد .

فارس

ولی عکس مسئله فوق در بین گروه های مهم چادر نشینان و عشایر فارس یعنی قشقایی ها و خمسه ها صورت پذیرفت و منتج بآن گشت که آنها بطور دسته جمعی همینکه حوادث جنگ دوم جهانی امکاناتی بآنها داد، به زندگی عشایری و چادر نشینی بازگشت نمایند .

این عشایر چراگاه های تابستانی واقع در امتداد شمال کوهستانهای زاگرس را مورد استفاده قرار میدهند و زمستانها در تپه ها و دشتهای مجاور خلیج پراکنده میشوند .

فاصله ای که چراگاه های زمستانی مصون از یخ بندان را از این راههای حاصلخیز تابستانی جدا میکند در اینجا قابل ملاحظه میباشد ، و این فاصله در مورد بسیاری از گروه ها بخط مستقیم متجاوز از ۱۰۰ کیلومتر است .

کوچ فصلی این ایلات آنها را مجبور میسازد که بر حسب مکان از نقاطی که دارای جمعیت بسیار زیادی میباشد عبور نمایند و برای این امر مجبور به برقراری ترتیبی کاملاً پیچیده در زمینه گذشتن دنبال هم تیره ها و طایفه ها گشته اند .

اکثر ایلات مختلف فارس دارای یک سازمان سیاسی کاملاً متمزکری هستند و در اتحادیه های بزرگتری با هم متعاقد میباشند، که در شرایط فعلی بر مجموعه منطقه فارس تسلط دارند .

تاچندی پیش ، مسئولیت روابط با مقامات مرکزی و کادر رهبری مربوط به ترتیب حرکات کوچ ایلات بعهد و واحدهای یاد شده در بالا بود اما این اعمال مدتی است که برعهده ارتش ایران گذارده شده است .

این چادرنشینان و عشایر ، مایحتاج کشاورزی و وسایل صنعتی ساخته شده مورد نیاز خود را با فروش محصولات داسی فراهم میسازند . از طرفی بطور تقریب همه درآمدهای سلکی به خانهای آنها تعلق دارد .

در طی سالیان ستمادی، ایلات بطور مداوم، شهرها و دهات را از گروه چادرنشینان که داوطلب سکونت دائم در آن نقاط بوده اند ، بهره مند ساخته اند ، و آهنگ این جریان بر اثر تشویق ها و فشارهای سازمانهای دولتی تسریع گردیده ، و در زمان حاضر با احتمال زیاد میزان خروج چادرنشینان از ایل و ساکن گشتن آنها در دهات و شهرها از میزان فزونی زاد و ولدشان بیشتر میباشد .

کرمان

کوههای پراکنده کرمان در ناحیه ای که نسبت به سایر مناطق شدت خشک و گرم میباشد، چراگاههای تابستانی را عرضه میدارند . در این استان تعدادی ایلات کوچک چادرنشین یافت میشود که بنظر میرسد بنحو بسیار بدی سازمان یافته اند . و بنا بر این جنبش های مربوط به امر کوچ سالیانه آنجا بخوبی شناخته نمیشود . بعضی از این ایلات مشخص به تشکیلاتی از نوع «خود مختار»^(۱) میباشند

۱- واره خود مختار در اینجا معادل لفظ automatique آورده شده است . مراد نویسنده

ظاهراً استقلال واحدهای مورد بحث در سروسامان دادن امور داخلی ایل خویش میباشد . بدون آنکه خان یا رئیسی داشته باشند . (مترجم)

در حالیکه بقیه خود را تحت قیمومیت رؤسا و خانهای سیاسی آبادیها و واحه‌ها قرار داده‌اند. در این استان مانند نواحی بسیار خشک فارس، نقل و انتقالات مردم ناحیه یکجانشین به ناحیه چادر نشین میزان وسیعی را نشان میدهد، ولی همیشه این حرکت یکجانبه نیست چنانکه وضع بد محصولات کشاورزی و گرسنگی، اغلب ساکنان دهکده‌هایی را یکجا برای تأمین معاش بسوی زندگی چادر نشینی هدایت مینماید. در حالیکه از سوی دیگر از دست دادن تعداد زیادی از چهارپایان، منجر به اسکان یافتن گروهی از چادر نشینان میگردد.

منطقه کرمان از نقطه نظر جمعیت یک ناحیه فقیر و کم جمعیت بشمار میرود؛ چنانکه در این ناحیه بطور فراوان مهاجرت‌هایی مربوط به گروه‌های کم و بیش قابل اهمیت که از ایلات چادر نشین فارس جدا گشته‌اند مشاهده میگردد.

بلوچستان غربی

این منطقه که شباهت بسیاری با کرمان دارد در تصرف چادر نشینان و عشایری از نژاد بلوچ و «براهوی»^(۱) میباشد، و این مردم برای آنکه خود را با سختی‌های محل زندگی وفق بدهند توفیق بیشتری بدست آورده‌اند و باین دلیل است که تربیت شتر منبع اصلی درآمد آنها را تشکیل میدهد.

اسناد و مدارکی که از این منطقه در دست است تقریباً همگی قدیمی هستند، و در نتیجه ساختمان و تشکیلات کنونی چادر نشینی را در اقامتگاه‌های چادر نشینان این ناحیه خیلی بد و ناچیز میشناسیم.

۱ - Brahui

این نام در نوشته بارت بصورت Brahui آمده ولی در تحقیقی که با مراجعه به مدارک جغرافیائی پاکستان و همچنین مذاکره با وابسته محترم فرهنگی سفارت پاکستان در باره اسامی مربوط به ناحیه پاکستان صورت گرفت نام Brohi یا «بروهی» صحیح بود. (مترجم)

تشکیلات سنتی و قدیمی بلوچها، بطور شدید دارای جنبه سلسله مراتبی میباشد، این تشکیلات بر پایه تقسیم دودمانی قرار دارد و درآمدهای ملکی و سایر واسها و بدهی ها را به کشت کاران واحه ها و کاروانهای عبور کننده میپردازند.

بنظر میرسد که بهبود وضع امنیت محلی چادر نشینان این ناحیه را به سکونت در یک محل بصورت مالک زمین سوق داده است. ضمناً در وضع حاضر امر دامپروری شبانی جنبه قابل اهمیتی را در این ناحیه ندارد.

مری بگتی^(۱)

مطالعه ای که «پهرسون^(۲)» روی منطقه شمال شرقی بلوچستان انجام داده است، اطلاعات جدیدی در زمینه گروهی که با چادر نشینان بلوچ اختلاف دارند بدست میدهد.

درآمد این شبانان بر اصل دامپروری انواع مختلف دام، و خصوصاً انواع گوسفندانی است که دارای مقاومت لازم در برابر خشکی و گرما میباشند. آنها در زمستان از چراگاهائی که در دشت واقع در «سیمی^(۳)» و حوضه هندیا در مجاورت این منطقه قرارداد استفاده میکنند. در تابستان چراگاههایشان در محلی است که در زمستان چادر نشینان «پونده^(۴)» افغانستان از آن بهره برداری میکنند. خصوصیت سازمان شدیداً متمرکز سیاسی آنها در تقسیمات مبتنی بر دودمانی است که عناوین مالکیت را بطور دسته جمعی دارا هستند. و بمدد این عنوان است که موفق بدریافت وام میشوند.

۱- Marri-Bugti

۲- Pehrson

۳- Sibi ناحیدای در جنوب «کوئته»

۴- Powindah «پونده» به چادر نشینانی اطلاق میشود که زمستانها از افغانستان حدود قندهار و غزنین به پاکستان میروند و تابستانها باز به افغانستان مراجعت میکنند.

(مترجم)

آنها محصولات کشاورزی مورد نیاز خود را با کار کردن در زمینهای مورد اجاره یا بصورت کار کردن مانند کارگران فصلی فراهم میسازند. زیرا که فعالیت های شبنانی و گله داری آنها جز مقدار ناچیزی محصول مازاد بر مایحتاجشان را که صرف تبادل میگردد تأمین نمینماید.

از پنجاه سال قبل، پیشرفت امر کشاورزی و فزونی دهکده های مردمان یکجانشین، بعضی محدودیتهائی را برای زندگی چادرنشینی پیش آورده و در نتیجه یک قسمت از دامپروران را بسوی پذیرش شیوه ای از زندگی نیمه ساکن سوق داده است. در این نوع زندگی چادرنشینان و دامپروران در حالیکه زندگی زیر چادر را همچنان ادامه میدهند، خود را بیک جامعه روستائی وابسته میگردانند و در یک شعاع سی کیلومتری در اطراف دهکده تغییر مکان میدهند.

افغانها

تعدادی از ایلات افغان از گروه های «غلیزائی»^(۱) و «دورانی»^(۲) بزندگی کامل چادرنشینی گله داری روزگار میگذرانند. این ایلات زمستانها را در جنوب و شرق افغانستان و در یک قسمت از پاکستان بسر میبرند؛ زمانیکه در این منطقه هستند تحت عنوان «پونده» مشخص میباشند. آنها تابستانها را نیز بطور معمول در منطقه کوهستانی «هزارجات»^(۳) میگذرانند.

بهبود وضع امنیت در این منطقه بآنها امکان داده است که شعاع عمل خود را به مسیرهایی که در گذشته بطور کامل تحت تسلط «هزارها»^(۴)ی رسته گردان قرار داشت فقط قسمتی از آن را مورد استفاده قرار میدادند، وسعت ببخشند.

سازمان سیاسی کنونی این ایلات را بخوبی نمیشناسیم، فقط میدانیم که اردوهای چادرنشینی در این منطقه در حال حاضر بطور استثنائی، قابل اهمیت میباشند

۱ - Ghilzai

۲ - Durrani

۳ - Hazarjet

۴ - Les Hazares

چادر نشینان افغانی محصولات دامپروری خود را در برابر مایحتاج کشاورزی و ابزار و وسایل صنعتی تعویض مینمایند .

انجام حمل و نقل و دادوستد تجارتنی نیز موقعیت مهمی را در فعالیت گروههای متعدد آنها در بر دارد ، چنانکه این گروهها اجناسی را که از پاکستان یا کابل تهیه نموده اند برای فروش به دهکده های واقع در کوهستان میبرند ، از طرف دیگر ، بازارهای بزرگ فصلی نیز همه ساله در مرکز «غزارجات» تشکیل میشود .

بعضی از این عشایر حتی تا مرحله سوداگری در زمینه دامپروری شبانی نیز پیش میروند ، وبصورت گروههای کوچک کاملاً مجهز سفر میکنند و در اعطاء اعتبار و قرض در معاملات تجاری شرکت میجویند .

تأدیه قروض جمع شده مربوط به کشاورزی ، بصورت انتقال عنوان مالکیت از ایشان به این چادر نشینان سوداگر انجام میپذیرد . باینکه این چادر نشینان منطقه کشاورزی بسیار وسیعی را در اختیار دارند ، و از درآمدهای وابسته بآن برخوردار میباشند ، باینحال این مالکین جدید گرایشی را بسوی اسکان یافتن نشان نمیدهند .

افغانستان غربی

در این منطقه و در نواحی مجاور خراسان ، گروههای مختلفی از چادر نشینان زندگی میکنند که بی جهت «چهارامامی»^(۱) نامیده میشوند . در این ناحیه گروههای دیگری که بزبان فارسی ویا کردی نیز صحبت میکنند ساکن میباشند .

اغلب آنها چراگاههای تابستانی واقع در دامنه غربی ارتفاعات افغانستان را مورد استفاده قرار میدهند وزمستان را در جنوب و غرب این منطقه میگذرانند . تنها تربیت کنندگان گوسفند هستند که تقریباً دارای زندگی کامل چادر نشینی هستند ودردهات در برابر مایحتاج کشاورزی مورد نیازشان به تعویض کره ، پشم و چهارپا میپردازند .

گوجار^(۱)

و در آخر در بعضی قسمتهای ، افغانستان و در شمال پاکستان ، به شبانان چادر نشین واقعی برخورد میکنیم که در سقایسه بادیگران وابسته به یک گروه نژادی کاملاً جدا گانه ای میباشند. این گروه عبارتند از «گوجارها» که به یکی از گویش های هندی صحبت میکنند و سطح اقتصادی آنها نسبت به اغلب ایلاتی که تا بحال از آنها صحبت نمودیم پائین تر میباشد. گوجارها زمستان را در دره هندو در دشت پیشاور میگذرانند و از سمت غرب تا جلال آباد پیش میروند. در هنگام تابستان آنها در کوهستانهای واقع در شمال و در غرب این منطقه پراکنده میشوند تا از تمام چراگاههایی که تمام آن ویا جزئی از آن مورد بهره برداری قرار نگرفته اند ، استفاده نمایند.

این چادر نشینان به تربیت گاو و حتی گاومیش های رودخانه ای میپردازند. تشکیلات سیاسی آنها بشیوه منفرد است؛ آنها برای فراهم کردن مایحتاج کشاورزی خود ، بر روی زمینهای حاشیه ای بی آب که در کنار مسیرهای تابستانی شان قرار دارد به کشت میپردازند. این زمینها اغلب در برابر اجاره ناسه بآنها اجاره داده میشود که مبلغ آن بسیار جزئی و ناچیز است.

این افراد بعنوان عمله نظیر کارگران فصلی کار میکنند. اغلب نیز در برابر گندم به مبادله و تعویض مقداری کره ، پشم ، گوشت و شیر میپردازند.

در شرق افغانستان این چادر نشینان با گروههای مختلف نیمه چادر نشینی که شباهتی به گاوچرانان و کارگران دروگر و غیره دارند مخلوط میشوند.

میزان افزایش زاد و ولد این مردم نظیر اغلب گروههایی که تا کنون مورد مطالعه ما قرار گرفته اند ، همیزان قابل ملاحظه ای بالاست و در نتیجه منطقه آنها بطور مرتب و منظم بسط مییابد. در حال حاضر بعضی از این چادر نشینان بصورت چوپان و کارگر زراعی در جامعه ساکن داخل میگردند.

نتیجه

در مرحله انجام تجزیه و تحلیل امر مربوط به چادرنشینی در کوهستانها و بر روی فلاتهای مرتفع آسیای جنوبی غربی، سعی ما بر این بود که عوامل اصلی شیوه زندگی مربوط به چادرنشینی شبانی را تشخیص بدهیم و اختلافها و گونا گونیهای را که عملاً در بین آنها وجود دارد هویدا سازیم و نشان دهیم که هر یک توسط دیگری استحکام یافته است .

بطور مثال میتوان گفت که به عوامل زیر برخورد میکنیم ، باینصورت که بعضی از طرحهای مربوط به استفاده از چراگاهها ، ساختمان سیاسی معینی را ایجاد میکند و همچنین تعداد زیادی از فعالیت های مختلف مانند : قرض پول ، عملگی و کار در هنگام درو ، فتوحات سرزمینها، تاخت و تاز و هجوم ها و بالاخره سوداگری و غیره را میتوان همگی بعنوان راه حل های مختلف مربوط به مسئله اساسی تهیه محصولات کشاورزی که بر حسب سنت و سابقه، چادرنشینیان محتاج بآن هستند مورد نظر قرار داد .

از تحلیل فوق مستفاد میگردد ، مشکلاتی که در روابط چادرنشینیان بادیای معاصر بروز میکند ، از نظر اصل مربوط به دلایل اقتصادی نیست و نوعی از رقابت که بتواند امکان استفاده مؤثرتر از چراگاههای فصلی را که وجودشان وابسته به اساس زندگی چادرنشینی است ، فراهم سازد ، در بین آنها وجود ندارد ؛ و این تنها چیزی است که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه است .

تغییرات مربوط به جمعیت (دموگرافیک) تا کنون موجب پیدایش مشکلات مهمی نشده و امروز هنوز آنها را بصورت مسائلی که در آینده خودنمایی خواهند نمود، مینگارند . فزونی اخیر تعداد جمعیت نقاط ساکن سبب گسترش سطح های زیر کشت

شده و این امری است که ناراحتی‌هایی را برای حرکات و جنبش‌های برخی از چادرنشینان دربرخواهد داشت .

اساسی‌ترین منبع مشکلات ، عبارتست از وجود آمدن یک تشکیلات و سازمان اجرایی بشیوه نو ، در مناطقی که پیش از این عملاً دارای خود مختاری و تسلیم عدم امنیت رژیم فتودالی بوده‌اند؛ و اینکه بعکس جوامع ساکن، جوامع چادرنشین خود را با این تغییرات برای استفاده از آن تطبیق نداده‌اند .

همچنین است که سازمانهای دولتی اغلب اسکان دادن را بعنوان تنها راه حل رضایتبخش نهائی مسئله چادرنشینان مورد نظر قرار میدهند . با وجود این بعقیده نویسنده اسکان ایجاد تغییرات و وفق دادن زندگی چادرنشینی بانحوه عمل شرایط فعلی ، بقدر کافی مورد مطالعه قرار نگرفته است . برای تأیید این نظریه که ایجاد برخی تغییرات در فرمهای مختلف چادرنشینی راه حل رضایتبخش تر و عملی‌تری است تا اسکان نمودن کامل آنها ، عامل‌هایی چند را میتوان بیان داشت ؛ و در نتیجه این امری است که انجام یک آزمایش کامل و عمیقی را در زمینه امکانات موجود در این مورد مدلل میسازد . ما در اینجا سه عامل ازمیان عاملهای مزبور را بر مبنای تحلیل زیر عرضه میداریم :

۱- اگر چنانکه سطح زندگی متوسط جوامع یکجانشین و جوامع چادرنشین را در تحت شرایط و فرم کنونی آنها با هم مقایسه نمائیم ، محقق خواهیم داشت که یک اختلاف روشن و واضح بین آنها وجود دارد که برتری با گروه دوم است .

درست است که شرایط بهداشتی دهات منطقه مورد بحث در این سالهای اخیر بنحو قابل ملاحظه‌ای بهبود یافته است؛ با اینحال رژیم غذایی ، بهداشت و سلامتی در اردوگاههای چادرنشینان همچنان رضایتبخش تر از اغلب دهات است . مگر در بین گروههای کوچکی که در سنتهای بدبختی بسر میبرند ، چنانکه در اغلب دهات نیز شاهد آن هستیم .

۲- در اکثر قسمت‌های منطقه مورد مطالعه ، ساختمان اجتماعی کنونی دهات

و خصوصاً شیوه‌های مربوط به مالکیت و تصاحب زمین چنان است که تبدیل وضع گروه عظیم چادر نشینان به مردمان یکجانشین در زمینه طرح‌های اقتصادی و اجتماعی جز با تبدیل چادر نشینان دامپرور به گروه عظیم کارگران امکان پذیر نیست .

در نتیجه چادر نشینان جز در پائین ترین طبقات اجتماعی جامعه یکجانشین در طبقه دیگری نمیتوانند خود را وارد سازند . زیرا آنها نه دارای سرمایه لازم برای بدست آوردن حق مالکیت اراضی هستند و نه دارای شناسائی صنعتی متناسبی هستند تا بتوانند خود را در طبقه صنعتگران و پیشه‌وران و یا پیشه تخصصی دیگری قرار دهند .

گرایش برای اسکان دادن چادر نشینان بکمک گسترش فقر در بین آنها ، که هم اکنون در بیشتر قسمتهای آسیای جنوب غربی بنظر میرسد ، نتیجه‌ای جز بوجود آوردن یک طبقه وسیع کارگر زراعی که از نظر سیاسی دارای وضع بی ثباتی خواهند بود ، در بر نخواهد داشت . بخصوص آنکه این طبقه در آینده مسائل و مشکلات تازه و سختی را پیش خواهد آورد .

- درست است که این نظر برای تمام منطقه قابل قبول میباشد ، ولی این قطعی است که هنوز در آنجا امر اسکان دادن میتواند با موفقیت انجام پذیرد . این کار معمولاً در نقاطی عملی است که بدنبال یک عدم امنیت نظامی ، مردم ساکن منطقه به میزان زیادی تعدادشان کم شده و در نتیجه عقب افتادگی کشاورزی در آنجا مشهود است ؛ که بطور مثال میتوان منطقه لرستان و یک قسمت از سرزمین مربوط به ایلات «پاتان»^(۱) و غیره را نام برد .

آنچه که در فوق مشاهده گردید در نقاطی که طرح‌های استقرار چادر نشینان در یک محل ، متناسب با برنامه‌های بزرگ در زمینه بارور ساختن زمین ها انجام میگردد ، قابل انطباق و اجراء نیست ؛ و مسائل دیگری که هنوز شناخته نشده‌اند بظهور میرسد .

۳- در مناطقی که همیشه شامل یک اقلیت چادر نشین میباشد ، نوعی ارتباط

و وابستگی محکم اقتصادی بین جوامع یکجانشین وارد و گاههای چادر نشینان وجود دارد، و این جوامع را در حالت یک زندگی تعاونی سیمابیم که در آن هر گروه وابسته و تابع محصولات گروه دیگر است، چنانکه تمام اقتصاد منطقه بر پایه همکاری و همزیستی هردو عامل قرار دارد.

باینترتیب حذف تمام دامپروران و شبانان متخصص از سیستم مزبور، بناچار موجب سقوط اقتصادی در مجموعه گروه انسانی مورد بحث خواهد گشت.

- بجا است در اینجا یادآور شویم، چنانکه اغلب تعمور میکنند، مشکلات مورد بحث فقط بعلمت فقدان خاصیت تطابق با محیط توسط چادر نشینان بوجود نمیآید. زیرا جریان همیشگی یکجانشین شدن دسته های مختلف مردمان چادر نشین نشان میدهد که آنها بطور کامل قادر باجراء و انجام بازگرویدن و تبدیل وضع خود از چادر نشینی به زندگی یکجانشینی میباشند. تبدیل وضعی که استقرار مسکن و آموختن و آشنائی با فنون جدید را نیز ایجاب میکند.

حتی وجود اختلاف در شیوه های چادر نشینی و تغییر شکلهائی که میپذیرد، تأیید میکند که چادر نشینان میخواهند و میتوانند بدون قطع خود را باز زندگی تازه تطبیق دهند و تربیت شوند و شیوه های زندگی قدیمی شان را تغییر دهند. ولی مقابستی که در برابر امرا سکان یافتن نشان میدهند، بطور ساده بیان کننده ملاحظاتی است که در زمینه حفظ منافعشان دارند.

چنانکه تعداد چادر نشینانی که حاضر بقبول پائین آمدن سطح زندگی خود که بطور غیر قابل احتراز سکونت در یک نقطه آنرا بدنبال خواهد داشت، باشند بسیار ناچیز هستند؛ مگر اینکه بر اثر نگون بختی های اقتصادی و یا قهر و جبر سازمانهای دولتی باین امر تن در دهند.

۳- چنانکه در بالاتر مشاهده نمودیم، تماس ها و روابطی که بین جوامع چادر نشین و جوامع یکجانشین وجود دارد، بر روی دوزمین متمرکز میگردد که عبارتند از قسمت مربوط به سیاسی یا تشکیلات اداری و دیگری فعالیت اقتصادی.

تا اینجا تمام کوشش‌ها و اقدامات برای ادغام ساختن چادرنشینان در جوامع یکجانشین در بین ملت‌های مترقی منطقه مورد بحث بر روی محور سیاسی و تشکیلاتی قرار داشته، در حالیکه بنظر می‌رسد از طریق اقتصادی امکان رسیدن بیک شیه قرار هم‌آهنگ‌تر ادغام دو جامعه بهتر میسر خواهد بود. در مناطقی که چادرنشینان شبانی جنبه یک تخصص همیشگی را بخود گرفته و در آنجا تحصیل مایحتاج کشاورزی و صنعتی چادرنشینان فقط بوسیله تبادل محصولات مربوط به دامپروری آنها با ارزش مساوی انجام می‌پذیرد؛ روابط تجارتنی مستقیم و راحتی، حتی در زمانی که مکانیسم تنظیم کننده مؤثری نیز وجود نداشته باشد بین دو جامعه چادرنشین و یکجانشین برقرار خواهد بود. هر سازمان و تشکیلاتی که در جستجوی ساده ساختن و امکان بخشیدن به عمل ادغام دو جامعه است باید به مسائل زیر توجه نماید:

۱- کمک به امر دامپروری شبانی برای تحصیل و بدست آوردن امکانات مؤثر اقتصادی.

۲- ایجاد تسهیلات در امر مبادله میان چادرنشینان و یکجانشینان.

۳- کنترل و تضمین حقوق هر دو قسمت، بصورت گرفتن گرو در قبال غرض، تأمین حقوق مربوط به چراگاه و محل‌های عبور در مورد چادرنشینان و حقوق مربوط به افراد یکجانشین بر روی محل زراعتشان. اجراء این امور در زمینه ادغام دو جامعه در یکدیگر، نتایج قطعی تری را نسبت به اقدامات و کوشش‌های سیاسی که با زور و فشار صورت می‌پذیرد، دربر خواهد داشت.

چگونگی و کیفیت این عمل بطور قطع بنا بر موقعیت‌های محل باید فرق داشته باشد؛ اما بطور کلی در همه جا مسئله باین سو کشانده می‌شود که شیوه زندگی چادرنشینان شبانی را بصورت یک فعالیت اقتصادی تخصصی که در داخل سیستم اجتماعی و اقتصادی بسیار وسیعی عمل می‌نماید باز شناسیم؛ و نهادهای ایلی را به تشکیلاتهای هم‌آهنگ کننده و واسطه‌ای که در خدمت شبانان دامپرور باشند تبدیل نمائیم.

درخاتمه لازمست بطور خلاصه بررسی نمائیم به چه دلیل وقتی که در عمل میخواهیم یک مورد مشخصی از جنبه های نظری را که خطوط اصلی آنرا در بالا مشخص ساختیم با موارد مشروحه فوق تطابق دهیم به موانع و مشکلات بخصوصی برخورد مینمائیم .

این اسر روشن وقطعی است ومطالعه حاضر مامؤید آنست، زیرا که شناسائیهای نظری ما خود بصورت ابتدائی بوده وپرازنقص میباشد ، زیرا که مناطق وسیع هنوز بسیار ناقص وناچیز بررسی شده اند وفقط چند نمونه کمیاب وجود دارد که بطور عمیق مورد مطالعه قرار گرفته اند .

ازطرف دیگر مشکلات مورد بحث همچنین شامل چگونگی ارتباط دادن بین بعضی از دانستنیهای است که ما در اختیار داریم و آنچه که باید این دانستنیها بر آنها تطبیق داده شود .

همچنین تحایل جزء بجزء مسائل، وجود یک فرهنگ فنی واختصاصی وبیک روش تحقیق کاملاً مشخص ومعینى را ایجاب مینماید، که در ضمن خطر مشکل ساختن ادارک وفهم مسائل را نیز دربر خواهد داشت .

سهمتر از همه آنکه جامعه شناس در نقش مربوط بخودش بصورت کارشناس خیلی کم مورد قبول واقع میشود وافراد نپخته وخام (که اغلب حتی منکرو واقعیت های موجود نیز هستند) هیچگاه بانظر خوب به فردیگانه خارج از سرزمین ومملکت خود، حتی اگر به تشریح آنچه که مربوط به منطقه شان و همشهریان شان باشد ، پردازد ، نگاه نمیکند .

باین مشکل ، مشکل عدم اعتماد سیاسى را نیز باید افزود واین وقتی است که جامعه شناس از یک ملت خارجی باشد وانگیزه های او مورد سوءظن واقع شوند . وبالاخره درهرباری که جامعه شناس به مسئولان امور و یا به بردان سیاسى توصیه های عملی مینماید ؛ در اصل اختلاف نظر در مورد صلاحیت بین او و آن مقامات وجود دارد که در نتیجه به نظریاتش توجه نمیشود .

ولی پیشنهادهای نظیر آن در زمینه علوم طبیعی خیلی بهتر قابل قبول قرار میگیرند، زیرا این پیشنهادها شامل مسائلی هستند که بهتر مورد شناسائی قرار گرفته اند و بخصوص اینکه شناسائی آنها از حدود صلاحیت مردان سیاسی خارج میباشد. درحالیکه پیشنهادها و نظریات یک جامعه شناس برای مسئولان امور و مردان سیاسی همیشه این خطر را دارد که به حدود قدرت و نیروی تصمیم گیرندگی و دایره نفوذشان که همیشه آنرا متعلق بخود میدانند تجاوز شود.

و باین دلیل شیوه ای از برنامه ریزی که عبارتست از پذیرفتن و تصویب محدود امکانات انتخاب شده توسط یک مرد سیاسی که در محیط خاص عادت به انتخاب و انجام کار دلخواه خود را داشته است، معمولاً منتهج به آن میگردد که طرحهای مورد بحث بکنار گذاشته شوند و از شیوه های کهنه استفاده گردد.

در نتیجه این عمل، دیده میشود که برای مدت زمان درازی آنها در یک طرز تفکر و ادراک جامدی باقی میمانند. شاهد این امر ترکیه نمودن بردوشیوه قدیمی است که عبارتند از: یا اسکان دادن کامل و یا آزاد گذاردن ایل، بنحوی که سازمان آن همچنان بصورت کهن عمل نماید. درحالیکه سایر راه حل های بدست آمده کنونی را از نظر دور داشته اند.

پایان

فهرست مطالب کتاب

موضوع	صفحه
مقدمه بقلم آقای دکتر احسان نراقی	—
پیشگفتار	—
بخش اول	
گفتاری چند درباره اهمیت بررسی و مطالعه ایلات و عشایر	۱
وابستگی چادر نشینان و روستا نشینان	۱۰
چگونگی و هدف مطالعات انجام شده درباره ایلات و عشایر	۱۳
سازمان مطالعه و برنامه ریزی	۱۹
بخش دوم	
نومادیزم و زندگی ایلیاتی	۲۳
نومادیزم شبانی	۲۴
شیوه های مختلف نومادیزم شبانی	۲۷
بخش سوم	
یکجانشین ساختن ایلات	۳۵
مشکل برخورد با قوانین و سازمان اداری	۴۵
ایجاد تخصص و گروه بندی و تمرکزی در سازمان اداری	۴۸
توجه به پرورش گاو و کم ساختن تعداد گوسفندان	۵۱
تقویت مراتع طبیعی و احداث مراتع مصنوعی	۵۳

صفحه	موضوع
۶۶	مراعات مصنوعی
۷۱	ترویج کشاورزی
۷۲	تبدیل کوچ انسان و دام با هم به رسته گردانی
۷۳	اقدامات اجتماعی و سیاسی در زمینه یکجانشین ساختن ایلات
۷۸	اسکان فردی و خانوادگی یا مهاجرت ازایل

بخش چهارم

۸۲	روش بررسی جوامع چادر نشین و ایلات و عشایر
۸۳	روش کلی بررسی
۸۶	راههای همجوار در مطالعه یک جامعه همبسته انسانی
۹۲	چگونگی مشاهده و مراحل تحقیق
۹۶	گروه تحقیق
۹۸	خصوصیات فرد محقق
۱۰۳	وسایل ثبت و یادداشت اشیاء و رویدادها
۱۰۷	شیوه های تکمیلی

بخش پنجم

۱۱۰	روش منوگرافی یک ایل
۱۱۰	موقعیت جغرافیائی و اوضاع طبیعی
۱۱۵	آب و هوا
۱۲۳	پوشش گیاهی
۱۲۴	جنگل
۱۲۸	پوشش گیاهی ایران
۱۳۱	حیوانات غیر اهلی

صفحه	موضوع
۱۳۲	جغرافیای سیاسی منطقه
۱۳۴	مسائل مربوط به ساختمان جمعیت و حرکات آن «دموگرافی»
۱۳۸	سابقه تاریخی منطقه وایل
۱۴۴	تقسیمات ایل یا تیره شناسی
۱۴۷	ساختمان اجتماعی ایل
۱۴۹	چگونگی تشکیل و ساختمان ایل
۱۵۴	سازمان ایل
۱۶۳	بیلاق و قشلاق ایل
۱۶۸	فعالتهای تولیدی و اقتصاد ایل
۱۶۹	فعالیت دامپروری و تولید محصولات دامی و فرآورده های لبنیاتی
۱۷۳	فعالیت کشاورزی و محصولات مربوط به آن
۱۷۹	فعالیت تولیدی در زمینه صنایع دستی
۱۸۱	اوضاع اقتصادی ایل
۱۸۷	نوع مسکن ایل و وسایل زندگی
۱۹۱	پوشاک
۱۹۲	طب و بهداشت
۱۹۵	فرهنگ ایل
۲۰۴	ازدواج
۲۰۶	عزاداری
۲۰۸	پیوست :
۲۰۹	چادرنشینی در کوهستانها و بر روی فلاتهای آسیای جنوب غربی
۲۱۴	مبانی اکولوژیک در زندگی چادرنشینی
۲۲۲	شکل و ساختمان اقتصادی

موضوع	صفحه
تشکیلات سیاسی	۲۳۶
مسائل مربوط به جمعیت	۲۴۸
گروههای بومی	۲۵۲
کردها	۲۵۳
لر - پختیاری	۲۵۵
فارس	۲۵۷
کرمان	۲۵۸
بلوچستان غربی	۲۵۹
مری بکتنی	۲۶۰
افغانها	۲۶۱
افغانستان غربی	۲۶۲
گوجار	۲۶۳
نتیجه	۲۶۴

فهرست کتابهایی که مورد استفاده قرار گرفته‌اند

- | نام کتاب | تألیف |
|---|---------------------|
| ۱- تاریخ کشاورزی ایران | دکتر تقی بهرامی |
| از انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۳۰ | |
| ۲- فرهنگ روستائی (جلد سوم) | » » |
| تهران ۱۳۱۷-۱۳۱۶ | |
| ۳- مشخصات جغرافیای | م.پ. پتروف |
| از انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۳۶ | |
| طبیعی ایران | ترجمه ح - گل گلاب |
| ۴- راهنمای مطالعات جغرافیائی | دکتر کاظم ودیعی |
| ضمیمه هفتم نشریه دانشکده ادبیات تبریز | |
| و عمرانه‌های ناحیه‌ای | ۱۳۴۲ |
| ۵- یادآوری مسأله مرتع و علوفه | دکتر تقی طاهری |
| نشریه شماره ۱۳ دفتر فنی سازمان برنامه | |
| در ایران | ۱۳۴۳ |
| ۶- پرورش و نگاهداری گوسفند | دکتر مهندس |
| نشریه شماره ۳۰ انتشارات سازمان | |
| وبره | مصطفی جیرسرائی |
| دامپروری کل کشور | |
| ۷- جمعیت شناسی | دکتر جمشید بهنام |
| از انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات | |
| اجتماعی دانشگاه تهران ۱۳۴۱ | |
| ۸- نظری به جمعیت ایران | دکتر جمشید بهنام |
| از انتشارات روابط عمومی و اطلاعات | |
| اداره کل ثبت احوال | |
| ۹- روش مردم شناسی | پیربستیه |
| از انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات | |
| ترجمه دکتر علیمحمد اجتماعی دانشگاه تهران ۱۳۴۰ | |
| کاردان | |
| ۱۰- تاریخ مردم شناسی | ه.ر. هیس |
| از انتشارات کتابخانه ابن سینا تهران | |
| ترجمه ابوالقاسم | ۱۳۴۰ |
| طاهری | |
| ۱۱- زبانها و لهجه‌های ایرانی | دکتر احسان یارشاطر |
| ضمیمه مجله دانشکده ادبیات شماره | |
| ۱ و ۲ سال پنجم ۱۳۳۶ | |
| ۱۲- عرف و عادات در عشایر فارس | محمد بهمن بهمن بیگی |
| ۱۳۲۴ | |

۱۳- مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شماره ۱ سال سوم مهرماه ۱۳۳۴

۱۴- مجله مردم شناسی شماره مهر و آبان و آذر سال ۱۳۳۷- دوره دوم

فهرست کتابهای خارجی

- 1- Méthode de l'Ethnographie: Marcel Griaule publication de la faculté des lettres de Paris - presses universitaires de France -1957
- 2- Introduction ala recherche ethnologique 1959-Leroi-Gourhan
- 3- L'Anthropologie et ses méthodes. Etude des caractères descriptifs et métriques du squelette et du vivant
Raoul Hartweg
Université de Paris Institut d'ethnologie 1960

خواهشمند است غلطهای زیر را قبل از مطالعه کتاب تصحیح فرمائید

صفحه	سطر	نادرست	درست
۱	۱۳	مشکلات	مشکلات
۲	۲	جلوه گیر	جلوه گر
۳	۱۱	ایل نشین	ایلات
۴	۱۴	عدم آگاهی	عدم آگاهی
۸	۱۴	گزارش	گزارش
۱۰	۷	ایل نشین	ایلیاتی
۱۱	۳	ایل نشینان	مردم ایلات
۱۲	۱	مشکلی	مشکلی
۱۳	۴	شکست نیست	شک نیست
۲۰	۱۳	بعضی	بعض
۲۱	۴	دیده گاه	دیدگاه
۲۳	۱۳	بموارد اجراء	بموارد اجرا
۲۸	۹	آها	ابا
۳۹	۱۰	تعین	تعمین
۴۲	۱۹	وحله	وهله
۴۳	۸	حماس	حماسی
۴۳	۱۹	برفی که	برفی را که
۴۴	۷	حساسیت	حساسی
۴۴	۱۵	کوستانها	کوهستانها
۴۹	۱۴	معین	معین
۶۱	۱	جدول شماهه	جدول شماره
۷۸	۱۳	خانوداگی	خانوادگی
۸۵	۱	«مشامده»	«مشاهده»
۸۵	۱۱	مردشناسی	مردم شناسی
۹۲	۶	زیباشناسی	زیبائی شناسی
۹۷	۸	دیده گاههای	دیدگاههای
۹۹	۶	وقت گذارانی	وقت گذرانی
۱۰۰	۱۹	تنظمی	تنظیمی
۱۲۰	۱۹	فاهش	فاحش
۱۲۷	۱۰	پوشهای گیاهی	پوششهای گیاهی
۱۲۸	۷	ایرای	ایران
۱۲۹	۱۹	گیان	گیاهان
۱۳۳	۲۱	برخی از شهر	برخی از شهرها

صفحه	سطر	نادرست	درست
۱۳۴	۱۵	جمعیت	جمعیت
۱۳۵	۵	نگشه‌اند	نگشته‌اند
۱۴۴	۸	تقسیمات	تقسیمات
۱۴۴	۱۴	شلوار	آلک
۱۴۸	۴	یک	یکی
۱۴۸	۷	دربرمیگیرند	دربرمیگیرند
۱۴۸	۲۴	بنحوشایسه‌ای	بنحوشایسته‌ای
۱۵۲	۱۶	ونوع	وجنس
۱۵۴	۴	میپوندند	میپوندند
۱۵۷	۲	جداناپذیر	جدائی ناپذیر
۱۷۲	۱۵	وچقدر	چقدر
۱۸۲	۱۸	موادسوختنی	مواد سوختی
۱۸۵	۱۷	بودجه خانواره	بودجه خانوار
۱۸۷	۱	تعین	تعیین
۱۸۷	۵	مشتنی	مستثنی
۱۹۰	۱۶	قرارداد	قرارداد
۱۹۰	۱۷	درواتباط	دوارتباط
۱۹۵	۶	مجموع	مجموع
۲۳۳	آخر	تأدید	تأدیه
۲۴۱	۱۹	اولادهای	فرزندهای
۲۴۲	۳	اولادان	فرزندان
۲۴۴	۱	خانه بدوش	خانه بدوشی
۲۴۶	۱۶	مراوداتی	مراوداتی
۲۴۷	۱۵	زیراکه انتصابات	زیرا انتصابات
۲۵۱	۱۳	منتج	منتج
۲۵۲	۵	عوال	عوامل
۲۵۲	۹	خاص	خاصی
۲۵۳	۲۰	میدهد	میدهند
۲۵۴	۱	غیرایل	غیرایلی
۲۵۶	۱۲	تأدید	تأدیه
۲۵۷	۴	دامپروی	داسپروزی
۲۵۷	۱۲	خمسه‌ها	خمسه‌ای‌ها
۲۶۴	۲	جنوبی	جنوب

انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی

- ۱ - کشورهای توسعه نیافته
Y. Lacoste . ترجمه دکتر هوشنگ نهاوندی
۱۳۴۰ ۸۰ ریال
- ۲ - روش مردم شناسی
P. Bessaignet . ترجمه دکتر علیمحمد کاردان
۱۳۴۰ ۴۰ ریال
- ۳ - مقدمه بر علم جمعیت
A. Sauvy . ترجمه دکتر جمشید بهنام
۱۳۴۰ ۹۰ ریال
- ۴ - طرح روان شناسی طبقات اجتماعی
M. Halbwachs . ترجمه دکتر علیمحمد کاردان
۱۳۴۰ ۱۱۰ ریال
- ۵ - روش مردم شناسی (بزبان فرانسوی)
Méthode de l'anthropologie
P. Bessaignet
۱۳۴۰ ۴۵ ریال
- ۶ - فشنك به ضمیمه جغرافیای طالقان (دفترهای مونوگرافی ۱)
هوشنگ پور کریم - محمدحسن صنیع الدوله
مهر ماه ۱۳۴۱ ۷۵ ریال
- ۷ - جمعیت شناسی . جلد اول ، دموگرافی عمومی
دکتر جمشید بهنام
مهر ماه ۱۳۴۱ ۱۰۰ ریال
- ۸ - انسان گرسنه (ژئوپلیتیک گرسنگی)
J. DE Castro . ترجمه منیره جزینی (مهران)
مهر ماه ۱۳۴۱ ۲۳۵ ریال
- ۹ - یوش (دفترهای مونوگرافی ۲)
سیروس طاهباز
خرداد ماه ۱۳۴۲ ۷۵ ریال
- ۱۰ - جغرافیای اصفهان (دفترهای مونوگرافی ۳)
میرزا حسین خان . بکوشش دکتر منوچهر ستوده
مرداد ماه ۱۳۴۲ ۷۰ ریال
- ۱۱ - جزیره خارك در دوره استیلای نفت (دفترهای مونوگرافی ۴)
خسرو خسروی
شهریور ماه ۱۳۴۲ ۸۰ ریال
- ۱۲ - روشهای مقدماتی آماری
دکتر عباسقلی خواجه نوری ، مهندس عزت الله راستکار ،
نصرت الله سرداری ، مهندس ابوالقاسم قندهاریان ،
مهندس علی مدنی
آبان ماه ۱۳۴۲ ۲۰۰ ریال

- ۱۳ - تاریخ اجتماعی ایران در دوران پیش از تاریخ و آغاز تاریخ
سعید نفیسی
دی ماه ۱۳۴۲ ۱۴۰ ریال
- ۱۴ - اصول حکومت آقن
ارسطو. ترجمه باستانی پاریزی
اسفند ماه ۱۴۳۲ ۱۵۰ ریال
- ۱۵ - ایلخچی (دفترهای مونوگرافی ۵)
غلامحسین ساعدی
اسفند ماه ۱۳۴۲ ۱۰۰ ریال
- ۱۶ - تاریخ اجتماعی ایران از انقراض ساسانیان تا انقراض امویان
سعید نفیسی
اسفندماه ۱۳۴۲ ۱۴۰ ریال
- ۱۷ - قواعد روش جامعه‌شناسی
E. Durkheim. ترجمه دکتر علی‌محمد کاردان
خرداد ماه ۱۳۴۳ ۱۲۰ ریال
- ۱۸ - ایل باصری (دفترهای مونوگرافی ۶)
F. Barth. ترجمه دکتر کاظم ودیعی
شهریور ماه ۱۳۴۳ ۱۰۰ ریال
- ۱۹ - روشهای تحلیلی جمعیت شناسی
دکتر امانی
شهریورماه ۱۳۴۳ ۷۰ ریال
- ۲۰ - اقتصاد جهان فردا
دکتر هوشنگ نهاوندی
شهریور ماه ۱۳۴۳ ۹۰ ریال
- ۲۱ - بررسی مسائل اجتماعی شهر تهران
شهریور ماه ۱۳۴۳ ۲۵۰ ریال
- ۲۲ - اصول برنامه ریزی رشد اقتصادی
ترجمه دکتر امیرحسین جهاننگلو
آذرماه ۱۳۴۳ ۶۰ ریال
- ۲۳ - روش مردم شناسی بسنیه
P. Bessaignet. ترجمه دکتر علی‌محمد کاردان
چاپ دوم دیماه ۱۳۴۳ ۴۰ ریال
- ۲۴ - کشورهای توسعه نیافته
ایولو کوکوت دکتر هوشنگ نهاوندی
فروردین ۱۳۴۳ ۴۰ ریال
- ۲۵ - نمایندگان مجلس شورای ملی در بیست و یک دوره قانونگذاری
«مطالعه از نظر جامعه‌شناسی سیاسی»
خانم شعبی تحقیقی شماره ۲
خردادماه ۱۳۴۴ ۲۷۰ ریال
- ۲۶ - روشهای تحقیق در علوم اجتماعی (جلد اول)
ترجمه دکتر خسرو مهندس
خرداد ماه ۱۳۴۴ ۲۱۰ ریال
- ۲۷ - اصول علوم سیاسی (جلد اول)
دکتر رضا علوم
امرداد ماه ۱۳۴۴ ۱۵۰ ریال
- ۲۸ - واقعیات حاصل از ارقام
ترجمه مهندس قندهاریان
تیر ماه ۱۳۴۴ ۳۲۰ ریال



Publication de l'institut d'études
et de recherches Sociales
de l'université de Téhéran

No : 29

L'introduction
à
**L'étude general des Tributs
nomades en Iran**

Par

Dr. P. VARDJAVAND

Téhéran

1965

